



## وزارت آموزش و پرورش

### سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی

دین و زندگی (۱) قرآن و تعلیمات دینی - پایه دهم دوره دوم متوسطه - ۱۱۰۲۰۵

سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی

دفتر تألیف کتاب‌های درسی عمومی و متوسطه نظری

پرویز آزادی، ناصر ابراهیمی، محمود الله وردی، عباس جوارشکیان، فضل‌الله خلیقین، سیدمحمد دلبری، حسین سوزنجی، سیدحمید طالب‌زاده، علی کاظمی، مصطفی قیض، علی لطیفی، سیدمحسن میرباقری و مسعود وکیل (اعضای شورای برنامه‌ریزی)  
محمد مهدی اعتصامی، پارسین شکرانی و سیدمحمد دلبری (اعضای گروه تألیف)، سیداکبر میرجعفری (ویراستار)

اداره کل نظارت بر نشر و توزیع مواد آموزشی

احمدرضا امینی (مدیر امور فنی و چاپ) - مجید ذاکری یونسی (مدیر هنری) - سیدعلی موسوی (طراح گرافیک و طراح جلد) - مریم وثوقی انبازدان (صفحه‌آرا) - سیدعلی موسوی و سونیا مهاجر (تصویرگر) - یوسف گلپوش (فاطمه باقری‌مهر، سیدهفاطمه محسنی، فاطمه صفری ذوالفقاری، نیلوفر خفاد، زینت بهشتی شیرازی، حمید ثابت کلاچاهی و فاطمه رئیسین فیروزآباد (مور آماده‌سازی)  
تهران: خیابان ایرانشهر شمالی - ساختمان شماره ۴ آموزش و پرورش (شهید موسوی)  
تلفن: ۸۸۸۲۱۱۶۱-۹، دورنگار: ۸۸۲۰۹۲۶۶، کد پستی: ۱۵۸۴۷۲۷۳۵۹  
وبگاه: [www.chap.sch.ir](http://www.chap.sch.ir) و [www.intextbook.ir](http://www.intextbook.ir)

شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران تهران: ۱۷ جاده مخصوص کرج - خیابان ۶۱ (داروپخش) تلفن: ۲۴۹۸۵۱۶۱-۵، دورنگار: ۲۴۹۸۵۱۶۰، صندوق پستی: ۳۷۵۱۵-۱۲۹

شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران «سهامی خاص»

چاپ نهم ۱۴۰۲

نام کتاب:

پدیدآورنده:

مدیریت برنامه‌ریزی درسی و تألیف:

شناسه افزوده برنامه‌ریزی و تألیف:

مدیریت آماده‌سازی هنری:

شناسه افزوده آماده‌سازی:

نشانی سازمان:

ناشر:

چاپخانه:

سال انتشار و نوبت چاپ:

شابک ۹۷۸-۹۶۴-۰۵-۲۷۵۲-۸

ISBN 978-964-05-2752-8



## وزارت آموزش و پرورش

### سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی

دین و زندگی (۱) قرآن و تعلیمات دینی - پایه دهم دوره دوم متوسطه - ۱۱۰۲۰۵

سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی

دفتر تألیف کتاب‌های درسی عمومی و متوسطه نظری

پرویز آزادی، ناصر ابراهیمی، محمود الله وردی، عباس جوارشکیان، فضل‌الله خلیقین، سیدمحمد دلبری، حسین سوزنجی، سیدحمید طالب‌زاده، علی کاظمی، مصطفی قیض، علی لطیفی، سیدمحسن میرباقری و مسعود وکیل (اعضای شورای برنامه‌ریزی)  
محمد مهدی اعتصامی، پارسین شکرانی و سیدمحمد دلبری (اعضای گروه تألیف)، سیداکبر میرجعفری (ویراستار)

اداره کل نظارت بر نشر و توزیع مواد آموزشی

احمدرضا امینی (مدیر امور فنی و چاپ) - مجید ذاکری یونسی (مدیر هنری) - سیدعلی موسوی (طراح گرافیک و طراح جلد) - مریم وثوقی انبازدان (صفحه‌آرا) - سیدعلی موسوی و سونیا مهاجر (تصویرگر) - یوسف گلپوش (فاطمه باقری‌مهر، سیدهفاطمه محسنی، فاطمه صفری ذوالفقاری، نیلوفر خفاد، زینت بهشتی شیرازی، حمید ثابت کلاچاهی و فاطمه رئیسین فیروزآباد (مور آماده‌سازی)  
تهران: خیابان ایرانشهر شمالی - ساختمان شماره ۴ آموزش و پرورش (شهید موسوی)  
تلفن: ۸۸۸۲۱۱۶۱-۹، دورنگار: ۸۸۲۰۹۲۶۶، کد پستی: ۱۵۸۴۷۲۷۳۵۹  
وبگاه: [www.chap.sch.ir](http://www.chap.sch.ir) و [www.intextbook.ir](http://www.intextbook.ir)

شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران تهران: ۱۷ جاده مخصوص کرج - خیابان ۶۱ (داروپخش) تلفن: ۲۴۹۸۵۱۶۱-۵، دورنگار: ۲۴۹۸۵۱۶۰، صندوق پستی: ۳۷۵۱۵-۱۲۹

شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران «سهامی خاص»

چاپ نهم ۱۴۰۲

نام کتاب:

پدیدآورنده:

مدیریت برنامه‌ریزی درسی و تألیف:

شناسه افزوده برنامه‌ریزی و تألیف:

مدیریت آماده‌سازی هنری:

شناسه افزوده آماده‌سازی:

نشانی سازمان:

ناشر:

چاپخانه:

سال انتشار و نوبت چاپ:

شابک ۹۷۸-۹۶۴-۰۵-۲۷۵۲-۸

ISBN 978-964-05-2752-8

## فهرست

### بخش اول: تفکر و اندیشه



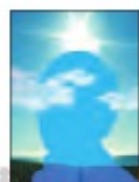
درس دوم: پرواز ۱۸



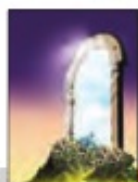
درس اول: هدف زندگی ۴



درس چهارم: پنجره‌ای به روئناپی ۲۸



درس سوم: خود حلیلی ۳۰



درس نهم: منزلگاه بعد ۶۲



درس پنجم: آینده روشن ۵۰



درس هشتم: فرجام کار ۸۲



درس هفتم: واقعه بزرگ ۷۲

## فهرست

### بخش اول: تفکر و اندیشه



درس دوم: قدرت پرواز ۱۲



درس اول: هدف زندگی ۲



درس چهارم: آینده روشن ۳۳



درس سوم: به سوی جاودانگی ۲۲



درس نهم: واقعه بزرگ ۵۰



درس پنجم: منزلگاه بعد ۴۲



درس هشتم: فرجام کار ۵۸

بخش دوم: قدم در راه



۱۰۸

درس دهم: اعتماد بر او



۹۶

درس نهم: آهنگ سفر



۱۲۸

درس دوازدهم: یاری از نسل و روزگار



۱۱۶

درس یازدهم: دوستی با خدا



۱۵۲

درس چهاردهم: زیبایی پرنسیدگی



۱۲۲

درس سیزدهم: فضیلت راستگی

بخش دوم: قدم در راه



۸۳

درس نهم: اعتماد بر او



۷۰

درس هشتم: آهنگ سفر



۱۰۴

درس یازدهم: فضیلت راستگی



۸۹

درس دهم: یاری از دو یار عزیز



۱۱۷

درس دوازدهم: پیام پرنسیدگی

بیش از مطالعه  
کتاب، حتماً این  
قسمت را بخوانید.

## سخنی با دبیران

دوستان عزیز، سلام بر شما

۱- اصلاحات انجام شده در این کتاب، صرفاً در حد مرتبط ساختن آیات ابتدای درس با متن درس می باشد. برای اینکه قرائت آیات بهتر اتفاق بیفتد، هر درس برای دو جلسه تنظیم شده تا در هر جلسه قرائت قرآن صورت بگیرد. همچنین، تغییرات جزئی در درس ها داده شده تا فعالیت تدریسی روی آیات بهتر انجام بگیرد.

۲- برای انس بیشتر دانش آموزان با قرائت قرآن کریم، آیاتی از قرآن کریم و ترجمه آن، در ابتدای هر درس آمده است. در هنگام تدریس، ۱۰ دقیقه ابتدای کلاس به قرائت اختصاص دارد. از آنجا که آموزش صحیح قرائت در دوره های تحصیلی گذشته انجام شده و قواعد قرائت صحیح، آموزش داده شده است، انتظار می رود که دانش آموزان بتوانند این قواعد را مراعات کنند و آیات را صحیح بخوانند. به همین جهت باید از دانش آموزان بخواهیم که آیات هر درس را روز قبل از طریق رمزینه های سریع پاسخ، مرور و تمرین کنند و در فرصت کوتاه کلاس، متن تمرین شده را به صورت «جمله به جمله» بخوانند.

۳- این درس وقتی نتیجه بخش و نمردهنده خواهد بود که عرصه حضور، فعالیت و خلاقیت های فکری دانش آموزان باشد و به آنها شهامت اندیشیدن و ابتکار بدهد. میزان موفقیت ما در تدریس به میزان تفکر و اندیشه ورزی دانش آموزان بستگی دارد. روش تدریس و ارزشیابی ما نباید به گونه ای باشد که دانش آموزان مجبور باشند کتاب را چندبار بخوانند و حفظ کنند. آن امتحان و آن ارزشیابی با اهداف این درس هماهنگ است که امکان تحقیق، اظهار نظر و فکر کردن را برای دانش آموزان فراهم کند.

توجه:

۱- متن عربی آیات ابتدای هر درس برای قرائت در کلاس است و صرفاً در ارزشیابی مستمر و پایانی به صورت شفاهی از دانش آموزان پرسیده می شود و نباید هیچ گونه سؤالی در امتحانات کتبی و آزمون های ورودی دانشگاه ها از این آیات طراحی شود.

بیش از مطالعه  
کتاب، حتماً این  
قسمت را بخوانید.

## سخنی با دبیران

دوستان عزیز، سلام بر شما

۱- برای انس بیشتر دانش آموزان با قرائت قرآن کریم، آیاتی از قرآن کریم و ترجمه آن، در ابتدای هر درس آمده است. در هنگام تدریس، ۱۰ دقیقه ابتدای کلاس به قرائت اختصاص دارد. از آنجا که آموزش صحیح قرائت در دوره های تحصیلی گذشته انجام شده و قواعد قرائت صحیح، آموزش داده شده است، انتظار می رود که دانش آموزان بتوانند این قواعد را مراعات کنند و آیات را صحیح بخوانند. به همین جهت باید از دانش آموزان بخواهیم که آیات هر درس را روز قبل از طریق رمزینه های سریع پاسخ، مرور و تمرین کنند و در فرصت کوتاه کلاس، متن تمرین شده را به صورت «جمله به جمله» بخوانند.

۲- این درس وقتی نتیجه بخش و نمردهنده خواهد بود که عرصه حضور، فعالیت و خلاقیت های فکری دانش آموزان باشد و به آنها شهامت اندیشیدن و ابتکار بدهد. میزان موفقیت ما در تدریس به میزان تفکر و اندیشه ورزی دانش آموزان بستگی دارد. روش تدریس و ارزشیابی ما نباید به گونه ای باشد که دانش آموزان مجبور باشند کتاب را چندبار بخوانند و حفظ کنند. آن امتحان و آن ارزشیابی با اهداف این درس هماهنگ است که امکان تحقیق، اظهار نظر و فکر کردن را برای دانش آموزان فراهم کند. **با توجه به نکات فوق،**

ارزشیابی این درس در دو بخش انجام می گیرد.

بخش اول: ارزشیابی مستمر؛ شامل:

۱- قرائت صحیح آیات شریفه: ۴ نمره

۲- انجام فعالیت های داخل درس (مانند تدریس، فعالیت کلاسی و...) و پرسش از متن: ۸ نمره

۳- مشارکت در کار گروهی و گفت و گوها: ۴ نمره

۴- پاسخ به سؤال های بخش اندیشه و تحقیق: ۴ نمره

توجه: انجام پیشنهادهای، نگارش مقالات تحقیقی و انجام کارهای هنری و ادبی تا دو نمره به معدل نمره مستمر اضافه می کند.

### بخش دوم : ارزشیابی پایانی؛

این ارزشیابی در پایان هر نیم‌سال انجام می‌گردد که شامل دو بخش است : ۱- آزمون کتبی ۲- فرائت آیات. در آزمون کتبی، سؤال‌ها باید براساس رویکرد کلی محتوای آموزشی؛ یعنی فهمیدن، نه حفظ کردن، استوار باشند. باید محورهای کلیدی و اصلی محتوای کتاب، محور آزمون باشند و از نکات حاشیه‌ای و فرعی نباید برای طرح سؤال استفاده شود.

آزمون کتبی ۱۶ نمره دارد. ۴ نمره از ارزشیابی پایانی به فرائت صحیح دانش‌آموزان اختصاص دارد.


#### توجه :

۱- آیات ابتدای هر درس برای فرائت در کلاس است و صرفاً در ارزشیابی مستمر و پایانی به صورت شفاهی از دانش‌آموزان پرسیده می‌شود و نباید هیچ‌گونه سؤالی در امتحانات کتبی و آزمون‌های ورودی دانشگاه‌ها از این آیات طراحی شود.

۲- ترجمه آیاتی که در مقابل صفحه فرائت و قبل از شروع درس آمده جزء محتوای آموزشی نیست و صرفاً جهت آشنایی دانش‌آموزانی که تمایل به دانستن مفاهیم این آیات دارند، قرار داده شده است. از این قسمت (آیات ابتدای درس و ترجمه‌های مقابل آن) در آزمون‌ها، اعم از آزمون‌های کتبی در نظام آموزشی آموزش و پرورش و آزمون‌های ورودی دانشگاه‌ها، نباید سؤالی طرح شود.


تذکره : ترجمه آیاتی که در داخل درس آمده است، جزء محتوای آموزشی است و می‌توان از مفهوم آن سؤال داد.

۳- قسمت‌های « بیشتر بدانیم » و « پاسخ سؤالات شما » و « پیشنهاد » فقط برای توسعه اطلاعات و کسب نمره تشویقی است و در امتحانات پایانی و آزمون‌های ورودی دانشگاه‌ها نباید از این قسمت‌ها سؤال طرح شود.

۴- فعالیت‌هایی که با علامت  مشخص شده‌اند، فعالیت‌های واگرا هستند و فقط در زمان تدریس ارزشیابی مستمر از آنها استفاده می‌شود و در امتحانات پایانی و آزمون‌های ورودی دانشگاه‌ها نباید سؤالی از آنها طرح شود.

۵- «پاورقی‌های درس‌ها، صرفاً جهت توسعه اطلاعات می‌باشند و در ارزشیابی پایانی و آزمون‌های ورودی دانشگاه‌ها نباید مورد سؤال قرار گیرد.

۶- آیاتی که در درس‌ها ترجمه نشده‌اند آیاتی هستند که در سال‌های پیشین معنا و مفهوم آنها به دانش‌آموزان آموزش داده شده است.


۷- در برخی درس‌ها، رمزبندی جهت آموزش بهتر برخی مفاهیم قرار داده شده است. این رمزبندی‌ها که با علامت  مشخص شده‌اند، صرفاً جهت یادگیری هر چه بهتر درس بوده و نباید از محتوای آن در ارزشیابی‌های مستمر و پایانی سؤال طراحی شود.




طرح‌های کتاب درسی

۲- ترجمه آیاتی که در ابتدای هر جلسه آمده است، جزء محتوای آموزشی است و می‌توان از مفهوم آن سؤال داد. اما نمی‌توان دانش‌آموزان را ملزم به حفظ کردن عین ترجمه نمود.

۳- قسمت‌های « بیشتر بدانیم » و « پاسخ سؤالات شما » و « پیشنهاد » فقط برای توسعه اطلاعات و کسب نمره تشویقی است و در امتحانات پایانی و آزمون‌های ورودی دانشگاه‌ها نباید از این قسمت‌ها سؤال طرح شود.

۴- فعالیت‌هایی که با علامت  مشخص شده‌اند، فعالیت‌های واگرا هستند و فقط در زمان تدریس ارزشیابی مستمر از آنها استفاده می‌شود و در امتحانات پایانی و آزمون‌های ورودی دانشگاه‌ها نباید سؤالی از آنها طرح شود.

۵- «پاورقی‌ها» صرفاً جهت توسعه اطلاعات می‌باشند و در ارزشیابی پایانی و آزمون‌های ورودی دانشگاه‌ها نباید مورد سؤال قرار گیرند.

۶- در برخی درس‌ها، رمزبندی جهت آموزش بهتر برخی مفاهیم قرار داده شده است. این رمزبندی‌ها که با علامت  مشخص شده‌اند، صرفاً جهت یادگیری هر چه بهتر درس بوده و نباید از محتوای آن در ارزشیابی‌های مستمر و پایانی سؤال طراحی شود. اما برای آراسته آن در کلاس درسی می‌توانید نمره تشویقی در نظر بگیرید.



طرح‌های کتاب درسی

پیش از مطالعه  
کتاب، حتماً این  
قسمت را بخوانید.

## سخنی با دانش آموزان

### دانش آموزان گرامی! سلام بر شما

سرمايهٔ ما، اندیشه‌های بویا و ذهن‌های مبتکر و خلاق شماست. ما به وجود این سرمايه ایمان داریم و با تکیه بر همین ایمان آمادهٔ مشارکت شما در چهارچوب این کتاب هستیم. می‌دانید که خدای بزرگ در قرآن کریم اطمینان داده است که راه‌های هدایت را به آنان که در راه او می‌کوشند، نشان می‌دهد.

وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا  
كُفَّاتٍ لَّيْسَ لَهُمْ جَزَاءٌ مِنْ دُونِ مَا جَاهَدُوا فِي سَبِيلِنَا

لَنْ نُجِزِيَ الْمُشْرِكِينَ بِشَيْءٍ مِمَّا كَفَرُوا بِهِمْ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ۶۹  
به راه‌های خویش هدایتشان می‌کنیم.

آری، قرآن کریم کتاب هدایت است؛ هدایت انسان به سوی زندگانی توأم با رستگاری. پس ضروری است که برای شناخت این زندگی به پیشگاهش برویم و در آیات آن بیندیشیم. همچنین شایسته است راه و روش معصومین بزرگوار علیهم‌السلام را فراگیریم و در پیروی از آنان بکوشیم.

شما در سال‌های گذشته، در درس قرآن، توانایی خواندن این کتاب الهی و درک معنای بسیاری از آیات ارزشمند آن را به دست آورده‌اید و در درس دینی نیز با اصول دین، اخلاق اسلامی و برخی از احکام آشنا شده‌اید. اینک که به دورهٔ دوم متوسطه آمده‌اید، با پیوستن این دو درس به یکدیگر «راه زندگی بر مبنای قرآن» را خواهید آموخت. به تدریج آثاری از این کتاب آسمانی را مطالعه خواهید کرد و از هدایت‌های آن بهره‌مند خواهید شد. می‌توان گفت دو درس «آموزش قرآن» و «تعلیمات دینی» که در دوره‌های ابتدایی و متوسطه اول از یکدیگر جدا بودند، در این کتاب به یکدیگر پیوسته‌اند و قرآن کریم چراغ هدایت شما به سوی معرفت دینی شده است. امیدواریم این چراغ همواره فرا راه ما باشد و همگی ما را به منزل سعادت برساند.

اکنون توجه شما را به توضیحاتی پیرامون این کتاب جلب می‌کنیم:

۱- قسمت‌هایی از کتاب با مشارکت شما در کلاس درس تکمیل می‌شود؛ این قسمت‌ها عبارت‌اند از:  
- تدبیر در ترجمهٔ آیات با احادیث درس‌ها.

- نتایج مورد نظر در برخی درس‌ها، با فعالیت فردی یا گروهی شما در کلاس به دست می‌آید.

- بخش «اندیشه و تحقیق» در پایان هر درس با تفکر، تحقیق و مطالعهٔ شما به انجام خواهد رسید.

۲- در پایان بیشتر درس‌ها، با عنوان «پیشنهاد»، فعالیت‌های تحقیقی، ادبی و هنری خواسته شده که با وجود اهمیت بسیاری که دارند، انجام آنها داوطلبانه است. با این حال، هر دانش‌آموزی که تعدادی از این پیشنهادها را انجام دهد، حداکثر تا دو نمره به نمرهٔ مستمر وی، هم در نوبت اول و هم در نوبت دوم، افزوده خواهد شد.

## سخنی با دانش آموزان

طرحی برای زندگی

### دانش آموز عزیز، سلام بر شما

۱- «جگانه زیستن» یک انتخاب است. برخی آن را کم‌اهمیت، برخی مهم و برخی آن را بسیار مهم می‌دانند. کسانی که کمتر به این انتخاب اهمیت می‌دهند، کمتر هم دربارهٔ آن می‌اندیشند و هر طور که پیش آید، زندگی می‌کنند.

اما آنان که به «جگانه زیستن» خود اهمیت می‌دهند و دربارهٔ آن تفکر می‌کنند، برای خود و وجود خود ارزش قائل‌اند و به این حقیقت توجه دارند که زندگی در این جهان یک‌بار رخ می‌دهد و دیگر تکرار نمی‌شود؛ و سرنوشت ما، هر چه که باشد، به همین زندگی تکرار نشدنی گره خورده است. از این رو، بی‌اعتنایی و بی‌توجهی به این حقیقت از اهمیت آن نمی‌کاهد و نتایج آن، سرانجام ما را متوجه ارزش این زندگی خواهد کرد.

۲- نوجوانی، بهترین زمان برای تفکر در «زندگی» است. شاید به همین دلیل است که بسیاری از نوجوانان در همین دوران به سؤال‌هایی می‌رسند که نقش اساسی در تصمیم‌گیری آنها دارد؛ زیرا هنوز دل مشغولی‌ها و مسئولیت‌های وی چندان زیاد نشده است که فرصت فکر کردن در این باره را از وی بگیرند. علاوه بر این، نوجوان و جوان، اهل تصمیم‌های بزرگ و قدم‌های بلند است. البته هر تصمیم بزرگ و هر اقدام شجاعانه‌ای نیازمند دقت، کاردانی و زیرکی است. و گرنه فرصت تکرار نشدنی این زندگی، از دست خواهد رفت.

۳- برای برداشتن قدم‌های بلند، باید بر زمین استوار قدم نهاد؛ چشم‌انداز راه را دید و مسیر رسیدن به آن چشم‌انداز را با اطمینان انتخاب کرد.

به عبارت دیگر، حرکت نیازمند یک طرح و نقشه‌ای است که از ابتدا تا انتهای راه، مسیرهای عبور، پیچ و خم‌ها، گردنه‌های پرخطر و چگونگی گذر از آنها را ترسیم کند تا با اجرای آن، بتوانیم به سلامت به سر منزل مقصود برسیم.

۳- آموزش این کتاب در فضایی فعال، بویا و با نشاط، نیازمند حرمت نهادن به کلاس و صمیمیت متقابل شما و دبیر گرامی است، بنابراین :

- برنامه دبیر را برای هدایت کلاس کاملاً اجرا کنید.

- به اظهار نظر های دوستان خود، احترام بگذارید.

- نظرات هم کلاسی های خود را با تجزیه و تحلیل دقیق ارزیابی کنید.

۴- این درس عرصه حضور احساسات درونی و خلاقیت های فکری شماست و موفقیت شما در این درس، به میزان تفکر، اندیشه، ذوق و ابتکار شما بستگی دارد؛ کتاب نیز اگر فرصتی برای اندیشیدن فراهم کند، موفق خواهد بود. در واقع ما هرگز نخواسته ایم درس ها به گونه ای باشند که مطالب کتاب را با چند بار خواندن و حفظ کردن به خاطر بسپارید تا در امتحان موفق شوید. پس شما هم به آن امتحانی ارزش دهید که امکان فهمیدن، فکر کردن و تحقیق را برایتان فراهم می سازد. با توجه به آنچه گفته شد، ارزشیابی این درس در دو بخش انجام می گیرد :

بخش اول : ارزشیابی مستمر؛ شامل موارد زیر :

۱- قرائت صحیح آیات شریفه؛ ۴ نمره

توجه کنید که ده دقیقه اول هر جلسه اختصاص به قرائت دارد و باید آیات ابتدای هر جلسه به درستی قرائت شود.

۲- انجام فعالیت های داخل درس و پرسش از متن؛ ۸ نمره

۳- مشارکت در گفت و گو و کار گروهی؛ ۴ نمره

۴- پاسخ به سؤال های بخش های «اندیشه و تحقیق»؛ ۴ نمره

توجه : انجام پیشنهادها، نگارش مقالات تحقیقی، باز کردن رمزینه ها و استفاده از آنها و ارائه ابتکارهای ادبی و هنری تا دو نمره به معدل نمره مستمر اضافه می کند.

بخش دوم : ارزشیابی پایانی؛ این ارزشیابی در پایان هر نیم سال به صورت کتبی انجام می شود. در این آزمون، سؤال هایی از قسمت های مختلف درس، طرح می شود و شما دانش آموزان به آن سؤال ها به صورت کتبی پاسخ می دهید. این سؤال ها بیشتر به گونه ای خواهد بود که نیازمند تفکر و تجزیه و تحلیل باشند و قدرت تعقل و استنباط شما را نشان دهد. بنابراین شایسته است کتاب را به نحوی مطالعه کنید که پاسخگوی این گونه سؤال ها باشید.

۵- آنچه با عنوان «پیشتر بدانیم» و «پیشنهاد» آمده و یا در باورقی ذکر شده و یا در رمزینه ها قرار گرفته، برای توسعه اطلاعات شماست و دبیر محترم می تواند در توضیح درس ها از آن استفاده کند و نمره تشویقی برای آنها در نظر بگیرد؛ اما در ارزشیابی های مستمر و پایانی و آزمون های ورودی دانشگاه ها نباید از این قسمت ها سؤال طرح شود. همچنین فعالیت هایی که با علامت ستاره مشخص شده اند، فقط برای ارزشیابی مستمر است.

توجه : متن عربی آیات فقط برای قرائت است و استفاده از متن عربی آیات در آزمون های کتبی و آزمون سراسری خلاف اهداف مصوب این درس و این کتاب می باشد و نباید در این آزمون ها سؤالی بر اساس متن عربی آیات و روایات طراحی شود.

خداوند یار و نگهدار تان باد

مؤلفان

۴- با توجه به آنچه گفته شد، ترسیم نقشه زندگی و طراحی حرکت، نیازمند پاسخ به این سؤال ها است :

الف) برای چه به این جهان آمده ایم و هدف از خلقت ما چیست؟

ب) برای رسیدن به هدف خلقت، چه ابزارها و سرمایه هایی نیاز داریم؟

ج) به کجا می رویم و چه سرنوشتی در پیش داریم؟

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود : «خدا رحمت کند کسی را که بداند از کجا آمده است، و کجا قرار دارد و به کجا می رود».

پس از این سؤال ها به این سؤال می رسمیم :

از چه راهی باید برویم و چگونه زندگی کنیم؟

اگر به این سؤال ها به صورت منطقی و با دلیل پاسخ دهیم، طرح هر کس برای زندگی به دست می آید و پس از آن می داند که «چگونه باید زندگی کند».

۵- خوشبختانه در کتاب آسمانی ما قرآن کریم درباره این سؤال ها آیات بسیاری آمده است که با تفکر و تدبر در آنها می توانیم به بهترین پاسخ ها برسیم. خداوند، در قرآن می فرماید :

إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّذِي هِيَ آسَافُوم

وَيُذَكِّرُ الْمُؤْمِنِينَ الَّذِينَ يَعْمَلُونَ الصَّالِحَاتِ أَنَّ لَهُمْ أَجْرًا كَبِيرًا

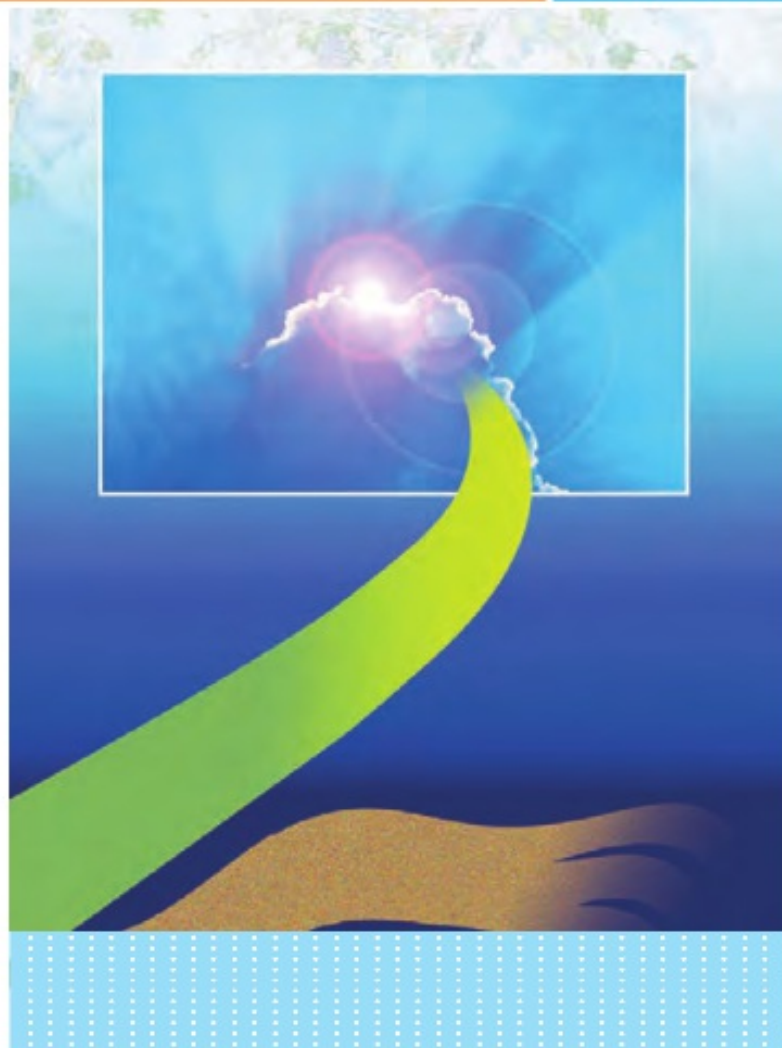
همانا این قرآن به بهترین راه ها هدایت می کند و مؤمنان را که عمل صالح انجام می دهند، مزده می دهد که پاداش بزرگی در پیش دارند.

۶- در سال های گذشته درباره هریک از این سؤال ها، مطالبی آموخته ایم و نکته های فراوانی به دست آورده ایم. اکنون که به دوره دوم متوسطه رسیده ایم و شاهد رشد عقلانی شما هستیم، شایسته است که در سطحی بالاتر و با روشی منطقی تر به این سؤال ها بپردازیم و هر سال، بخشی از «طرح زندگی» را کامل کنیم.

## تفکر و اندیشه



## تفکر و اندیشه



قرات

سوره آل عمران ۳

جزه ۴



استماع و درک آبی

آیات درس را با توجه به الگوی قرات، جمله به جمله بخوانید و به معنای آن دقت کنید.

إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمُوتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ  
 لآيَاتٍ لِّأُولِي الْأَلْبَابِ ﴿٣١﴾ الَّذِينَ يَذْكُرُونَ اللَّهَ قِيَامًا وَقُعُودًا  
 وَعَلَىٰ جُنُوبِهِمْ وَيَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمُوتِ وَالْأَرْضِ  
 رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَاطِلًا سُبْحَانَكَ فَقِنَا عَذَابَ النَّارِ ﴿٣٢﴾  
 رَبَّنَا إِنَّكَ مَن تُدْخِلِ النَّارَ فَقَدْ أَخْرَجْتَهُ وَمَا لِلظَّالِمِينَ  
 مِن أَنْصَارٍ ﴿٣٣﴾ رَبَّنَا إِنَّنَا سَمِعْنَا مُنَادِيًا يُنَادِي لِلإِيمَانِ  
 أَن آمِنُوا بِرَبِّكُمْ فَآمَنَّا رَبَّنَا فَاغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا  
 وَكَفِّرْ عَنَّا سَيِّئَاتِنَا وَتَوَقَّنَا مَعَ الْأَبْرَارِ ﴿٣٤﴾ رَبَّنَا  
 وَآتِنَا مَا وَعَدْتَنَا عَلَىٰ رُسُلِكَ وَلَا تُخْزِنَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ  
 إِنَّكَ لَا تُخْلِفُ الْمِيعَادَ ﴿٣٥﴾ فَاسْتَجَابَ لَهُمْ رَبُّهُمْ  
 أَنِّي لَا أُضِيعُ عَمَلَ عَامِلٍ مِّنْكُمْ مِّمَّنْ دَعَاؤُنِي  
 بِعِضْكُمْ مِنْ بَعْضٍ فَالَّذِينَ هَاجَرُوا وَأُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ  
 وَأُوذُوا فِي سَبِيلِي وَقُتِلُوا وَقُتِلُوا لَأُكَفِّرَنَّ عَنْهُمْ  
 سَيِّئَاتِهِمْ وَلَأُدْخِلَنَّهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ  
 ثَوَابًا مِّنْ عِنْدِ اللَّهِ وَاللَّهُ عِنْدَهُ حُسْنُ الثَّوَابِ ﴿٣٦﴾

توجه: آیات ابتدای هر درس فقط برای قرات در کلاس است و نباید هیچ گونه سوالی در امتحانات کتبی و آزمون های ورودی دانشگاهها از این آیات طراحی شود.

در اول

هدف زندگی

جلسه اول

قرات: آیات زیر را به دقت و زیبا قرات کنید.

أعوذُ باللهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ  
 بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

- \* وَ لِلَّهِ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ
- وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ
- \* إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ
- وَ اخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ
- لآيَاتٍ لِّأُولِي الْأَلْبَابِ
- \* الَّذِينَ يَذْكُرُونَ اللَّهَ
- قِيَامًا وَقُعُودًا
- وَعَلَىٰ جُنُوبِهِمْ
- وَيَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ
- رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَاطِلًا
- سُبْحَانَكَ
- فَقِنَا عَذَابَ النَّارِ
- \* رَبَّنَا إِنَّكَ مَن تُدْخِلِ النَّارَ
- فَقَدْ أَخْرَجْتَهُ
- فرمانروایی آسمان ها و زمین از آن خداست
- و او بر هر کاری تواناست
- در آفرینش آسمان ها و زمین
- و درآمد و شید نسب و روز
- نشانه هایی برای خردمندان است
- آنان که خدا را یاد می کنند
- چه ایستاده و چه تنسته
- و چه بر پهلو خوابیده،
- و در آفرینش آسمان ها و زمین فکر می کنند
- و می گویند: پروردگارا اینهارا بیهوده نیافریده ای
- تو از بیهوده کاری منزهی،
- ما را از عذاب آتش دوزخ در امان بدار.
- پروردگارا، هر کس را که تو در آتش افکنی
- خوار و رسوایش ساخته ای

ترجمه

سوره آل عمران، آیات ۱۹۰ تا ۱۹۵

مسلمانان در آفرینش آسمان‌ها و زمین، و در پی یکدیگر آمدن شب و روز، نشانه‌های قانع‌کننده برای خردمندان است. ۱۹۰ همان‌ها که خدا را [در همه احوال] در حال ایستاده و نشسته، و آن‌گاه که بر پهلو خوابیده‌اند، یاد می‌کنند و در آفرینش آسمان‌ها و زمین می‌اندیشند [و می‌گویند]: پروردگارا! اینها را بیهوده نیافریده‌ای! منزه‌ی تو! پس ما را از عذاب آتش دوزخ در امان بدار. ۱۹۱ پروردگارا! هر که را تو [به‌خاطر اعمالش] به آتش درآوری، یقیناً او را خوار و رسوا ساخته‌ای؛ و برای ستمکاران یاورانی نیست. ۱۹۲ پروردگارا، ما شنیدیم که دعوت‌گری به ایمان فرا می‌خواند که: «به پروردگار خود، ایمان بیاورید!» پس ما ایمان آوردیم. پروردگارا! گناهان ما را ببخش؛ و بدی‌های ما را ببوشان؛ و ما را با نیکان [و در مسیر آنها] بمران! ۱۹۳ پروردگارا! آنچه را که به‌وسیله فرستادگانت به ما وعده داده‌ای به ما عطا کن، و ما را روز رستاخیز رسوا مگردان، زیرا تو هیچ‌گاه از وعده خود، تخلف نمی‌کنی. ۱۹۴ پس، پروردگارشان دعای آنان را اجابت کرد [و فرمود که]: من عمل هیچ عمل‌کننده‌ای از شما را، زن باشد یا مرد، ضایع نخواهم کرد. شما هم‌نوع‌اید، و از جنس یکدیگر! آنها که در راه خدا هجرت کردند، و از خانه‌های خود بیرون رانده شدند و در راه من آزار دیده و جنگیده و کشته شده‌اند، به یقین گناهانشان را می‌بخشم و آنان را در باغ‌هایی که از زیر [درختان] آن، نهرها روان است داخل می‌کنم. [این] پاداشی است از جانب خدا و پاداش نیکو نزد خداست. ۱۹۵

توجه: ترجمه آیات فقط جهت آشنایی شما دانش‌آموزان عزیز با مفاهیم آیات می‌باشد و جزء محتوای آموزشی نیست و در امتحانات کسب و آزمون‌های ورودی دانشگاه‌ها سؤالی از آنها داده نخواهد شد.

و مَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ أَنْصَارٍ  
 \* رَبَّنَا إِنَّنا سَمِعنا مُنَادِيًا يُنَادِي لِلإِيمانِ أَنْ آمِنوا بِرَبِّكُمْ فَآمَنّا  
 رَبَّنَا فَاغْفِرْ لَنا ذُنُوبَنا وَ كَثِّرْ عَنّا سَيِّئاتِنا وَ تَوَفِّنا مَعَ الْأَبْرارِ  
 و ستمکاران یآوری ندارند  
 پروردگارا ما ندای آن منادی را شنیدیم که مردم را به ایمان فرا می‌خواند و می‌گفت: به پروردگارتان ایمان بیاورید. ما نیز ایمان آوردیم پس پروردگارا گناهانمان را ببخش و بدی‌هایمان را ببوشان و در زمره نیکان بمران.  
 آل عمران، ۱۸۹ تا ۱۹۳

جهان هدفمند

در پس خلقت نکت تک موجودات این جهان هدفی وجود دارد، گرچه ما نتوانیم به هدف خلقت هر کدام آنها پی ببریم؛ زیرا خالق حکیم و قدرتمند این جهان مژده از بیهوده کاری است و بر اساس حق عمل می‌کند، نه بر باطل. از این رو می‌فرماید:

وَمَا خَلَقْنَا السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا لِأَعْيُنٍ  
 مَا خَلَقْنَاهُمَا إِلَّا بِالْحَقِّ  
 و آنچه بین آنهاست را به بازیچه نیافریدیم، آنها را جز به حق خلق نکردیم.

حق بودن آفرینش آسمان‌ها و زمین به معنای هدف‌دار بودن خلقت آنهاست و انسان نیز به عنوان مخلوقی از مخلوقات خدا، از این قاعده کلی جدا نیست و قطعاً هدفی از آفرینش او وجود داشته است. گام نهادن او در این دنیا، فرصتی است که برای رسیدن به آن هدف به او داده شده است. از این رو، حضرت علی علیه السلام هرگاه که مردم را موعظه می‌کرد، معمولاً سخن خود را با این عبارات آغاز می‌نمود: ای مردم... هیچ کس بیهوده آفریده نشده تا خود را سرگرم کارهای بیهوده کند و او را به خود وانگذاشته‌اند تا به کارهای لغو و بی‌ارزش بپردازد.<sup>۱</sup>

۱- سوره دخان، آیات ۳۸ و ۳۹  
 ۲- نهج البلاغه، حکمت ۲۷



## درس اول هدف زندگی

«در عالم یک چیز است که آن فراموش کردن نیست، اگر جمله چیزها را فراموش کنی و آن را فراموش نکنی، تو را باک نیست و اگر جمله را به جا آری و آن را فراموش کنی، هیچ نکرده باشی؛ همچنان که پادشاهی تو را به ده فرستاده برای کار معین، تو رفیق و صد کار دیگر گزاردی، چون آن کار را که برای آن رفته بودی نگزاردی، گویی که هیچ نگزاردی، پس آدمی درین عالم برای کاری آمده است، و مقصود آن است، چون آن نمی گزارد، پس هیچ نکرده باشد.»

اگر تو گویی اگر چه آن کاری که خدا مرا برای آن آفریده نمی کنم، در عوض، چندین کار دیگر انجام می دهم، گویم آدمی را برای آن کارهای دیگر نیافریده اند. همچنان باشد که تو شمشیر جوا هر نشانی که قیمت نتوان بر آن گذاشت و تنها در خزان ملوک از آن بتوان یافت - آورده باشی و آن را ساطور گوشت گندیده ای کنی و یادیک زین را بیاوری و در آن شلغم بیزی و بگویی که من اینها را معطل نگذاشته و به کار گرفته ام! جای افسوس و خنده نباشد؟

حق تعالی نیز تو را ارزش بسیار داده است پس ببین که برای چه تو را خلق کرده و برای چه کار فرستاده است.<sup>۱</sup>

\*\*\*

۱- برگرفته از کتاب «طیبه دانه» مولوی

البته میان هدف انسان و موجودات دیگر تفاوت های زیادی است؛ تفاوت هایی که به ویژگی های خاص انسان و تمایز او از سایر موجودات باز می گردد. برخی از این تفاوت ها عبارت اند از:

۱- انسان خود باید هدف از خلقت خود را بشناسد و آن را انتخاب کند و به سوی آن گام بردارد؛ در حالی که گیاهان به صورت طبیعی و حیوانات به صورت غریزی به سوی هدف خود حرکت می کنند؛ مثلاً دانه گندم به صورت طبیعی در جهت رسیدن به هدف نهایی خود یعنی تبدیل شدن به خوشه ای با دانه ها حرکت می کند و یا نهال کوچک خرما در مسیر رسیدن به نخلی تنومند پیش می رود.

۲- انسان برخلاف حیوانات و گیاهان که استعداد های محدودی دارند، دارای مجموعه ای فراوان از استعداد های مادی و معنوی است. به همین دلیل گزینه های فراوانی از انتخاب، جلو روی اوست که باید گزینه درست را از میان صدها گزینه دیگر بیابد و انتخاب نماید.

۳- انسان روحیه ای بی نهایت طلب دارد و عطش او در دستیابی به خواسته هایش نه تنها کم نمی شود، بلکه روز به روز فزون تر می گردد. او به دنبال چیزی است که هرگز پایان نپذیرد و تمام نشود. در حالی که حیوان ها و گیاهان هدف های کوچک و کوتاهی دارند و هنگامی که به حدی از رشد و کمال می رسند، متوقف می شوند؛ چنان که گویی راهشان پایان یافته است.

### اختلاف در انتخاب هدف

وقتی به دنیای انسان ها می نگریم، با صحنه ای حیرت انگیز از اختلاف ها و تفاوت ها روبه رو می شویم؛ اختلاف ها آن چنان گسترده و عمیق است که در بسیاری از مواقع هیچ نقطه مشترکی با هم ندارند و در تضاد کامل با یکدیگر هستند؛ به گونه ای که انسان سرگردان و متحیر می ماند و با خود می گوید که آیا خداوند واقعاً انسان را برای این همه اهداف متفاوت و متضاد آفریده است؟! دسته ای دل به پول و ثروت سپرده، دسته ای سرگرم کشف اسرار جهان شده، برخی برای رسیدن به قدرت به هر کاری تن در داده، گروهی هنرمندی ورزیده و دل در گرو هنرهای گوناگون داده، برخی خدمت به خلق را سر لوحه زندگی کرده و کسانی در آرزوی قهرمانی در ورزش خود را به رنج انداخته اند و صدها آرزو و آمل دیگر.

### فعالیت کلاسی

به نظر شما منشأ این اختلاف ها چیست؟

آیا خداوند برای هر گروهی هدف متفاوت در خلقت قرار داده است؟

### جهان هدفمند

در پس خلقت تک تک موجودات این جهان هدفی وجود دارد؛ زیرا خالق آنها خدایی حکیم است؛ یعنی خدایی که هیچ کاری را بی‌هوده انجام نمی‌دهد. قرآن کریم در آیات گوناگون بر این نکته تأکید می‌کند و آفرینش جهان را «حق» می‌داند. از آن جمله می‌فرماید:

وَمَا خَلَقْنَا السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ

وَمَا أَسْمَانَهَا وَزَمِينَ

وَمَا يَبْتِغِيهَا لِأَعْيُنٍ

وَأَنْجِهَ بَيْنَ أَيْدِيهَا

مَا خَلَقْنَاهُمْ إِلَّا بِالْحَقِّ

أَنَّهُمْ رَجَعُوا إِلَىٰ أُولَٰئِكَ

حق بودن آفرینش آسمان‌ها و زمین به معنای هدف‌دار بودن خلقت آنهاست. این آیه به خوبی دلالت بر این دارد که جهان آفرینش بی‌هدف نیست و هر موجودی بر اساس برنامه حساب‌شده‌ای به این جهان گام نهاده است و به سوی هدف حکیمانه‌ای در حرکت است.

انسان نیز مانند موجودات دیگر، از این قاعده کلی جدا نیست و قطعاً هدفی از آفرینش او وجود داشته است. و گام نهادن او در این دنیا، فرصتی است که برای رسیدن به آن هدف به او داده شده است. از این رو، حضرت علی علیه السلام هرگاه که مردم را موعظه می‌کرد، معمولاً سخن خود را با این عبارات آغاز می‌کرد: ای مردم... هیچ کس بی‌هوده آفریده نشده تا خود را سرگرم کارهای لاهوتی کند و او را به خود وا نگذاشته‌اند تا به کارهای لغو و بی‌ارزش بپردازد.<sup>۱</sup>

البته میان هدف انسان و موجوداتی همچون حیوانات و گیاهان، تفاوت‌هایی وجود دارد. تفاوت‌هایی که به ویژگی‌های خاص انسان و تمایز او از سایر موجودات باز می‌گردد. برخی از این تفاوت‌ها عبارت‌اند از:

۱- انسان خود باید هدف از خلقت خود را بشناسد و آن را انتخاب کند و به سوی آن گام بردارد؛ در حالی که گیاهان به صورت طبیعی و حیوانات به صورت غریزی به سوی هدف خود حرکت می‌کنند. مثلاً دانه گندم به صورت طبیعی در جهت رسیدن به هدف نهایی خود یعنی تبدیل شدن به خوشه‌ای پادده‌ها دانه حرکت می‌کند و با نهال کوچک خرما در مسیر رسیدن به نخلی تنومند پیش می‌رود.

۱- سوره دخان، آیات ۳۸ و ۳۹

۲- نهج البلاغه، حکمت ۲۷۰

وقتی که بیشتر با خود فکر می‌کنیم و احوال افراد را زیر نظر می‌گیریم، می‌یابیم که: اختلاف در انتخاب‌ها، ریشه در اختلاف در بینش‌ها و نگرش‌های انسان‌ها دارد. هر کس با بینش و نگرش خاص خود به سراغ هدفی می‌رود و راهی را انتخاب می‌کند. اگر کسی چنین بینش‌دیده‌ای که کمک به دیگران ارزشمند است و می‌تواند روحیه‌ی نهایت‌طلب او را سیراب کند و پاسخگوی استعداد‌های گوناگونش باشد، می‌کوشد به دیگران کمک کند. کسی هم که فکر می‌کند با داشتن شهرت می‌تواند به این نتایج برسد، همه‌ی زندگی خود را در مسیر رسیدن به شهرت قرار می‌دهد. پس اختلاف در هدف‌ها، ریشه در نوع نگاه و اندیشه‌ی انسان‌ها دارد. تفاوت نگاه آنها به جهان، انسان و خود سبب انتخاب‌های متنوع و گوناگون آنها می‌شود و راه آنها را از یکدیگر متفاوت می‌سازد.

### تفکر در آیات

به آیات ابتدای درس برگردیم و از قرآن کریم در این زمینه کمک بگیریم. جملات زیر را تکمیل کنید و مشخص کنید که هر جمله از کدام آیه گرفته شده است.

۱- از منظر قرآن کریم، جهان ..... است و به خود و نهاده و ..... آیه .... نیست.

۲- رسیدن به نگاه درست درباره‌ی جهان نیازمند ..... است.

۳- اندیشه درباره‌ی خلقت ما را به آنجا می‌رساند که امکان ندارد خداوند برای جهان خلقت ..... معین نکرده باشد؛ زیرا کسی که خلقت را بی‌هدف بیاید، خداوند را موجودی ..... فرض کرده است. آیه ....

۴- کسی که خداوند را موجودی این چنین بیندارد، راه ..... رفته و خود را ..... کرده است. آیه ....

۵- آن کس که با دست خود، خود را گرفتار کند به خود ..... کرده و خداوند از چنین کسی ..... نمی‌کند. آیه ....

۶- اما آن کس که ..... را محکم کند و دل به او بسپارد و به او اعتماد کند و راه و هدف زندگی را از او بپرسد، در نهایت ..... و با ..... برای ابد همراه خواهد بود. آیه ....

آیه .....

جلسه دوم

قرائت: آیات زیر را به دقت و زیبا قرائت کنید.

أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ  
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

\* مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْعَاجِلَةَ  
عَجَّلْنَا لَهُ فِيهَا مَا نَشَاءُ  
لِمَنْ نُرِيدُ  
ثُمَّ جَعَلْنَا لَهُ جَهَنَّمَ  
يَصْلَاهَا مَذْمُومًا مَدْحُورًا  
\* وَ مَنْ أَرَادَ الْآخِرَةَ  
وَسَعَىٰ لَهَا سَعْيَهَا  
وَهُوَ مُؤْمِنٌ  
قَالَتْ بَلْ كَانَ نَجْوَىٰ لَهُمْ مَسْكُورًا  
\* كَلَّا نَسِبْدُ هُنَّوَلَاءَ وَ هُنَّوَلَاءُ  
مِنْ عَطَاءِ رَبِّكَ  
وَ مَا كَانَ عَطَاءُ رَبِّكَ مَحْظُورًا  
\* أَنْظِرْ كَيْفَ فَضَّلْنَا  
بَعْضَهُمْ عَلَىٰ بَعْضٍ  
وَ لِلْآخِرَةِ أَكْبَرُ دَرَجَاتٍ  
وَ أَكْبَرُ تَفْصِيلًا  
\* لَا تَجْعَلْ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ  
فَتَقْتَضِىَ مَذْمُومًا مَخْذُومًا  
سراء، ۱۸، ۲۳ تا ۲۸

۲- انسان برخلاف حیوانات و گیاهان که استعدادهای محدود مادی دارند، مجموعه‌ای فراوان از استعدادهای مادی و معنوی است. به همین دلیل، به دنبال انتخاب هدف‌هایی است که از طریق آن، استعدادهای گوناگون خویش را به کمال رساند.

۳- انسان دارای روحیه‌ای بی‌نهایت طلب است و عطش او در دستیابی به خواسته‌هایش نه تنها کم نمی‌شود، بلکه روز به روز افزون می‌گردد. او به دنبال چیزی است که هرگز پایان نمی‌پذیرد و تمام نمی‌شود. این انسان بی‌نهایت طلب، در زندگی خود همواره در حال انتخاب هدف است؛ هدف‌هایی پایان‌ناپذیر و تمام‌نشده. درحالی که حیوانات و گیاهان هدف‌های محدودی دارند و هنگامی که به سرحدی از رشد و کمال می‌رسند، متوقف می‌شوند؛ چنان‌که گویی راهنشان پایان یافته است.

اختلاف در انتخاب هدف

وقتی به دنیای انسان‌ها می‌نگریم، با دنیای حیرت‌انگیزی مواجه می‌شویم؛ چنان اختلافی در هدف‌ها وجود دارد که ابتدا سردرگم می‌شویم که به راستی، کدام انتخاب درست و همسو با میل بی‌نهایت طلب انسان و استعدادهای فراوان مادی و معنوی اوست و کدام‌یک این گونه نیست؟

کسانی به دنبال پول و ثروت‌اند، برخی دل به کشف اسرار جهان سپرده‌اند، برخی به دنبال جاه و مقام‌اند، دسته‌ای خدمت به خلق را سرلوحه زندگی خود قرار داده‌اند، گروهی به هنرمندی و نقش‌آفرینی در عرصه‌های هنری می‌اندیشند، گروهی نیز در آرزوی قهرمانی در ورزش، پیوسته می‌کوشند و ...

فعالیت کلاسی

به نظر شما منشأ این اختلاف‌ها در انتخاب هدف چیست؟

.....

.....

.....

هرکس با پیش و نگرش خاص خود به سراغ هدفی می‌رود. اگر کسی چنین بیندیشد که کمک به دیگران ارزشمند است و می‌تواند روحیه بی‌نهایت طلب او را سیراب کند و پاسخگوی استعدادهای گوناگونش باشد، می‌کوشد به دیگران کمک کند. کسی هم که فکر می‌کند با داشتن شهرت می‌تواند به این نتایج برسد، همه زندگی خود را در مسیر رسیدن به شهرت قرار می‌دهد. پس این اختلاف در هدف‌ها، ریشه در نوع نگاه و اندیشه انسان دارد.

### معیارهای انتخاب هدف‌های اصلی

با توجه به تفاوت نگاه‌ها و اندیشه‌ها و گزینه‌های بسیار متضاد و مخالف با یکدیگر، برای اینکه بتوانیم هدف‌های خود را به درستی انتخاب کنیم، نیازمند معیار و ملاک دقیقی هستیم که اشتباه را از بین ببرد یا به حداقل برساند و عمر و فرصتی را که فقط یک بار به ما داده می‌شود، بر نمر کند و رضایت واقعی و همیشگی را به دنبال داشته باشد.

خدای رحیم و مهربان که از همه به ما مهربان‌تر و از خود ما به نیازهای ما آگاه‌تر است، در این مورد ما را هدایت و راهنمایی کرده و معیار انتخاب هدف را مشخص فرموده و آثار و نتایج آن را نیز یادآور شده است.

### تسدیر

ترجمه آیات ۱۸ تا ۲۲ سوره اسراء را بخوانید و با تفکر در آنها جدول زیر را تکمیل کنید.

پیام	آیات مرتبط با پیام
■ برخی از هدف‌ها محدود و پایان‌پذیر هستند و تنها پاسخگوی برخی از استعداد‌های مادی ما هستند.	.....
■ اگر کسی این هدف‌ها را به عنوان هدف اصلی برگزیند، ممکن است به مقداری از آن برسد.	.....
■ اگر کسی فقط این هدف‌ها را انتخاب کند.....	.....
■ برخی هدف‌ها پایان‌ناپذیر و همیشگی‌اند و پاسخگوی استعداد‌های مادی و معنوی بیشتری در وجود ما هستند.	.....
■ اگر کسی این هدف‌ها را به عنوان هدف اصلی برگزیند و..... به هدف خود خواهد رسید.	.....
■ هدف‌های پایان‌ناپذیر همان هدف‌های اخروی هستند.	.....
■ هدف‌های پایان‌پذیر همان هدف‌های دنیوی هستند.	.....
■ اصل فرارگرفتن هدف‌های اخروی، مانع بهره‌مندی انسان از نعمت‌های دنیایی نمی‌شوند.	.....
■ اگر هدف‌های دنیوی اصل فرار گیرند، مانع رسیدن ما به هدف‌های اخروی می‌شوند.	آیه ۱۸ سوره اسراء
نتیجه: برنامه‌ریزی انسان باید در برگزیدن اهداف اخروی و اهداف..... باشد، به گونه‌ای که اهداف..... اصل فرار گیرند و هدف‌های دنیوی..... و تابع آنها باشند.	

### معیارهای انتخاب هدف‌های اصلی

با توجه به تفاوت نگاه و اندیشه انسان‌ها، برای اینکه بتوانیم با نگاهی درست، هدف‌های خود را انتخاب کنیم، نیازمند معیار و ملاک هستیم؛ معیاری که بتوانیم به وسیله آن، هدف‌های همسو با میل بی‌نهایت‌طلب و استعداد‌های متنوع انسان را مشخص کنیم. بدین وسیله، هدف‌های زندگی را به درستی بر خواهیم گزید و عمر خود را برای رسیدن به آنها صرف خواهیم کرد.

خدای رحیم و مهربان که از همه به ما مهربان‌تر و از خود ما به نیازهای ما آگاه‌تر است، در این مورد ما را هدایت و راهنمایی کرده و معیار انتخاب هدف را مشخص فرموده و آثار و نتایج آن را نیز یادآور شده است.

### تسدیر

برای رسیدن به معیارهای انتخاب هدف، در ترجمه آیات تدریس کنید و با تأمل در آنها و ارتباط دادن آنها به یکدیگر، پیام‌های صفحه بعد را تکمیل کنید و آسانی را که این پیام‌ها از آنها استخراج می‌شوند، مشخص نمایید.

■ آن کس که تنها زندگی زودگذر دنیا را می‌طلبید، آن مقدار از آن را که بخواهیم... و به هر کس اراده کنیم... می‌دهیم؛ سپس دوزخ را برای او قرار خواهیم داد تا با خواری و سرافکنندگی در آن وارد شود. سوره اسراء، آیه ۱۸

و آن کس که سرای آخرت را بطلبید و برای آن سعی و کوشش کند و مؤمن باشد، پاداش داده خواهد شد. سوره اسراء، آیه ۱۹

■ ... بعضی از مردم می‌گویند: خداوند ما را در دنیا نیکی عطا کن، ولی در آخرت هیچ بهره‌ای ندارد. سوره بقره، آیه ۲۰۰

و بعضی می‌گویند: پروردگارا به ما در دنیا نیکی عطا کن، و در آخرت نیز نیکی مرحمت فرما و ما را از عذاب آتش نگاه دار. سوره بقره، آیه ۲۰۱

اینان از کار خود نصیب و بهره‌ای دارند؛ و خداوند سریع‌الحساب است. سوره بقره، آیه ۲۰۲

■ آنچه به شما داده نشده، کالای زندگی دنیا و آرایش آن است و آنچه نزد خداست بهتر و پایدارتر است؛ آیا اندیشه نمی‌کنید؟ سوره قصص، آیه ۶۰

آیات مرتبط با پیام	پیام
.....	■ برخی از هدف‌ها و دل‌بستگی‌ها محدود و پایان‌پذیر هستند و تنها پاسخگویی برخی از استعداد‌های مادی ما هستند.
.....	■ اگر کسی این هدف‌ها را به‌عنوان هدف اصلی برگزیند، ممکن است به مقداری از آن برسد.
.....	■ اگر کسی فقط این هدف‌ها را انتخاب کند، .....
.....	■ برخی هدف‌ها پایان‌ناپذیر و همیشگی‌اند و پاسخگویی استعداد‌های مادی و معنوی بیشتری در وجود ما هستند.
.....	■ اگر کسی این هدف‌ها را به‌عنوان هدف اصلی برگزیند و ..... به هدف خود خواهد رسید.
.....	■ هدف‌های پایان‌ناپذیر همان هدف‌های اخروی هستند.
.....	■ هدف‌های پایان‌پذیر همان هدف‌های دنیوی هستند.
.....	■ اصل فرار گرفتن هدف‌های اخروی، مانع بهره‌مندی انسان از نعمت‌های دنیایی نمی‌شوند.
.....	■ اگر هدف‌های دنیوی اصل قرار گیرند، مانع رسیدن به هدف‌های اخروی می‌شوند.
آیه ۱۸ سوره اسراء و آیه ۲۰ سوره بقره	
نتیجه: برنامه‌ریزی انسان باید در برگیرنده اهداف اخروی و اهداف ..... باشد و به‌گونه‌ای تنظیم شود که اهداف ..... اصل قرار گیرند و هدف‌های دنیوی ..... و نافع آنها باشند.	

همان‌طور که با تدبیر در آیات دیدید، اینجا سخن از هدف‌های اصلی و فرعی است، که هر دو خوب می‌باشند و برای زندگی ما ضروری هستند. مهم این است که هدف فرعی را به‌جای هدف اصلی قرار ندهیم و آن‌قدر به اهداف فرعی دل‌نندیم که مانع ما در رسیدن به اهداف اصلی شوند و از رفتن به سوی کمالات بازدارند. تلاش برای رسیدن به نعمت‌های دنیا نه تنها بد نیست، بلکه ضروری و خوب است. فقط باید توجه کنیم که برای رسیدن به نعمت‌های دنیا مرتکب گناه نشویم و آن‌قدر سرگرم آنها نیائیم که از زیبایی‌های پایدار باز بمانیم.

۱- بعد از دیدن فیلم بیان کنید که چه چیز باعث شد ادواردو آنیلی، فرزند مدیر و مالک کارخانه‌های اتومبیل‌سازی فیات، فراری و مازراتی و صاحب باشگاه یوونتوس به همه این دارایی‌ها پشت کند؟  
۲- ارتباط این فیلم را با بحث هدف‌های اصلی و فرعی بیان کنید.



همان‌طور که با تدبیر در آیات به‌دست آوردیم، اینجا سخن از تشخیص هدف‌های اصلی از فرعی است، هدف‌هایی که هر دو خوب می‌باشند و برای زندگی ما ضروری هستند. مهم این است که هدف فرعی را به‌جای هدف اصلی قرار ندهیم که در این صورت مانع ما در رسیدن به اهداف اصلی می‌شوند و ما را از رسیدن به اهداف بزرگ که خدا ما را برای آنها خلق کرده، باز می‌دارند. تلاش برای رسیدن به نعمت‌های دنیا نه تنها بد نیست، بلکه ضروری و خوب است. فقط باید توجه کنیم که برای رسیدن به نعمت‌های دنیا از انجام فرمان‌های خدا غافل نشویم که در آن صورت، خوبی‌ها و زیبایی‌های ابدی را از دست خواهیم داد و گرفتار رنج‌های بی‌پایان خواهیم شد.

بعد از دیدن فیلم بیان کنید که داستان مسلمان شدن و شهادت ادواردو آنیلی، فرزند مدیر و مالک کارخانه‌های اتومبیل‌سازی فیات، فراری و مازراتی و صاحب باشگاه یوونتوس با بحث هدف‌های اصلی و فرعی چه ارتباطی دارد؟



### بررسی ۱

با توجه به اهدافی که دیگران برای زندگی خود انتخاب کرده‌اند، فهرستی از هدف‌ها تهیه کنید و با توجه به آنچه از فعالیت تدبیر آموخته‌اید، آنها را مطابق با جدول زیر تفکیک کنید.

اهداف و دل‌بستگی‌های اصلی	اهداف و دل‌بستگی‌های فرعی
۱- .....	۱- .....
۲- .....	۲- .....
۳- .....	۳- .....
۴- .....	۴- .....
۵- .....	۵- .....
۶- .....	۶- .....
۷- .....	۷- .....
۸- .....	۸- .....

۱- فعالیت‌هایی که با علامت (B) مشخص شده‌اند، فعالیت‌های واگرا هستند و فقط برای ارزیابی مستمر استفاده می‌شوند و در امتحانات پایانی و آزمون‌های ورودی دانشگاه‌ها نباید از آنها سوال طرح شود.

بررسی

با دقت در حالات اطرافیان و شنیده‌ها پتان از احوال دیگران، فهرستی از اهداف انسان‌های مختلف تهیه کنید و با توجه به آنچه از فعالیت تدبیر آموختید، آنها را در جدول زیر تفکیک کنید.

اهداف و دل‌بستگی‌های اصلی	اهداف و دل‌بستگی‌های فرعی
۱-.....	۱-.....
۲-.....	۲-.....
۳-.....	۳-.....
۴-.....	۴-.....
۵-.....	۵-.....
۶-.....	۶-.....
۷-.....	۷-.....
۸-.....	۸-.....

۱- فعالیت‌هایی که با علامت (H) مشخص شده‌اند، فعالیت‌های داگرا هستند و فقط برای ارزیابی مستمر استفاده می‌شوند و در امتحانات پایانی و آزمون‌های ورودی دانشگاه‌ها نباید از آنها سؤال طرح شود.

برترین هدف

حتماً این مصرع از شعر زیبای مولوی را شنیده‌اید که می‌گوید:

چون که صد آمد نود هم پیش ماست

این مصرع را به صورت یک ضرب‌المثل برای حقیقتی استفاده می‌کنند که در دل خود چند حقیقت را با هم داشته باشد و در بردارندهٔ مجموعهٔ آنها باشد. برخی هدف‌ها در زندگی انسان این گونه‌اند؛ یعنی به تنهایی در بردارندهٔ هدف‌های دیگر نیز هستند و رسیدن به آنها برابر با رسیدن به اهداف زیرمجموعه نیز است. حال، به میزانی که این گونه هدف‌ها کامل تر و جامع تر باشند، هدف‌های بیشتری را در درون خود جای می‌دهند. معمولاً آدم‌های زیرک و هوشمند، به سراغ این گونه هدف‌ها می‌روند تا به قول معروف «با یک تیر چند نشان بزنند».

حال به نظر شما در میان هدف‌های اصلی، برترین و کامل‌ترین هدف کدام است؟ هدفی که رسیدن به آن مساوی با رسیدن به هدف‌های دیگر نیز باشد؟

امیرالمؤمنین علی علیه السلام را بنگرید! ایشان رشد و تکامل خود را زیر نظر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آغاز کرد و به تمام همهٔ کمالات و زیبایی‌ها دست یافت. وقتی به شخصیت ایشان می‌نگرید، می‌بینید که ایشان در میدان‌های علم و دانش، رشادت و جنگاوری، سخنوری و خطابه، مهربانی و دوستی، بهلوانی و جوانمردی، نیایش و عبادت، حق‌طلبی و عدالت، پس از رسول خدا صلی الله علیه و آله بی‌نظیر است. مگر ایشان چه چیزی را مقصود و هدف خود قرار داده که به همهٔ این زیبایی‌ها دست یافته است؟

\*\*\*

بعد از دیدن این فیلم کوتاه، به سؤال زیر پاسخ دهید:  
خدا ما را خلق کرد تا به کجا برسیم؟



با اندکی تأمل در خود، در می‌یابیم که همگی در جست‌وجوی منبع اصلی خوبی‌ها و زیبایی‌ها هستیم و تا خود را به آن منبع و مبدأ نرسانیم، آرام و قرار پیدا نخواهیم کرد و از پای نخواهیم نشست. این منبع و این سرچشمه، خود خداوند است که خالق همهٔ کمالات و زیبایی‌هاست؛ هر کمال و خوبی از او سرچشمه می‌گیرد و در جهان گسترده می‌شود.

۱- بیت کامل آن که در ملح پیامبر اکرم است، این می‌باشد:

باز آمد نام جملهٔ آتیاست / چون که صد آمد نود هم پیش ماست

### برترین هدف

حتماً این مصرع از شعر زیبای مولوی را شنیده‌ای که می‌گوید:

چون که صد آمد نود هم پیش ماست

این مصرع را به صورت یک ضرب‌المثل در جایی که یک چیز، جامع و در بردارنده چیزهای دیگر است، استفاده می‌کنند.

برخی هدف‌های زندگی، نیز این گونه‌اند؛ یعنی در بردارنده هدف‌های دیگر نیز هستند و رسیدن به آنها برابری با دستیابی به سایر اهداف نیز هست. به میزانی که این گونه هدف‌ها برتر و جامع‌تر باشند، هدف‌های بیشتری را در درون خود جای می‌دهند.

معمولاً آدم‌های زیرک و هوشمند هدف‌های خود را به گونه‌ای انتخاب می‌کنند که به قول معروف «با یک تیر چند نشان بزنند».

حال به نظر شما در میان هدف‌های اصلی، برترین و کامل‌ترین هدف کدام است؟ هدفی که رسیدن به آن مساوی رسیدن به هدف‌های دیگر نیز باشد؟

با توجه به دو ویژگی «متنوع بودن استعدادها» و «بی‌نهایت‌طلبی او»، اگر هدفی را که انتخاب می‌کنیم، بهتر بتواند پاسخگوی این دو ویژگی باشد، آن هدف، کامل‌تر است. بنابراین برترین هدف اصلی ما آن هدفی است که همه استعدادها متنوع ما را دربرگیرد و در جایی متوقف نشود و نهال وجود ما را به درختی بریار و زیبا تبدیل کند به طوری که سراسر وجود ما را شادایی، بالندگی و شور و نشاط فرا گیرد.

امیرالمؤمنین علی علیه السلام را ببینید! ایشان رشد و تکامل خود را زیر نظر و با تربیت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آغاز کرد و جلوه‌گاه همه کمالات و زیبایی‌ها شد. وقتی به شخصیت ایشان می‌نگرید، می‌بینید که ایشان در میدان علم و دانش، رشادت و جنگاوری، سخنوری و خطابه، مهربانی و دوستی، پهلوانی و جوانمردی، نیایش و عبادت، حق‌طلبی و عدالت، پس از رسول خدا صلی الله علیه و آله بی‌نظیر است. راستی ایشان چه چیزی را مقصود و هدف خود قرار داده که به همه این زیبایی‌ها دست یافته است؟

\*\*\*

بعد از دیدن این فیلم کوتاه، به سؤال زیر پاسخ دهید:  
خدا ما را خلق کرد تا به کجا برسیم؟



پس مقصود و هدف نهایی ما خداست. به راستی جز او چه کسی و چه چیزی می‌تواند روح باپان‌ناپذیر انسان را سیراب کند و زمینه شکوفایی استعدادها متنوع مادی و معنوی انسان را فراهم آورد؟ اگر روح انسان بی‌نهایت‌طلب است و خوبی‌های بی‌پایان را می‌خواهد، ناپسته است که تنها نزدیکی به خدای بزرگ را مقصد نهایی خود قرار دهد و آماده حضور در پیشگاه او باشد.

البته نزدیکی و تقرب به خداوند، نزدیکی مکانی و ظاهری نیست. چه بسا دو نفر در یک مکان در کنار هم باشند ولی هیچ نزدیکی به هم احساس نکنند. نزدیکی به خدا یک نزدیکی حقیقی است، همان‌طور که دوری از او هم بدترین نوع دوری است.

افراد زیرک با انتخاب خدا به عنوان مقصود اصلی زندگی خود، در عین حال که جان و دل به خدا سپرده‌اند و او را می‌طلبند، از نعمت‌های مادی خداوند و خوبی‌های دنیا، آن‌طور که خدا اجازه داده بهره می‌برند و دیگران را هم بهره‌مند می‌سازند. در نتیجه هم دنیای سرفراز و عزتمندی دارند و هم آخرت شادایی بخشی در انتظار آنان است.

مَنْ كَانَ يُرِيدُ ثَوَابَ الدُّنْيَا

فَعِنْدَ اللَّهِ ثَوَابُ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ

هر کس نعمت و پاداش دنیا را بخواهد

نعمت و پاداش دنیا و آخرت نزد خداست.

ای دوست، بگره بستر یا آن که بگره سازد؟	خونی قرم بهتر، یا آن که قرمز سازد؟
ای باغ قوی خوش‌تر یا گلشن و گل در تو؟	یا آن که برآورد گل، صد زرگن تر سازد؟
ای عسل تو یا پاشی در دوش و در نیش؟	یا آن که به هر محله صد شش و نظر سازد؟

اندیشه و تحقیق

۱- شعر «چون که صد آمد، نود هم پیش ماست» چه ارتباطی با موضوع هدف زندگی دارد؟

۲- دلیل بیاورید :

الف) انتخاب خداوند به عنوان هدف اصلی زندگی، نشانهٔ زیرکی مؤمنان است.

ب) کسی که هدف اصلی زندگی خود را فقط ثروتمند شدن قرار دهد، زیان دیده خواهد بود.

۳- شخصی می‌گوید: «لازمهٔ تقرب به خدا این است که کارهایی مانند کسب مال و ثروت کنار گذاشته شود» با او موافقت یا خیر؟ چرا؟

۴- حکایت زیر را بخوانید و با توجه به آن به سؤال پاسخ دهید.

«مسافری در سفر خود به یک دو راهی رسید. از پیرمردی که در آنجا نشسته بود پرسید: من از کدام یک از این دو راه باید بروم؟ پیرمرد گفت: قصد داری به کجا بروی؟ مسافر جواب داد: نمی‌دانم! پیرمرد گفت: وقتی نمی‌دانی به کجا می‌خواهی بروی، تفاوتی نمی‌کند که کدام راه را انتخاب کنی!»

به نظر شما این حکایت، با کدام یک از بخش‌های درس در ارتباط است؟ چرا؟

پیشنهاد

با توجه به آیهٔ ۳۷ سورهٔ سبأ بیان کنید که خداوند چه چیز را عامل قُرب انسان‌ها به خود

می‌داند؟

معرفی کتاب

نام کتاب	نویسنده	انتشارات	مخاطب
طعم شیرین خدا	عباس ولدی	آیین فطرت	دانش‌آموز
فکش و حضور خدا در جهان	هادی فنایی اشکوری	حکمت اسلامی	معلم
به سوی بی‌نهایت	محمدحسن وکیلی	مؤسسه جوانان آستان قدس	دانش‌آموز / معلم
تنهاترین عاشق، عاشق‌ترین تنها	نصرالله قادری	نیستان	دانش‌آموز
خدا در شعر فارسی	علیرضا خوشنیل	پیام اندیشه	معلم / دانش‌آموز
خدا بود و دیگر هیچ	مصطفی جمران	بنیاد شهید جمران	دانش‌آموز
عشق خدا	مؤسسه جوانان آستان قدس	مؤسسه آستان قدس	دانش‌آموز

هر کس اندکی تأمل کند، می‌بیند که در ذات خود در جست‌وجوی سرچشمهٔ خوبی‌ها و زیبایی‌هاست و تا به آن منبع و مبدأ نرسد، آرامش نیافته و از پای نخواهد نشست. این سرچشمه، همان خداوند است که خالق همهٔ کمالات و زیبایی‌هاست؛ او که خود نامحدود است و کمالات و خوبی‌هایش حد و اندازه ندارد. هر کمال و خوبی از او سرچشمه می‌گیرد و در جهان گسترده می‌شود.

پس مقصود و هدف نهایی ما خداوند است. به‌راستی جز او چه کسی و چه چیزی می‌تواند برترین و اصلی‌ترین هدف ما باشد؟ چه کسی جز او می‌تواند روح پایان‌ناپذیر انسان را سیراب کند و زمینه شکوفا شدن استعدادهای متنوع مادی و معنوی انسان را فراهم آورد؟ اگر روح انسان بی‌نهایت‌طلب است و خوبی‌ها را به‌صورت بی‌پایان می‌خواهد، شایسته است که تنها تقرب و نزدیکی به خدای بزرگ مقصد نهایی او باشد.

البته نزدیکی و تقرب به خداوند، نزدیکی مکانی و ظاهری نیست. چه بسا دو نفر در یک مکان در کنار هم باشند ولی هیچ نزدیکی به هم احساس نکنند. نزدیکی به خدا یک نزدیکی حقیقی است، همان‌طور که دوری از او هم بدترین نوع دوری است. خدا سرچشمهٔ زیبایی‌ها و خوبی‌هاست و انسان‌ها به میزانی که زیبایی‌ها و خوبی‌ها را کسب کنند به خدا نزدیک‌تر می‌شوند.

افراد زیرک با انتخاب خدا به عنوان هدف اصلی خود، هم از بهره‌های مادی زندگی استفاده می‌کنند و هم از آنجایی که تمام کارهای دنیوی خود را در جهت رضای خدا انجام می‌دهند، جان و دل خود را به خداوند نزدیک‌تر می‌کنند و سرای آخرت خویش را نیز آباد می‌سازند.

مَنْ كَانَ يُهْرِدُ ثَوَابَ الدُّنْيَا هَرَسَ نِعْمَتٍ وَ بَادَشَ دُنْيَا رَا بِخَوَاهِد

فَعِنْدَ اللَّهِ ثَوَابُ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ نِعْمَتٌ وَ بَادَشَ دُنْيَا وَ آخِرَتُ تَزِدُ خَدَا سَت.

البته این هدف، به همان میزان که بزرگ و ضامن خوشبختی ماست، همت بزرگ و ارادهٔ محکم می‌طلبد؛ همان‌طور که دستیابی به گوهرهای گران‌قدر دریاها، بشتکاری شگرف می‌خواهد.

ای دوست، بگره بگره با آن که بگره سازد؟ خوبی قر بقر، یا آن که قر سازد؟

ای باغ تویی خوش‌تر یا کهن و گل در تو؟ یا آن که برآرد گل، صد زگل تر سازد؟

۱- سورهٔ نساء، آیه ۱۲۲



## درس دوم قدرت پرواز



ای مثل تو پاشی در دوش و در پیش؟ یا آن که به هر لحظه صد عقل و نظر سازد؟

\*\*\*

تدبر

به نظر شما برنامه زندگی روزانه من و شما چگونه باید باشد تا براساس آیه زیر، تمامی اعمال و زندگی ما برای خدا باشد؟

قُلْ إِنَّ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي بِرَبِّ الْعَالَمِينَ  
بگو نمازم، تمامی اعمالم و زندگی و مرگ من  
برای خداست که پروردگار جهانیان است.

بیشتر بدانیم

چرا کاریکاتورها خنده دارند؟



چونما شما کاریکاتورهای زیادی از اشخاص مختلف دیده اید. تفاوت کاریکاتور با تصویر واقعی اشخاص این است که در کاریکاتور، بین اعضای بدن شخص تناسب وجود ندارد. عضوی بسیار کوچک طراحی می شود و عضوی بیش از اندازه بزرگ و همین قیافه ناموزون موجب خنده بیننده می شود.

روح و روان انسان مانند جسم او دارای اعضا و بخش های گوناگون است. اعضای روح انسان همان استعدادها و تمایلات درونی اوست. ما برای داشتن یک شخصیت کامل، بایستی در تمام استعدادهای درونی خویش به صورت متناسب رشد کنیم تا مبادا درون ما به دلیل توجه بیش از حد به یک استعداد و غفلت از سایر استعدادهای درونی، حالت کاریکاتوری پیدا کند.

مثلاً فرد دانشمندی را در نظر بگیرید که در زمینه علمی در عالی ترین مرتبه و جایگاه قرار دارد اما هیچ توجهی به دیگران ندارد و از اخلاق خوبی برخوردار نیست. آیا این فرد شخصیت کاریکاتوری ندارد؟ متأسفانه بسیاری از انسان ها بیشتر عمر خود را صرف یک استعداد خود می کنند و از سایر استعدادها غافل می شوند. عده ای فقط دغدغه کسب علم دارند، عده ای فقط دنبال خوشحال کردن دیگرانند و عده ای ...

جلسه اول

قرائت: آیات زیر را به دقت و زیبا قرائت کنید.

أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ  
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

﴿ فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَةَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ وَ لَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ ﴾

روی خود را حق گرایانه به سوی دین خدا قرار ده  
بماند که بر سرشت الهی بنامی  
همان سرشتی که خدا مردم را بر آن آفرید  
آفرینش خدا دستخوش تبدیل و تغییر نمی شود  
این همان دین استوار و پابرجاست  
گرچه اکثر مردم نمی دانند

روم، ۳۰

﴿ إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَ اخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ آيَاتٍ لِّأُولِي الْأَلْبَابِ ﴾

در آفرینش آسمان ها و زمین  
و آمد و شد شب و روز  
نشانه هایی برای خردمندان است  
همانان که خداوند را یاد می کنند  
چه ایستاده و چه نشسته  
و چه بر پهلو خوابیده  
و در آفرینش آسمان ها و زمین تفکر می کنند

روم، ۳۰

﴿ وَ يَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَاطِلًا سُبْحَانَكَ فَقِنَا عَذَابَ النَّارِ ﴾

و می گویند پروردگارا، اینها را بیهوده نیافریده ای  
مزهی تو، ما را از عذاب آتش در امان بدار  
پروردگارا هر کس را که تو در آتش درآوری  
خوار و رسوایش ساخته ای  
و ستمکاران یاورانی ندارند.

ال عمران، ۱۹۰ تا ۱۹۲

۱- با این که این آیات در درس اول هم آمده، اما با توجه به اهمیت آنها و کاربردی که در این درس دارند، تکرار شده اند.

این در حالی است که موفقیت و دستگیری ما تنها از طریق رشد متناسب همه استعدادهایمان میسر می شود و این امر وقتی تحقق پیدا می کند که ما در طول زندگی خود در مسیری قدم برداریم که در آن مسیر بتوانیم همه استعدادهای خود را شکوفا کنیم و تقایص و کاستی هایمان را برطرف کنیم.

و این مسیر همان مسیر قرب به خداست که جامع و دربردارنده همه خوبی ها و کمالات است؛ زیرا خداوند خود کامل است و همه خوبی ها را در حد کمال خود دارد و کسی که در مسیر نزدیک شدن به او گام بردارد، می تواند رنگ و بویی خدایی بگیرد و همه استعدادهای خود را به صورت متناسب رشد دهد.

صِبْغَةَ اللَّهِ وَمَنْ أَحْسَنُ مِنَ اللَّهِ صِبْغَةً وَنَحْنُ لَهُ عَابِدُونَ

رنگ خدایی بپذیرید و چه رنگی از رنگ خدایی بهتر است و ما تنها او را عبادت می کنیم.

اندیشه و تحقیق

۱- شعر «چون که صد آمد، نود هم پیش ماست» چه ارتباطی با موضوع هدف زندگی دارد؟

۲- دلیل بیاورید:

الف) زیرک ترین افراد این جهان، مؤمنان هستند.

ب) کسی که هدف اصلی زندگی خود را ثروتمند شدن قرار دهد، دچار خسران می شود.

۳- شخصی می گوید: «لازمه تقرب به خدا این است که کارهایی مانند کسب مال و ثروت که از امور فرعی هستند، کنار گذاشته شود» با او موافقید یا خیر؟ چرا؟

۴- حکایت زیر را بخوانید و با توجه به آن به سؤال پاسخ دهید.

«مسافری در سفر خود به یک دو راهی رسید. از بیرمردی که در آنجا نشسته بود پرسید: من از کدام یک از این دو راه باید بروم؟ بیرمرد گفت: قصد داری به کجا بروی؟ مسافر جواب داد: نمی دانم!»

بیرمرد گفت: وقتی نمی دانی به کجا می خواهی بروی، تفاوتی نمی کند که کدام راه را انتخاب کنی!»

به نظر شما این حکایت، با کدام یک از بخش های درس در ارتباط است؟ چرا؟

۱- عبودیت پروردگار، ۱۲۸

پیشنهاد

با توجه به آیه ۳۷ سوره سبأ بیان کنید که خداوند چه چیز را عامل قُرب انسان‌ها به خود می‌داند؟

معرفی کتاب

نام کتاب	نویسنده	انتشارات	مخاطب
۱- فلسفه خلقت انسان	عبدالله نصری	کلون اندیشه جوان	معلم
۲- راز آفرینش جهان	زرز گاموف	جامی	دانش‌آموز / معلم
۳- در جست‌وجوی خدا	جان هائون	آستان قدس رضوی	دانش‌آموز / معلم
۴- خدا بود و دیگر هیچ	شهید مصطفی جمران	بنیاد شهید جمران	دانش‌آموز
۵- تشابه‌های از او	سید رضا صدر	بوستان کتاب	معلم

سرمایه‌های انسان

در درس گذشته دانستیم که خداوند به خاطر چه انسان را آفرید و به او چه جایگاه و امتیازی در میان سایر موجودات بخشید و حتی به او نشان داد که می‌تواند به مرتبه و مقامی برسد که فرشتگان به پای او افتاده و سجده کنند و او برتر از هر موجودی قرار بگیرد.

اکنون جای طرح این سؤال است که: برای رسیدن به چنین جایگاهی، خداوند چه امکانات و توانمندی‌هایی به ما عنایت کرده و ما را به چه ایزاری مجهز نموده است؟

در پاسخ به این سؤال، برخی از توانمندی‌هایی که خدا در وجود ما قرار داده و امکاناتی را که برای پیوندن درست‌مسیر کمال به ما عطا فرموده، مرور می‌کنیم:

۱- پروردگار، به ما نیرویی عنایت کرده تا با آن بیندیشیم و مسیر درست زندگی را از راه‌های غلط تشخیص دهیم. حقایق را دریابیم و از جهل و نادانی دور شویم.

الف) نام این توانایی چیست؟ .....

ب) کدام آیه ابتدای درس به این توانایی اشاره کرده است؟ .....

ج) دو پیام از ترجمه این آیه استخراج کنید: .....

۲- خداوند، ما را صاحب اراده آفرید و مسئول سرنوشت خویش قرار داد. سپس راه رستگاری و راه شقاوت را به ما معرفی کرد تا با تشخیص خود راه رستگاری را برگزینیم و از شقاوت دوری کنیم. با توجه به همین ویژگی است که خدا می‌فرماید:

إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ  
ما راه را به او نشان دادیم

إِنَّا شَاكِرًا وَإِنَّا كَفُورًا  
با سپاسگزار خواهد بود و یا ناسپاس

الف) برای این ویژگی، نام مناسب انتخاب کنید: .....

ب) پیام مهم این آیه چیست؟ .....



۳- هرکس در خود می‌نگرد و یا به تماشای جهان می‌نشیند، خدا را می‌یابد و محبتش را در دل احساس می‌کند. امیرمؤمنان علی علیه السلام می‌فرماید:

«هیچ چیزی را مشاهده نکردم، مگر اینکه خدا را قبل از آن، بعد از آن و با آن دیدم.»<sup>۱</sup>

گاهی غفلت‌ها سبب دوری ما از او و فراموشی یاد او می‌شود، ولی زمانی که به خود باز می‌گردیم، او را در کنار خود می‌یابیم و می‌گوییم:

دوست نزدیک‌تر از من بر من است  
و من محب‌تر که من از وی دورم  
پر کنم با که توان گفت که او  
در کنار من و من مجرم؟

الف) برای این ویژگی، نام مناسب انتخاب کنید: .....

ب) کدام آیه به این ویژگی اشاره می‌کند؟ .....

ج) دو پیام از ترجمه این آیه استخراج کنید: .....

۴- خدای متعال، شناخت خیر و نیکی و گرایش به آن و شناخت بدی و زشتی و بیزاری از آن را در وجود ما قرار داد، تا به خیر و نیکی روآوریم و از گناه و زشتی بپرهیزیم. به همین جهت همگی ما خوبی‌هایی چون صداقت، عزت نفس و عدالت را درک می‌نماییم و دوست داریم و دورویی، حقارت نفس، ریا و ظلم را می‌فهمیم و از آن بیزاریم.

الف) برای این ویژگی، نام مناسب انتخاب کنید: .....

ب) کدام آیه از درس اول به این ویژگی اشاره می‌کند؟ .....

ج) یک پیام از ترجمه این آیه استخراج کنید: .....

۵- عاملی در وجود انسان هست که در مقابل گناه و زشتی واکنش نشان می‌دهد و اگر انسان به گناه آلوده شود، خود را سرزنش و ملامت می‌کند و در اندیشه جبران آن برمی‌آید. قرآن کریم، این عامل درونی را «نفس لؤامه»، یعنی نفس سرزنشگر، نامیده و به آن سوگند خورده است.

۱- علم البین، ملا محسن فیض کاشانی، ج ۱، ص ۴۹  
۲- گلستان سعدی

قرانت

سوره اسراء ۱۷

جزء ۱۵



استماع و ترجمه آیه

آیات درسی را با توجه به الگوی قرانت، جمله به جمله بخوانید و به معنای آن دقت کنید.

رَبُّكُمْ الَّذِي يُزْجِي لَكُمْ الْفُلْكَ فِي الْبَحْرِ لِيَتَّبِعُوا  
 مِنْ فَضْلِهِ إِنَّهُ كَانَ بِكُمْ رَحِيمًا ﴿١٧﴾ وَإِذَا مَسَّكُمُ الضُّرُّ  
 فِي الْبَحْرِ ضَلَّ مَنْ تَدْعُونَ إِلَّا إِلَهُهُ فَلَمَّا نَجَّكُمْ إِلَى الْبَرِّ  
 أَعْرَضْتُمْ وَكَانَ الْإِنْسَانُ كَفُورًا ﴿١٨﴾ أَفَأَمِنْتُمْ أَنْ  
 يُخَسِّفَ بِكُمْ جَانِبَ الْبَرِّ أَوْ يُرْسِلَ عَلَيْكُمْ حَاصِبًا  
 ثُمَّ لَا تَجِدُوا الْكُفْرَ وَكَيْلًا ﴿١٩﴾ أَمْ أَمِنْتُمْ أَنْ يُعِيدَكُمْ فِيهِ  
 تَارَةً أُخْرَى فَيُرْسِلَ عَلَيْكُمْ قَاصِفًا مِنَ الرِّيحِ فَيُغْرِقَكُمْ  
 بِمَا كَفَرْتُمْ ثُمَّ لَا تَجِدُوا الْكُفْرَ عَلَيْنَا بِهِ تَبِيعًا ﴿٢٠﴾  
 وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ  
 وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ  
 مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا ﴿٢١﴾ يَوْمَ نَدْعُوا كُلَّ أُنَاسٍ بِإِمامِهِمْ  
 فَمَنْ أَوْفَىٰ كِتَابِهِ بِيَمِينِهِ فَأُولَئِكَ يَقْرَءُونَ  
 كِتَابَهُمْ وَلَا يُظْلَمُونَ فَتِيلًا ﴿٢٢﴾ وَمَنْ كَانَ فِي هَذِهِ  
 أَعْمَىٰ فَهُوَ فِي الْآخِرَةِ أَعْمَىٰ وَأَضَلُّ سَبِيلًا ﴿٢٣﴾

وَلَا أُقْسِمُ بِالنَّفْسِ اللَّوَّامَةِ

و سوگند به نفس ملامت کننده

الف) نام دیگر این عامل درونی را بنویسید: .....  
 ب) یک پیام از ترجمه این آیه استخراج کنید: .....  
 ۶- علاوه بر این سرمایه‌های بزرگ که خداوند در درون خود انسان قرار داده، انسان را تنها نگذاشته  
 و راهنمایان الهی را همراه با کتاب راهنما برای او فرستاده و راه کسب سعادت را به وی نشان داده است.  
 کدام یک از اصول دین به این راهنمایی اشاره می‌کند؟ .....

تناسب میان سرمایه‌ها و هدف زندگی

سرمایه‌ها و توانایی‌های هر موجودی با هدف او تناسب دارد و نمی‌شود که خداوند یک توانمندی و  
 سرمایه بزرگ به مخلوقی بدهد ولی برای او هدف کوچکی تعریف کند؛ مثلاً اگر خداوند می‌خواست انسان  
 فقط مانند سایر حیوان‌ها بخورد و بیاشامد و تولید مثل کند، نیازی نبود که چنان قدرت فکری به او بدهد  
 که بتواند هزاران رشته و شاخه دانش، هزاران شاخه هنر، هزاران فکر در سیاست و اخلاق و معنویت را  
 ابداع کند، بفهمد و به پیش ببرد. روشن است که این قدرت فکری برای رسیدن به حقایق بسیار فراتر از  
 نیازهای بدنی و حیوانی است. پس چگونه می‌توانیم به کاری که در حد و اندازه حیوانات است، قانع شویم  
 و در همان سطح بمانیم؟ هدف ما باید به وسعت سرمایه‌هایمان بماند.

بله، حیوان همان غذایی را امروز می‌خورد که دیروز و پریروز می‌خورد و اجدادش می‌خوردند. اما  
 انسان، از همان روزی که بر روی زمین خلق شده تا امروز هزاران نوع غذا را کشف یا ابداع نموده و برای  
 لذت بردن از آنها، به آشپزخانه خود وارد کرده است. اما آیا این نشانه برتری انسان بر حیوان است؟  
 نه، چون هر دو نیاز به غذا داریم و غذا می‌خوریم، با این تفاوت که غذا خوردن حیوان به طبیعت آسیب  
 نمی‌رساند اما غذا خوردن ما، با این روشی که در پیش گرفته‌ایم، صدها آسیب به طبیعت وارد کرده است.  
 به همین جهت اگر دغدغه یک انسان و انتظار وی از خودش بهتر زندگی کردن به معنای مادی و بدنی آن  
 باشد، مسلماً از حیوان پایین‌تر است.

آنچه ما را از حیوان ممتاز می‌کند همان بُعد روحی و انسانی ماست که معنای آزادی، عدالت، شجاعت  
 و نظایر اینها را می‌فهمد. خدا، عقل با این عظمت را به‌خاطر رسیدن به چنین خوبی‌ها و لذت بردن از آنها  
 در اختیار ما قرار داده است. همین عقل است که با دوراندیشی، ما را از خوشی‌های زودگذر منع می‌کند

۱- سوره قیامت، ۴

۲- سوره فرقان، ۲۲ و سوره اعراف، ۱۷۹

ترجمه

سورة اسراء، آیات ۶۶ تا ۷۲

بروردگارتان کسی است که گشتی را در دریا برای شما به حرکت در می آورد، تا از فضل او برای خود بجویید، چرا که او همواره باشما مهربان است. ۶۶

وهنگامی که در دریا زبانی به شما برسد، هر که را جز او می خوانید ناپدید [و فراموش] می گردد، اما هنگامی که شما را به خشکی نجات دهد، روی می گردانید و انسان، بسیار تاسیاس است! ۶۷

آیا از این ایمن هستید که شما را در کنار خشکی (پس از بیرون شدن از دریا) در زمین فرو برد یا بر شما طوفانی از سنگریزه ها بفرستد، سپس حافظ (و یابوری) برای خود نیاید؟! ۶۸

با [مگر] ایمن شدید از اینکه بار دیگر شما را به آن [دریا] بازگرداند و تمبادهی شکسته بر شما بفرستد، و شما را به خاطر کفرتان غرق کند، آن گاه کسی را در برابر ما دادخواه و فریادرس نیاید. ۶۹

و به راستی ما فرزندان آدم را گرامی داشتیم، و آنها را در خشکی و دریا، [برمرکبهای راهوار] حمل کردیم، و از چیزهای پاکیزه به ایشان روزی دادیم، و آنها را بر بسیاری از موجوداتی که خلق کرده ایم، برتری آشکار دادیم. ۷۰

[به یاد آورید] روزی را که هر گروهی را با بینوایشان می خوانیم! کسانی که نامه عملشان به دست راستشان داده شود، آن را [با شادی و سرور] می خوانند و به قدر رشته شکاف هسته خرمایی به آنان ستم نمی شود! ۷۱

و هر که در این [دنیا] کور [دل] باشد در آخرت [هم] کور [دل] و گمراه تر خواهد بود. ۷۲

و همان وجدان است که با محکمه اش، ما را از راحت طلبی های حیوانی بازمی دارد. اگر بنا بر خوردن و خوابیدن باشد، حیوانات از ما خوش تر زندگی می کنند! چون نه عقل دارند که مانع آنان باشد و نه وجدانی که گاه و بیگاه آنان را سرزنش کند.

بیشتر بدانیم

در جست و جوی گنج

شخصی سال ها در جست و جوی گنج بود. روزها زمین را می کاوید و شب ها به زاری از خدا می خواست تا در یافتن گنج به او کمک کند تا سر و سامانی به زندگی خویش دهد. تا اینکه یک شب، هائقی در عالم خواب به او گفت: «من از طرف خدا مأمورم تو را در یافتن گنج کمک کنم. تیر و کمانت را بردار و به فلان تپه برو و در نقطه ای که می گویم، تیر را در کمان قرار ده. تیر هر جا که افتاد، گنج همان جا است!»

مرد با طلوع خورشید تیر و کمان خود را برداشت و به تپه ای که نشانی آن را در خواب گرفته بود رفت. اما هائف نگفته بود تیر را به کدام سمت برتاب کند. از همین رو، تیر را به جهت های مختلف برتاب می کرد و هر جا تیر می افتاد، به کندن آن مشغول می شد. ولی هیچ خبری از گنج نبود. اندوهگین به گوشه مسجدی درآمد و گریه و ناله آغاز کرد که خدا یا آخر این چه راهنمایی ای بود که به من کردی؟

مدت ها کارش گریه و دعا به درگاه الهی بود تا سرانجام آن هائف بار دیگر به خوابش آمد. مرد شکوه کتان به وی گفت: حرف تو غلط از کار درآمد. من نقطه ای را که گفتی پیدا کردم، تیر را به کمان کردم و به قوت کشیدم اما...

هائف گفت: تو آن گونه که من گفتم، عمل نکردی. گفتم تیر را به کمان بگذار، هر جا افتاد همان جا گنج است، نگفتم به قوت بکش.

مرد گفت: راست می گویی.

فردا به همان نقطه رفت؛ تیر را به کمان گذاشت. تا تیر را رها کرد؛ پیش پای خودش افتاد. آن گاه بود که فهمید منظور هائف این بوده که گنجی که سال ها به دنبال آن بوده است چقدر به او نزدیک و او در دوردست ها به دنبال آن می گشته است. یعنی آن گنج در درون خودش بوده است.

ای کمان و تیر! بر ساختن گنج نزدیک و تو دور انداختن

اندیشه و تحقیق

- ۱- چرا با این که همه انسان ها دارای قوه عقل هستند، همه عاقلانه رفتار نمی کنند؟
- ۲- برای رشد عقل و رسیدن به صفت عاقل، چه پیشنهادهایی دارید؟

قرائت: آیات زیر را به دقت و زیبا قرائت کنید.

أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

ای مردم

حلال و پاکیزه‌های زمین را بخورید

و تابع گام‌های شیطان نباشید

چرا که او دشمن واقعی شماست

او حتماً شما را به بدی و زشتی وا می‌دارد

و بر آن می‌دارد که به خدا نسبت دهید

چیزهایی را که علمی به آن ندارید

وقتی به آنها گفته شود نعمت کنید

از آنچه خدا نازل کرده،

گویند خیر، ما بی‌روی می‌کنیم

آنچه را که از نیاکانمان یافته‌ایم

گرچه نیاکانمان

چیزی نیندیشیده

و راهی نیافته باشند.

داستان کافران

همانند آن است که کسی ندا می‌دهد

موجودی را که جز بانگ و صدا چیزی نمی‌شنود

اینان ناشنوا و گنگ و نابینای واقعی‌اند

و از همین رو اهل تغفل کردن نیستند

بقره، ۱۶۸ تا ۱۷۱

﴿ يَا أَيُّهَا النَّاسُ

كُلُوا مِنَّمَا فِي الْأَرْضِ حَلَالًا طَيِّبًا

وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ

إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ

﴿ إِنَّمَا يَأْتِرْكُمْ بِالتَّوْبَةِ وَالْفَحْشَاءِ

وَأَنْ تَقُولُوا عَلَى اللَّهِ

مَا لَا تَعْلَمُونَ

﴿ وَإِذَا قِيلَ لَهُمُ اتَّبِعُوا

مَا أَنْزَلَ اللَّهُ

قَالُوا بَلْ نَشْبِعُ

مَا آتَيْنَا عَلَيْهِ آيَاتِنَا

أَوْ لَوْ كَانَ آبَاؤُهُمْ

لَا يَعْقِلُونَ شَيْئًا

وَلَا يَهْتَدُونَ

﴿ وَمَثَلِ الَّذِينَ كَفَرُوا

كَمَثَلِ الَّذِي يَتَّبِعُ

بِمَا لَا يَسْمَعُ إِلَّا دُعَاءَ وَتِدَاءَ

صُمٌّ بُكْمٌ عُمْسٌ

فَهُمْ لَا يَعْقِلُونَ

## درس دوم

### پر پرواز\*

در درس پیشین دانستیم که جامع‌ترین و اصلی‌ترین هدف زندگی انسان، نزدیکی و تقرب به خداست. رشد و کمال انسان و در نتیجه رستگاری او فقط با گام برداشتن به سوی این هدف میسر می‌شود. اولین گام برای حرکت انسان در این مسیر، شناخت انسان است؛ یعنی شناخت سرمایه‌ها، توانایی‌ها و استعدادها و او چگونه به کارگیری این سرمایه‌ها و همچنین شناخت موانع حرکت انسان در مسیر تقرب به خداوند و نحوه مقابله با اجتناب از این موانع. به همین دلیل است که خودشناسی سودمندترین دانش‌ها شمرده شده است.<sup>۱</sup>

به راستی خداوند متعال چه جایگاهی برای انسان در نظام هستی قائل است؟

برای گام برداشتن انسان در مسیر تقرب به خدا، چه توانایی‌هایی در وجود او قرار داده است؟

و سرانجام اینکه مهم‌ترین موانع تقرب به خدا و رسیدن انسان به کمالات و زیبایی‌ها چه چیزهایی است؟

\* این درس با استفاده از کتاب «انسان در قرآن»، اثر استاد شهید مرتضی مطهری، تدوین شده است. (مغز الحکیم، نیسی آملی، ح ۱۳۶۵)

### سرمایه‌های انسان

خداوند آنچه در آسمان‌ها و زمین است، برای انسان آفریده و توانایی بهره‌مندی از آنها را در وجود او قرار داده است.<sup>۱</sup> اینها نشان می‌دهد خداوند متعال انسان را گرامی داشته و برای انسان در نظام هستی جایگاه ویژه‌ای قائل شده است.

همچنین، خداوند متعال برای اینکه انسان بتواند در مسیر رشد و کمال خود حرکت کند و به هدف خلقت یعنی تقرب به خدا دست یابد، سرمایه‌هایی در اختیارش قرار داده است. برخی از این سرمایه‌ها عبارت‌اند از:

- ۱- پروردگار، به ما نیروی عنایت کرده تا با آن بیندیشیم و مسیر درست زندگی را از راه‌های غلط تشخیص دهیم. حقایق را دریابیم و از جهل و نادانی دور شویم.<sup>۲</sup>
- نام این توانایی چیست؟ .....

#### تسدیر

با توجه به ترجمه آیات زیر بگویید هر آیه به کدام یک از آثار دیگر بهره‌گیری انسان از عقل اشاره دارد؟

■ آنها هنگامی که مردم را به نماز فرامی‌خوانید، آن را به مسخره و بازی می‌گیرند؛ این به خاطر آن است که آنها گروهی هستند که عقل نمی‌کنند.

سوره مائده، آیه ۵۸

■ و می‌گویند: اگر ما گوش شنوا داشتیم یا عقل می‌کردیم، در میان دوزخیان نبودیم.

سوره ملک، آیه ۱۰

۱- برگرفته از سوره لقمان، آیه ۲۱

۲- برگرفته از سوره زمر، آیات ۱۷ و ۱۸

مسیر رفتن به سوی خدا و کسب کمالات و خوبی‌ها صاف و هموار نیست. این مسیر با موانعی جدی هم‌در درون ما و هم در بیرون ما روبه‌روست:

۱- مانع اول یک مانع درونی است که توجهش صرفاً به بُعد بدنی و حیوانی انسان است و از انسان می‌خواهد که با هر روشی که شده، درست یا نادرست، خود را به لذت‌های حیوانی برساند، هر چند که به ظلم و گناهان دیگر آلوده شود. این مانع را «نفس اماره به بدی»، یعنی نفسی که بسیار به بدی فرامی‌خواند، می‌نامند. این نام را حضرت یوسف علیه السلام، آنگاه که در مقابل پادشاه مصر قرار گرفت و در آن لحظاتی که همه دانستند وی انسانی پاکدامن بوده است به کار برد و فرمود:

إِنَّ النَّفْسَ لَأَمَّارَةٌ بِالسُّوءِ  
إِلَّا مَا رَحِمَ رَبِّي

همانا که نفس به شدت آدمی را به بدی می‌خواند  
مگر این که خدا او را مورد لطف قرار دهد

امیرالمؤمنین نیز درباره این نفس می‌فرماید:

«دشمن‌ترین دشمن تو، همان نفسی است که در درون توست».<sup>۳</sup>

۲- مانع دوم که خداوند ما را از آن باخیر کرده، مانعی است که خود را برتر از آدمیان می‌پندارد و سوگند یاد کرده که فرزندان آدم را فریب دهد و از رسیدن به آرمان‌های انسانی و اهداف برتر زندگی بازدارد و سرگرم همین لذت‌های دنیایی کند.<sup>۴</sup> کاری که او با ما می‌کند، وسوسه کردن است. او راهی جز همین وسوسه کردن ندارد.

همین دشمن، در روز قیامت که فرصتی برای توبه باقی نمانده است، به کسانی که فریبشان داده، می‌گوید:

«خداوند به شما وعده حق داد؛ اما من به شما وعده‌ای دیگر دادم و خلاف آن عمل کردم. البته من بر شما تسلطی نداشتم؛ فقط شما را به گناه دعوت کردم. این خودتان بودید که دعوت مرا پذیرفتید. امروز خود را سرزنش کنید نه مرا. امروز نه من می‌توانم به شما کمکی کنم و نه شما می‌توانید مرا نجات دهید».<sup>۵</sup>

۱- سوره وائسقه، آیه ۵۲

۲- النجفة البيضاء، فیض کاشانی، ج ۵، ص ۶: «عدی غلوقه تشكك ألی بن جنتیک»

۳- سوره ص، آیه ۸۲

۴- سوره ابراهیم، آیه ۲۲

۲- خداوند، ما را صاحب اراده و اختیار آفرید و مسئول سرنوشت خویش قرار داد. سپس راه رستگاری و راه شقاوت را به ما نشان داد تا با استفاده از سرمایه عقل راه رستگاری را برگزینیم و از شقاوت دوری کنیم.

إِنَّا هَدَيْنَا السَّبِيلَ  
 ما راه را به او نشان دادیم  
 إِنَّمَا سَاكِرًا وَ إِمَّا كَفُورًا<sup>۱</sup>  
 با سپاسگزار خواهد بود و یا ناسپاس<sup>۱</sup>

برای این ویژگی، نام مناسب انتخاب کنید : .....

۳- او سرشت ما را با خود آشنا کرد و گرایش به خود را در وجود ما قرار داد. از این رو هر کس در خود می نگرد و با به تماشای جهان می نشیند، خدا را می باید و محبتش را در دل احساس می کند. امیرمؤمنان علی علیه السلام می فرماید :

« هیچ چیزی را مشاهده نکردم، مگر اینکه خدا را قبل از آن، بعد از آن و با آن دیدم. »<sup>۲</sup>

گاهی غفلت ها سبب دوری ما از او و فراموشی یاد او می شود، ولی باز که به خود باز می گردیم، او را در کنار خود می یابیم و می گویم :

دوست نزدیک تر از من بمن است  
 و من محب تر کس من از وی دورم  
 چه کنم با که توان گفت که او  
 در کنار من و من مجورم<sup>۳</sup>

برای این ویژگی، نام مناسب انتخاب کنید : .....

۴- خدای متعال، شناخت خیر و نیکی و گرایش به آن و شناخت بدی و زشتی و بیزاری از آن را در وجود ما قرار داد، تا به خیر و نیکی رو آوریم و از گناه و زشتی بپرهیزیم. از این روست که همه ما فضائلی چون صداقت، عزت نفس و عدالت را دوست داریم و از دورویی، حقارت نفس، ریا و ظلم بیزاریم.

و نَفْسٍ وَ مَا سَوَّاهَا  
 سوگند به نفس و آن که سامانتش بخشید  
 قَالَتْهَا فُجُورًا وَ تَقْوَاهَا  
 آن گاه بدکاری ها و تقوایش را به او الهام کرد.<sup>۴</sup>

۱- سوره انسان، آیه ۴

۲- علم الفتن، ملا محسن فیض کاشانی، ج ۱، ص ۲۹

۳- گلستان سعدی

۴- سوره نسی، آیات ۷ و ۸

الف) نام این دشمن چیست؟ .....

ب) کدام آیه به این دشمن اشاره می کند؟ .....

ج) دو پیام مهم از ترجمه آن آیه استخراج کنید : .....

.....

.....

باسخ سوالات نسا

۱- چرا خدا شیطان را آفرید تا انسان ها را گمراه کند؟

اولاً خداوند شیطان را شیطان نیافرید. او را مانند سایر مخلوقات آفرید تا خدا را عبادت نماید و پاداش آن را دریافت کند. او چون خدا را زیاد عبادت می کرد به مقام فرشتگان رسید و هزاران سال هم نشین آنان شد. اما عبادت های او، نوعی غرور در وی به وجود آورد که در برابر فرمان خدا ایستاد و برای آدم سجده نکرد. پس از آن بود که از درگاه خداوند رانده شد و آن مقام را از دست داد و راه فریب انسان ها را در پیش گرفت. پس خداوند از همان اول موجودی به عنوان شیطان با درونی پلید و شیطانی نیافریده بود بلکه این خود او بود که از اطاعت خدا اجتناب کرد و راه دیگری برگزید. همچنان که خداوند، از ابتدا فرعون را با صفت فرعون و ستمگری خلق نکرده بود، بلکه خداوند انسانی آفرید که سبب ستمگری رشتد و کمال داشت اما خودش با میل و اختیار خود، راه غلط را برگزید. ثانیاً شیطان هیچ کس را وادار و مجبور به گناه نمی کند، بلکه شیطان تنها انسان را دعوت به گناه می نماید و انسان می تواند در مقابل شیطان بایستد و او را ناامید کند، همان طور که بسیاری از انسان ها چنین می کنند.

۲- می خواهم هر طور دلم می خواهد خدا را عبادت کنم!؟

بعضی ها فرارشان از دستورات خدا را پشت حرف های پنهان می کنند که به ظاهر زیباست. مثلاً می گویند : «من نماز نمی خوانم اما به مردم ظلم نمی کنم و دست آنها را می گیرم. دعای مردم برای من کافی است.»

باید بدانیم این چنین حرف هایی تازه نیست. پیش از این، شیطان هم وقتی از فرمان خدا برای سجده کردن به حضرت آدم سرپیچی کرد، به همین شکل دلیل آورد. او گفت : «اگر مرا از سجده بر آدم معاف داری نو را عبادتی خواهم کرد که هیچ کس نکرده باشد.» خداوند در پاسخش

برای این ویژگی، نام مناسب انتخاب کنید: .....  
 ۵- گرایش انسان به نیکی‌ها و زیبایی‌ها سبب می‌شود که در مقابل گناه و زشتی واکنش نشان دهد و آن‌گاه که به گناه آلوده شد، خود را سرزنش و ملامت کند و در اندیشهٔ جبران آن برآید. قرآن کریم، عامل درونی این حالت را «نفس لوامه»، یعنی نفس سرزنشگر، نامیده و به آن سوگند خورده است.

وَلَا أُقْسِمُ بِالنَّفْسِ اللَّوَّامَةِ  
 و سوگند به نفس ملامت‌کننده<sup>۱</sup>

نام دیگر این عامل درونی را بنویسید: .....  
 ۶- علاوه بر این سرمایه‌های بزرگ، خداوند، پیامبران و پیشوایان پاک و دلسوزی را همراه با کتاب راهنما برای ما فرستاد تا راه سعادت را به ما نشان دهند و در پیمودن راه حق به ما کمک کنند.

#### سرمایه و هدف

هدف و مسیر حرکت هر کس با توانایی‌ها و سرمایه‌هایش هماهنگی دارد. اگر کسی سرمایه‌ای اندک داشته باشد، به کاری کوچک روی می‌آورد. ولی هرچه سرمایهٔ این شخص بیشتر شود، هدف‌های بزرگ‌تری را می‌تواند مدنظر قرار دهد و به کارهای ارزشمندتری رو آورد.

انسان سرمایه‌های عظیم و ارزشمندی همچون عقل، وجدان، راهنمایان الهی و ... دارد؛ سرمایه‌هایی که حیوانات و گیاهان از آن برخوردار نیستند. از آنجا که ما بیش از حیوانات سرمایه و استعداد داریم، قطعاً هدف و مسیر ما نیز باید متفاوت از آنها باشد. پس چگونه می‌توانیم به کاری که در حد و اندازهٔ حیوانات است، قانع شویم و در همان سطح بمانیم. هدف ما باید به وسعت سرمایه‌هایمان باشد.

اگر هدف از خلقت ما خوردن، خوابیدن و شهوت‌رانی در این دنیای چند روزه بود، آیا به سرمایه‌هایی همچون عقل و وجدان و پیامبران نیاز داشتیم؟! عقلی که با دوراندیشی، ما را از خوشی‌های زودگذر منع می‌کند و وجدانی که با محکمه‌اش، ما را از راحت‌طلبی باز می‌دارد. اگر بنا بر خوردن و خوابیدن باشد، حیوانات از ما خوش‌تر زندگی می‌کنند! چون نه عقل دارند که مانع آنان باشد و نه وجدانی که گاه و بیگاه آنان را سرزنش کند.

۱- سورهٔ قیامت، آیهٔ ۲

فرمود: «می‌خواهم آن‌گونه عبادت شوم که خود می‌خواهم، نه آن‌گونه که تو می‌خواهی».  
 کسی که معنای واقعی عبادت و بندگی را بفهمد، نمی‌تواند خواسته‌های دل خودش را جایگزین عبادت بداند. عبادت یعنی آن‌گونه که خدا می‌خواهد باشیم. کمک کردن به محرومان، وظیفهٔ انسانی و دینی هر مسلمان است، اما این که بگوییم دستور خداوند در باب کمک به محرومان جایگزین دستورات خدا برای نماز خواندن می‌شود، اشتباه است.  
 ترویج این فکر، یعنی ترویج نافرمانی از خدا. مراقب باشیم، چون شیطان گاهی با لباس خوبی‌ها وارد می‌شود و خوبی‌های ضروری دیگر را خراب می‌کند.

#### اندیشه و تحقیق

- ۱- آیا وجود شیطان، مانع اختیار و ارادهٔ ما در تصمیم‌گیری‌ها می‌شود؟
- ۲- چه رابطهای میان «توانایی‌ها و سرمایه‌های ما» و «هدف» وجود دارد؟
- ۳- خداوند شیطان را از درگاه خود راند و برای همیشه او را طرد کرد، به‌خاطر اینکه فرمان خدا را برای سجده بر انسان اطاعت نکرد. نظر شما دربارهٔ انسان‌هایی که حاضر نیستند در برابر خدا سجده کنند و بندگی شیطان را می‌پذیرند، چیست؟

#### معرفی کتاب

نام کتاب	نویسنده	انتشارات	مخاطب
جوان در کلام نور	مرتضی روحانی	مؤسسه امام خمینی (ره)	دانش آموز
مقدمه‌ای بر جهان بینی اسلامی (انسان در قرآن)	شهید مرتضی مطهری	صدر	معلم
به سوی او	محمدتقی مصباح‌زادی	مؤسسه امام خمینی (ره)	دانش آموز / معلم
به سوی خودسازی	محمدتقی مصباح‌زادی	مؤسسه امام خمینی (ره)	دانش آموز / معلم
جوان در چشم و دل پیامبر	محمدباقر پورامینی	کانون اندیشهٔ جوان	دانش آموز
انسان‌شناسی قرآنی	شهید مرتضی مطهری	صدر	معلم

۱- بخارا لاوار، جلد ۱۱، ص: ۱۲۱

بیشتر بدانیم

در جست و جوی گنج

شخصی سال‌ها در جست و جوی گنج بود. روزها زمین را می‌کاود و شب‌ها به زاری از خدا می‌خواست تا در یافتن گنج به او کمک کند تا سر و سامانی به زندگی خویش دهد. تا اینکه یک شب، هائفی در عالم خواب به او گفت: «من از طرف خدا مأمورم تو را در یافتن گنج کمک کنم. تیر و کمانت را بردار و به فلان تپه برو و در نقطه‌ای که می‌گویم، تیر را در کمان قرار ده. تیر هر جا که افتاد، گنج همان‌جا است!!»

مرد با طلوع خورشید تیر و کمان خود را برداشت و به تپه‌ای که نشانی آن را در خواب گرفته بود رفت. اما هائف نگفته بود تیر را به کدام سمت برتاب کند. از همین رو، تیر را به جهت‌های مختلف برتاب می‌کرد و هر جا تیر می‌افتاد، به کندن آن مشغول می‌شد. ولی هیچ خبری از گنج نبود. اندوهگین به گوشه‌ی مسجدی درآمد و گریه و ناله آغاز کرد که خدایا آخر این چه راهنمایی‌ای بود که به من کردی؟

مدت‌ها کارش گریه و دعا به درگاه الهی بود تا سرانجام آن هائف بار دیگر به خوابش آمد. مرد شکوه‌کنان به وی گفت: حرف تو غلط از کار درآمد. من نقطه‌ای را که گفتم پیدا کردم، تیر را به کمان کردم و به قوت کشیدم اما...»

هائف گفت: تو آن‌گونه که من گفتم، عمل نکردی. گفتم تیر را به کمان بگذار، هر جا افتاد همان‌جا گنج است، نگفتم به قوت بکش.

مرد گفت راست می‌گویی.

فردا به همان نقطه رفت؛ تیر را به کمان گذاشت. تا تیر را رها کرد؛ پیش پای خودش افتاد. آن‌گاه بود که فهمید منظور هائف این بوده که گنجی که سال‌ها به دنبال آن بوده است در درون خودش می‌باشد.

ای کمان و تیر را بر ساخت  
گنج نزدیک و تو دور انداخت!

درس سوم

به سوی جاودانگی



جلسه اول

قرائت: آیات زیر را به دقت و زیبا قرائت کنید.

أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

﴿ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ

وَلتَنْظُرْ نَفْسٌ

مَا قَدَّمَتْ لِعِبَادِ

وَاتَّقُوا اللَّهَ

إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ

﴿ وَ لَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ نَسُوا اللَّهَ

فَأَنسَاهُمْ أَنفُسَهُمْ

أُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ

﴿ لَا يَسْتَوِي

أَصْحَابُ النَّارِ وَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ

أَصْحَابُ الْجَنَّةِ هُمُ الْغَائِبُونَ

﴿ كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ

لُمَّا إِلَيْنَا تَرْجَعُونَ

﴿ وَ الَّذِينَ آمَنُوا

وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ

لَنُجْزِيَنَّهُمْ مِن الْجَنَّةِ جُزْءًا

تَجْرِي مِن تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ

خَالِدِينَ فِيهَا

نِعْمَ أَجْرُ الْعَامِلِينَ

﴿ الَّذِينَ صَبَرُوا

وَ عَلَى رِجْلِهِمْ سَبْحٌ مِّنَ الْمَرْجَمِ

وَ عَلَى رِجْلِهِمْ يَنْزِيلٌ مِّنَ السَّمَاءِ

ای مؤمنان، مراقب رفتارتان در حضور خدا باشید

هر کس باید ببیند

برای فردای خود چه آماده کرده

مراقب رفتارتان در حضور خدا باشید

زیرا خدا آگاه است که چه می کنید

مانند آنان نباشید که خدا را از یاد برده اند

و خدا هم خودشان را از یاد خودشان برده است

چون اینان افرادی نافرمان و طغیانگر هستند.

برابر نیستند

دوزخیان و بهشتیان

زیرا بهشتیان اند که رستگارانند.

حضر، ۱۸ تا ۲۰

هر کسی طعم مرگ را می چشد

آنگاه به سوی ما بازگردانده می شوید

آن وقت کسانی را که ایمان آورده اند

و کارهای شایسته کرده اند

در خانه هایی بهشتی جا می دهیم

که از فرودست آنها جویبارهایی روان است

بهشتیان در آنجا جاویداند

چه نیکوست پاداش اهل عمل

همانان که صبوری کردند

و بر پروردگارشان توکل نمودند.

عنکبوت، ۵۷ تا ۵۹

موانع رسیدن به هدف

خدای متعال، علاوه بر اینکه عوامل رشد و کمال را به ما نشان داده، عوامل سقوط و گناه و دور ماندن از هدف را نیز به ما معرفی کرده است.



۱- او به ما یادآوری می کند که عاملی درونی، انسان ها را برای رسیدن به لذت های زودگذر دنیایی، به گناه دعوت می کند و از پیروی از عقل و وجدان باز می دارد.<sup>۱</sup> میل سرکشی که در درون انسان طغیان می کند و وی را به گناه فرامی خواند، «نفس امّاره»، یعنی فرمان دهنده به بدی ها نامیده می شود. این عامل درونی همان است که حضرت علی علیه السلام درباره اش فرموده است:

«دشمن ترین دشمن تو، همان نفسی است که در درون توست».<sup>۲</sup>



۲- همچنین، خداوند از عاملی بیرونی خبر می دهد که خود را برتر از آدمیان می پندارد و سوگند یاد کرده است که فرزندان آدم را فریب دهد و از رسیدن به بهشت باز دارد.<sup>۳</sup> کار او وسوسه کردن و فریب دادن است و جز این، راه نفوذ دیگری در ما ندارد. این خود ما هستیم که به او اجازه وسوسه می دهیم یا راه فریب را بر او می بندیم.

همین دشمن، در روز قیامت که فرصتی برای توبه باقی نمانده است، به اهل جهنم می گوید:

«خداوند به شما وعده حق داد؛ اما من به شما وعده ای دادم و خلاف آن عمل کردم. البته من بر شما تسلطی نداشتم؛ فقط شما را به گناه دعوت کردم. این خودتان بودید که دعوت مرا پذیرفتید. امروز خود را سرزنش کنید نه مرا. نه من می توانم به شما کمکی کنم و نه شما می توانید مرا نجات دهید».<sup>۴</sup>

نام این دشمن چیست؟ .....

۱- سوره بقره، آیه ۵۳

۲- النسخة البيضاء، نفس کاشانی، ج ۵، ص ۶؛ اعدى غلوك ففكك ألى بين غشيتك

۳- سوره ص، آیه ۸۲

۴- سوره ابراهيم، آیه ۲۲

### پیام آیات

آیا می‌توان پیام‌های زیر را از این آیات به دست آورد؟ آن قسمت‌هایی از ترجمه را که گویای این پیام‌ها هستند، کنار آنها بنویسید.

۱- زندگی این جهان یک زندگی موقتی است.

۲- زندگی دیگری وجود دارد که نتیجه زندگی دنیاست.

۳- انسان نابود نمی‌شود و همواره در سیرای دیگر به زندگی ادامه می‌دهد.

۴- مؤمنان نیکوکار نگاه بهشتی به مرگ دارند و مراقب رفتار خود هستند.

### دو نگاه و دو اعتقاد نسبت به آینده انسان

درباره آینده انسان پس از مرگ، دو نگاه وجود دارد:

- نگاه اول: مرگ، معبری برای ورود به حیات جدید
  - نگاه دوم: پایان‌پذیری زندگی انسان با مرگ
- در ادامه به توضیح هر یک از این دو نگاه می‌پردازیم:

#### نگاه اول: مرگ، معبری برای ورود به حیات جدید

پیامبران الهی و پیروان آنان مرگ را پایان بخش دفتر زندگی نمی‌پندارند؛ بلکه آن را غرویی برای جسم و تن انسان و طلوعی درخشان‌تر برای روح انسان می‌شمارند. آنان مرگ را پلی به حساب می‌آورند که آدمی را از یک مرحله هستی (دنیا) به مرحله دیگر هستی (آخرت) منتقل می‌کند. در این دیدگاه، دنیا تنها بخش کوچکی از زندگی انسان است و زندگی واقعی و ابدی وی پس از دنیا آغاز می‌شود.

### تسذیر

با توجه به ترجمه آیات زیر بگویید شیطان از چه راه‌هایی انسان را فریب می‌دهد؟

■ شیطان می‌خواهد به وسیله شراب و قمار، در میان شما عداوت و کینه ایجاد کند و شما را از یاد خدا و نماز باز دارد...

سوره مائده، آیه ۹۱

■ ... و شیطان، هر کاری را که [گناهکاران] می‌کردند، در نظرشان زینت داد.

سوره انعام، آیه ۴۴

■ کسانی که بعد از روشن شدن هدایت برای آنها، پشت به حق کردند، شیطان اعمال زشتشان را در نظرشان زینت داده و آنان را با آرزوهای طولانی فریفته است.

سوره محمد، آیه ۲۵

### پاسخ سوالات شما

چرا خدا شیطان را آفرید تا انسان‌ها را گمراه کند؟

در ابتدا باید بدانیم که خداوند شیطان را شیطان نیافرید؛ به این دلیل که او هزاران سال هم‌نشین فرشتگان بود و خدا را عبادت می‌کرد اما در نهایت بنای طغیان و سرکشی گذاشت و مسیر انحراف را برگزید. پس خداوند از همان اول موجودی به‌عنوان شیطان با درونی پلید و شیطانی نیافریده بود بلکه این خود او بود که از اطاعت خدا اجتناب کرد و راه دیگری برگزید. همچنان که خداوند، از ابتدا فرعون را با صفت فرعون و ستمگری خلق نکرده بود، بلکه خداوند انسانی آفرید که شایستگی رشد و کمال داشت اما خودش با میل و اختیار خود، راه غلط را برگزید.

رسول خدا ﷺ در این باره می‌فرماید:

شما انسان‌ها برای نابودی و فنا خلق نشده‌اید، بلکه برای بقا آفریده شده‌اید و با مرگ تنها از جهانی به جهان دیگر، منتقل می‌شوید.<sup>۱</sup>

وقتی از ایشان پرسیدند: باهوش‌ترین مؤمنان چه کسانی هستند؟

در پاسخ فرمود: آنان که فراوان به یاد مرگ‌اند و بهتر از دیگران خود را برای آن آماده می‌کنند.<sup>۲</sup>

در این دیدگاه، زندگی دنیوی نسبت با زندگی آخرت، همچون خوابی کوتاه و گذراست و زندگی حقیقی در جهان دیگر آغاز می‌شود؛ به همین جهت پیامبر ﷺ می‌فرماید:

أَلْتَأْتِئِ نَبِيَّامُ، فَإِذَا مَاتُوا، اِنْتَبَهَوْا<sup>۳</sup>

مردم [در این دنیا] در خوابند، هنگامی که

بمیرند، بیدار می‌شوند.

#### آثار و نتایج نگاه اول

۱- اولین نتیجه این اعتقاد، بیرون آمدن زندگی از بن بست زودگذر بودن عمر و باز شدن پنجره جاودانگی است؛ زیرا انسان به دنبال جاودانگی است و نابودی را نمی‌خواهد و اعتقاد به آخرت به معنای قبول زندگی جاودانه و همیشگی است. انسان، پس از رسیدن به این اعتقاد می‌داند که هیچ‌یک از کارهای نیک وی عیب و باطل نبوده و بی‌پاداش نمی‌ماند. هر خدمتی را که به محرومی می‌کند، هر غمگینی را که نشاد می‌سازد و هر باری را که از دوش انسانی برمی‌دارد، در پیشگاه خداوند دارای اجر و مزد است. حتی اگر در کاری موفق نشود و با در برابر کارهایش تقدیر و تشکری از سوی دیگران صورت نگیرد، ناامید و دل‌سرد نمی‌شود، زیرا می‌داند که خداوند او و تلاش‌هایش را می‌بیند و نیز اطمینان دارد که اگر در این مسیر ظلمی به او بشود و نتواند داد خود را از ظالمان بستاند، قطعاً در آخرت خداوند حق او را از ظالمان خواهد گرفت.

۱- تصحیح الاعتقاد، صبح مفید، ص ۲۷

۲- المحجة البيضاء، فیض کاشانی، ص ۲۴۴

۳- تنبیه القواطر و زهد القواطر، وزا من این قرآن، جلد ۱، ص ۱۵۰. قابل ذکر است که یکی از فیلسوفان معاصر آلمان به نام خانم «آتماری نیبل» متوفی سال ۲۰۰۳ میلادی، وقتی که با قرآن کریم و نهج البلاغه و سخنان پیامبر آشنا شد، با اینکه خود از فیلسوفان بزرگ آلمان بود، چنان مجذوب عظمت قرآن و کلمات پیامبر و امام علی شد که هنگام درگذشت خود وصیت کرد که حسن جمله پیامبر را روی سنگ قبر وی بویستد و این جمله هم‌اکنون روی قبر او ظنی بسته است.

نکته دوم اینکه شیطان هیچ‌کس را وادار و مجبور به گناه نمی‌کند، بلکه شیطان تنها انسان را دعوت به گناه می‌کند و انسان می‌تواند به دعوت شیطان پاسخ نه بدهد و او را ناامید کند. نکته آخر اینکه، علت گناه انسان فقط و فقط شیطان نیست. اگر شیطان هم نبود، نفس اماره نیز انسان را به گناه تشویق می‌کرد. انسان در کنار ویژگی‌های فطری که او را به سمت خیر راهنمایی می‌کنند، دارای غرائز حیوانی نیز هست و اگر زمام خود را به این غرائز دهد، جز به مسائل حیوانی نمی‌اندیشد. شیطان در این میان فقط به کمک نفس اماره می‌آید و انسان را به غرق شدن در این غرائز دعوت می‌کند، اما در پذیرش این دعوت، هیچ اجباری نیست.

#### اندیشه و تحقیق

۱- آیا وجود شیطان، مانع اختیار و اراده ما در تصمیم‌گیری‌ها می‌شود؟

۲- چه رابطه‌ای میان «توانایی‌ها و سرمایه‌ها» و «هدف» وجود دارد؟

۳- خداوند شیطان را از درگاه خود راند و برای همیشه او را طرد کرد، چون فرمان خدا را برای سجده بر انسان اطاعت نکرد. حال دیدگاه و احساس خود را نسبت به انسان‌هایی که حاضر نیستند در برابر خدا سجده کنند و بندگی شیطان را می‌پذیرند، بیان کنید.

معرفی کتاب

نام کتاب	نویسنده	انتشارات	مخاطب
۱- جوان در گلام نور	مرتضی روحانی	مؤسسه امام خمینی <small>علیه السلام</small>	دانش آموز
۲- مقدمه‌ای بر جهان‌بینی اسلامی (انسان در قرآن)	شهید مرتضی مطهری	صدرا	معلم
۳- به سوی او	محمدتقی مصباح یزدی	مؤسسه امام خمینی <small>علیه السلام</small>	دانش آموز / معلم
۴- به سوی خودسازی	محمدتقی مصباح یزدی	مؤسسه امام خمینی <small>علیه السلام</small>	دانش آموز / معلم
۵- جوان در چشم و دل پیامبر	محمدباقر پورامینی	کانون اندیشه جوان	دانش آموز
۶- انسان‌شناسی قرآنی	شهید مرتضی مطهری	صدرا	معلم

۲- دومین اثر اعتقاد به آخرت نهرآسیدن از مرگ است. آنان که واقعاً به آخرت ایمان دارند و از صمیم قلب به آن معتقدند، ترسی از مرگ ندارند و از این رو، همواره آماده فداکاری در راه خدا هستند. خداپرستان حقیقی گرچه در دنیا زندگی می‌کنند و زیبا هم زندگی می‌کنند؛ اما به آن دل نمی‌سپارند. آنان معتقدند که مرگ برای کسانی ناگوار و هولناک است که زندگی را محدود به دنیا می‌بینند یا با کوله‌باری از گناه از دنیا می‌روند. خداپرستان و معتقدان به آخرت، در عین حال که از آخرت نمی‌ترسند، از خداوند عمر طولانی طلب می‌کنند تا بتوانند در این جهان با تلاش در راه خدا و خدمت به انسان‌ها، زمینه رشد خود را فراهم آورند و با اندوخته‌ای کامل‌تر به ملاقات خدا بروند و به درجات برتر بهشت نائل شوند.

از طرف دیگر، همین عامل سبب می‌شود که دفاع از حق و مظلوم و فداکاری در راه خدا برای آنان آسان‌تر شود و شجاعانشان به مرحله عالی برسد و آنگاه که حیات این دنیا چیزی جز تنگ و ذلت نباشد، و فداکاری در راه خدا ضرورت پیدا کند، آنان به استقبال شهادت بروند و با شهادت خود راه آزادی انسان‌ها را هموار کنند؛ از این رو، آنگاه که امام حسین علیه السلام در دوراهی ذلت و شهادت قرار گرفت، شهادت را برگزید و فرمود:

من مرگ را جز سعادت، و زندگی با ظالمان را جز تنگ و خواری نمی‌بینم.<sup>۱</sup>  
و خطاب به یاران خود نیز فرمود:

مرگ چیزی نیست مگر پلی که شما را از ساحل سختی‌ها به ساحل سعادت و کرامت و بهشت‌های بهناور و نعمت‌های جاوید عبور می‌دهد. پس کدام یک از شما بدش می‌آید که



از زندان این دنیا به قصر زیبای آخرت منتقل شود؟<sup>۲</sup>

۳- سومین اثر اعتقاد، راه و گذرگاه دیدن دنیا است، نه منزلگاه و محل اقامت. معتقدان حقیقی به آخرت، با این نگاه به دنیا، رفتارشان، مانند رفتار انسانی است که مثلاً قصد رفتن و مهاجرت کردن به مشهد را دارد و می‌خواهد در آن شهر اقامت کند. البته تاجار است مسیر راه تا مشهد را هم ببیند. تمام نگاه چنین کسی آن است که سالم به مشهد برسد و آنچه را برای مشهد نیاز دارد، با خود بیاورد و فقط آن قدر در مسیر هزینه کند که بتواند با موفقیت وارد مشهد شود. چنین انسانی سرگرم مسیر نمی‌شود، بیش از حد برای آن هزینه نمی‌کند و عمر و زمان خود را صرف اموری که هیچ فایده‌ای برای آینده او ندارد، نمی‌نماید. به عبارت دیگر: فریب مسیر را نمی‌خورد و جای سر منزل و مقصد

۱- بخاراآوار، مجلس، ج ۴۴، ص ۲۸۱

۲- معانی الأخبار، نسخ صدوق، ص ۲۸۸



قرارش نمی‌دهد. این کاهش دلبستگی به مسیر موجب می‌شود در برابر سختی‌های راه از تاب‌آوری بالاتری برخوردار شود.

#### تطبيق

به آیات اول درس مراجعه کنید و ببینید کدام آیه بر این نگاه به دنیا دلالت می‌کند؟ عبارت‌هایی از ترجمه آیه را نیز انتخاب کنید.

.....

.....

.....

#### بیشتر بدانیم

### پرواز عاشقانه

ای خدایی که عشق تو، قلب مرا به لرزه درمی‌آورد و روحم را به پرواز وامی‌دارد. اینک پرواز به سوی تورا برگزیده‌ام. بال‌هایم را به واسطه‌ی لیاقت بودتم و به جرم گناهانم نسوزان. خدایم! خواهی که ملاقات تو بیایم و به ملاقات رسول تو که روح فدای او باد ای یاری کسان، ای دریابنده از خودی خود شدگان، به خودت قسم که در این جهان دیگر نمی‌گنجم و منتظر رسیدن فرمان تو هستم. به خودت سوگند که در این جهان بدون تو بی‌کس و تنها و ناامیدم. همه چیزم تویی، امیدم تویی، هسقم تویی، عشقم تویی. اینک کوله بارم را از گناه خویش را بردوش می‌گیرم و در انتظارم تا دعوت خدایم را لبیک گویم. مبادا دعوتم نکنی! می‌خواهم این قلب شکافته شود و پیکرم متلاشی گردد تا روحم از این قفس بیرون آید و به سوی تو پرواز کند. شهادت سرمایه‌ماست. شهادت پرواز عاشقان است. شهادت اوج ایمان است.

برگزیده‌ای از دست‌نوشته‌های شهید سید محمود اقطاعی

قرائت : آیات زیر را به دقت و زیبا قرائت کنید.

أعوذُ باللهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ  
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

• وَ أَمَّا الَّذِينَ كَفَرُوا  
أَلَمْ تَكُنْ آيَاتِي تُسَلِّي عَلَيْكُمْ  
فَأَسْتَكْبِرْتُمْ  
وَ كُنْتُمْ قَوْمًا مُّجْرِمِينَ  
• وَ إِذَا قِيلَ لَهُنَّ  
وَ النَّاعَةُ لَا رَيْبَ فِيهَا  
فَلْتُمْ مَا تَدْرِي مَا النَّاعَةُ  
إِنْ تَنْظُرِينَ إِلَّا ظَنًّا  
وَ مَا نَحْنُ بِمُستَشْفِقِينَ  
• وَ بُدِئَ لَهُمُ السَّيِّئَاتِ مَا عَمِلُوا  
وَ حَاقَ بِهِمْ  
مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ  
وَ قِيلَ السَّيُّومُ نَنْسَأُكُمْ  
كَمَا نَسَيْتُمْ لِقَاءَ يَوْمِكُمْ هَذَا  
وَ مَا وَكُمُ النَّارُ  
وَ مَا لَكُمْ مِنْ نَاصِرِينَ  
• ذَلِكُمْ بِأَنَّكُمْ اتَّخَذْتُمْ آيَاتِ اللَّهِ  
هُزُؤًا  
وَ غَرَبَتْكُمْ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا  
فَالْيَوْمَ لَا يُخْرَجُونَ مِنْهَا  
وَ لَا هُمْ يُسْتَعْتَبُونَ

اما آنان که کفر ورزیده اند، (به آنان می فرماید)  
آیا آیات من بر شما خوانده نمی شد  
که استکبار ورزیدید؟  
و قومی گنهگار نبودید؟  
و چون گفته می شد که وعده الهی حق است  
و نسکی در قیامت نیست  
می گفتید نمی دانیم قیامت چیست  
و آن را جز گمانی نمی بنداریم  
و اصلاً آن را باور نمی کنیم  
و بدی آنچه کرده بودند بر آنان آشکار شد  
و آنها را در در برگرفت  
آنچه را که به سخره و ریشخند گرفته بودند  
به آنان می گویند : امروز فراموشتان می کنیم  
همان گونه که شما دیدار امروزتان را فراموش  
کردید  
و جایگاه شما آتش دوزخ است  
و برای شما باوری نیست  
این بدان خاطر است که آیات خدا را مسخره کردید  
و زندگی دنیا شما را فریفت.  
پس امروز، نه از آن بیرون برده می شوند  
و نه عذرشان را می پذیرند.

جزء ۲۳

سورۃ ص ۲۸



آیات درسی را با توجه به الگوی قرائت، جمله به جمله بخوانید و به معنای آن دقت کنید.

إِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَأِكَةِ إِنِّي خَالِقٌ بَشَرًا مِنْ طِينٍ ﴿۱۶﴾  
فَإِذَا سَوَّيْتُهُمْ وَنَفَخْتُ فِيهِمْ مِنْ رُوحِي فَقَعُوا لَهُمْ  
سُجَّدِينَ ﴿۱۷﴾ فَسَجَدَ الْمَلَأِكَةُ كُلُّهُمْ أَجْمَعُونَ ﴿۱۸﴾  
إِلَّا إِبْلِيسَ اسْتَكْبَرَ وَكَانَ مِنَ الْكَافِرِينَ ﴿۱۹﴾ قَالَ يَا بَلِيسُ  
مَا مَنَعَكَ أَنْ تَسْجُدَ لِمَا خَلَقْتُ بِإِيْدِي أَسْتَكْبَرْتَ  
أَمْ كُنْتَ مِنَ الْعَالِينَ ﴿۲۰﴾ قَالَ أَنَا خَيْرٌ مِنْهُ خَلَقْتَنِي مِنْ نَارٍ  
وَخَلَقْتَهُ مِنْ طِينٍ ﴿۲۱﴾ قَالَ فَأَخْرِجْ مِنْهَا فَإِنَّكَ رَاجِعٌ  
وَإِنْ عَلَيْكَ لَعْنَتِي إِلَى يَوْمِ الدِّينِ ﴿۲۲﴾ قَالَ رَبِّ فَأَنْظِرْنِي  
إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ ﴿۲۳﴾ قَالَ فَإِنَّكَ مِنَ الْمُنْظَرِينَ ﴿۲۴﴾  
إِلَى يَوْمِ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ ﴿۲۵﴾ قَالَ فَبِعِزَّتِكَ لَأُغْوِيَنَّهُمْ  
أَجْمَعِينَ ﴿۲۶﴾ إِلَّا عِبَادَكَ مِنْهُمُ الْمُخْلَصِينَ ﴿۲۷﴾  
قَالَ فَالْحَقُّ وَالْحَقُّ أَقُولُ ﴿۲۸﴾ لَأَمْلَأَنَّ جَهَنَّمَ مِنْكَ  
وَمِمَّن تَبِعَكَ مِنْهُمْ أَجْمَعِينَ ﴿۲۹﴾ قُلْ مَا أَسْأَلُكُمْ  
عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ وَ مَا أَنَا مِنَ الْمُتَكَلِّفِينَ ﴿۳۰﴾ إِنْ هُوَ  
إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ ﴿۳۱﴾ وَ لَتَعْلَمُنَّ نَبَأَهُ بَعْدَ حِينٍ ﴿۳۲﴾

ترجمه

سورة ص، آیات ۷۱ تا ۸۸

آنگاه که پروردگارت به فرشتگان گفت من بشری را از گِل خواهم آفرید. ۷۱  
 پس چون او را [کاملاً] درست کردم و از روح خویش در آن دمیدم سجده کنان  
 برای او [به خاک] بپشتید. ۷۲  
 پس همه فرشتگان بکسره سجده کردند. ۷۳  
 به غیر از ابلیس [که] تکبر نمود و از کافران بود. ۷۴  
 فرمود: ای ابلیس، چه چیز تو را از سجده کردن در برابر آنچه من با دستان خود  
 آفریده‌ام منع کرد؟ آیا بزرگی فروختی یا مقامی ارجمند داشتی؟ ۷۵  
 گفت: من از او بهترم مرا از آتش آفریده‌ای و او را از گِل آفریده‌ای. ۷۶  
 فرمود: پس از آن [مقام] بیرون شو که تو رانده‌ای. ۷۷  
 و تا روز جزا لعنت من بر تو باد. ۷۸  
 گفت: پروردگارا پس مرا تا روزی که برانگیخته می‌شوند مهلت ده. ۷۹  
 فرمود: در حقیقت تو از مهلت بافتگانی. ۸۰  
 تا روز معین معلوم. ۸۱  
 [شیطان] گفت: پس به عزت تو سوگند که همگی را از راه به در می‌برم. ۸۲  
 مگر آن بندگان خالص تو را. ۸۳  
 فرمود: حق [از من] است و حق را می‌گویم: ۸۴  
 هر آینه جهنم را از تو و از هر کس از آنان که تو را پیروی کنند، از همگی‌شان  
 خواهم انبانت. ۸۵  
 بگو مزدی بر این [رسالت] از شما طلب نمی‌کنم و من از کسانی نیستم که چیزی  
 از خود بسازم. ۸۶  
 این [قرآن] جز بندی برای جهانیان نیست. ۸۷  
 و قطعاً پس از چندی خیر آن را خواهید دانست. ۸۸

نگاه دوم: پایان‌پذیری زندگی انسان با مرگ

گروهی از مردم نیز هستند که زندگی پس از مرگ را انکار می‌کنند و معتقدند که با فرارسیدن مرگ پروندهٔ حیات انسان به کلی بسته می‌شود. اجزای بدن وی نیز به خاک برمی‌گردد و مسیر متلاشی شدن را می‌پیماید و چیزی از انسان باقی نمی‌ماند. از نظر اینان، انسان‌های ظالم و مظلوم، تبیل و تلائسگر، خودخواه و نوع‌دوست، مستبد و آزاده، استعمارگر و استعمارشده، همه در هنگام مرگ با یکدیگر مساوی‌اند و جملگی راه فنا می‌پیمایند و جز استخوان‌هایی پوسیده و اندامی به خاک تبدیل شده، چیزی از آنها باقی نمی‌ماند. فقط تا مدتی خاطره‌ای از آنها در اذهان خویشان یا همشهریان و برخی دیگر از انسان‌ها، به نیکی و یا به بدی، وجود دارد که آن هم اندک اندک فراموش می‌شود و از خاطره‌ها محو می‌گردد.

تفکر در آیات

در ترجمهٔ آیات قبل تفکر کنید و به سؤال زیر پاسخ دهید:

کسانی که به آخرت اعتقادی ندارند، در پاسخ به پیامبران چه می‌گویند و چه رفتاری از خود بروز می‌دهند؟ به حداقل چهار نکته اشاره کنید.

.....

.....

.....

.....

آثار و نتایج نگاه دوم

۱- از مهم‌ترین پیامدهای این نگاه، آن هم برای انسانی که در درون خود بی‌نهایت‌طلبی را حس می‌کند و میل به جاودانگی در او قوی است، هراس از مرگ و ترس از فنا و نیستی است. به همین جهت این گونه افراد می‌کوشند دربارهٔ مرگ فکر نکنند و یاد این حادثهٔ عظیم را از خاطره خود ببرند. اینان به هر کسی هم که دربارهٔ مرگ صحبت کند و سبب شود که یاد مرگ برایشان زنده شود، اعتراض می‌کنند و می‌کوشند که از این قبیل صحبت‌ها دور بمانند.



## درس سوم

### خودِ حقیقی

جان بلندی داشت، تن پستی خاک

بچون بلند و پست با هم یار شد

مجمع شد خاک پست و جان پاک

آدمی امجوب اسرار شد

در درس قبل دانستیم که انسان سرمایه‌هایی دارد که او را از سایر موجودات جدا می‌کند و حرکت او به سوی کمال را متمایز می‌سازد. در این درس می‌خواهیم بدانیم که:

آیا این سرمایه‌ها مربوط به همین بُعد مادی و جسمانی اوست یا حقیقتی برتر و فراتر از این جسم نیز دارد؟

۱- عطار نیشابوری، مطلق العطر

۲- گروهی از این افراد نیز هستند که نمی‌توانند فکر مرگ را از ذهن خود خارج کرده و تلخی ناپوشیدن را از یاد ببرند. در نتیجه، همین زندگی چند روزه را هم که معمولاً همراه با مشکلات و ناملایمات است، بی‌ارزش می‌بینند و شادابی خود را از دست می‌دهند و گرفتار یأس و ناامیدی می‌شوند. گاهی این ناامیدی و یأس و تاریک و مبهم دیدن آینده، آنها را به کناره‌گیری از جمع و بیماری‌های روحی و روانی و رو آوردن به تسکین‌های موقتی و زودگذر می‌کشاند و در سرگردانی بیشتر فرو می‌برد.

۳- پیامد این نگاه برای برخی از افراد احساس آزادی و رهایی از هر قید و محدودیت اخلاقی و انسانی است. این دسته از افراد که احساس می‌کنند در برابر خدا مسئول نیستند و هیچ نظارتی بر کار آنان نیست، انجام هر عملی را که برای آنها لذت‌بخش باشد، برای خود مباح دانسته و به آن عمل مبادرت می‌ورزند.

**نکته:** در این میان کسانی نیز هستند که به لحاظ فکری و استدلالی، آخرت را قبول دارند، اما این قبول ذهنی به ایمان و باور قلبی آنها تبدیل نشده است. این افراد، با اینکه می‌دانند آخرتی هست، چون قلباً بایند این فکر خود نیستند، در بسیاری از موارد متناسب با این نگاه و فکر خود عمل نمی‌کنند و مرتکب کارهایی می‌شوند که به ضرر آخرت آنها می‌باشد. اینان اگر به این رفتار خود ادامه دهند، کارشان به جایی خواهد رسید که آخرت را از یاد ببرند و مانند گروه سوم به گناهان بزرگ و کوچک آلوده شوند.



#### تفکر در آیات

به ترجمه آیات این جلسه مراجعه کنید و به سؤال زیر پاسخ دهید.

چه سرنوشتی در انتظار منکرین آخرت است؟ این سرنوشت نتیجه چیست؟

.....

.....

.....

.....

باسخ سوالات نما

غفلت از زندگی پس از مرگ چه آثار و نتایجی در دنیای امروز داشته است؟

امروزه در میان برخی جوامع، به ویژه در برخی جوامع صنعتی، اعتقاد به زندگی در جهان دیگر، ضعیف شده است یا از آن غافل مانده اند و کمتر بدان توجه می شود. این غفلت و کم توجهی، آثار و نتایج خطرناکی در زندگی آنان داشته؛ به طوری که خیرخواهان و دلسوزان آن جوامع را به فکر چاره اندیشی انداخته است.

از جمله این آثار می توان به آمار بالای مصرف مشروبات الکلی، فرص های روان گردان و مواد مخدر صنعتی اشاره کرد که می توان آنها را از آثار بی توجهی به آخرت دانست.

جرج گوما، پژوهشگر آمریکایی حوزه روان شناسی می گوید: «مصرف داروهای ضد روان پریشی مدتی است که در آمریکا از داروهای درمان کلسترول و چربی که بر مصرف ترین دارو در آمریکاست، سبقت گرفته است»<sup>۱</sup>.

مارسیا انجل<sup>۲</sup>، سردبیر اسبق مجله پزشکی نیوانگلند نیز بر این باور است که استفاده از داروهای روان گردان به حد انفجار رسیده است.<sup>۳</sup>

این درحالی است که امکانات برای تفریح، سرگرمی و شادی، بیش از نیاز افراد در این کشورها وجود دارد و مردم در اوقات فراغت انواع و اقسام سرگرمی ها و تفریحات را در اختیار دارند. این وضعیت به کشورهای مسلمان نیز سرایت کرده است؛ به گونه ای که آن بخش از جوامع مسلمان که اعتقاد دینی در آنها ضعیف شده است و سبک زندگی جوامع صنعتی را انتخاب کرده اند، بیشتر گرفتار این گونه مواد هستند.

<sup>۱</sup> - Greg Guma

<sup>۲</sup> - این مطلب در مقاله اشان با عنوان 'Mind Games: Cyberspace and Psychiatric Drugs' ذکر شده است.

<sup>۳</sup> - Marcio Angell

<sup>۴</sup> - 'the epidemic of mental illness: why', The New York Review of books, June 23, 2011

جسم و روح

از ندرت در آیات قرآن کریم به دست می آید که وجود انسان از دو بُعد جسمانی و روحانی تشکیل شده است؛ بُعد جسمانی و مادی انسان، مانند سایر اجسام و مواد، تجزیه و تحلیل می پذیرد و سرانجام فرسوده و متلاشی می گردد و به مکان و زمان نیازمند و محدود است.

در مقابل، بُعد روحانی و غیرجسمانی انسان تجزیه و تحلیل نمی پذیرد، متلاشی نمی شود و بعد از مرگ بدن، باقی می ماند و آگاهی و حیات خود را از دست نمی دهد.

دانشمندان نشانه ها و دلایلی بر وجود این بُعد ذکر کرده اند که به دو مورد آن در اینجا بپردازیم. الف) ثابت بودن «خود»: هرکس درک روشنی از «خود» دارد و در اثبات وجود چیزی که از آن تعبیر به «من» می کند به هیچ گونه استدلالی احتیاج ندارد. با آنکه در طول زندگی، شکل و قیافه و اعضا و اندام های بدن در حال تغییر است و جسم امروز من با جسم زمان نوزادی بسیار متفاوت است، اما همان کسی هستم که سال ها پیش در فلان روز متولد شدم. وقتی به یاد می آورم که در فلان سال به بنده ای از بندگان خدا خدمتی کرده ام، احساس خوشحالی می کنم و وقتی به خاطر می آورم که در فلان زمان مرتکب خطایی شده ام، خود را ملامت می کنم و از خدا می خواهم به من کمک نماید تا گذشته ام را جبران کنم. اینها می رساند که رفتار گذشته ام را از خود می دانم و از هم اکنون برای آینده ام تقصه دارم و برنامه ریزی می کنم.

بنابراین، هرکس این را در درون خود می باید که گرچه در طول زندگی حالات گوناگون پیدا می کند اما یک محور ثابت دارد که به پشتوانه آن می گوید: گذشته آن گونه بودم و اکنون این گونه هستم.

حال باید دید که این حقیقت ثابت، وابسته به جسم و کالبد مادی ما است؟

می دانیم که بدن انسان مدام در حال تجزیه و تحلیل و بازسازی است. سلول های کهنه می میرند و سلول های جدید جای آنها را می گیرند. به گونه ای که گفته اند با گذشت حدود هفت سال، تمام عناصر بدن، عوض می شود.

اگر شخصیت یا «من» انسان وابسته به جسم او باشد، باید در دوران عمر بارها عوض شده و به شخص دیگری تبدیل شده باشد. در صورتی که چنین نیست. هرکس این را در خود می باید که کس دیگری جایگزین او نشده و او همواره خودش بوده است؛ و اگر کارهایی، خوب یا بد، در طول سالیان گذشته انجام داده، همه این کارها را به همین «خود» نسبت می دهد و «خود» را عامل آن کارها می داند.

### اندیشه و تحقیق

- ۱- آیا گروهی که راه بی‌توجهی و غفلت از مرگ را پیش می‌گیرند، شیوهٔ درستی را انتخاب کرده‌اند؟ چرا؟
- ۲- با دقت در جریانات و اتفاقات پیرامون خود، برخی از اعمال و رفتارهایی که ناشی از فراموشی و غفلت از آخرت است را بیان کنید.
- ۳- چرا برخی از کسانی که آخرت را قبول دارند، باز هم گناه می‌کنند؟
- ۴- آیا توجه به آخرت، لزوماً بی‌توجهی به دنیا و عقب‌ماندگی در زندگی دنیایی را در پی دارد؟

### معرفی کتاب

نام کتاب	نویسنده	انتشارات	مخاطب
مقدمه‌ای بر جهان‌بینی اسلامی (زندگی جاوید با حیات اخروی)	شهید مرتضی مطهری	صدرا	دانش‌آموز / معلم
معاد یا بازگشت به سوی خدا	محمد نجاعی	شرکت سهامی انتشار	دانش‌آموز / معلم
مخروج روح	محمد نجاعی	کانون اندیشهٔ جوان	دانش‌آموز
مرگ	سید یحیی یثربی	کانون اندیشهٔ جوان	دانش‌آموز / معلم

قوانین و مقررات جامعه و روابط بین افراد نیز بر پایهٔ پذیرش همین «من» ثابت، بنا شده‌اند. اگر از شخصی که بیست سال قبل کتابی نوشته یا یک قانون علمی را کشف کرده یا خدماتی به جامعه عرضه نموده است، اکنون تجلیل می‌کنیم و با اگر کسی را که بیست سال قبل، به جنایتی دست زده و اکنون دستگیر شده است، محاکمه و مجازات می‌کنیم، بدان جهت است که آنان را همان انسان بیست سال قبل می‌دانیم، گرچه سنی از آنان گذشته و ظاهرشان تغییر کرده است.

علاوه بر این، دیده‌ایم که برخی انسان‌ها قسمت‌هایی از بدن خود را در حادثه‌ای از دست می‌دهند، اما نه خودشان و نه دیگران، هیچ‌گاه احساس نمی‌کنند که قدری از هویت و «من» او کم شده باشد و این نشان می‌دهد که ثبات هویت و «خود» ما ناشی از ثبات اقدام‌های ما نیست.

### بررسی

چرا نمی‌توان این خود ثابت را از ویژگی‌های بُعد جسمانی دانست؟

.....

.....

.....

ب) خواب و رؤیا: هرکدام از ما هنگام خواب، رؤیاهایی را مشاهده می‌کنیم. این رؤیاها انواع مختلفی دارند؛ برخی، از حوادث و اتفاقات روزانهٔ ما سرچشمه می‌گیرند. برخی کاپوسند و صحنه‌هایی آشفته و بی‌اساس دارند، و...

اما برخی از خواب‌ها، خیر از حوادث گذشته با رویدادهای آینده می‌دهند، یا نشان‌دهندهٔ مکانی هستند که هرگز در بیداری آنجا را ندیده‌ایم و بعدها که به آنجا می‌رویم، آنچه را در خواب دیده بودیم، در خارج مشاهده می‌کنیم.

## درس چهارم آینده روشن

گاه این رؤیاها به گونه ای است که شخص کوچک ترین سابقه ذهنی درباره آنها ندارد، به طوری که بعد از بیدار شدن آن را باور نکرده و به خواب خود اعتنا نمی کند، اما بعد از گذشت مدت زمانی، همان رؤیا با تمام جزئیات به وقوع می پیوندد و شخص را به شگفتی وا می دارد.

انسان در این قبیل خواب ها که به آن «رؤیای صادقه» می گویند، از ظرف زمان و مکان خود خارج می شود و به زمانی در گذشته یا در آینده می رود، درحالی که جسم او در رختخواب است و چشم و گوش او چیزی نمی بیند و نمی شنود.

نمونه هایی از رؤیاهای صادقه را قرآن کریم در ماجرای حضرت یوسف علیه السلام ذکر نموده است که خود دلیلی است بر اصالت رؤیاهای راستین از دیدگاه قرآن.

### بررسی

چرا نمی توانیم رؤیاهای صادقه را به بُعد مادی و جسمانی خود نسبت دهیم؟  
مگر بُعد جسمانی ما چه ویژگی هایی دارد که نمی تواند منشأ این قبیل خواب ها باشد؟

نتیجه آن که ما غیر از بُعد جسمانی، بُعد دیگری داریم که در فرهنگ دینی، از آن به «روح» تعبیر شده است. همین بُعد است که به ما توانایی «انتخاب» و «تصمیم گیری» می دهد، به دنبال کمالات نامحدود است و توانایی درک واقعیات و تفکر و اندیشه به ما می بخشد. همین بُعد است که فضیلت ها و رذیلت های اخلاقی را کسب می کند و اگر به فضیلت ها آراسته شد، مقرب درگاه خدا و مسجود فرشتگان می شود و اگر به رذیلت ها تن داد، تا اعماق جهنم سقوط می کند.



جلسه اول

قرائت: آیات زیر را به دقت و زیبا قرائت کنید.

أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ  
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

• وَ ضَرَبَ لَنَا مَثَلًا  
وَ نَسِيَ خَلْقَهُ  
• قَالَ مَنْ يُحْيِي الْعِظَامَ  
وَ هِيَ رَمِيمٌ  
• قُلْ يُحْيِيهَا الَّذِي أَنْشَأَهَا أَوَّلَ مَرَّةٍ  
وَ هُوَ بِكُلِّ خَلْقٍ عَلِيمٌ  
• الَّذِي جَعَلَ لَكُم  
مِنَ الشَّجَرِ الْأَخْضَرِ نَارًا  
فَإِذَا أَنْتُمْ مِنْهُ تُوقِدُونَ  
• أَوَلَيْسَ الَّذِي  
خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ  
بِقَادِرٍ عَلَىٰ أَنْ يَخْلُقَ مِثْلَهُمْ  
بَلَىٰ وَ هُوَ الْخَلَّاقُ الْعَلِيمُ  
• أَيَحْسَبُ الْإِنْسَانُ  
أَلَّنْ نَجْمَعَ عِظَامَهُ  
• بَلَىٰ قَادِرِينَ  
عَلَىٰ أَنْ نُنْشِئَ بَنَانَهُ

برای ما مثلی می زند  
در حالی که آفرینش خود را فراموش می کند  
گوید چه کسی این استخوان هارا از نوزنده می کند  
در حالی که پوسیده اند  
بگو همان که نخستین بار او را بدید آورد  
همو که بر هر آفرینشی داناست.  
همان خدایی که به وجود آورد  
از درخت سبز آتش را  
که بتوانید از آن شعله برگیرید  
آیا کسی که  
آسمان ها و زمین را آفریده  
فادر به خلق مانند آنها نیست؟  
در حالی که او آفرینشگر داناست.  
پس، ۷۸ تا ۸۱  
آیا انسان می بندارد  
که استخوان های پوسیده اش را گرد نمی آوریم  
حق این است که ما قادریم که  
سرانگشت های او را هم فراهم کنیم.  
قیامت، ۳ و ۴

اندیشه و تحقیق

- ۱- منظور از خود حقیقی چیست؟ این خود چه ویژگی هایی دارد؟
- ۲- خود حقیقی چگونه با موضوع قضاوت قاضی در دادگاه ارتباط پیدا می کند؟
- ۳- به نظر شما افزایش بی رویه تعداد باشگاه های زیبایی اندام و با آرایشگاه ها و سالن های زیبایی در جامعه امروز، نشان از فراموشی چه حقیقی دارد؟

پیشنهاد

بررسی کنید که چرا انسان با اینکه می داند روح منشأ کسب فضایل و خوبی هاست اما بیشتر به جسم خود توجه می کند؟

معرفی کتاب

نام کتاب	نویسنده	انتشارات	مخاطب
۱- بازگشت به هستی	محمد نجاعی	کانون اندیشه جوان	دانش آموز / معلم
۲- آفتاب اندیشه (ج ۲ و ۳)	حسین سوزنجی	مدرسه	معلم
۳- خواب و نشان های آن	محمد نجاعی	کانون اندیشه جوان	دانش آموز / معلم



### ■ اهمیت اندیشیدن به معاد

قبل از اینکه به بحث دربارهٔ جهان پس از مرگ بپردازیم، بهتر است به این سؤال پاسخ دهیم که ضرورت بحث از معاد چیست؟ آیا بهتر نیست به موضوعاتی بپردازیم که برای زندگی ما مفید باشند؟ برای اثبات اهمیت و ضرورت تأمل در موضوع معاد، تنها به یک دلیل بسنده می‌کنیم:

### دفع خطر احتمالی

نگاهی کوتاه به زندگی روزمرهٔ انسان‌ها نشان می‌دهد که انسان در مواقعی که احتمال خطر یا خسارتی در میان باشد، سعی می‌کند جلوی خسارت احتمالی را بگیرد و از خطری که ممکن است پیش آید، بگریزد. در چنین شرایطی حتی اگر شخصی دیوانه یا دروغگو، که در شرایط عادی گفتهٔ او برای ما اعتباری ندارد، به ما خبری بدهد؛ مثلاً خبر از وجود سم در غذای ما دهد، این اعلام خطر را نادیده نمی‌گیریم و احتیاط می‌کنیم. همهٔ ما در این گونه موارد از یک قانون عقلی پیروی می‌کنیم که می‌گوید: «دفع خطر احتمالی، لازم است». حال اگر با خبری مواجه شویم که نه تنها احتمالی نیست، بلکه از قطعی‌ترین خبرهاست، با آن چگونه برخورد می‌کنیم؟ آن هم خبری که دربارهٔ زندگی جاودانی ماست.

پیامبران درستکارترین و راست‌گوترین مردمان در طول تاریخ بوده‌اند. حتی آنان که با پیامبران مخالفت می‌کردند، کمتر آنها را به دروغ‌گویی و خیانت متهم می‌نمودند؛ به‌عنوان مثال پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را حتی مشرکین و کافرین نیز به‌عنوان فردی امین و راستگو یاور داشتند. حال، همین پیامبران با قاطعیت کامل از وقوع معاد خبر آورده و نسبت به آن هشدار داده‌اند.

اگر به فرض، در اثبات معاد، هیچ دلیلی جز همین خبر پیامبران نداشته باشیم، تکلیف ما در برابر این خبر چیست؟ ما که برای فرار از خطرهای کوچک احتمالی، سخن هر کسی را می‌پذیریم، چگونه می‌توانیم وقتی که بای سعادت یا شقاوت ابدی ما در میان است، با بی‌توجهی از کنار این خبر بگذریم؟

کسی را مست جامی پرصل پیش	شالی کوبت خاطر، بندش
که ز زین صل زهر است در جام	اگر غلی بدو کوبد بیارام
بلا شک دست از آن دارد کشیده	چو از غل آن سخن دارد شنیده
که خواهد بود کاری صعب بر راه	تو را چندین مخبر کرده آگاه
به کنت انبیا از خواب برخیز!	به کنت غل جستی راه پر میز!

قرآنت

سوره صافات ۲۷

جزء ۲۲



استماع و ترجمه آیه

آیات درس را با توجه به الگوی قرآنت، جمله به جمله بخوانید و به معنای آن دقت کنید.

فَأَقْبَلَ بَعْضُهُمْ عَلَىٰ بَعْضٍ يَتَسَاءَلُونَ ﴿٥٠﴾ قَالَ قَائِلٌ مِنْهُمْ  
 إِنِّي كَانَ لِي قَرِينٌ ﴿٥١﴾ يَقُولُ أَإِنَّكَ لَمِنَ الْمُصَدِّقِينَ ﴿٥٢﴾  
 أَإِذَا مِتْنَا وَكُنَّا تُرَابًا وَعِظَامًا أَأَنْتَا لَمَدِينُونَ ﴿٥٣﴾  
 قَالَ هَلْ أَنْتُمْ مُطَّلِعُونَ ﴿٥٤﴾ فَاطَّلَعَ فَرَآهُ فِي سَوَاءِ الْجَحِيمِ ﴿٥٥﴾  
 قَالَ سَأَلْتُ اللَّهَ إِنْ كِدْتَ لَتُرْدِينِ ﴿٥٦﴾ وَلَوْلَا نِعْمَةُ رَبِّي  
 لَكُنْتُ مِنَ الْمُحْضَرِينَ ﴿٥٧﴾ أَفَمَا نَحْنُ بِمَعْتَبَرِينَ ﴿٥٨﴾  
 إِلَّا مَوَاقِنَا الْاُولَىٰ وَمَا نَحْنُ بِمُعَدَّبِينَ ﴿٥٩﴾ إِنَّ هَذَا  
 لَهَوَ الْفَوْزِ الْعَظِيمِ ﴿٦٠﴾ لِمِثْلِ هَذَا فَلْيَعْمَلِ الْعَمَلُونَ ﴿٦١﴾  
 أَذَلِكَ خَيْرٌ تُرْزِلُكُمْ شَجَرَةَ الرَّقُومِ ﴿٦٢﴾ إِنْ جَعَلْنَاهَا فِتْنَةً  
 لِلظَّالِمِينَ ﴿٦٣﴾ إِنَّهَا شَجَرَةٌ تَخْرُجُ فِي أَصْلِ الْجَحِيمِ ﴿٦٤﴾ طَلْعُهَا  
 كَأَنَّهُ زُؤَمٌ شَّيْطَانِيٌّ ﴿٦٥﴾ فَإِنَّهُمْ لَا يَكُونُ مِنْهَا قَمَالِعُونَ  
 مِنْهَا الْبُطُونَ ﴿٦٦﴾ تُشْرَاتُ لَهُمْ عَلَيْهَا لَشَوْبَانٌ مِنْ حَمِيمٍ ﴿٦٧﴾  
 تُشْرَاتُ مَرَجِعُهُمْ إِلَى الْجَحِيمِ ﴿٦٨﴾ إِنَّهُمْ أَلْفَوْا آبَاءَهُمْ  
 ضَالِّينَ ﴿٦٩﴾ فَهُمْ عَلَىٰ آثَرِهِمْ يُرْعَوْنَ ﴿٧٠﴾ وَلَقَدْ ضَلَّ قَبْلَهُمْ  
 أَكْثَرُ الْأَوَّلِينَ ﴿٧١﴾ وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا فِيهِمْ مُنذِرِينَ ﴿٧٢﴾ فَانظُرْ  
 كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُنذَرِينَ ﴿٧٣﴾ إِلَّا عِبَادَ اللَّهِ الْمُخْلَصِينَ ﴿٧٤﴾

قرآن کریم دو دسته دلیل برای معاد عرضه کرده است : دسته اول دلایلی هستند که «امکان» معاد را ثابت می کنند و آن را امری ممکن و شدنی نشان می دهند و دسته دیگر، دلایلی هستند که «ضرورت» معاد را به اثبات می رسانند و تحقق آن را لازم می دانند.

الف) دلایل بر امکان معاد

عده ای از انسان ها به این علت معاد را انکار می کنند که چنان واقعه بزرگ و با عظمتی را با قدرت محدود خود می سنجدند و هنگامی که تحقق آن را با قدرت بشری ناممکن می بینند، به انکار آن می پردازند. حال آنکه بعید بودن چیزی برای انسان هرگز دلیل بر غیرممکن بودن آن نیست. از این رو، قرآن یکی از انگیزه های انکار معاد را نشناختن قدرت خدا معرفی می کند و دلایل و شواهد زیادی می آورد تا نشان دهد معاد امری ممکن و شدنی است و خداوند بر انجام آن تواناست؛ مانند :

۱- آفرینش نخستین انسان و جهان : در برخی آیات قرآن، خداوند توجه منکران معاد را به پیدایش نخستین انسان جلب می کند و توانایی خود در آفرینش وی را تذکر می دهد. در این آیات بیان می شود که همان گونه که خداوند قادر است انسان را در آغاز خلق کند، می تواند بار دیگر نیز او را زنده کند.

تفکر در آیات

در ترجمه آیات ابتدای درس تأمل کنید و به سؤالات زیر پاسخ دهید :

۱- کدام یک از آیات آفرینش نخستین انسان را شهادی بر امکان معاد گرفته است؟

.....

۲- در این آیات کدام اسم از اسماء خداوند آمده است؟

.....

۲- تکیه بر قدرت خداوند : روش دیگر قرآن کریم، توجه دادن مردم به قدرت بی پایان خداوند می باشد تا آنان فکر نکنند که اگر کاری از آنان ساخته نیست، خداوند هم قادر به انجام آن نمی باشد.

تفکر در آیات

ترجمه آیات ابتدای درس را مطالعه کنید و به سؤالات زیر پاسخ دهید :

۱- کدام آیه برای امکان معاد بر قدرت خداوند تأکید می کند؟

.....

۲- چرا توانایی انسان ها قابل مقایسه با توانایی خدا نیست؟

.....

جلسه دوم

فرائت: آیات زیر را به دقت و زیبا فرائت کنید.

أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ  
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَمَا خَلَقْنَا السَّمَاءَ وَالْأَرْضَ  
وَمَا بَيْنَهُمَا بَاطِلًا  
ذَلِكَ ظَنُّ الَّذِينَ كَفَرُوا  
فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ كَفَرُوا مِنَ النَّارِ  
\* أَمْ نَجْعَلُ الَّذِينَ آمَنُوا  
وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ  
كَالْمُفْسِدِينَ فِي الْأَرْضِ  
أَمْ نَجْعَلُ الْمُتَّقِينَ كَالْفُجَّارِ  
\* كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ مُبَارَكٌ  
لِيَتَذَكَّرَ أُولُو الْأَلْبَابِ  
وَمَا أَسْمَانَ وَزَمِينَ وَانْجِهَ رَأْيَهُ  
بَيْنَ أَنْ دُوَّاسْتِ، بِيَهُودِهِ نِيَّافِرِيهِدِهِ،  
إِيْن بِنْدَارِ كَسَانِيْ اسْتِ كِه كَفَرُ وِرَزِيْدِهِ اَنْدِ  
بِسِ وَايِ بَرِ كَافِرَانَ اَزْ عَذَابِ اَنْشِ!  
أَيَا فَرَارِ مِيْ دِهِيْمِ مُؤْمِنَانَ رَأِ  
كِه عَمَلِ صَالِحِ كِرْدِه اَنْدِ  
هَمَانَ كَسَانِيْ كِه دَرِ زَمِيْنِ فِسَادِ كِرْدِه اَنْدِ؟  
يَا بَا نِقْوَابَانَ رَأِ مِاَنْدِ فَاجِرَانَ مِيْ شِمَارِيْمِ؟  
إِيْن، كِنَايِيْ اسْتِ مِبَارَكِ كِه بَرِ تُوْنَزَلِ كِرْدِه اِيْمِ  
تَا مَرْدِمِ دَرِ آيَاتِ اَنْ بِيْنْدِيْشِنْدِ  
وَخَرْدَمِنْدَانَ اَزْ اَنْ بِنْدِ بَكْرِيْنْدِ.  
ص، ۲۷ تا ۲۹

ب) دلایل بر ضرورت معاد

قرآن نه تنها معاد را امری ممکن می‌داند، بلکه وقوع آن را نیز امری ضروری دانسته و واقع نشدن آن را امری محال و ناروا معرفی می‌کند. دلایلی که قرآن در بحث ضرورت معاد بیان کرده است، عبارت‌اند از:  
۱- معاد لازمه حکمت الهی: خداوند حکیم است و لازمه حکمت خدا این است که هیچ کاری از کارهای او بیهوده و عبث نباشد. اگر خداوند تمایلات و گرایش‌هایی را در ذرون مخلوقات، از جمله انسان فرار داده، امکانات پاسخگویی به آن تمایلات و نیازها را نیز در عالم خارج فرار داده است؛ به‌طور مثال، در مقابل احساس تشنگی و گرسنگی، آب و غذا را آفریده است تا بتوانیم به وسیله آن تشنگی و گرسنگی خود را برطرف کنیم.

ترجمه

سوره صافات، آیات ۵۰ تا ۷۴

بِسِ بَرُخِي [بِهَشْتِيَان] بِه بَرُخِي رُوِي نَمُوْدِه وَ اَزْ هَمْدِيْگَرِ بَرَسِ وَجُو مِيْ كِنْدِ. ۵۰  
گوینده‌ای از آنان می‌گوید راستی من [در دنیا] همتشینی داشتم. ۵۱  
[که به من] می‌گفت آیا واقعاً تو از باور کنندگانی. ۵۲  
[به اینکه] وقتی مردم و خاک و [منشی] استخوان شدیم آیا واقعاً جزا داده می‌شویم. ۵۳  
[فرد بهشتی] می‌گوید آیا شما اطلاع دارید [آن همتشین کجاست]؟ ۵۴  
بس اطلاع می‌یابد و او را در میان آتش می‌بیند. ۵۵  
[و به او] می‌گوید به خدا سوگند چیزی نمائده بود که تو مرا به هلاکت اندازی. ۵۶  
و اگر رحمت پروردگارم نبود هر آینه من [نیز] از احضار شدگان [در آتش] بودم. ۵۷  
[و از روی شوق می‌گوید] آیا دیگر روی مرگ نمی‌بینم؟ ۵۸  
جز همان مرگ نخستین خود و ما هرگز عذاب نخواهیم شد. ۵۹  
راستی که این همان کامیابی بزرگ است. ۶۰  
برای چنین [پاداشی] باید کوشندگان بکوشند. ۶۱  
آیا این برای بذری بهتر است یا درخت زقوم؟ ۶۲  
ما آن را برای ستمگران وسیله عذاب فرار دادیم. ۶۳  
آن درختی است که از قعر آتش سوزان می‌روید. ۶۴  
میوه‌اش گویی چون سرهای شیاطین است. ۶۵  
بس [اهل جهنم] حتماً از آن می‌خورند و شکم‌ها را از آن پر می‌کنند. ۶۶  
و سپس از روی آن [خوراک]، آبی بی‌نهایت سوزنده می‌نوشند. ۶۷  
آنگاه باز گشتنشان بی‌گمان به سوی دوزخ است. ۶۸  
آنها پدران خود را گمراه یافتند. ۶۹  
بس ایشان به دنبال آنها می‌شتابند. ۷۰  
و قطعاً پیش از آنها بیشتر پیشینیان به گمراهی افتادند. ۷۱  
و حال آنکه مسلماً در میانشان هشدار دهندگانی فرستادیم. ۷۲  
بس بین فرجام هشدار داده شدگان چگونه بود. ۷۳  
به جز بندگان مخلص خدا. ۷۴

## درس چهارم

### پنجره‌ای به روشنایی

در درس قبل، به معرفی برخی از مهم‌ترین سرمایه‌های انسان برای رسیدن به هدف خلقت پرداختیم. ما برای استفاده از این سرمایه‌ها فرصت محدودی داریم. فرصتی که با مرگ انسان پایان می‌یابد. هر انسانی که با به عرصه وجود می‌گذارد، در یکی از مراحل زندگی، مرگ به سراغش خواهد آمد و پرونده زندگی او را در این دنیا خواهد بست؛ بنابراین انسان را از مرگ گریزی نیست. چینی مرگ و آینده انسان پس از آن، از برشش‌های فراگیری است که در طول تاریخ، ذهن عموم انسان‌ها را به خود مشغول کرده است و آنان کوشیده‌اند تا به این برشش‌های اساسی و سرتوشت‌ساز پاسخ دهند:

چه سرانجامی در انتظار انسان است؟

آیا دفتر زندگی وی با مرگ بسته می‌شود؟ یا پس از آن زندگی به شکل دیگری ادامه می‌یابد؟

در این درس، علاوه بر شناخت اصلی‌ترین دیدگاه‌ها در پاسخ به برشش‌های بالا، به پیامدهای اعتقاد به هر یک از آنها در زندگی می‌پردازیم.

حال اگر به وجود آدمی توجه کنیم، می‌بینیم که خداوند انسان را به گونه‌ای آفریده که گرایش به بقا و جاودانگی دارد و از نابودی گریزان است و بسیاری از کارها را برای حفظ بقای خود انجام می‌دهد. همچنین هر انسانی خواستار همه کمالات و زیبایی‌هاست و این خواستن هیچ حدی ندارد. اما دنیا و عمر محدود انسان‌ها پاسخگوی این گونه خواسته‌ها نیست؛ بنابراین باید جای دیگری باشد که انسان به خواسته‌هایش برسد. اگر بعد از دنیا، زندگی‌ای نباشد، در این صورت باید گفت خداوند گرایش به زندگی جاوید را در وجود انسان قرار داده است و سپس او را در حالی که مشتاق حیات ابدی است، نابود می‌کند! این کار با حکمت خداوند سازگار نیست. علاوه بر این، اگر بنیاست با این همه استعدادها و سرمایه‌های مختلفی که خداوند در وجود ما قرار داده است، خاک شویم و معادی هم نباشد، این سؤال مطرح می‌شود که دلیل آفریدن این استعدادها و سرمایه‌ها در درون ما چه بوده است؟ ما که از همان ابتدا خاک بودیم، پس دلیل این آمدن و رفتن چه بود؟ آیا بر این اساس، آفرینش انسان و جهان، بی هدف و عبث نخواهد بود؟

### تفکر در آیات

۱- کدام یک از آیات ابتدای درس از حکمت خداوند برای معاد استفاده کرده است؟

۲- پیام اصلی آن آیه چیست؟

۲- معاد لازمه عدل الهی: عدل یکی از صفات الهی است. خداوند عادل است و نیکوکاران را پادکاران برابر قرار نمی‌دهد؛ از این رو، خداوند وعده داده است که هر کس را به آنچه استحقاق دارد برساند و حق کسی را ضایع نکند.

اما زندگی انسان در دنیا به گونه‌ای است که امکان تحقق این وعده را نمی‌دهد؛ زیرا:

الف) در این عالم همه به پاداش یا کیفر تمام اعمال خود نمی‌رسند. به عنوان نمونه، چه بسیار افرادی که کارهای نیک فراوانی دارند و به جمع زیادی از انسان‌ها خدمت کرده‌اند و نیز چه بسیار کسانی که در دوران عمر خود از هیچ جنایت و خیانتی فروگذار نمی‌کنند، اما قبل از آنکه به پاداش یا سزای اعمال خود برسند، چشم از جهان فرو می‌بندند.

### ■ دو دیدگاه

هنگامی که انسان چشم از این دنیا فرو می‌بندد و پرونده زندگی چندین ساله‌اش با مرگ بسته می‌شود، چه سرنوشتی در انتظار اوست؟ آیا یکباره راهی دیار فنا و نیستی می‌شود؟ اگر چنین است، پس داستان زندگی انسان پایانی اندوهناک دارد. اما اگر بعد از مرگ، جهان دیگری در کار است و آدمی با مرگ نیست و نابود نمی‌شود، در آنجا چه سرنوشتی خواهد داشت؟ درباره زندگی پس از مرگ دو دیدگاه وجود دارد:

### ۱- اعتقاد به معاد

دقت در آیات مربوط به آفرینش انسان، نشان می‌دهد که انسان دارای دو بُعد جسمانی و روحانی است.<sup>۱</sup> بُعد جسمانی مانند سایر اجسام و مواد، دائم در حال تجزیه و تحلیل است و سرانجام فرسوده و متلاشی می‌شود. در مقابل، بُعد روحانی و غیرجسمانی انسان، تجزیه و تحلیل نمی‌پذیرد، متلاشی نمی‌شود و بعد از مرگ بدن، باقی می‌ماند و آگاهی و حیات خود را از دست نمی‌دهد. پیامبران الهی و پیروان آنان مرگ را پایان بخش دفتر زندگی نمی‌پندارند؛ بلکه آن را غروبی برای جسم و تن انسان و طلوعی درخشان‌تر برای روح انسان می‌دانند یا پلی به حساب می‌آورند که آدمی را از یک مرحله هستی (دنیا) به هستی بالاتر (آخرت) منتقل می‌کند. در این دیدگاه دنیا تنها بخش کوچکی از زندگی انسان است و زندگی واقعی و ابدی پس از این دنیا آغاز می‌شود.

رسول خدا ﷺ در این باره می‌فرماید:

برای نابودی و فنا خلق نشده‌اید، بلکه برای بقا آفریده شده‌اید و با مرگ تنها از جهانی به جهان دیگر منتقل می‌شوید.<sup>۲</sup>

از ایشان پرسیدند: باهوش‌ترین مؤمنان چه کسانی هستند؟

فرمود: آنان که فراوان به یاد مرگ‌اند و بهتر از دیگران خود را برای آن آماده می‌کنند.<sup>۳</sup>

در این دیدگاه، زندگی دنیوی همچون خوابی کوتاه و گذرا بوده است و زندگی حقیقی در جهان دیگر آغاز می‌شود. آن گونه که پیامبر ﷺ می‌فرماید:

النَّاسُ نِيَامٌ، فَإِذَا مَاتُوا، اِنْشَبَهُوا  
مردم [در این دنیا] در خوابند، هنگامی که  
بمیرند، بیدار می‌شوند.<sup>۴</sup>

۱- سوره ص، آیات ۷۱ و ۷۲

۲- تصحیح الاعتقاد، نسخ مفید، ص ۴۷

۳- النحیة البيضاء، فیض کاتبی، ص ۲۴۴

۴- تنبیه الخواطر و زفة النواظر، وزام بن ابی‌فراس، جلد ۱، ص ۱۵۰

ب) این جهان ظرفیت جزا و پاداش کامل انسان‌ها را ندارد. به‌عنوان نمونه، چگونه می‌توان پاداش بسیاری از اعمال، مانند شهادت در راه خدا را در این دنیا داد؟ و یا چگونه می‌توان در این جهان کسی را که به هزاران نفر ستم روا داشته و یا صدها نفر را قتل عام کرده است، کیفر داد؟ به‌عنوان مثال اعدام کسی چون صدام و حامیان وی به هیچ‌عنوان با جرم شهید کردن صدها هزار انسان بی‌گناه، و معلول و شبمبایی کردن هزاران جانباز برابری نمی‌کند. اگر جهان دیگری نباشد که ظالم را به مجازات واقعی‌اش برساند و حق مظلوم را بستاند، بر نظام عادلانه خداوند ایراد وارد می‌شود.

### تفکر در آیات

۱- کدام آیه به این استدلال اشاره می‌کند؟

.....

۲- در این آیه چه کسانی با هم مقایسه شده‌اند؟

.....

### پاسخ سوالات شما

#### کی رفته و کی برگشته؟!

برای برخی هر قدر هم از دلایل عقلی اثبات معاد، آیات قرآن و سخنان پیشوایان دین در خصوص جهان آخرت گفته شود، می‌گویند: «چه کسی از آن جهان برگشته که خبر آورده باشند؟» به این گونه افراد چه باید گفت؟

پاسخ: برخی رانندگان هنگام مسافرت، به توصیه پلیس درباره خطرات جاده و لزوم همراه داشتن وسایل ضروری توجه می‌کنند و وسایلی را که احتمال می‌دهند در جاده مورد نیازشان باشند، همراه خود برمی‌دارند (مانند زنجیر چرخ، جک، چرخ اضافه، چراغ سیار و...). بعضی از رانندگان نیز بی‌اعتنا به توصیه‌های پلیس و گاه با تمسخر آنها به جاده می‌زنند. در هر صورت با نیازی به این وسایل پیش می‌آید یا بیش نمی‌آید. اگر نیازی نبود (که البته با توجه به علم و آگاهی پلیس راهنمایی و رانندگی و توصیه‌ها و هشدارهای آنان قطعاً نیاز خواهد شد)، راننده‌ای که این

قرآن نیز این گونه بر کم ارزش بودن زندگی دنیوی و حقیقی بودن زندگی آخرت تأکید می کند :

وَمَا هَذِهِ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا

این زندگی دنیا،

إِلَّا لَهْوٌ وَ لَعِبٌ

جز سرگرمی و بازی نیست

وَ إِنْ الدَّارُ الْآخِرَةُ

و سرای آخرت،

لَهِيَ الْحَيَاةُ

زندگی حقیقی است

لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ

اگر می دانستند.<sup>۱</sup>

انار اعتقاد به معاد

۱- با این دیدگاه، بنجره امید و روشنائی به روی انسان باز می شود و شور و نشاط و انگیزه فعالیت و کار، زندگی را فرا می گیرد.

قرآن کریم می فرماید :

مَنْ أَمْسَنَ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ

وَ عَمِلَ صَالِحًا

فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ

وَ لَا هُمْ يَحْزَنُونَ<sup>۲</sup>

این شور و نشاط به این دلیل است که انسان می داند هیچ یک از کارهای نیک او در آن جهان بی پاداش نمی ماند؛ زیرا هر خدمتی را که به محرومی می کند، هر غمی را که از دل غمگینی پاک می کند و هر باری را که از دوش انسانی برمی دارد، در پیشگاه خداوند دارای اجر و مزد است. حتی اگر در کاری موفق نشود و یا در برابر کارهایش تقدیر و تشکری از سوی دیگران صورت نگیرد، ناامید و دلسرد نمی شود، زیرا می داند که خداوند او و تلاش هایش را می بیند و نیز اطمینان دارد که اگر در این مسیر ظلمی به او بشود و نتواند داد خود را از ظالمان بستاند، قطعاً در جهان دیگری خداوند آنها را به سزای اعمالشان خواهد رساند.

۱- سوره بقره، آیه ۲۱

۲- سوره بقره، آیه ۲۲

وسایل را همراه داشته است، ضرری نکرده است؛ اما اگر به آن وسایل نیاز شد، کسی که آنها را بر نداشته است، در وسط جاده چه خواهد کرد؟

شرط عقل آن است که انسان نسبت به حوادث، حتی اگر احتمال کمی برای رخ دادن آن وجود داشته باشد، پیش بینی لازم را بکند، چه رسد به حوادثی که یقینی باشند.

پیامبران از حساب و کتاب پس از مرگ در قیامت خیرهایی داده اند و بر این اساس برنامه و دستوراتی نیز برای عبور آسان و موفق از این جهان در اختیار ما گذاشته اند. گروهی این خیرها را پذیرفته و گروهی منکر شده اند. کسانی که پذیرفته اند در شبانه روز دفاعی با خدا گفت و گو می کنند؛ نماز می خوانند؛ در سال یک ماه روزه می گیرند؛ از انجام برخی کارها که ضررش به خود انسان برمی گردد (مانند نوشیدن مشروبات الکلی، خوردن گوشت خوک و مصرف مواد مخدر) خودداری می کنند. حال بر فرض که قیامت و حساب و کتابی در کار نباشد، این افراد ضرری نکرده اند و چیزی را از دست نداده اند؛ اما اگر حساب و کتابی باشد (که با دلالی که ذکر شد، حتمی است) افرادی که به سخن خدا و پیام انبیا توجه نکردند، چه خواهند کرد؟ آنها زندگانی ابدی و جاوید در آخرت را به هفتاد سال عمر دنیوی فروخته اند.

پس عاقل کسی است که حتی اگر یقین به قیامت ندارد، خود را آماده آخرت کند و هشدارهای انبیا را جدی بگیرد.

امام رضا علیه السلام در گفت و گو با یکی از منکران معاد به او فرمود: «اگر نظر شما درست باشد - که چنین نیست - در این صورت ما و شما یکسان و برابریم؛ و نماز، روزه، عقیده و ایمان ما ضرر و زبانی به ما نمی رساند. ولی اگر حق با ما باشد - که چنین هست - در این صورت ما رستگار و سعادتمند می شویم؛ اما شما زیان کار نیند، هلاک خواهید نند»<sup>۱</sup>.

۱- احتجاج، طبرسی، ج ۴، ص ۱۷۱

### اندیشه و تحقیق

- ۱- تعدادی از کارهای نیک و تعدادی از گناهان را که در این دنیا قابل پاداش و مجازات نباشند، ذکر کنید.
- ۲- اگر در بحث وجود معاد، دلیلی جز خبر پیامبران نداشتید، آیا آن را می‌پذیرفتید؟ به چه دلیل؟
- ۳- رابطه میان «آفرینش استعدادها و سرمایه‌های مختلف در وجود انسان» و «ضرورت معاد» را توضیح دهید.

### بیشتر بدانیم

#### پیامی از حضرت علی علیه السلام

اگر گوش جان به کلام مردگان باز کنیم از آنها می‌شنویم که: چهره‌های زیبایمان بزمرد شده، بدن‌های ناز پرورده‌مان پوسیده شد... اقامت ما در این خانه‌های وحشتناک طولانی و نه از مشکلات رهایی یافته و نه از تنگی قبر گشایشی...  
آگاه باشید! هرگز چیزی مانند بهشت ندیدم که خواستار آن در خواب غفلت باشم و نه چیزی مانند آتش جهنم که فراریان آن چنین در خواب فرو رفته باشم!  
تهج البلاغه، ترجمه آزاد از خطبه ۲۲۱ و خطبه ۲۸

### معرفی کتاب

نام کتاب	نویسنده	انتشارات	مخاطب
آفتاب اندیشه (ج ۲ و ۳)	حسین سوزنجی	مدرسه	معلم
معاد	شهید مرتضی مطهری	صدرا	دانش آموز / معلم

چنین انسانی دارای انرژی فوق‌العاده و همتی خستگی‌ناپذیر می‌شود و از کار خود لذت می‌برد. او با تلاش و توان بسیار در انجام کارهای نیک و خدمت به خلق خدا می‌کوشد و می‌داند که هرچه بیشتر در این راه گام بردارد، آخرت او زیباتر خواهد بود.

۲- انسان دیگری ترمی از مرگ ندارد و همواره آماده فداکاری در راه خدا است. خداپرستان حقیقی گرچه در دنیا زندگی می‌کنند و زیبا هم زندگی می‌کنند؛ اما به آن دل نمی‌سپارند؛ از این‌رو، مرگ را ناگوار نمی‌دانند. آنان معتقدند که مرگ برای کسانی ناگوار و هولناک است که زندگی را محدود به دنیا می‌بینند یا با کوله‌باری از گناه با آن مواجه می‌شوند. نرسیدن خداپرستان از مرگ به این معنا نیست که آنان آرزوی مرگ می‌کنند، بلکه آنان از خداوند عمر طولانی می‌خواهند تا بتوانند در این جهان با تلاش در راه خدا و خدمت به انسان‌ها، زمینه رشد خود را فراهم آورند تا بتوانند با اندوخته‌ای کامل‌تر خدا را ملاقات کنند و به درجات برتر بهشت نائل شوند.

از طرف دیگر، همین عامل سبب می‌شود که دفاع از حق و مظلوم و فداکاری در راه خدا آسان‌تر شود و شجاعت به مرحله‌عالی آن برسد و آن‌گاه که حیات این دنیا چیزی جز تنگ و ذلت نباشد، و فداکاری در راه خدا ضروری باشد، انسان‌ها به استقبال شهادت بروند و با شهادت خود راه آزادی انسان‌ها را هموار کنند؛ از این‌رو، آن‌گاه که امام حسین علیه السلام در دوره‌ای ذلت و شهادت فرار گرفت، شهادت را برگزید و فرمود:

من مرگ را جز سعادت، و زندگی با ظالمان را جز تنگ و خواری نمی‌بینم.<sup>۱</sup>

امام حسین علیه السلام خطاب به یاران خود نیز فرمود:

مرگ چیزی نیست مگر بلی که شما را از ساحل سختی‌ها به ساحل سعادت و کرامت و بهشت‌های بهناور و نعمت‌های جاوید عبور می‌دهد. پس کدام‌یک از شما گزافه‌گرا دارد که از زندان به قصر منتقل شود؟<sup>۲</sup>



۱- بحار الأنوار، مجلسی، ج ۴۴، ص ۲۸۱

۲- معانی الأخبار، نسخ صدوق، ص ۲۸۸

بیشتر بدانیم

### پرواز عاشقانه

ای خدایی که عشق تو، قلب مرا به لرزه درمی آورد و روحم را به پرواز وامی دارد. اینک پرواز به سوی تورا بر گزیده ام. بال هایم را به واسطه بی لیاقت بودنم و به جرم گناهانم نسوزان خدایا می خواهم به ملاقات تو بیایم و به ملاقات رسول تو که روحم فدای او باد. ای یاری کسان، ای در یابنده از خودی خود شدگان. به خودت قسم که در این جهان دیگر نمی گنجم و منتظر رسیدن فرمان تو هستم. به خودت سوگند که در این جهان بدون تو بی کس و تنها نمانم. همه چیزم تویی، امیدم تویی، هسقم تویی، عشقم تویی. اینک کوله بار پر از گناه خویش را بر دوش می گیرم و در انتظارم تا دعوت خدایم را لبیک گویم. میباید دعوت نکنی، می خواهم این قلب شکافته شود و پیکرم متلاشی گردد تا روحم از این قفس بیرون آید و به سوی تو پرواز کند. شهادت سرمایه ماست. شهادت پرواز عاشقان است. شهادت اوج ایمان است.

برگزیده ای از دست نوشته های شهید سید محمود الفخاری

### ۲- انکار معاد

گروهی وجود جهان پس از مرگ را انکار می کنند و با فرا رسیدن مرگ انسان و متلاشی شدن جسم او، پرونده او را برای همیشه می بندند. در این دیدگاه، مرگ پایان زندگی است و هر انسانی پس از مدتی زندگی در دنیا، دفتر عمرش بسته می شود و حیات او پایان می یابد و رهسپار نیستی می گردد.

وَقَالُوا مَا هِيَ إِلَّا حَيَاتُنَا الدُّنْيَا [کافران] گفتند: زندگی و حیاتی جز همین زندگی و حیات دنیایی ما نیست

نَمُوتُ وَ نَحْيِي [گروهی از ما] می میریم و [گروهی] زنده می شویم

وَمَا يَهْلِكُنَا إِلَّا الدَّهْرُ [گروهی از ما] فقط گذشت روزگار نابود می کند.

وَمَا لَهُمْ بِذَلِكَ مِنْ عِلْمٍ [گروهی از ما] البته این سخن را از روی علم نمی گویند

إِنْ هُمْ إِلَّا يَتَّبِعُونَ [گروهی از ما] بلکه فقط ظن و خیال آنان است.<sup>۱</sup>

۱- سوره جانید، آیه ۲۴



### منزلگاه بعد



جلسه اول

قرائت : آیات زیر را به دقت و زیبا قرائت کنید.

أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ  
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

• حَتَّىٰ إِذَا جَاءَ أَحَدَهُمُ الْمَوْتُ قَالَ رَبِّ ارْجِعُونِ	• نگاه که مرگ یکی از آنها فراسد می گوید : پروردگارا! مرا بازگردانید
• لَعَلِّي أَعْمَلُ صَالِحًا فِيمَا تَرَكْتُ	• باشد که عمل صالح انجام دهم آنچه را در گذشته ترک کرده ام
• كَلِمًا إِتَّخَذَ اللَّهُ مِنْهَا نَوْءًا لَّهُمْ فِي يَوْمٍ يُبْعَثُونَ	• هرگز! این سخنی است که او می گوید و پیش روی آنها برزخی است تا روزی که برانگیخته شوند
• فَيَاذَا نَفِخَ فِي الصُّورِ فَلَا أَنْسَابَ بَيْنَهُمْ يَوْمَئِذٍ وَلَا يَتَسَاءَلُونَ	• پس آنگاه که در صور دمیده شود (و قیامت آید) در آن روز بیوندهای خویشی در میانشان نماند و از هم پرس و جو نکنند.
• إِنَّ الَّذِينَ تَوَفَّاهُمُ الْمَلَائِكَةُ ظَالِمِي أَنْفُسِهِمْ قَالُوا فِيمَ كُنْتُمْ قَالُوا كُنَّا مُسْتَضْعَفِينَ فِي الْأَرْضِ قَالُوا أَلَمْ تَكُنْ أَرْضَ اللَّهِ وَاسِعَةً فَتُهَاجَرُوا فِيهَا فَأُولَئِكَ مَأْوَاهُمْ جَهَنَّمُ وَسَاءَتْ مَصِيرًا	• آنان که فرشتگان جانشان را می گیرند در حالی که بر خود ستم روا داشته اند، به ایشان می گویند در چه حال بودید گویند ما در سرزمین خود مستضعف بودیم فرشتگان می گویند : مگر زمین خدا وسیع نبود که هجرت کنید؟ سرانجام اینان جهنم است و این، بد فرجامی است.

آثار انکار معاد

از پیامدهای مهم این نگرش برای انسانی که بی نهایت طلب است و میل به جاودانگی دارد، این است که می کوشد راه فراموش کردن و غفلت از مرگ را پیش بگیرد و خود را به هرکاری سرگرم سازد تا آینده تلخی را که در انتظار دارد، فراموش کند.

روشن است که این شیوه، عاقبتی جز فرو رفتن در گرداب آلودگی ها نخواهد داشت. اما گروهی دیگر که نمی توانند فکر مرگ را از ذهن خود بیرون برانند، همین زندگی چندروزه نیز برایشان بی ارزش می شود؛ در نتیجه به یأس و ناامیدی دچار می شوند و شادایی و نشاط زندگی را از دست می دهند؛ از دیگران کناره می گیرند و به انواع بیماری های روحی دچار می شوند. گاهی نیز برای تسکین خود و فرار از ناراحتی، در راه هایی قدم می گذارند که روز به روز بر سرگردانی و یأس آنان می افزاید.

البته این آثار و پیامدها، گریبان کسانی را نیز که معاد را قبول دارند، اما این قبول داشتن به ایمان و باور قلبی تبدیل نشده است، می گیرد. این افراد به دلیل فرورفتن در هوس ها، دنیا را معبود و هدف خود قرار می دهند و از یاد آخرت غافل می شوند و از این رو، زندگی و رفتار آنان به گونه ای است که تفاوتی با مشرکان معاد ندارد.



فعالیت کلاسی

- ۱- آیا گروهی که راه بی توجهی و غفلت از مرگ را پیش می گیرند، شیوه درستی را انتخاب کرده اند؟ چرا؟
- ۲- با دقت در جریانات و اتفاقات پیرامون خود، برخی از اعمال و رفتارهایی که ناشی از فراموشی و غفلت از آخرت است را بیان کنید.

پاسخ سوالات شما

غفلت از زندگی پس از مرگ چه آثار و نتایجی در دنیای امروز داشته است؟

امروزه در میان برخی جوامع، به ویژه در برخی جوامع صنعتی، اعتقاد به زندگی در جهان دیگر، ضعیف شده است یا از آن غافل مانده اند و کمتر بدان توجه می شود. این غفلت و کم توجهی، آثار و نتایج خطرناکی در زندگی آنان دارد؛ به طوری که خیرخواهان و دلسوزان آن جوامع را به چاره اندیشی واداشته است.

از جمله این آثار می توان به آمار بالای مصرف مشروبات الکلی، فرص های روان گردان و مواد مخدر صنعتی اشاره کرد که می توان آنها را از آثار بی توجهی به آخرت دانست.

جرج گوما، پژوهشگر آمریکایی حوزه روان شناسی می گوید: «مصرف داروهای ضد روان پریشی مدنی است که در آمریکا از داروهای درمان کلسترول که بر مصرف ترین دارو در آمریکا است، سبقت گرفته است».<sup>۱</sup>

مارسیا انجل<sup>۲</sup>، سردبیر اسبق مجله پزشکی نیوانگلند نیز بر این باور است که استفاده از داروهای روان گردان به حد انفجار رسیده است.<sup>۳</sup>

این در حالی است که امکانات برای تفریح، سرگرمی و شادی، بیش از نیاز افراد در این کشورها وجود دارد و مردم در اوقات فراغت انواع و اقسام سرگرمی ها و تفریحات را در اختیار دارند. این وضعیت به کشورهای مسلمان نیز سرایت کرده است؛ به گونه ای که آن بخش از جوامع مسلمان که اعتقاد دینی در آنها ضعیف شده است و سبک زندگی جوامع صنعتی را انتخاب کرده اند، بیشتر به این گونه مواد روی می آورند.

از دیگر آثار غفلت از آخرت در دوره جدید، حرص و آز در مصرف برای لذت بردن از زندگی دنیایی و فراموش کردن یاد مرگ است. کمپانی های بزرگ محصولات غذایی که هر روز سبک جدیدی از محصولات غذایی را عرضه می کنند و یا انواع مدل های لباس، گوشی های همراه و اتومبیل که هر روز به بازار می آیند، همه برای پاسخ گویی به مصرف گرایی شدید این قبیل انسان هاست.

<sup>۱</sup> Greg Gama

<sup>۲</sup> این مطلب در مقاله ایشان با عنوان 'Mind Games: Cyberspace and Psychiatric Drugs' ذکر شده است.

<sup>۳</sup> Marcia Angell

<sup>۴</sup> 'the epidemic of mental illness: why', The New York Review of books, June 23, 2011

﴿إِلَّا الْمُسْتَغْفِرِينَ﴾

مگر آنان که مستضعف شدند

﴿مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانِ﴾

از مردان و زنان و کودکان

﴿لَا يَسْتَطِيعُونَ حِيلَةً﴾

که توان چاره ای ندارند

﴿وَلَا يَهْتَدُونَ سَبِيلًا﴾

و راه به جایی نمی یابند

نساء، ۹۷ و ۹۸

عالم برزخ

قرآن کریم از وجود عالمی پس از مرگ، به نام «برزخ» خبر می دهد. برزخ در لغت به معنای فاصله و حایل میان دو چیز است. عالم برزخ میان زندگی دنیایی و حیات اخروی قرار گرفته و آدمیان، پس از مرگ وارد چنین حیاتی می شوند و تا قیامت در آن می مانند و در صورتی که نیکوکار باشند، از لذت های آن برخوردار و اگر بدکار و شقی باشند، از رنج ها و دردهای آن متالم می گردند.

سوره/آیه

.....

ویژگی های عالم برزخ

۱- وجود حیات

پس از مرگ، گرچه فعالیت های حیاتی بدن متوقف می شود اما فرشتگان، حقیقت وجود انسان را که همان روح اوست، «توفی» می کنند؛ یعنی آن را به طور تمام و کمال دریافت می نمایند. بنابراین، گرچه بدن حیات خود را از دست می دهد اما روح، همچنان به حیات و فعالیتش ادامه می دهد.

سوره/آیه

.....

۲- وجود شعور و آگاهی

با توجه به اینکه عامل شعور و آگاهی انسان در دنیا روح وی است و روح در برزخ، به حیات خود ادامه می دهد، یکی از ویژگی های برزخ، وجود شعور و آگاهی در آن خواهد بود. براساس آیات و روایات برخی از نشانه های شعور و آگاهی انسان در عالم برزخ عبارت اند از:

الف) گفت و گوی فرشتگان با انسان: به عنوان نمونه در سوره نساء آمده است که، فرشتگان به ظالمان خطاب کرده و از احوال آنها می پرسند و در مقابل، آنها پاسخ داده و خود را از مستضعفین بر روی زمین

حجم مصرف از ذخایر و منابع زمین در صدسال اخیر برابر با تمام طول عمر بشر بوده است. قرآن کریم، سرنوشت چنین کسانی را که مرگ و زندگی برتر را فراموش کرده اند، این گونه ترسیم می کند: «آنان که دین خود را به سرگرمی و بازی گرفتند و زندگی دنیا آنان را فریفت. پس امروز آنان را از یاد ببریم. همان طور که آنان دیدار امروزشان را از یاد بردند و آیات ما را انکار می کردند»<sup>۱</sup>.

#### اندیشه و تحقیق

- ۱- چرا برخی از افراد با اینکه می گویند آخرت را قبول دارند، در زندگی خود به گونه ای عمل می کنند که گویی آخرتی در پیش نیست؟
- ۲- آیا توجه به آخرت، لزوماً بی توجهی به دنیا و عقب ماندگی را در پی دارد؟
- ۳- چرا منکرین معاد، مرگ را باعث نابودی آدمی می دانند؟ شما چه پاسخی به آنها می دهید؟

#### پیشنهاد

به آثار و زندگی یکی از شهدای دفاع مقدس و با مدافعان حرم مراجعه کنید و ببینید که آنان درباره زندگی و مرگ چگونه می اندیشیدند. انگیزه شهادت طلبی آنها چه بوده است؟<sup>۲</sup>

۱- سوره اعراف، آیه ۵۱

۲- مطالعه کتاب‌هایی مانند «مجموعه قصه فرماندهان» از حوزه‌های سازمان تبلیغات اسلامی و «خدا بود و دیگر هیچ تیره» از دکتر مصطفی جبران، برای آشنایی با شهدای دفاع مقدس توصیه می شود. همچنین مطالعه کتاب‌های «شبهه خودشن»، «دیدار پس از غروب»، «مدافعان حرم» و «خدا حافظ سالار» برای آشنایی با شهدای مدافع حرم پیشنهاد می شود.

معرفی می کنند. این مکالمه و طرف خطاب قرار دادن، دلیلی بر وجود شعور و آگاهی در برزخ است.

سوره/آیه

.....

ب) سخن گفتن پیامبر ﷺ با کشته شدگان جنگ بدر: در جنگ بدر، وقتی بزرگان لشکر کفار کشته شدند و سپاه اسلام پیروز شد، رسول خدا ﷺ آن کشتگان را این گونه مورد خطاب قرار داد: «آنچه پروردگاران به ما وعده داده بود، حق باقیم؛ آیا شما نیز آنچه پروردگارتان وعده داده بود، حق یافتید؟»<sup>۱</sup>.

اصحاب گفتند: «ای رسول خدا ﷺ چگونه با آنها سخن می گویی در حالی که مرده اند؟». حضرت فرمود: «قسم به کسی که جانم در دست اوست، ایشان به این کلام از شما شنوا ترند و فقط نمی توانند پاسخ دهند»<sup>۲</sup>.

۳- وجود ارتباط میان عالم برزخ و دنیا

با مرگ انسان و ورود وی به عالم برزخ، ارتباط او با دنیا به طور کامل قطع نمی شود. برخی از نشانه‌های تداوم این ارتباط عبارت است از: الف) بسته نشدن پرونده اعمال: پرونده برخی اعمال انسان با مرگ بسته نمی شود و امکان دارد بر اعمال نیک و بد آن افزوده و یا از آنها کاسته شود.

يُنْتَبِهُوا الْاِنْسَانَ يَوْمَئِذٍ

بِمَا قَدَّمُوا لِآخِرِهِ  
در آن روز [قیامت] به انسان خبر داده می شود  
به آنچه پیش [از مرگ] فرستاده و آنچه پس [از مرگ] فرستاده است.

همان گونه که قرآن کریم می فرماید، دامنه برخی از اعمال، محدود به دوران زندگی انسان است و با مرگ، پرونده این اعمال بسته می شود (آثار ماتقدم)؛ اعمالی مانند نماز و روزه؛ اما پرونده بسیاری از اعمال حتی بعد از مرگ ما نیز باز می ماند (آثار ماتأخر)؛ به عنوان مثال اگر کسی کتابی را به کسی یا کتابخانه ای هدیه دهد، یا مطلب مفیدی را به دیگران آموزش دهد، تا وقتی که آن کتاب توسط دیگران خوانده می شود و آموزش های وی به دیگران منتقل می شود یا از آن استفاده می شود، در پرونده عمل

۱- تفسیر البصائر، فیض کاشانی، ج ۸، ص ۲۹۶

۲- سوره قیامت، ۱۳

معرفی کتاب

نام کتاب	نویسنده	انتشارات	مخاطب
۱- مقدمه ای بر جهان بینی اسلامی (زندگی جاوید یا حیات اخروی)	شهید مرتضی مطهری	صدرا	دانش آموز / معلم
۲- معاد یا بازگشت به سوی خدا	محمد نجاعی	شرکت سهامی انتشار	دانش آموز / معلم
۳- خروج روح	محمد نجاعی	کانون اندیشه جوان	دانش آموز
۴- مرگ	سید یحیی یثربی	کانون اندیشه جوان	دانش آموز / معلم

او پاداش می نویسد و بر حسنات او می افزایند، گرچه خود فرد از دنیا رفته باشد. در مقابل، کسی که راه و رسم نادرست و مخالف فرمان الهی را از خود برجای می گذارد، تا وقتی آثار این راه و رسم غلط در جامعه باقی است، گناه در دفتر اعمال وی ثبت می شود و روز به روز بر عذاب وی افزوده می شود. تولید و نشر مطالب نامناسب و غیراخلاقی در فضای مجازی، ایجاد یا تقویت آداب و رسوم غلط در امر ازدواج، ایجاد انحرافات فکری و اخلاقی در دیگران، نمونه هایی از اعمال ناشایستی است که موجب سنگین شدن پرونده گناهان فرد، حتی پس از مرگ وی می شود.

رسول خدا ﷺ می فرماید: هر کس سنت و روش نیکی را در جامعه جاری سازد، تا وقتی که در دنیا مردمی به آن سنت عمل می کنند، ثواب آن اعمال را به حساب این شخص هم می گذارند، بدون اینکه از اجر انجام دهنده آن کم کنند و هر کس سنت زشتی را در بین مردم مرسوم کند، تا وقتی که مردمی بدان عمل کنند، گناه آن را به حساب او نیز می گذارند، بدون اینکه از گناه عامل آن، کم کنند.<sup>۱</sup>

فعالیت کلاسی

نمونه هایی از اعمال را ذکر کنید که دارای آثار طولانی خوب یا بد هستند و بعد از مرگ انسان ادامه می یابند.

.....

.....

بیشتر بدانیم

دومینویی به امتداد جهان آخرت

آیا تاکنون به سرگرمی دومینو دقت کرده اید؟

هزاران قطعه، در برنامه ای از قبل تنظیم شده، انرژی خود را به قطعات دیگر منتقل می کنند و در چند ثانیه پدیده ای جذاب و لذت بخش به وجود می آورند. اما برخی دومینوها از قطعات و اجسام مادی و در فضای مادی، شکل نمی گیرند و قطعه هایشان محدود به هزاران و صدها هزار نمی شود. این دومینوها

۱- الدر المنثور، سیوطی، ج ۵، ص ۴۶۰



زمانی بیش از نایبها و دقیقه‌ها و حتی سال‌ها برای کامل شدنشان طی می‌کنند و حتی ممکن است به آن سوی حیات انسان کشیده شوند و مهم‌تر از همه اینکه سرگرمی نیستند! چون هم ممکن است به فاجعه‌ای هولناک تبدیل شوند و هم ممکن است آینده‌ای درخشان را در پی داشته باشند!

جالب است که تک‌تک من و شما در این دومینو، شرکت داریم.

دومینویی که با بارگذاری، ارسال و بازنشر یک محتوا در شبکه‌های اجتماعی، نقش ما در ایجاد آن پایان می‌یابد اما آثارش آغاز می‌شود؛ آثاری که برای همیشه پایدار است؛ حتی برای پس از مرگ ما.



ب) دریافت پاداش خیراتِ بازماندگان : اعمال خیری که بازماندگان برای درگذشتگان انجام می‌دهند مانند دادن صدقه، طلب مغفرت، دعای خیر و انفاق برای آنان، در عالم برزخ به آنها می‌رسد و در سرنوشت آنها تأثیر می‌گذارد.

ج) ارتباط متوفی با خانواده : شخصی از امام کاظم علیه السلام دربارهٔ وضعیت مؤمنان پس از مرگ پرسید : «آیا مؤمن به دیدار خانواده خویش می‌آید؟»

فرمود : آری

پرسید : چقدر؟

فرمود : «برحسب مقدار فضیلت‌هایش. برخی از آنان هر روز و برخی هر دو روز و برخی هر سه روز و کمترین آنان هر جمعه».

قرآنت

سورہ بقره ۲

جزه ۳



استماع و ترجمه

آیات

درس ربا توجه به الگوی قرآنت، جمله به جمله بخوانید و به معنای آن دقت کنید.

أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ حَاجَّ إِبْرَاهِيمَ فِي رَبِّهِ أَنْ آتَاهُ اللَّهُ الْمُلْكَ  
 إِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّیَ الَّذِی یُحِیءُ وَیُمِیْتُ قَالَ أَنَا  
 أَحِیءُ وَآمِیْتُ قَالَ إِبْرَاهِیْمُ فِیَآنَ اللَّهُ یَأْتِی بِالشَّمْسِ  
 مِنَ الْمَشْرِقِ فَأْتِ بِهَا مِنَ الْمَغْرِبِ فَبُهِتَ الَّذِی كَفَرَ  
 وَاللَّهُ لَا یَهْدِی الْقَوْمَ الظَّالِمِیْنَ ﴿۱۲۷﴾ أَو كَالَّذِی مَرَّ عَلٰی قَرْبَةٍ  
 وَهِيَ خَاوِیَةٌ عَلٰی عُرُوشِهَا قَالَ أَفَی یَحِیءُ هٰذِهِ اللَّهُ بَعْدَ مَوْتِهَا  
 فَآمَاتَهُ اللَّهُ مِائَةً عَامٍ ثُمَّ رَعِعَهُ قَالَ كَمْ لَبِثْتَ یَوْمًا  
 أَوْ بَعْضَ یَوْمٍ قَالَ بَل لَّبِثْتُ مِائَةً عَامٍ فَانظُرْ إِلَى طَعَامِكَ  
 وَشَرَابِكَ لَمْ یَتَسَنَّهْ وَانظُرْ إِلَى حِمَارِكَ وَلِنَجْعَلَكَ آیَةً  
 لِلنَّاسِ وَانظُرْ إِلَى الْعِظَامِ كِیْفَ نُنشِزُهَا ثُمَّ نَكْسُوهَا حَمًا  
 فَلَمَّا تَبَيَّنَ لَهُ قَالَ أَعْلَمُ أَنَّ اللَّهَ عَلٰی كُلِّ شَیْءٍ قَدِیْرٌ ﴿۱۲۸﴾  
 وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِیْمُ رَبِّیَ أَرِنِ كِیْفَ تُحِی الْمَوْتِی قَالَ أَوْلَمْ تُؤْمِنُ  
 قَالَ بَلٰی وَلٰكِن لِّیَطْمَئِنَّ قَلْبِی قَالَ فَخُذْ أَرْبَعَةً مِنَ الطَّیْرِ  
 فَصُرْهُنَّ إِلَیكَ ثُمَّ اجْعَلْ عَلٰی كُلِّ جَبَلٍ مِّنْهُنَّ جُزْءًا  
 ثُمَّ ادْعُهُنَّ یَأْتِیَنَّكَ سَعِیًّا وَاعْلَمَنَّ أَنَّ اللَّهَ عَزِیْزٌ حَكِیْمٌ ﴿۱۲۹﴾

باسخ سوالات نما

منظور از فشار قبر و عذاب‌های داخل قبر چیست؟ آیا منظور تنگ شدن قبر خاکی و عذاب جسم بی جان انسان است؟

در روایات هر جا که سخن از عذاب قبر به میان آمده است، منظور قبرهای دنیوی نیست؛ بلکه در این روایات، قبر کنایه از عالم برزخ است و فشار قبر فشاری است که به روح انسان، به علت قطع تعلق از دنیا و ورود به عالم برزخ وارد می‌شود. توضیح اینکه، با مرگ انسان و جدا شدن روح از بدن، انسان به عالم برزخ وارد می‌شود؛ عالمی که دارای ویژگی‌ها و معیارهای دنیا نیست و از این رو انسان با محیطی ناشناخته و متفاوت با دنیا مواجه می‌شود. انسان‌هایی که در زندگی دنیوی موفق به ترک تعلق به دنیا نشده‌اند و اسیر دنیا و تعلقات آن بوده‌اند و انس با دنیا و دلبستگی شدید به آن هنوز در قلب و روح آنها وجود دارد، با ورود به این عالم جدید و از دست دادن دلبستگی‌های دنیوی، دچار ترس و وحشت می‌شوند و همچنین به دلیل گناهانی که انجام داده‌اند، در عذاب و فشار روحی قرار می‌گیرند. هرچه انس و تعلق انسان به دنیا بیشتر باشد، این فشارها و وحشت‌ها بیشتر خواهد بود و هرچه تعلق کمتر باشد، این ترس و فشار کمتر می‌شود.

پس این عذاب و فشار قبر به معنای تنگ شدن قبر خاکی نیست؛ بلکه منظور در فشار و عذاب بودن روح انسان است.<sup>۱</sup>

اندیشه و تحقیق

۱- منظور از کلمه «تَوْفَى» در قرآن کریم، چیست و برای اشاره به کدام بُعد از وجود انسان استفاده شده است؟

۲- هر یک از موارد زیر به کدام یک از ویژگی‌های برزخ اشاره دارد؟

الف) تلقین میت به هنگام دفن

ب) انجام خیرات و طلب آموزش برای گذشتگان

ج) زیارت قبور در گذشتگان

۱- زندگی پس از مرگ، حسین سوزنی، صص ۶۷-۶۹

ترجمه

سوره بقره، آیات ۲۵۸ تا ۲۶۰

آیا از [حال] آن کس که چون خدا به او پادشاهی داده بود [و به آن مغرور شده بود و] با ابراهیم دربارهٔ پروردگارش چون و چرا می کرد، خبر نیافتی؟ آنگاه که ابراهیم گفت: پروردگار من همان کسی است که زنده می کند و می میراند. [نمود] گفت: من [هم] زنده می کنم و می میرانم. ابراهیم گفت: خداوند خورشید را از مشرق برمی آورد، تو آن را از مغرب برآورد. پس آن کس که کفر ورزیده بود، مبهوت ماند و خداوند قوم ستمکار را هدایت نمی کند. ۲۵۸

با چون آن کس که به شهری که بام هایش یکسر فرو ریخته بود، عبور کرد؛ [و با خود] گفت: چگونه خداوند [اهل] این [ویران کده] را پس از مرگشان زنده می کند؟ پس خداوند، او را [به مدت] صد سال میراند. آنگاه او را برانگیخت، [و به او] گفت: چه مدت در اینجا بوده ای؟ گفت: یک روز یا بخشی از یک روز. [خداوند] گفت: [نه] بلکه صد سال در اینجا بودی؛ به خوراک و نوشیدنی خود بنگر [که طعم و رنگ آن] تغییر نکرده است، و به دراز گوش خود نگاه کن. و [این اتفاق برای این است که] تو را [برای انبیا معاد] نشانه ای برای مردم قرار دهیم. و به [این] استخوان ها بنگر، چگونه آنها را به هم پیوند می دهیم؛ سپس گوشت بر آن می پوشانیم. پس هنگامی که [جگونیکی زنده ساختن مرده توسط خداوند] بر او آشکار شد، گفت: می دانم که خداوند بر هر کاری تواناست. ۲۵۹

و [باد کن] آنگاه که ابراهیم گفت: پروردگارا، به من نشان بده چگونه مردگان را زنده می کنی؟ [خداوند] فرمود: مگر ایمان نیاورده ای؟ [ابراهیم] گفت: چرا، ولی [می خواهم ببینم] تا دلم آرام گیرد. [خداوند] فرمود: پس، چهار برنده بگیر، و آنها را پیش خود، ریز ریز گردان؛ سپس بر هر کوهی پاره ای از آنها را قرار ده؛ آنگاه آنها را فرا خوان، شتابان به سوی تو می آیند، و بدان که خداوند توانا و حکیم است. ۲۶۰

پیشنهاد



آزم رویه رو مربوط به کدام یک از مؤسسات است؟  
ارتباط آن را با بحث اعمال ما تقدم و ما تأخر بیان کنید.

بیشتر بدانیم

سخن گفتن حضرت علی علیه السلام با مردگان!

حضرت علی علیه السلام در راه بازگشت از جنگ صفین به قبرستانی رسیدند. در این هنگام، رویه سوی قبرها کردند و فرمودند:

«ای اهل سرزمین وحشت و محله های خالی و قبرهای تاریک، ای اهل خاک و غربت و تنهایی و ترس. شما زودتر از ما رفتید و ما نیز به شما ملحق می شویم، اما در خانه هایتان دیگران ساکن شدند و همسرانتان با دیگران ازدواج کردند و اموالتان بین دیگران تقسیم شد. این خیر ما برای شما بود، شما چه خبری برای ما دارید؟»

سپس به پاران خود نگاه کردند و فرمودند: «اگر به آنان اجازه سخن گفتن داده شود، شما را با خیر می کردند و می گفتند: بهترین توشه [برای ابدت] تقواست.»

نهج البلاغه، حکمت ۱۴۰

معرفی کتاب

نام کتاب	نویسنده	انتشارات	مخاطب
حیات پس از مرگ	علامه محمدحسین طباطبائی	دفتر انتشارات اسلامی	معلم



## واقعه بزرگ

## درس ششم



## آینده روشن

## درس پنجم

در درس قبل با دیدگاه پیامبران و مؤمنان درباره مرگ و آینده انسان آشنا شدیم. پیامبران الهی، مرگ را گذرگاهی به سوی حیات برتر در جهان آخرت می دانند و ایمان به زندگی در جهان دیگر را، در کنار توحید و یکتاپرستی سرلوحه دعوت خود قرار داده اند.

در مقابله دعوت پیامبران برای ایمان به جهان آخرت، گروهی به آن ایمان آورده و گروهی آن را بعید دانسته و انکار کرده اند.

پیامبران الهی، نه تنها امکان وجود جهان دیگر را اثبات می کردند، بلکه با استدلال های مختلف وجود آن را ضروری می دانستند.

به راستی پیامبران الهی، با چه دلایلی امکان معاد را اثبات می کردند؟

با چه استدلال هایی ضرورت معاد را تبیین می نمودند؟

جلسه اول

قرائت : آیات زیر را به دقت و زیبا قرائت کنید.

أعوذُ باللهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ  
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

و تَنْفِخُ فِي الصُّورِ	و در صور دمیده می شود
فَتُصْعِقُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ	و هر کس که در آسمانهاست
وَمَنْ فِي الْأَرْضِ	و هر کس که در زمین است، مدهوش می شود
إِلَّا مَنْ شَاءَ اللَّهُ	مگر آن که خدا بخواهد
لَنْ نُنْفِخَ فِيهِ أُخْرَى	سپس بار دیگر در آن دمیده می شود
فَإِذَا هُمْ قِيَامٌ يَنْظُرُونَ	آنگاه آنان در حالی که ایستاده اند در انتظارند
وَأَسْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا	آنگاه زمین به نور پروردگارش روشن گردد
وَوُضِعَ الْكِتَابُ	و کتاب را در جایگاه فرار دهند
وَجِيءَ بِالشَّاهِدِينَ وَ الشُّهَدَاءِ	و پیامبران و شاهدان را بیاورند
وَقُضِيَ بَيْنَهُم بِالْحَقِّ	و بین مردم به حق داوری شود
وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ	و بر آنان ستم نرود

زفر، ۶۸ و ۶۹

برپایی قیامت بزرگ ترین واقعه جهان خلقت است که با پایان دنیا رخ می دهد و انسان ها را وارد زندگی ابدی می کند. این رخداد بزرگ که در آباتی از قرآن کریم ترسیم شده، در دو مرحله انجام می گیرد و در هر مرحله وقایع خاصی رخ می دهد.

اهمیت و ضرورت بحث از معاد

قبل از اینکه به بحث درباره جهان پس از مرگ بپردازیم، بهتر است به این سؤال پاسخ دهیم که ضرورت بحث از معاد چیست؟ آیا بهتر نیست به موضوعاتی بپردازیم که برای زندگی ما مفید باشد؟ برای اثبات اهمیت و ضرورت تأمل در موضوع معاد، تنها به یک دلیل بسنده می کنیم :

دفع خطر احتمالی

نگاهی کوتاه به زندگی روزمره انسان ها نشان می دهد که انسان در مواقعی که احتمال خطر یا خسارتی در میان باشد، سعی می کند جلوی خسارت احتمالی را بگیرد و از خطری که ممکن است پیش آید، بگریزد. در چنین شرایطی حتی اگر شخصی دیوانه یا دروغ گو، که در شرایط عادی گفته او برای ما اعتباری ندارد، به ما خبری بدهد؛ مثلاً خبر از وجود سم در غذای ما دهد، این اعلام خطر را نادیده نمی گیریم و احتیاط می کنیم. همه ما در این گونه موارد از یک قانون عقلی پیروی می کنیم که می گوید : «دفع خطر احتمالی، لازم است». حال اگر با خبری مواجه شویم که نه تنها احتمالی نیست، بلکه از قطعی ترین خبرهاست، یا آن چگونه برخورد می کنیم؟ آن هم خبری که درباره زندگی جاودانی ماست.

پیامبران عاقل ترین و راست گوترین مردمان در طول تاریخ بوده اند. به عنوان مثال پیامبر اکرم ﷺ را حتی مشرکین و کافرین نیز به عنوان فردی امین و راستگو باور داشتند. پیامبران با قاطعیت کامل از وقوع معاد خیر و نسبت به آن هشدار داده اند. همه آنان پس از ایمان به خدا، ایمان به آخرت را مطرح کرده اند و آن را لازمه ایمان به خدا دانسته اند. در قرآن کریم نیز بعد از بکتا پرستی، درباره هیچ موضوعی به اندازه معاد سخن گفته نشده است. اگر به فرض در اثبات معاد، هیچ دلیلی جز همین خبر پیامبران نداشته باشیم، تکلیف ما در برابر این خبر چیست؟ ما که برای فرار از خطرهای کوچک احتمالی، سخن هر کسی را می پذیریم، چگونه می توانیم وقتی که پای سعادت یا شقاوت ابدی ما در میان است، با بی توجهی از کنار این خبر بگذریم؟ بنابراین، سخن گفتن از معاد، در حقیقت سخن گفتن از زندگی است، زیرا معاد بخشی از زندگی آینده ماست، زندگی ای که برخلاف زندگانی دنیا که کوتاه و گذراست، جاوید و ابدی خواهد بود.

قرآن کریم با تأکید فراوان اعلام می کند :

اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ  
لَيَجْمَعَنَّكُمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ  
لَا رَيْبَ فِيهِ  
وَمَنْ أَصْدَقُ مِنَ اللَّهِ حَدِيثًا

خداوند که هیچ خدایی جز او نیست  
قطعاً شما را در روز قیامت جمع می کند  
شکی در آن نیست  
و چه کسی راستگوتر از خداست؟

شای کویست نفاحر، بیدیش  
 کسی را هست جامی پر مثل پیش  
 اگر هفتی بدو کوید بیارام  
 که زر این مثل زحمت در جام  
 چو از فضل آن سخن دارد شنیده  
 بلا شک دست از آن دارد کشیده  
 تو را چرخین بجزر کرده آگاه  
 که خواهد بود کاری صعب بر راه  
 با کفست فضل بختی راه پر همیز  
 با کفست اینیا از خواب برخیز

**فعالیت کلاسی**

برخی از افرادی که بایندی چندانی به رعایت احکام دین ندارند، می گویند: «ما به وجود این مجازات‌هایی که گفته می‌شود در قیامت و جهنم هست، اعتقادی نداریم». شما به این گونه افراد چه پاسخی می‌دهید؟

\*\*\*

با توجه به اهمیت بحث معاد، قرآن کریم تنها به خیر دادن از آخرت فناخت نکرده، بلکه بارها با دلیل و برهان آن را ثابت کرده است. دلایل قرآن در این زمینه را می‌توان به دو دسته اصلی تقسیم کرد. دسته اول دلایلی هستند که «امکان» معاد را ثابت می‌کنند و آن را امری ممکن و شدنی نشان می‌دهند و دسته دیگر، دلایلی هستند که «ضرورت» معاد را به اثبات می‌رسانند و تحقق آن را لازم می‌دانند.

**الف) دلایلی که بر امکان معاد دلالت دارند:**

یکی از دلایلی که سبب می‌شود عده‌ای معاد را انکار کنند، این است که چنان واقعه بزرگ و با عظمتی را با قدرت محدود خود می‌سنجند و هنگامی که تحقق آن را با قدرت بشری ناممکن می‌بینند، به انکار آن می‌پردازند. حال آنکه بعید بودن چیزی برای انسان هرگز دلیل بر غیرممکن بودن آن نیست. از این رو، قرآن یکی از انگیزه‌های انکار معاد را نشناختن قدرت خدا معرفی می‌کند و دلایل و شواهد زیادی می‌آورد تا نشان دهد معاد امری ممکن و شدنی است و خداوند بر انجام آن تواناست؛ مانند:

۱- آفرینش نخستین انسان: در برخی آیات قرآن، خداوند توجه منکران معاد را به پیدایش نخستین انسان جلب می‌کند و توانایی خود در آفرینش وی را تذکر می‌دهد. در این آیات بیان می‌شود که همان‌گونه که خداوند قادر است انسان را در آغاز خلق کند، می‌تواند بار دیگر نیز او را زنده کند.

۱- عطار نیشابوری، اسرارنامه

**الف) مرحله اول قیامت**



در این مرحله، دنیا پایان می‌پذیرد و جهان خلقت آماده ورود به مرحله بعد که ورود به جهان آخرت است، می‌شود. در این مرحله حوادث زیر اتفاق می‌افتد:

۱- **نشینده شدن صدای مهیب:** صدای مهیب و سهمگین آسمان‌ها و زمین را فرامی‌گیرد و این اتفاق چنان ناگهانی رخ می‌دهد که همه را غافلگیر می‌کند؛ قرآن کریم از این واقعه به نفع صورت یاد می‌کند.

سوره/آیه

.....

۲- **مرگ اهل آسمان‌ها و زمین:** همه اهل آسمان‌ها و زمین، جز آنها که خداوند خواسته است، می‌میرند و بساط حیات انسان و دیگر موجودات در دنیا برچیده می‌شود.

سوره/آیه

.....

۳- **تغییر در ساختار زمین و آسمان‌ها:** تحولی عظیم در آسمان‌ها و زمین رخ می‌دهد. خورشید در هم می‌پیچد و بی‌نور و تاریک می‌شود. آن همه ستاره‌ای که در آسمان می‌درخشید، همه به یک‌باره تیره می‌شوند، زمین به شدت به لرزه در می‌آید و خرد می‌شود، کوه‌ها سخت درهم کوبیده شده و متلاشی می‌شوند و همچون ذرات گرد و غبار در هوا پراکنده می‌گردند.<sup>۱</sup>

این تغییرات چنان گسترده و عمیق است که آسمان‌ها و زمین به آسمان‌ها و زمینی دیگر که متناسب با قیامت و آخرت است، تبدیل می‌شوند.

سوره/آیه

.....

**ب) مرحله دوم قیامت**

در این مرحله وقایعی رخ می‌دهد تا صحنه داوری الهی فراهم شود و انسان‌ها آماده دریافت پاداش و کیفر گردند.

۱- **زنده شدن همه انسان‌ها:** بار دیگر بانگی سهمناک در عالم می‌پیچد و حیات مجدد انسان‌ها آغاز می‌شود. با این صدا، همه مردگان با قدرت خداوند دوباره زنده می‌شوند و در پیشگاه خداوند حاضر می‌گردند تا برای رسیدگی به حساب آماده شوند.

سوره/آیه

.....

۱- بنا بر روایات پیامبران الهی و امامان بزرگوار از این قضیه استنطاق شده‌اند. (انسان از آغاز تا انجام، علاقه طحطاپی، ص ۹۲)

۲- سوره تکوین، آیه ۱  
 ۳- سوره تکوین، آیه ۲  
 ۴- سوره انفطار، آیه ۱۴  
 ۵- سوره فجر، آیه ۲۱  
 ۶- سوره انفطار، آیات ۵ و ۶

«و برای ما مثلی زد، درحالی که آفرینش نخستین خود را فراموش کرده بود، گفت: کیست که این استخوان‌های بوسیده را دوباره زنده کند؟ بگو همان خدایی که آنها را برای نخستین بار آفرید و او به هر خلقتی داناست.»<sup>۱</sup>

۲- بیان نمونه‌هایی از زنده شدن مردگان: فرآن برای اینکه قدرت خدا را به صورت محسوس‌تری در این زمینه نشان دهد، ماجراهایی را نقل می‌کند که در آنها به اراده خداوند مردگانی زنده شده‌اند. از آن جمله می‌توان به ماجرای عَزْریر نبی ﷺ اشاره کرد:

عَزْریر یکی از پیامبران بنی اسرائیل بود. او در سفری از کنار روستای ویرانی عبور می‌کرد. استخوان‌های متلاشی و بوسیده ساکنان آن روستا از لابه‌لای خرابه‌ها پیدا بود. با دیدن این استخوان‌ها این سؤال در ذهن عَزْریر شکل گرفت که به راستی خداوند چگونه اینها را پس از مرگ زنده می‌کند؟ خداوند، جان وی را در همان دم گرفت و بعد از گذشت صد سال دوباره او را زنده کرد. سپس خطاب به او گفت:

ای عَزْریر، چه مدت در این بیابان توقف کرده‌ای؟

عَزْریر گفت: یک روز یا نصف روز.

خداوند فرمود: تو صد سال است که اینجا هستی. به الاغی که سوارش بودی و غذایی که همراه داشتی، نگاه کن و بین چگونه الاغ بوسیده و متلاشی شده؛ اما غذایت پس از صدسال سالم مانده و فاسد نشده است و اینک بین که خداوند چگونه اعضای بوسیده و متلاشی شده الاغ را دوباره جمع‌آوری و زنده می‌کند. عَزْریر ﷺ به چشم خود زنده شدن الاغ را دید و گفت: می‌دانم که خدا بر هر کاری توانا است.<sup>۲</sup>

#### تسدیر

خداوند در آیات سوم و چهارم قیامت، خطاب به کسانی که به انکار معاد می‌پردازند، می‌گوید: «نه تنها

استخوان‌های آنها را به حالت اول درمی‌آوریم، بلکه سرانگشتان آنها را نیز همان‌گونه که بوده، مجدداً

خلق می‌کنیم.»

به نظر شما چرا خداوند در این آیات برای اثبات قدرت الهی به خلق سرانگشتان اشاره می‌کند؟

۱- سوره یس، آیت ۷۸ و ۷۹

۲- سوره فرقان، آیه ۲۵۹

۲- آشکار شدن تمام حقایق: در آن روز با ناپیدن نور حقیقت از جانب خداوند، برده‌ها کنار می‌روند و اسرار و حقایق عالم آشکار می‌شود و واقعیت همه چیز از جمله اعمال و رفتار و نیت انسان‌ها و نیز حوادث تلخ و شیرینی که در زمین اتفاق افتاده است، عیان می‌گردد.

سوره/آیه

.....

۳- برپا شدن دادگاه عدل الهی: با آماده شدن صحنه قیامت، رسیدگی به اعمال آغاز می‌شود و ترازوهای ویژه‌ای که اعمال را می‌سنجند و ترازوهای عدل نام دارند، گذاشته می‌شود. اعمال، افکار و نیت‌های انسان‌ها در ترازوی حق و عدل پروردگار سنجیده می‌شود و هر عملی حتی اگر به اندازه ذره‌ای ناعادلانه باشد، به حساب آن نیز رسیدگی خواهد شد.<sup>۱</sup> اعمال پیامبران و امامان معیار و میزان سنجش اعمال دیگران قرار می‌گیرد؛ زیرا اعمال آنان عین آن چیزی است که خدا به آن دستور داده است؛ از این رو هر چه عمل انسان‌ها به راه و روش آنان نزدیک‌تر باشد، ارزش بیشتری خواهد داشت.

۴- حضور شاهدان و گواهان: براساس آیات و روایات، در این روز شاهدان و گواهانی بر اعمال و رفتار انسان‌ها در پیشگاه خداوند شهادت می‌دهند. برخی از این شاهدان عبارت‌اند از:

الف) پیامبران و امامان: ایشان همان‌گونه که در دنیا ناظر و شاهد بر اعمال انسان‌ها بوده‌اند،<sup>۲</sup> در روز قیامت نیز شاهدان دادگاه عمل الهی‌اند و چون ظاهر و باطن اعمال انسان‌ها را در دنیا دیده‌اند و از هر خطایی مصون و محفوظ‌اند، بهترین گواهان قیامت‌اند. رسول خدا ﷺ نیز شاهد و ناظر بر همه پیامبران و امت‌هاست.

سوره/آیه

.....

ب) فرشتگان الهی: فرشتگان در طول زندگی انسان‌ها، همواره مراقب آنها بوده‌اند و تمامی اعمال آنها را ثبت و ضبط کرده‌اند.<sup>۳</sup>

ج) اعضای بدن انسان: برخی آیات و روایات از شهادت اعضای بدن انسان یاد می‌کنند. بدکاران در روز قیامت سوگند دروغ می‌خورند تا شاید خود را از مهلکه نجات دهند. در این حال، خداوند بر دهان آنها مهر خاموشی می‌زند و اعضا و جوارح آنها به اذن خداوند شروع به سخن گفتن می‌کنند و علیه صاحب خود شهادت می‌دهند.<sup>۴</sup>

بدکاران از مشاهده گواهی اعضای خویش به شگفت می‌آیند و خطاب به اعضای بدن خود بالحنی اعتراضی می‌گویند که چرا علیه ما شهادت می‌دهید؟ اعضای بدن آنها می‌گویند: ما را خدایی به سخن آورد که هر چیزی را به سخن می‌آورد.<sup>۵</sup>

۱- سوره انبیاء، آیه ۲۷

۲- نهج‌النجاة، براساس روایات رسیده از معصومین ﷺ عقیده دارند که پیامبران و امامان ناظر بر اعمال ما هستند.

۳- سوره انفطار، آیت ۱۲-۱۰

۴- سوره یس، آیه ۴۵

۵- سوره فصلت، آیه ۲۱

قرائت: آیات زیر را به دقت و زیبا قرائت کنید.

أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ  
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

﴿ فَأَمَّا مَنْ أُوْتِيَ كِتَابَهُ  
بِئْسَ مِثْقَالٍ فَيَقُولُ  
هَٰؤُلَاءِ أَقْرَبُوا مِنِّي  
﴿ إِنِّي ظَنَنْتُ أَنِّي مُلَاقٍ حِسَابِيهِ  
﴿ فَهُوَ فِي عِيشَةٍ رَاضِيَةٍ  
فِي جَنَّةٍ عَالِيَةٍ  
﴿ قُطُوفُهَا دَانِيَةٌ  
﴿ كُلُوا وَاسْرَبُوا هَنِيئًا  
﴿ بِمَا أَسْلَفْتُمْ فِي الْأَيَّامِ الْخَالِيَةِ  
﴿ وَ أَمَّا مَنْ أُوْتِيَ كِتَابَهُ  
بِئْسَ مِثْقَالِهِ، فَيَقُولُ  
يَا لَيْتَنِي لَمْ أُوْتِ كِتَابِيهِ  
﴿ وَ لَمْ أَدْرِمَا حِسَابِيهِ  
﴿ يَا لَيْتَهَا كَانَتِ الْقَاصِيَةَ  
﴿ مَا أَغْنَىٰ عَنِّي مَالِيهِ  
﴿ هَلْكَ عَنِّي سُلْطَانِيهِ

اما آن که کارنامه اش را می دهند  
به دست راستش، می گوید:  
بیا باید کارنامه مرا بخوانید  
من یقین داشتم  
که با کارنامه ام رو به رو می شوم  
او، آنگاه در زندگی پستیده ای است  
در بهشتی برین  
که میوه هایش در دسترس است.  
بخورید و بیاشامید؛ گوارایان  
به خاطر آنچه در گذشته انجام داده اید  
اما کسی که کارنامه اش را می دهند  
به دست چپش، می گوید  
کاش کارنامه ام داده نمی شد  
و نمی دانستم حساب و کتاب چیست  
کاش کارم به پایان می رسید  
مال و ثروتم به دادم نرسید  
و قدرتم از دستم رفت.



۳- اشاره به نظام مرگ و زندگی در طبیعت: در برخی آیات قرآن، زندگی بعد از مرگ به عنوان یک جریان رایج در جهان طبیعت معرفی شده است و از کسانی که با ناباوری به معاد نگاه می کنند می خواهد تا به مطالعه جریان همیشگی مرگ و زندگی در طبیعت بپردازند تا مسئله معاد را

بهتر درک کنند. فرارسیدن بهار، رستاخیز طبیعت است که نمونه ای از رستاخیز عظیم نیز هست.

«خداست که بادها را می فرستد تا ابر را برانگیزند. سپس آن ابر را به سوی سرزمینی مرده برانیم و آن زمین مرده را بدان [وسیله] پس از مرگش زندگی بخشیدیم. زنده شدن قیامت نیز همین گونه است.»<sup>۱</sup>

**ب) دلایلی که بر ضرورت معاد دلالت دارند:**

قرآن نه تنها معاد را امری ممکن می داند، بلکه وقوع آن را نیز امری ضروری و واقع نشدن آن را امری محال و ناروا معرفی می کند. دلایلی که قرآن در بحث ضرورت معاد بیان کرده است، عبارت اند از:

۱- معاد لازمه حکمت الهی: خداوند حکیم است و لازمه حکمت خدا این است که هیچ کاری از کارهای او بیهوده و عبث نباشد. اگر خداوند تمایلات و گرایش هایی را در درون انسان قرار داده، امکانات پاسخگویی به آن تمایلات و نیازها را نیز در عالم خارج قرار داده است؛ به طور مثال، در مقابل احساس تشنگی و گرسنگی، آب و غذا را آفریده است تا بتوانیم به وسیله آن تشنگی و گرسنگی خود را برطرف کنیم. حال اگر به وجود آدمی توجه کنیم، می بینیم که خداوند انسان را به گونه ای آفریده که گرایش به بقا و جاودانگی دارد و از نابودی گریزان است و بسیاری از کارها را برای حفظ بقای خود انجام می دهد. همچنین هر انسانی خواستار همه کمالات و زیبایی هاست و این خواستن هیچ حدی ندارد.

اما دنیا و عمر محدود انسان ها پاسخ گوی این گونه خواسته ها نیست؛ بنابراین باید جای دیگری باشد که انسان به خواسته هایش برسد. اگر بعد از این دنیا، زندگی ای نباشد، در این صورت باید گفت خداوند گرایش به زندگی جاوید را در وجود انسان قرار داده است و سپس او را در حالی که مشتاق حیات ابدی است، نابود می کند! آیا این کار با حکمت خداوند سازگار است؟!

علاوه بر این، اگر بناست با این همه استعدادها و سرمایه های مختلفی که خداوند در وجود ما قرار داده است، خاک شویم و معادی هم نباشد، این سؤال مطرح می شود که دلیل آفریدن این استعدادها و

۱- گرفتن کارنامه: پس از برپایی دادگاه عمل الهی و رسیدگی به عقاید و اعمال انسان‌ها و مشخص شدن سرنوشت آدمیان، کارنامه نیکوکاران را به‌دست راست و کارنامه بدکاران را به دست چپ آنها می‌دهند.

سوره/آیه

.....

۲- حقیقت کارنامه انسان: این کارنامه یا نامه عمل چیست و اعمال انسان چگونه در آن ثبت شده است؟ در پاسخ به این سؤال می‌گوییم که: آن کارنامه، با کارنامه‌ها و نامه‌های دنیا به کلی متفاوت است. نامه عمل، مانند نامه دنیا نیست که گزارشی از عمل باشد؛ بلکه، خود عمل و حقیقت و باطن عمل است. این کارنامه، عقاید قلبی و نیت‌های درونی و خلقیات انسان‌ها را هم دربردارد. حقیقت آن است که انسان، در آن نامه عمل، تمام هویت خود را از بدو تولد، تا پایان زندگی و حتی زندگی در برزخ را در آن می‌یابد.<sup>۱</sup> با توجه به چنین کارنامه‌ای، هر انسان نیکوکاری، به آنچه که شایسته و لایق اوست، می‌رسد و هر گناهکاری نیز دقیقاً مطابق با عمل خود مجازات می‌شود. اصولاً پاداش‌ها و مجازات‌ها، همان عملی خود انسان هستند که در آخرت به‌صورت پاداش یا مجازات درآمده‌اند، نه چیزی خارج از آن. بنابراین، به اندازه سرسوزنی به کسی ظلم نمی‌شود. البته خداوند به نیکوکاران وعده داده که ده برابر بیشتر از عمل نیکی که انجام داده‌اند، به ایشان پاداش بدهد که این به خاطر لطف و مهربانی خدا به بندگانش است.

۳- عوامل بهشتی یا جهنمی شدن انسان: چه عواملی نیکوکاران را بهشتی و بدکاران را جهنمی می‌کند؟ خداوند، با نقل گفت‌وگوهایی که در آخرت رخ می‌دهد، به برخی از آن عوامل اشاره می‌کند. گاهی بهشتیان از گناهکاران علت سقوط آنها در آتش را می‌پرسند. آنان می‌گویند:

«اما از نمازگزاران نبودیم،

بینوایان را هم اطعام نمی‌کردیم،

سرگرم لهو و لعب خود بودیم،

و روز قیامت را هم انکار می‌کردیم،

تا اینکه مرگ به سراغمان آمد و دستمان از دنیا کوتاه شد.»<sup>۲</sup>

گاهی نیز فرشتگان از دوزخیان می‌پرسند:

مگر راهنما و اندازنده‌ای به سوی شما نیامد؟

آنان می‌گویند:

چرا، آمد، اما ما آنان را تکذیب کردیم و گفتیم خدا چیزی نازل نکرده است.

۱- سوره کهف، آیه ۴۹

۲- سوره مائده، آیات ۴۲ تا ۴۷

سرمایه‌ها در درون ما چه بوده است؟ ما که از همان ابتدا خاک بودیم، پس دلیل این آمدن و رفتن چه بود؟ آیا برای اساس، آفرینش انسان و جهان، بی‌هدف و عبث نخواهد بود؟

أَفَحَسِبْتُمْ أَنَّمَا خَلَقْنَاكُمْ عَبَثًا وَأَنَّكُمْ إِلَيْنَا لَا تُرْجَعُونَ<sup>۱</sup>

۲- معاد لازمه عدل الهی: عدل یکی از صفات الهی است. خداوند عادل است و نیکوکاران را با بدکاران برابر قرار نمی‌دهد؛ از این رو، خداوند وعده داده است که هرکس را به آنچه استحقاق دارد برساند و حق کسی را ضایع نکند.

اما زندگی انسان در دنیا به گونه‌ای است که امکان تحقق این وعده را نمی‌دهد؛ زیرا:

الف) در این عالم همه به پاداش یا کیفر تمام اعمال خود نمی‌رسند. به‌عنوان نمونه، چه بسیار افرادی که کارهای نیک فراوانی دارند و به جمع زیادی از انسان‌ها خدمت کرده‌اند و نیز چه بسیار کسانی که در دوران عمر خود از هیچ جنایت و خیانتی فروگذار نمی‌کنند، اما قبل از آنکه به پاداش یا سزای اعمال خود برسند، چشم از جهان فرومی‌بندند.

ب) این جهان ظرفیت جزا و پاداش کامل انسان‌ها را ندارد. به‌عنوان نمونه، چگونه می‌توان پاداش بسیاری از اعمال، مانند شهادت در راه خدا را در این دنیا داد؟ و با چگونه می‌توان در این جهان کسی را که به هزاران نفر ستم روا داشته و یا صدها نفر را قتل عام کرده است، کیفر داد؟ به‌عنوان مثال اعدام کسی چون صدام و حامیان وی به هیچ‌عنوان با جرم شهید کردن صدها هزار انسان بی‌گناه، و معلول و شیمیایی کردن هزاران جانیناز برابری نمی‌کند.

اگر جهان دیگری نباشد، که ظالم را به مجازات واقعی‌اش برساند و حق مظلوم را بستاند، بر نظام عادلانه خداوند ایراد وارد می‌شود.

أَمْ تَجْعَلُ الْأَدْيِينَ آمَنُوا

آیا ما آنها را که ایمان آورده

وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ

و کارهای شایسته انجام داده‌اند

كَالْمُفْسِدِينَ فِي الْأَرْضِ

با مفسدان در زمین یکسان قرار خواهیم داد؟

أَمْ تَجْعَلُ الْمُتَّقِينَ كَالْفُجَّارِ

آیا متقین را مانند ناپاکان و بدکاران قرار

خواهیم داد؟

۱- سوره مؤمنون، آیه ۱۱۵

۲- سوره ص، آیه ۲۸



از رانندگان نیز بی‌اعتنا به توصیه‌های پلیس و گاه با تمسخر آنها به جاده می‌زنند. در هر صورت با نیازی به این وسایل پیش می‌آید یا پیش نمی‌آید. اگر نیازی نبود (که البته با توجه به علم و آگاهی پلیس راهنمایی و رانندگی و توصیه‌ها و هشدارهای آنان قطعاً نیاز خواهد شد)، راننده‌ای که این وسایل را همراه داشته است، ضرری نکرده است؛ اما اگر به آن وسایل نیاز شد، کسی که آنها را بر نداشته است، در وسط جاده چه خواهد کرد؟

شرط عقل آن است که انسان نسبت به حوادث، حتی اگر احتمال کمی برای رخ دادن آن وجود داشته باشد، پیش‌بینی لازم را بکند، چه رسد به حوادثی که یقینی باشند.

پیامبران از حساب و کتاب پس از مرگ در قیامت خبرهایی داده‌اند و بر این اساس برنامه و دستوراتی نیز برای عبور آسان و موفق از این جهان در اختیار ما گذاشته‌اند. گروهی این خبرها را پذیرفته و گروهی منکر شده‌اند. کسانی که پذیرفته‌اند در شبانه‌روز دقایقی با خدا گفت‌وگو می‌کنند؛ نماز می‌خوانند؛ در سال یک ماه روزه می‌گیرند؛ از انجام برخی کارها که ضررش به خود انسان برمی‌گردد (مانند نوشیدن مشروبات الکلی، خوردن گوشت خوک و مصرف مواد مخدر) خودداری می‌کنند. حال بر فرض که قیامت و حساب و کتابی در کار نباشد، این افراد ضرری نکرده‌اند و چیزی را از دست نداده‌اند؛ اما اگر حساب و کتابی باشد (که با دلایلی که ذکر شد، حتمی است) افرادی که به سخن خدا و پیام انبیا توجه نکردند، چه خواهند کرد؟ آنها زندگانی ابدی و جاوید در آخرت را به هفتاد سال عمر دنیوی فروخته‌اند.

پس عاقل کسی است که حتی اگر یقین به قیامت ندارد، خود را آمادهٔ آخرت کند و هشدارهای انبیا را جدی بگیرد.

امام رضا علیه السلام در گفت‌وگو با یکی از منکران معاد به او فرمود: «اگر نظر شما درست باشد — که چنین نیست — در این صورت ما و شما یکسان و برابریم؛ و نماز، روزه، عقیده و ایمان ما ضرر و زبانی به ما نمی‌رساند. ولی اگر حق با ما باشد — که چنین هست — در این صورت ما رستگار و سعادتمند می‌شویم؛ اما شما زیان کار شده، هلاک خواهید شد.»<sup>۱</sup>

۱- احتجاج، طبرسی، ج ۲، ص ۱۷۱

وَ أَسْأَلُكَ الْإِمَانُ يَوْمَ يَعْصِيُ الظَّالِمُ عَلَى يَدَيْهِ  
يَقُولُ يَا لَيْتَنِي اتَّخَذْتُ مَعَ الرَّسُولِ سَبِيلًا

خدا یا بنده من باش روزی که گناهکار دست حسرت به دندان می‌گردد  
و می‌گوید ای کاش با رسول خدا همراه می‌شدم.

... وَ أَسْأَلُكَ الْإِمَانُ يَوْمَ يَفِرُّ النُّرَّةُ مِنْ أَهْلِهَا وَ آبِيهِ وَ صَاحِبَتِهِ وَ بَنِيهِ

خدا یا بنده من باش روزی که انسان حتی از برادر، مادر، پدر، دوست و فرزند خود فرار می‌کند.

وَ أَسْأَلُكَ الْإِمَانُ يَوْمَ يُوذُّ الْمُجْرِمُ، لَوْ يَفْتَدِي مِنْ عَذَابٍ يَوْمِيذٍ بِبَنِيهِ وَ صَاحِبَتِهِ وَ أَخِيهِ وَ  
فَصِيلَتِهِ الَّتِي تُؤْوِيهِ وَ مَن فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا ثُمَّ يُنْجِيهِ

خدا یا به من بنده در روزی که انسان‌های گناهکار حاضرند فرزند، دوست، برادر و خویشان بلکه تمام مردم زمین به جای آنها عذاب شوند تا خود نجات یابند.

#### معرفی کتاب

نام کتاب	نویسنده	انتشارات	مخاطب
موافق حشر	محمد شجاعی	کانون اندیشه جوان	دانش آموز / معلم
قیامت	محمد شجاعی	کانون اندیشه جوان	دانش آموز / معلم

۱- مفاتیح الجنان، مناجات امیرالمؤمنین در مسجد کوفه

اندیشه و تحقیق

- ۱- تعدادی از کارهای نیک و تعدادی از گناهان را که در این دنیا قابل پاداش و مجازات نباشند، ذکر کنید.
- ۲- اگر در بحث وجود معاد، دلیلی جز خبر پیامبران نداشتید، آیا آن را می پذیرفتید؟ به چه دلیل؟
- ۳- رابطه میان «آفرینش استعدادها و سرمایه های مختلف در وجود انسان» و «ضرورت معاد» را توضیح دهید.

بیشتر بدانیم



نصیحتی از حضرت علی علیه السلام

آگاه باشید! هم اکنون در روزگار آرزوهایید که مرگ را در پی دارد؛ پس هر کس در ایام آرزوها، بیش از فرا رسیدن مرگ، عمل نیکو انجام دهد، بهره مند خواهد شد، و مرگ او را زبانی نمی رساند و آن کس که در روزهای آرزوها، بیش از فرا رسیدن مرگ کوتاهی کند، زیان کار و مرگ او زیان بار است.

همان گونه که به هنگام ترس و ناراحتی برای

خدا عمل می کنید، در روزگار خوشی و کامیابی نیز عمل کنید.

آگاه باشید! هرگز چیزی مانند بهشت ندیدم که خواستار آن در خواب غفلت باشند و نه چیزی مانند آتش

جهنم که فراریان آن چنین در خواب فرو رفته باشند!

نهج البلاغه، خطبه ۲۸

معرفی کتاب

نام کتاب	نویسنده	انتشارات	مخاطب
آفتاب اندیشه (ج ۲ و ۳)	حسین سوزنجی	مدرسه	معلم
معاد	شهید مرتضی مطهری	صدرا	دانش آموز / معلم





### جلسه اول

قرائت : آیات زیر را به دقت و زیبا قرائت کنید.

أعوذُ باللهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ  
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

﴿ وَ سَيِّئَ الَّذِينَ كَفَرُوا

إِلَىٰ جَهَنَّمَ رُجْرًا

حَتَّىٰ إِذَا جَانُوهَا

فُتِحَتْ أَبْوَابُهَا

وَ قَالَ لَهُمْ حَرِّزْنَاهَا

أَلَمْ يَأْتِكُمْ رُسُلٌ مِنْكُمْ

يَتْلُونَ عَلَيْكُمْ آيَاتِ رَبِّكُمْ

وَ يُنذِرُونَكُمْ لِقَاءَ يَوْمِكُمْ هَذَا

قَالُوا بَلَىٰ

وَ لَكِن خَشِيَ قَلْبُكَ الْعَذَابَ

عَلَى الْكَافِرِينَ

﴿ قِيلَ ادْخُلُوا

أَبْوَابَ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا

فَسَيَسْئَلُ عَنْهُمْ الشَّاكِرِينَ

کافران را براند

به سوی جهنم گروه گروه

تا چون به نزدیک آن رسند،

درهایش گشوده شود

و نگهبانان جهنم به آنان گویند

آیا رسولانی از خودتان برایتان نیامدند

که آیات پروردگارتان را بر شما می خواندند

و شما را از دیدار این روزتان می ترساندند

گفتند : چرا، (آمدند)

اما فرمان عذاب مسلم شده است

بر کافران.

گفته شود به آنها وارد شوید

از درهای جهنم که در آن جاودانه اید،

چه بد منزلگاهی برای متکبران است.

زمر، ۷۱ و ۷۲

قرآنت

سوره مؤمنون ۲۲

جزء ۸



استماع و ترجمه آیه

آیهت درسی را با توجه به الگوی قرآنت، جمله به جمله بخوانید و به معنای آن دقت کنید.

ادْفَعِ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ السَّبِيحَةِ نَحْنُ أَعْلَمُ بِمَا يَصِفُونَ ﴿١٦﴾  
 وَقُلْ رَبِّ أَعُوذُ بِكَ مِنْ هَمَزَاتِ الشَّيْطَانِ ﴿١٧﴾ وَأَعُوذُ بِكَ  
 رَبِّ أَنْ يَحْضُرُونِ ﴿١٨﴾ حَتَّىٰ إِذَا جَاءَهُ أَحَدَهُمُ الْمَوْتُ  
 قَالَ رَبِّ ارْجِعُونِ ﴿١٩﴾ لَعَلِّي أَعْمَلُ صَالِحًا فِيمَا تَرَكْتُ كَلَّا  
 إِنَّهَا كَلِمَةٌ هُوَ قَائِلُهَا وَمِنْ وَرَائِهِم بَرْزَخٌ إِلَىٰ يَوْمِ يُبْعَثُونَ ﴿٢٠﴾  
 فَلِذَا تُفْعَلُ فِي الصُّورِ فَلَا أَنسَابَ بَيْنَهُمْ يَوْمَئِذٍ وَلَا يَتَسَاءَلُونَ ﴿٢١﴾  
 فَمَنْ تَقَلَّتْ مَوَازِينُهُ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ ﴿٢٢﴾ وَمَنْ  
 خَفَّتْ مَوَازِينُهُ فَأُولَٰئِكَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنفُسَهُمْ فِي جَهَنَّمَ  
 خَالِدُونَ ﴿٢٣﴾ تَلْفَحُ وُجُوهُهُمُ النَّارَ وَهُمْ فِيهَا كَالِحُونَ ﴿٢٤﴾  
 أَلَمْ تَكُنْ آيَتِي تُسَلِّىٰ عَلَيْكُمْ فَكُنْتُمْ بِهَا تُكْذِبُونَ ﴿٢٥﴾ قَالُوا رَبَّنَا  
 غَلَبَتْ عَلَيْنَا شِقْوَتُنَا وَكُنَّا قَوْمًا ضَالِّينَ ﴿٢٦﴾ رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْهَا  
 فَإِنَّا عُذْنَا فَإِنَّا ظَالِمُونَ ﴿٢٧﴾ قَالَ اخْسَعُوا فِيهَا وَلَا تُكَلِّمُونَ ﴿٢٨﴾  
 إِنَّهُمْ كَانَتْ فَرِيقٌ مِّنْ عِبَادِي يَقُولُوا رَبَّنَا آمَنَّا  
 فَاغْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا وَأَنْتَ خَيْرُ الرَّحِيمِينَ ﴿٢٩﴾ فَاتَّخَذْتُمُوهُمْ  
 سَخِرِيًّا حَتَّىٰ أَنسَوُكُمْ ذِكْرِي وَكُنْتُمْ مِنْهُمْ تَضْحَكُونَ ﴿٣٠﴾  
 إِنِّي جَزَيْتُهُمُ الْيَوْمَ بِمَا صَبَرُوا أَنَّهُمْ هُمُ الْفَائِزُونَ ﴿٣١﴾

اندیشه در آیات

- در آیات ۷۱ و ۷۲ سوره زمر بیندیشید و جگونگی ورود گناهکاران به جهنم را بیان کنید :
- ۱- گناهکاران، گروه گروه.....
  - ۲-.....
  - ۳- نگهبانان جهنم.....
  - ۴-.....
  - ۵-.....

جایگاه دوزخیان

پس از پایان محاکمه، دوزخیان گروه گروه به سوی جهنم رانده می شوند<sup>۱</sup> و درحالی که در غل و زنجیر بسته شده اند، در جایگاهی تنگ افکنده می شوند.<sup>۲</sup>

آتش جهنم، بسیار سخت و سوزاننده است. این آتش حاصل عمل خود انسان هاست و برای همین، از درون جان آنها شعله می کشد.<sup>۳</sup>

در این حال، ناله حسرت دوزخیان بلند می شود و می گویند: ای کاش خدا را فرمان می بردیم و پیامبر او را اطاعت می کردیم.<sup>۴</sup> ای کاش فلان شخص را به عنوان دوست خود انتخاب نمی کردیم. او ما را از یاد خدا بازداشت.<sup>۵</sup> دریغ بر ما، به خاطر آن کوتاهی هایی که در دنیا کردیم!<sup>۶</sup>

آنان به خداوند می گویند: پروردگارا شقاوت بر ما چیره شد و ما مردمی گمراه بودیم. ما را از اینجا بیرون ببر که اگر به دنیا بازگردیم، عمل صالح انجام می دهیم.<sup>۷</sup>

پاسخ قطعی خداوند این است که آیا در دنیا به اندازه کافی به شما عمر ندادیم تا هر کس می خواست به راه راست آید؟<sup>۸</sup> ما می دانیم اگر به دنیا بازگردید، همان راه گذشته را پیش می گیرید.<sup>۹</sup>

آنان گاهی دیگران را مقصر می شمارند و می گویند: شیطان و بزرگان و سرورانمان سبب گمراهی ما شدند.<sup>۱۰</sup> شیطان می گوید من فقط شما را فراخواندم و شما نیز مرا پذیرفتید. مرا ملامت نکنید، خود را

۱- سوره زمر، آیه ۷۱  
 ۲- سوره احزاب، آیه ۶۶  
 ۳- سوره مؤمنون، آیه ۶ و ۷  
 ۴- سوره احزاب، آیه ۶۷  
 ۵- سوره فرقان، آیه ۱۲  
 ۶- سوره فرقان، آیه ۲۸ و ۲۹  
 ۷- سوره فاطر، آیه ۲۷  
 ۸- سوره هز، آیه ۷۴  
 ۹- سوره انعام، آیه ۳۱  
 ۱۰- سوره انعام، آیه ۲۸

ترجمه

سوره مؤمنون، آیات ۹۶ تا ۱۱۱

بدی را به شیوهای نیکو دفع کن. ما به آنچه وصف می‌کنند دانائیم. ۹۶  
 و بگو پروردگارم! از وسوسه‌های شیاطین به تو پناه می‌برم. ۹۷  
 و پروردگارم! از اینکه [آنها] به پیش من حاضر شوند به تو پناه می‌برم. ۹۸  
 تا آنگاه که مرگ یکی از ایشان فرا رسد می‌گوید پروردگارم! مرا بازگردانید. ۹۹  
 شاید من در آنچه وانهاده‌ام کار نیکی انجام دهم. [به او گفته می‌شود] هرگز.  
 این سخنی است که او [به زبان] می‌گوید و به دنبال [این زندگی] آنان برزخی است  
 تا روزی که برانگیخته شوند. ۱۰۰  
 پس آنگاه که در صور دمیده شود [دیگر] میانشان نسبت خوشاوندی وجود ندارد  
 و از [حال] یکدیگر نمی‌پرسند. ۱۰۱  
 پس کسانی که کفه میزان [اعمال]شان سنگین باشد آنان رستگارانند. ۱۰۲  
 و کسانی که کفه میزان [اعمال]شان سبک باشد اینان کسانی هستند که [سرمايه‌های]  
 خود را از دست داده [و] همیشه در جهنم می‌مانند. ۱۰۳  
 آتش، چهره آنها را می‌سوزاند و آنان در آنجا ترش‌روینند. ۱۰۴  
 [خداوند به آنها می‌گوید] آیا آیات من بر شما خوانده نمی‌شد و شما آن را نکذیب  
 می‌کردید؟ ۱۰۵  
 می‌گویند: پروردگارا شقاوت بر ما چیره شد. زیرا، گروهی گمراه بودیم. ۱۰۶  
 پروردگارا! ما را از اینجا بیرون ببر و اگر باز هم بدی کردیم، در آن صورت ستمکار  
 خواهیم بود. ۱۰۷  
 خدا می‌فرماید: [با دلت و خواری] بروید در آن دور شوید و با من سخن نگویند. ۱۰۸  
 در حقیقت دسته‌ای از بندگان من می‌گفتند: پروردگارا! ما ایمان آوردیم. ما را  
 ببخش و به ما رحم کن که تو مهربان‌ترینی. ۱۰۹  
 و شما آن مؤمنان را به ریشخند گرفتید تا با این کار یاد مرا از خاطرتان بردید و شما  
 بر آنان می‌خندیدید. ۱۱۰  
 من هم امروز به پاس آنکه آنان صبر کردند، به آنان پاداش دادم. آری آنان همان  
 رستگارانند. ۱۱۱

ملامت کنید.<sup>۱</sup> به نگاهبانان جهنم رو می‌آورند تا آنها برایشان از خداوند تخفیفی بگیرند؛ ولی فرشتگان می‌گویند: مگر پیامبران برای شما دلایل روشنی نیاوردند؟ آنان می‌گویند: بلی! فرشتگان نیز تقاضای آنها را نمی‌پذیرند و درخواستشان را بیجا می‌دانند.<sup>۲</sup>

لذت‌های زودگذر آلوده به گناه ← پشیمانی و حسرت همینگی

بیشتر بدانیم

چهار رفیق

تاجری چهار رفیق صمیمی داشت. از میان آنها، رفیق چهارم را بیشتر از همه دوست داشت. تاجر با خرید هدایای فراوان، دوستی خود را به او ابراز می‌کرد و با احترام بسیار با وی رفتار می‌نمود. او بهترین هر چیز را برای این دوست خود کنار می‌گذاشت.  
 تاجر، رفیق سومش را هم دوست داشت؛ چنان‌که همه‌جا به داشتن چنین رفیقی افتخار می‌کرد و همواره وی را به دیگران نشان می‌داد؛ اما ترسی همواره بر دل تاجر بود که مبادا او ترکش کند و با دیگران رفاقت کند.  
 رفیق دوم تاجر خیلی قابل اعتماد و صبور بود. تاجر هرگاه با مشکلی روبه‌رو می‌شد به سراغ او می‌رفت و او هم به تاجر اعتماد به نفس می‌داد و موجب دلگرمی او می‌شد.  
 رفیق اول تاجر، فردی بسیار وفادار بود. اما مرد تاجر به ندرت به او توجه می‌کرد و کمتر پاسخ محبت‌های بی‌دریغ او را می‌داد.  
 روزی، تاجر به شدت بیمار شد و دریافت که رفتنی است. زندگی مرفه و اشرافی خود را از جلوی چشمانش گذراند و با خود گفت: اگرچه در این دنیا چهار دوست صمیمی دارم؛ اما اگر بیمر تنهای آنها خواهم شد.

۱- سوره غافر، آیات ۴۹ و ۵۰

۲- سوره ابراهیم، آیه ۴۴

## دیرششم منزلگاه بعد

زمانی که مجاهدی در راه خدا به شهادت می‌رسد یا مادری پس از تربیت فرزندان شایسته، چشم از دنیا فرو می‌بندد یا پدری پس از سال‌ها تلاش و کوشش در بستر بیماری جان می‌سپرد و به‌طور کلی وقتی انسان‌ها می‌میرند، چه اتفاقی برایشان می‌افتد؟  
 آیا ارتباطشان کاملاً با دنیا قطع می‌شود؟  
 آیا به صورت مستقیم وارد جهان آخرت می‌شوند؟  
 یا آنکه  
 مرحله‌ای دیگر را پیش رو خواهند داشت؟  
 اگر چنین است، آن مرحله چه نام دارد؟ چه ویژگی‌هایی دارد؟ و چه رابطه‌ای میان دنیا و آن مرحله وجود دارد؟

از این رو، رفقایش را به تزد خود فراخواند. ابتدا رو به رفیق چهارم خود کرد و گفت: من در این دنیا بیش از حد تو را دوست داشتم و برای تو بهترین‌ها را فراهم کردم؛ حالا که من در حال مرگ هستم، آیا با من می‌آیی و مرا در این سفر همراهی می‌کنی؟  
 رفیق چهارم گفت: به هیچ وجه، و راه خود را گرفت و رفت.  
 با دلی شکسته درخواستش را با رفیق سومش در میان گذاشت؛ اما او هم بلافاصله گفت: نه، نمی‌توانم. تصمیم دارم پس از مرگت با کس دیگری رفیق شوم.  
 تاجر رو به رفیق دومش کرد و مصراانه گفت: من هرگاه کمک خواسته‌ام، تو باورم بوده‌ای. آیا این بار هم مرا یاری می‌کنی؟  
 رفیق دوم با ناراحتی گفت: این بار نمی‌توانم؛ اما برای تو هر هفته خیرات می‌دهم و طلب آمرزش می‌کنم.

حرف‌های رفیق دوم مانند صاعقه، قلب رنجور تاجر را درید و ویران کرد.  
 ناگهان ندایی شنید: من با تو می‌آیم، من تو را همراهی می‌کنم، هر جا که بروی با تو هستم.  
 تاجر گریست؛ این صدای رفیق اولش بود که تکیده و رنجور در گوشه‌ای تنگ شده بود. تاجر با شرمساری دست نحیف او را گرفت و گفت: حالا می‌فهمم که باید در تمام این مدت، قدر تو را می‌دانستم و همه دارایی‌ام را به پای تو می‌گذاشتم.

\*\*\*

این داستان واقعی زندگی همه ما انسان‌هاست:  
 رفیق چهارم، جسم ماست که همه چیز را برای زیبایی و تغذیه او صرف می‌کنیم؛ اما پس از مرگ، خیلی زود ما را ترک می‌کند.  
 رفیق سوممان، ثروت و اموال ماست. وقتی ما می‌میریم، بلافاصله به دیگران می‌رسد.  
 رفیق دوم ما، خانواده، فرزندان و دوستان ما هستند که به رغم نزدیکی و همراهی با ما در زمان حیات، پس از مرگ، نا قبر ما می‌آیند و برمی‌گردند.  
 و اما رفیق اول که بسیاری از اوقات آن را فراموش می‌کنیم، فقط اوست که ما را در این سفر، همراهی می‌کند. او کسی نیست جز...

جلسه دوم

قرائت : آیات زیر را به دقت و زیبا قرائت کنید :

أعوذُ باللهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ  
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بروآوران از پروردگار را برانند	و سِيِّئَ الَّذِينَ اتَّخَفُوا زَيْبُهُمْ
به سوی بهشت، گروه گروه	إِلَى الْجَنَّةِ زُرَّارًا
تا به نزدیک آن رسند	حَتَّى إِذَا جَانُوهَا
درحالی که درهانش گشوده است	و فَتَبَّحَتْ أَبْوَابُهَا
نگهبانان آن به اهل بهشت گویند	و قَالَ لَهُمْ حَزَنَتُنَّهَا
سلام بر شما	سَلَامٌ عَلَيْكُمْ
خوش آمدید	طِبِّتُمْ
به آن وارد شوید و جاودانه بمانید.	فَادْخُلُوهَا خَالِدِينَ
و گویند ستایش خدای	و قَالُوا الْحَمْدُ لِلَّهِ
که وعده‌اش را بر ما راست گردانید	الَّذِي صَدَقْنَا وَغَدَّه
و زمین را به ما میراث داد	و أَوْزَنَّا الْأَرْضَ
که در بهشت جای گیریم	نَحْبَوُا مِنَ الْجَنَّةِ
در هر جا که بخواهیم	حَيْثُ نَشَاءُ
بس چه نیک است پاداش عمل‌کنندگان	فَنِعْمَ أَجْرُ الْعَامِلِينَ

زمر، ۷۳ و ۷۴

عالم برزخ

قرآن کریم از وجود عالمی پس از مرگ، به نام «برزخ» خبر می‌دهد. برزخ در لغت به معنای فاصله و حایل میان دو چیز است. عالم برزخ میان زندگی دنیایی و حیات آخروی قرار گرفته است و آدمیان، پس از مرگ وارد آن می‌شوند و تا قیامت در آنجا می‌مانند و در صورتی که نیکوکار باشند، از لذت‌های آن برخوردار و اگر بدکار و شقی باشند، از رنج‌ها و دردهای آن متألم می‌گردند.

حَتَّى إِذَا جَاءَ أَحَدَهُمُ الْمَوْتُ	آنگاه که مرگ یکی از آنها فرا رسد
قَالَ رَبِّ ارْجِعُونِ	می‌گوید : پروردگارا! مرا بازگردانید
لَعَلِّي أَعْمَلُ صَالِحًا	باشد که عمل صالح انجام دهم!
فِيمَا تَرَكْتُ	آنچه را در گذشته ترک کرده‌ام
كَلَّا إِنَّهَا كَلِمَةٌ هُوَ قَائِلُهَا	هرگز! این سخنی است که او می‌گوید
و مِنَ ذَرَارِهِمْ بَرزُخٌ	و پیش روی آنها برزخ و فاصله‌ای است
إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ	تا روزی که برانگیخته می‌شوند <sup>۱</sup>

ویژگی‌های عالم برزخ

۱- وجود حیات

پس از مرگ، گرچه فعالیت‌های حیاتی بدن متوقف می‌شود اما فرشتگان، حقیقت وجود انسان را که همان روح اوست، «توفی» می‌کنند.<sup>۱</sup> یعنی آن را به‌طور تمام و کمال دریافت می‌نمایند. بنابراین، گرچه بدن حیات خود را از دست می‌دهد اما روح، همچنان به حیات و فعالیتش ادامه می‌دهد.

۲- وجود شعور و آگاهی

با توجه به اینکه عامل شعور و آگاهی انسان در دنیا روح وی است و روح در برزخ، به حیات خود ادامه می‌دهد، یکی از ویژگی‌های برزخ، وجود شعور و آگاهی در آن خواهد بود. براساس آیات و روایات برخی از نشانه‌های شعور و آگاهی انسان در عالم برزخ عبارت است از :

۱- سوره مؤمنون، آیات ۹۹ و ۱۰۰

۲- برگرفته از سوره نساء، آیه ۹۷ و سوره اعم، آیه ۶۹

## جایگاه نیکوکاران



اینجا بهشت است! جایی که پس از پایان حساسی، نیکوکاران و رستگاران را به سوی آن راهنمایی می‌کند؛ بهشت آماده استقبال و پذیرایی از آنهاست و چون بهشتیان سررسند، درهای آن را به روی خود گشوده می‌بینند. از هر دری فرشتگان برای استقبال به سوی آنان می‌آیند و به بهشتیان سلام می‌کنند و می‌گویند: خوش آمدید! وارد بهشت شوید و برای همیشه در آن زندگی کنید.<sup>۱</sup> بهشتیان می‌گویند خدای را سپاس که به وعده خود وفا کرد و این جایگاه زیبا را به ما عطا فرمود.<sup>۲</sup> هر یک از بهشتیان در درجه‌ای خاص از بهشت قرار می‌گیرند.

هر چه دل‌هایشان تمنا کند و دیدگانشان را خوش آید، آماده می‌بینند.<sup>۳</sup> خدا را سپاس می‌گویند که حزن و اندوه را از آنان زدوده و از رنج و درماندگی، دور کرده است.<sup>۴</sup> علاوه بر این، بالاترین نعمت بهشت، یعنی رسیدن به مقام خشنودی خدا را برای خود می‌یابند و از این رستگاری بزرگ مسرورند.<sup>۵</sup>

بهشتیان با خدا هم صحبت‌اند و به جمله «خداها! تو پاک و منزهی» مترنم‌اند.<sup>۶</sup> بهشت برای آنان سرای سلامتی (دارالسلام) است؛<sup>۷</sup> یعنی هیچ نقصانی، غصه‌ای، ترسی، بیماری‌ای، جهلی، مرگ و هلاکی، و خلاصه، هیچ ناراحتی و رنجی در آنجا نیست. نعمت‌های دائمی آن هیچ‌گاه خستگی و سستی نمی‌آورد. در آنجا انسان همیشه شاداب و سر حال است و همواره احساس طراوت و نازگی می‌کند. دوستان و هم‌نشینان انسان در آنجا، پیامبران، راستگویان، شهیدان و نیکوکاران‌اند و آنان چه نیکو هم‌نشینانی هستند.<sup>۸</sup>

زنان و مردان بهشتی در زیباترین و جوان‌ترین صورت و قیافه در بهشت به سر می‌برند. زندگی آنان سرشار از عشق، لذت و سرور است. همسران بهشتی خوش‌رفتار و زیبارو، جوان و شاداب، پاک و طاهر، خوش و خرم، پیوسته عاشق و خرسند از همسر خود هستند.<sup>۹،۱۰</sup>

یک زندگی سالم، شاداب و خدایسند کوتاه مدت در دنیا ← یک زندگی زیبا و

لذت‌بخش ابدی در آخرت

۱- سوره زمر، آیه ۲۳

۲- سوره زمر، آیه ۷۳

۳- سوره زمر، آیه ۲۲

۴- سوره زمر، آیه ۲۲

۵- سوره زمر، آیه ۲۲

۶- سوره زمر، آیه ۲۲

۷- سوره زمر، آیه ۲۲

۸- سوره زمر، آیه ۲۲

۹- سوره زمر، آیه ۲۲

۱۰- سوره زمر، آیه ۲۲

۱- سوره زمر، آیه ۲۳

۲- سوره زمر، آیه ۷۳

۳- سوره زمر، آیه ۲۲

۴- سوره زمر، آیه ۲۲

۵- سوره زمر، آیه ۲۲

۶- سوره زمر، آیه ۲۲

۷- سوره زمر، آیه ۲۲

۸- سوره زمر، آیه ۲۲

۹- سوره زمر، آیه ۲۲

۱۰- سوره زمر، آیه ۲۲

الف) گفت و گوی فرشتگان با انسان : به‌عنوان نمونه در سوره نساء آمده است که، فرشتگان به ظالمان خطاب کرده و از احوال آنها می‌پرسند و در مقابل، آنها پاسخ داده و خود را از مستضعفین بر روی زمین معرفی می‌کنند.<sup>۱</sup> این مکالمه و طرف خطاب قرار دادن، دلیلی بر وجود شعور و آگاهی در پرزخ است.

ب) سخن گفتن پیامبر ﷺ با کشته شدگان جنگ بدر : در جنگ بدر، وقتی بزرگان لشکر کفار کشته شدند و سپاه اسلام پیروز شد، رسول خدا ﷺ آن کشتگان را این‌گونه مورد خطاب قرار داد :

«آنچه پروردگارتان به ما وعده داده بود، حق باقیم؛ آیا شما نیز آنچه پروردگارتان وعده داده بود، حق یافتید؟»<sup>۲</sup>

اصحاب گفتند : «ای رسول خدا ﷺ چگونه با آنها سخن می‌گویی در حالی که مرده‌اند؟!». حضرت فرمود : «قسم به کسی که جانم در دست اوست، ایشان به این کلام از شما شنواترند و فقط نمی‌توانند پاسخ دهند».<sup>۳</sup>

### ۳- وجود ارتباط میان عالم پرزخ و دنیا :

با مرگ انسان و ورود وی به عالم پرزخ، ارتباط او با دنیا به‌طور کامل قطع نمی‌شود. برخی از نشانه‌های تداوم این ارتباط عبارت است از :

الف) بسته نشدن پرونده اعمال : پرونده برخی اعمال انسان با مرگ بسته نمی‌شود و امکان دارد بر اعمال نیک و بد آن افزوده و یا از آنها کاسته شود.

يُسَبِّحُوا الْإِنْسَانَ بِمَوْتِهِ

در آن روز [قیامت] به انسان خبر داده می‌شود

بما قدم و آخر

به آنچه پیش [از مرگ] فرستاده و آنچه پس [از مرگ] فرستاده است.<sup>۴</sup>

همان‌گونه که قرآن کریم می‌فرماید، دامنه برخی از اعمال، محدود به دوران زندگی انسان است و با مرگ، پرونده این اعمال بسته می‌شود (أثار ما تقدم)؛ اعمالی مانند نماز و روزه؛ اما پرونده بسیاری از اعمال حتی بعد از مرگ ما نیز باز می‌ماند (أثار ما تأخر)؛ به‌عنوان مثال اگر کسی کتابی را به کسی یا کتابخانه‌ای هدیه دهد، یا مطلب مفیدی را به دیگران آموزش دهد، تا وقتی که آن کتاب توسط دیگران

۱- کسانی که فرشتگان (فیض ازواج)، روح آنها را گرفتند درحالی که به خویشش ستم کرده بودند، به آنها گفتند : «شما در چه حالی بودید؟ گفتند : ما در سرزمین خود، تحت فشار و مستضعف بودیم. فرشتگان گفتند : «مگر سرزمین خدا پهناور نبود که مهاجرت کنید؟» آنها جایگاهشان دوزخ است و جزانجام بدی دارند. سوره نساء، آیه ۹۷

۲- صحیح البیضا، فیض کاشانی، ج ۸، ص ۲۹۶

۳- سوره قیامت، آیه ۱۴

باسخ سوالات شما

جایی که در آن ملال و دل‌زدگی نیست

ممکن است این سؤال برای برخی پیش آید که آیا زندگی کردن تا ابد در بهشت موجب خستگی و دل‌زدگی بهشتیان نخواهد شد؟

منشأ این سؤال مقایسه لذت‌های بهشتی با لذت‌های دنیوی است و اینکه لذت‌های دنیوی پس از مدتی، تکراری و خسته‌کننده می‌شوند. خوب است بدانیم علت اینکه لذت‌های دنیا بعد از مدتی تکراری و خسته‌کننده می‌شوند این است که:

اولاً لذات مادی محدود است و در برابر روح بی‌نهایت طلب و بلندپرواز انسان نمی‌تواند برای مدت طولانی ارزش خود را حفظ کند. برای همین حتی ثروتمندترین افراد نیز پس از مدتی از زندگی بکنواخت خود خسته می‌شوند. اما نعمت‌ها و لذات بهشتی پایان‌ناپذیر است و بدون هیچ حدی در اختیار بهشتیان است.

ثانیاً از آنجا که روح انسان متعلق به خداست و تنها با او آرام می‌گیرد، مدام در تلاش برای رسیدن به اوست و از همین رو هیچ هدف با لذتی نمی‌تواند برای همیشه او را به خود مشغول سازد و او را قانع کند. از این رو، آنان که از خدا دور افتاده‌اند، مدام از این هدف به آن هدف و از این لذت به آن لذت دیگر روی می‌آورند تا مگر آرام و فرار گیرند، اما چون گمگشته خود را در هیچ‌یک از این لذت‌ها نمی‌یابند، نمی‌توانند برای همیشه خود را با آن سرگرم کنند. اما در بهشت، انسان خواسته حقیقی و گمگشته درونی خویش که همان لقای پروردگار است را، می‌یابد و با او آرام می‌گیرد و دیگر به هیچ رو خواستار تغییر این وضعیت و دگرگونی در آن نیست؛ زیرا در نهایت آرامش به سر می‌برد و روح بی‌نهایت طلب او از مواهب پایان‌ناپذیر بهشت برخوردار است. قرآن کریم می‌فرماید:

خَالِدِينَ فِيهَا لَا يَبْغُونَ عَنْهَا حِوَالًا<sup>۱</sup> در آن [بهشت ابدی] جاویدانند و خواستار هیچ‌گونه دگرگونی نیستند.

۱- سوره کهف، آیه ۶۱۸

خواننده می‌شود و آموزش‌های وی به دیگران منتقل می‌شود یا از آن استفاده می‌شود، در پرونده عمل او یاداش می‌نویسند و بر حسنات او می‌افزایند، گرچه خود فرد از دنیا رفته باشد. در مقابل، کسی که راه و رسم نادرست و مخالف فرمان الهی را از خود برجای می‌گذارد، تا وقتی آثار این راه و رسم غلط در فرد یا جامعه باقی است، گناه در دفتر اعمال وی ثبت می‌شود و روز به روز بر عذاب وی افزوده می‌شود. مسمازی‌های غلط، تولید و نشر مطالب نامناسب و غیراخلاقی در فضای مجازی، ایجاد یا تقویت آداب و رسوم غلط در امر ازدواج، ایجاد انحرافات فکری و اخلاقی در دیگران، نمونه‌هایی از اعمال ناشایستی است که موجب سنگین شدن پرونده گناهان فرد، حتی پس از مرگ وی می‌شود.

رسول خدا ﷺ می‌فرماید: هر کس سنت و روش نیکی را در جامعه جاری سازد، تا وقتی که در دنیا مردمی به آن سنت عمل می‌کنند، نواب آن اعمال را به حساب این شخص هم می‌گذارند، بدون اینکه از اجر انجام‌دهنده آن کم کنند و هر کس سنت زشتی را در بین مردم مرسوم کند، تا وقتی که مردمی بدان عمل کنند، گناه آن را به حساب او نیز می‌گذارند، بدون اینکه از گناه عامل آن، کم کنند.<sup>۱</sup>

فعالیت کلاسی

نمونه‌هایی از اعمال را ذکر کنید که دارای آثار طولانی خوب یا بد هستند و بعد از مرگ انسان ادامه می‌یابند.

.....

.....

بیشتر بدانیم



دومینویی به امتداد جهان آخرت

آیا تاکنون به سرگرمی دومینو دقت کرده‌اید؟

هزاران قطعه، در برنامه‌ای از قبل تنظیم شده، انرژی خود را به قطعات دیگر منتقل می‌کنند و در چند ثانیه پدیده‌ای جذاب، و لذت‌بخش به وجود می‌آورند. اما برخی دومینوها از قطعات و اجسام مادی و در فضای مادی، شکل نمی‌گیرند و قطعه‌هایشان محدود به هزاران و صدها هزار نمی‌شود. این دومینوها زمانی بیش از ثانیه‌ها و دقیقه‌ها و حتی سال‌ها برای کامل شدنشان طی می‌کنند و حتی ممکن است به آن سوی حیات

۱- الدر المنثور، سیوطی، ج ۵، ص ۲۴۰

## رابطه میان عمل و پاداش و کیفر

از سؤال‌های قابل توجه این است که رابطه اعمال دنیایی با جزا و پاداش اخروی چگونه است؟ برای رسیدن به پاسخ این سؤال، می‌گوییم: رابطه میان عمل و جزا و پاداش سه گونه است:

۱- قراردادی: گاهی پاداش و کیفر براساس مجموعه‌ای از قراردادها تعیین می‌شود؛ مانند اینکه اگر کارگر در طول روز، کار معینی را انجام دهد، دستمزد مشخصی در برابر آن کار دریافت می‌کند. همچنین اگر کسی مرتکب جرمی شود، مطابق با قوانین و مقررات به پرداخت جریمه نقدی یا زندان و نظایر آن محکوم می‌شود. در این قبیل رابطه‌ها، انسان‌ها می‌توانند با وضع قوانین جدید این رابطه‌ها را تغییر دهند؛ برای مثال، اگر کیفر جرمی زندان است، آن را به پرداخت جریمه نقدی تبدیل کنند. آنچه در اینجا اهمیت دارد، تناسب میان جرم و کیفر است تا عدالت برقرار گردد.

۲- طبیعی: گاهی پاداش و کیفر، محصول طبیعی خود عمل است و انسان‌ها نمی‌توانند آن را تغییر دهند، بلکه باید خود را با آن هماهنگ کنند؛ مثلاً اگر کسی سیگار بکشد، به امراض گوناگونی مبتلا می‌شود. همچنین اگر کسی اهل مطالعه و تحقیق باشد، به‌طور طبیعی به علم و آگاهی دست می‌یابد.

۳- تجسم عمل: نوع دیگری از رابطه میان عمل و پاداش و کیفر وجود دارد که عمیق‌تر و کامل‌تر از دو نوع قبلی است و این نوع از رابطه، در برزخ و آخرت امکان‌پذیر می‌باشد. همان‌طور که در بحث از نامه عمل دیدیم، آنچه انسان با خود به قیامت می‌برد، حقیقت و باطن اعمالی است که اکنون در این دنیا قابل مشاهده نیست. هر عملی یک جنبه ظاهری و یک جنبه باطنی دارد. جنبه ظاهری، بعد از عمل از بین می‌رود؛ اما جنبه باطنی هرگز از بین نمی‌رود و در روح و جان هر انسانی باقی می‌ماند. بنابراین، هر عملی که ما در زندگی دنیوی انجام می‌دهیم، حقیقت و باطن آن عمل در جهان آخرت به صورت زشت یا زیبا، لذت‌بخش یا دردآور مجسم می‌شود و انسان خود را در میان اعمال خود می‌بیند. پس آنچه در روز قیامت به‌عنوان پاداش یا کیفر به ما داده می‌شود، عین عمل ماست. به عنوان مثال، کسی که ریا می‌خورد، یا مال بی‌بسی را به ناحق تصاحب می‌کند، اگر باطن و چهره واقعی عمل او در همین دنیا برملا شود، همگان خواهند دید که او در حال خوردن آتش است؛ اما در دنیا آتش آشکار نمی‌شود و هنگامی که او وارد جهان آخرت می‌شود و برده‌ها کنار می‌رود و حقیقت و باطن عمل عیان می‌گردد، آتش از درون او زیانه می‌کشد.<sup>۱</sup>

۱- سوره نساء، آیه ۱۰

انسان کشیده شوند و مهم‌تر از همه اینکه سرگرمی‌نیستند! چون هم ممکن است به فاجعه‌ای هولناک تبدیل شوند و هم ممکن است آینده‌ای درخشان را در پی داشته باشند!

جالب است که تک‌تک من و شما در این دومینو، شرکت داریم.

دومینویی که آن را «forward» یا «copy and paste» می‌نامند و با «send» نقش ما در آن پایان می‌یابد.

هر چند نقش پایان می‌یابد؛ اما آثارش آغاز می‌شود؛ آثاری که برای همیشه پایدار است؛ حتی برای پس از ما.

ب) دریافت پاداش خیراتِ بازماندگان: اعمال خیری که بازماندگان برای درگذشتگان انجام می‌دهند مانند دادن صدقه، طلب مغفرت، دعای خیر و انفاق برای آنان، در عالم برزخ به آنها می‌رسد و در سرنوشت آنها تأثیر می‌گذارد.

ج) ارتباط متوفی با خانواده: شخصی از امام کاظم علیه السلام درباره وضعیت مؤمنان پس از مرگ پرسید: «آیا مؤمن به دیدار خانواده خویش می‌آید؟»

فرمود: آری

پرسید: چقدر؟

فرمود: «برحسب مقدار فضیلت‌هایش. برخی از آنان هر روز و برخی هر دو روز و برخی هر سه روز و کمترین آنان هر جمعه».

## تسلی

با دقت در ترجمه آیات زیر بگویید هر یک از آیات به کدام یک از ویژگی‌های عالم برزخ اشاره دارند؟

■ فرشتگان به کسانی که روح آنان را دریافت می‌کنند درحالی که به خود ظلم کرده‌اند، می‌گویند: شما در [دنیا] چگونه بودید؟ گفتند: ما در سرزمین خود تحت فشار و مستضعف بودیم. فرشتگان گفتند: مگر زمین خدا وسیع نبود که مهاجرت کنید؟...

سوره نساء، آیه ۹۷

■ آنان که فرشتگان روحشان را می‌گیرند درحالی که پاک و پاکیزه‌اند، به آنها می‌گویند: «سلام بر شما، وارد بهشت شوید به‌خاطر اعمالی که انجام دادید.»

سوره نحل، آیه ۳۲

۱- اصول کافی، کلی، ج ۳، ص ۲۲۱

پاسخ سوالات نسّا

منظور از فشار قبر و عذاب‌های داخل قبر چیست؟ آیا منظور تنگ شدن قبر خاکی و عذاب جسم بی‌جان انسان است؟

در روایات هر جا که سخن از عذاب قبر به میان آمده است، منظور قبرهای دنیوی نیست؛ بلکه در این روایات، قبر کتابه از عالم برزخ است و فشار قبر فشاری است که به روح انسان، به علت قطع تعلق از دنیا و ورود به عالم برزخ وارد می‌شود. توضیح اینکه، با مرگ انسان و جدا شدن روح از بدن، انسان به عالم برزخ وارد می‌شود؛ عالمی که دارای ویژگی‌ها و معیارهای دنیا نیست و از این رو انسان با محیطی ناشناخته و متفاوت با دنیا مواجه می‌شود. انسان‌هایی که در زندگی دنیوی موفق به ترک تعلق به دنیا نشده‌اند و اسیر دنیا و تعلقات آن بوده‌اند و انس با دنیا و دلیستگی شدید به آن هنوز در قلب و روح آنها وجود دارد، با ورود به این عالم جدید و از دست دادن دلیستگی‌های دنیوی، دچار ترس و وحشت می‌شوند و همچنین به دلیل گناهانی که انجام داده‌اند، در عذاب و فشار روحی قرار می‌گیرند. هرچه انس و تعلق انسان به دنیا بیشتر باشد، این فشارها و وحشت‌ها بیشتر خواهد بود و هرچه تعلق کمتر باشد، این ترس و فشار کمتر می‌شود. پس این عذاب و فشار قبر به معنای تنگ شدن قبر خاکی نیست؛ بلکه منظور در فشار و عذاب بودن روح انسان است.<sup>۱</sup>

اندیشه و تحقیق

- ۱- منظور از کلمه «تَوَفَى» در قرآن کریم، چیست و برای اشاره به کدام بُعد از وجود انسان استفاده شده است؟
- ۲- هریک از موارد زیر به کدام یک از ویژگی‌های برزخ اشاره دارد؟  
(الف) تلقین میّت به هنگام دفن  
(ب) انجام خیرات و طلب آموزش برای گذشتگان  
(ج) زیارت قبور در گذشتگان

۱- زندگی پس از مرگ، حسین سوزنجی، صص ۶۷-۶۶

رسول خدا ﷺ در هنگام بند و اندرز به یکی از یاران خود، فرمود:

«برای تو ناچار هم نشینی خواهد بود که هرگز از تو جدا نمی‌گردد و با تو دفن می‌شود... آنگاه آن هم نشین در رستاخیز با تو برانگیخته می‌شود و تو مسئول آن هستی. پس دقت کن، هم نشینی که انتخاب می‌کنی، نیک باشد؛ زیرا اگر او نیک باشد، مایهٔ انس تو خواهد بود و در غیر این صورت، موجب وحشت تو می‌شود. آن هم نشین، کردار توست.»<sup>۱</sup>

بنابراین در روز قیامت، تصویر اعمال و یا گزارشی از آنها داده نمی‌شود، بلکه خود عمل نمایان می‌شود و هر کس عین عمل خود را می‌بیند.

اندیشه و تحقیق

- ۱- چرا در کیفر و مجازات اخروی ظلم راه ندارد؟
- ۲- چه تفاوت‌هایی میان ویژگی‌های آخرت با دنیا و برزخ وجود دارد؟ آن تفاوت‌ها را در جدولی مانند جدول زیر تنظیم کنید.

شماره	دنیا	برزخ	آخرت
۱	.....	.....	.....
۲	.....	.....	.....
۳	.....	.....	.....
۴	.....	.....	.....
۵	.....	.....	.....

۳- رسول خدا ﷺ فرمود: «الدُّنْيَا مَرْزَعَةُ الْآخِرَةِ»<sup>۲</sup>.


یک کشاورز ماهر برای اینکه زراعت بر محصولی دانسته باشد، پنج شرط را رعایت می‌کند:

- ۱- زمین مناسب انتخاب می‌کند.
- ۲- بذر سالم تهیه می‌کند.
- ۳- زمین را به موقع آبیاری و از کودهای مناسب استفاده می‌کند.
- ۴- زمین را از علف‌های هرز، پاک می‌کند.

۱- عافی الاخبار، بیخ صدوق، ج ۱، ص ۲۲۴

۲- تبتة الخطوط، درام بن ابی فراس، ج ۱، ص ۱۸۳

پیشنهاد



آرم رویه رو مربوط به کدام یک از مؤسسات است؟  
ارتباط آن را با بحث اعمال ماتقدم و ماتأخر بیان کنید.

بیشتر بدانیم

سخن گفتن حضرت علی علیه السلام با مردگان!

حضرت علی علیه السلام در راه بازگشت از جنگ صفین به قبرستانی رسیدند. در این هنگام، رویه سوی قبرها کردند و فرمودند:

«... ای آرمیدگان در خانه‌های هراسناک، ای اهل غربت و تنهایی، ای فرورفتگان در وحشت، شما در رفتن بر ما پیشی گرفتید و ما از بی شما می‌ایم و به شما ملحق می‌شویم؛ اما خانه‌هایی از خود به جای گذاشتید که پس از شما در آن مسکن گزیدند؛ همسرانمان ازدواج کردند و اموالمان میان وارثان تقسیم شد. اینها خبرهایی بود که ما داشتیم، شما چه خبری برای ما دارید؟»  
سپس به پاران خود نگاه کردند و فرمودند: «اگر به آنان اجازه سخن گفتن داده می‌شد، خبر می‌دادند و می‌گفتند: یقیناً بهترین توشه [برای ابدیت] تفواست.»

نهج البلاغه، حکمت ۱۳۰

معرفی کتاب

نام کتاب	نویسنده	انتشارات	مخاطب
حیات پس از مرگ	علامه محمدحسین طباطبائی	دفتر انتشارات اسلامی	معلم

۵- مواظب است که آفات و حیوانات به کشت او ضرر نرسانند.

اگر «دل» بهترین و مناسب‌ترین زمین برای کشت محصول آخرت باشد، چهار شرط دیگر کدام‌اند؟

- ۱- .....
- ۲- .....
- ۳- .....
- ۴- .....

فقط یک بار!

فقط یک بار به دنیا می‌آیم،

فقط یک بار خداوند زندگی را به من هدیه می‌کند؛

اما، در سزایی دیگر همواره خواهم بود؛

اگر این فرصت یک‌بار را از دست بدهم،

چه خواهم کرد؟

معرفی کتاب

نام کتاب	نویسنده	انتشارات	مخاطب
تجسم عمل و شفاعت	محمد شجاعی	کانون اندیشه جوان	دانش آموز / معلم



## قدم در راه

۲

بخش دوم

خدا یا!

می‌دانم که بهترین نوشته مسافر کوی تو

عزم و اراده‌ای است که با آن خواستار تو شده باشند.

امام کاظم علیه السلام



اسد سفلیح الجنان، دعای روز ۲۷ ماه رجب

قرائت

سوره تکویر ۸۱

جزء ۲۰



استماع و تدریس

آیات درس را با توجه به الگوی قرائت، جمله به جمله بخوانید و به معنای آن دقت کنید.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
 ۱ إِذَا الشَّمْسُ كُوِّرَتْ ۲ وَإِذَا النُّجُومُ انْكَدَرَتْ ۳  
 ۴ وَإِذَا الْجِبَالُ سُيِّرَتْ ۵ وَإِذَا الْعِشَارُ عُطِّلَتْ ۶  
 ۷ وَإِذَا الْوُحُوشُ حُشِرَتْ ۸ وَإِذَا الْبِحَارُ سُجِّرَتْ ۹  
 ۱۰ وَإِذَا النُّفُوسُ زُوِّجَتْ ۱۱ وَإِذَا الْمَوْءِدَةُ سُئِلَتْ ۱۲  
 ۱۳ بِأَيِّ ذَنْبٍ قُتِلَتْ ۱۴ وَإِذَا الصُّحُفُ نُشِرَتْ ۱۵  
 ۱۶ وَإِذَا السَّمَاءُ كُشِطَتْ ۱۷ وَإِذَا الْجَحِيمُ سُعِّرَتْ ۱۸  
 ۱۹ وَإِذَا الْجَنَّةُ أُزْلِفَتْ ۲۰ عَلِمْتَ نَفْسٌ مَا أَحْصَرَتْ ۲۱  
 فَلَا أُقْسِمُ بِالْحُنَّسِ ۲۲ الْجَوَارِ الْكُنَّسِ ۲۳ وَاللَّيْلِ  
 إِذَا عَسَسَ ۲۴ وَالصُّبْحِ إِذَا تَنَفَّسَ ۲۵ إِنَّهُمْ لَقَوْلُ  
 رَسُولٍ كَرِيمٍ ۲۶ ذِي قُوَّةٍ عِنْدَ ذِي الْعَرْشِ مَكِينٍ ۲۷  
 مُطَاعٍ ثَمَّ أَمِينٍ ۲۸ وَمَا صَاحِبُكُمْ بِمَجْنُونٍ ۲۹ وَلَقَدْ  
 رَأَاهُ بِالْأَفْقِ الْمُبِينِ ۳۰ وَمَا هُوَ عَلَى الْغَيْبِ بِضَنِينٍ ۳۱  
 وَمَا هُوَ بِقَوْلِ شَيْطَانٍ رَجِيمٍ ۳۲ فَأَيَّتَ تَذْهَبُونَ ۳۳  
 إِنَّ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ ۳۴ لِمَنْ شَاءَ مِنْكُمْ أَنْ يَسْتَقِيمَ ۳۵  
 ۳۶ وَمَا تَشَاءُونَ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ ۳۷

درس هشتم آهنگ سفر

جلسه اول

قرائت: آیات زیر را به دقت و زیبا قرائت کنید.

أعوذ بالله من الشيطان الرجيم  
 بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

<p>راستی که پیامبر خدا برای شما                  سرمشقی نیکوست،                  برای کسی که به خدا و روز آخرت امید بسته                  و پیوسته به یاد خداست.                  وقتی مؤمنان گروه مشرکان را دیدند<sup>۱</sup>                  گفتند این را خدا و رسولش به ما وعده داده بود                  و خدا و رسولش به ما راست گفتند.                  در نتیجه، جز بر ایمان و تسلیم آنان افزوده نشد                  از میان مؤمنان مردمانی هستند صادق                  بر عهدی که با خدا بسته اند.                  جمعی از آنان، با نیات قدم به دیدار مرگ نتافتند                  و گروهی دیگر نیز در انتظار شهادتند،</p>	<p>لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ                  أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ                  لِّمَن كَانَ يَرْجُوا اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ                  وَذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا                  وَ لَمَّا زَاةَ الْمُؤْمِنُونَ الْأَحْزَابَ                  قَالُوا هَذَا مَا وَعَدَنَا اللَّهُ وَرَسُولُهُ                  وَصَدَقَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ                  وَمَا زَادَهُمْ إِلَّا إِيمَانًا وَتَسْلِيمًا                  مِنَ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا                  مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ                  فَمِنْهُمْ مَن قَضَىٰ نَحْبَهُ                  وَ مِنْهُمْ مَن يَنْتَظِرُ</p>
---	---

۱- آن که برای جنگ با مؤمنان به مدینه لشکر کشی کرده بودند و جنگ احزاب با خندق را به راه اتمامه بودند.

ترجمه

سورة نکویر

به نام خداوند رحمت‌گر مهربان

۱. آنگاه که خورشید به هم در یجد.
۲. و آنگاه که ستارگان تیره شوند.
۳. و آنگاه که کوه‌ها حرکت داده شوند.
۴. و آنگاه که شتران ماده [به هنگام زادن] و نهاده شوند.
۵. و آنگاه که حیوانات وحشی گرد آورده شوند.
۶. و آنگاه که دریاها جوش آورده شوند.
۷. و آنگاه که افراد با همجنس خود قرین شوند.
۸. و هنگامی که از دختران زنده به گور شده بپرسند.
۹. به کدامین گناه کشته شدند.
۱۰. و آنگاه که نامه‌های اعمال باز شوند.
۱۱. و آنگاه که آسمان از جا کنده شود.
۱۲. و آنگاه که جهنم پرا فروخته شود.
۱۳. و آنگاه که بهشت نزدیک شود.
۱۴. هرکسی بی ببرد چه فراهم کرده است.
۱۵. سوگند می‌خورم به آن ستارگان غایب شونده [به هنگام روز]؛
۱۶. همان روندگان پنهان شونده.
۱۷. سوگند به شب چون پشت کند.
۱۸. سوگند به صبح چون بدمد.
۱۹. که [قرآن] سخن فرستاده‌ای بزرگوار است.
۲۰. نیرومندی [که] نزد صاحب عرش، مقامی بلند دارد.
۲۱. در آنجا مورد اطاعت [فرشتگان] و امین است.
۲۲. و همنشین شما [محمد] دیوانه نیست.
۲۳. و قطعاً آن [فرشته وحی] را در افاق درخشان دیده.
۲۴. و او در امر غیب بخیل نیست.
۲۵. و [قرآن] سخن شیطان رانده شده نیست.
۲۶. پس به کجا می‌روید.
۲۷. این [قرآن] چیزی جز تذکری برای جهانیان نیست.
۲۸. برای هر یک از شما که بخواهد به راه راست برود.
۲۹. و تا خدا، پروردگار جهان‌ها، نخواهد، شما نیز نخواهد خواست.

وَمَا يَدَّبُلُوا تَبْدِيلًا

لِيَجْزِيَ اللَّهُ الصَّادِقِينَ بِصِدْقِهِمْ

وَيُعَذِّبَ الشَّاكِقِينَ إِن شَاءَ

أَوْ يَتُوبَ عَلَيْهِمْ

إِنَّ اللَّهَ كَانَ غَفُورًا رَحِيمًا

و هیچ‌گونه تبدیلی در کار نیآورده‌اند.

تا اینکه خدا پاداش صادقین را بدهد

و دورویان را اگر بخواهد، عذاب کند

یا راه توبه‌ای برای آنان باز نماید

زیرا خداوند آمرزنده‌ای مهربان است

[حزاب، ۲۱ تا ۲۴]

برای گام گذاشتن در راه خدا و رسیدن به خوبی‌ها و ثابت‌قدم ماندن در این مسیر، شایسته است اقدامات زیر را انجام دهیم:

۱- تصمیم قوی و عزم محکم برای حرکت: عزم به معنای اراده و تصمیم بر انجام کاری است. آدمی با عزم خویش، آنچه را که انتخاب کرده است، عملی می‌سازد. البته عزم و اراده انسان‌ها متفاوت است. هر قدر عزم قوی‌تر باشد، رسیدن به هدف آسان‌تر است. استواری بر هدف، شکیبایی و تحمل سختی‌ها برای رسیدن به آن هدف، از آثار عزم قوی است. کارهای بزرگ، عزم‌های بزرگ می‌خواهد. آنان که عزم ضعیفی دارند، در برابر تندباد حوادث، تاب نمی‌آورند و مشکلات راه، آنان را به عقب‌نشینی وادار می‌کند. اما آنان که عزم قوی دارند، سرنوشت را به دست حوادث نمی‌سپارند و با قدرت به سوی هدف قدم برمی‌دارند. به همین جهت بعد از سفارش‌هایی که لقمان حکیم به فرزندش می‌کند و راه و رسم زندگی را به او نشان می‌دهد، به وی می‌گوید:

وَاصْبِرْ عَلَيَّ مَا أَصَابَكَ

بر آنچه (در این مسیر) به تو می‌رسد صبر کن

إِنَّ ذَلِكَ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ

که این لازمه دانستن عزم و اراده قوی در کارهاست.



## درس هفتم

### واقعه بزرگ

همه در حال و هوای خویش اند؛ کودک، جوان، پیر؛ که ناگهان اتفاق می افتد؛ آنچه وعده اش داده شده بود، آنچه وقوعش حتمی و زمانش نامعلوم بود و ما آن را دور می پنداشتیم. قیامت اتفاق می افتد تا آغازی باشد بر حیات ابدی انسان. روزی که هر مادر شیردهی، طفل شیرخوار خود را فراموش می کند. مردم از هیبت آن روز همچون افراد مست به نظر می رسند؛ در حالی که مست نیستند ولیکن عذاب خدا سخت است.<sup>۱</sup> و تنها نیکوکاران اند که از وحشت این روز در امان اند.<sup>۲</sup> اما این واقعه با چه حوادثی همراه است؟ چه مراحلی دارد؟

۱- سوره حج، آیه ۲  
۲- سوره نمل، آیه ۸۹



### مقایسه

انسان هایی را که دارای عزم قوی هستند، با انسان هایی که عزم و اراده ضعیف دارند، مقایسه کنید و فرق آنها را با یکدیگر بنویسید.

دارای عزم قوی	دارای عزم ضعیف
.۱	.۱
.۲	.۲
.۳	.۳
.۴	.۴

۲- عهد بستن با خدا : کار دیگری که یک انسان مؤمن و آماده حرکت در راه خدا باید انجام دهد، عهد و پیمان بستن با خداست. او با خدای خود پیمان می بندد که بکوشد تا آنچه را خداوند فرمان داده، انجام دهد و از آنچه که نهی کرده دوری نماید.

چقدر زیباست که خداوند، رضایت خود از ما را به سعادت و خوشبختی خود ما گره زده است؛ یعنی وقتی خدا از ما راضی خواهد بود که ما در مسیر رستگاری و خوشبختی خود گام برداریم؛ و آنگاه از ما ناخشنود خواهد بود که به خود ظلم کنیم و در مسیر هلاکت خود پیش برویم.

در باره عهد با خدا خوب است دو پیشنهاد زیر را انجام دهیم :

اول : برای عهد بستن، بهترین زمان ها را انتخاب کنیم. زمان بعد از نمازها، شب های قدر و شب با روز جمعه زمان های خوبی برای عهد بستن با خدا هستند.

دوم : عهد و پیمان خود را در زمان های معینی، مانند آخر هر هفته، آخر هر ماه یا شب قدر هر سال، تکرار کنیم تا استحکام بیشتر پیدا کند و به فراموشی سپرده نشود.

بایان این جهان با برپایی قیامت همراه است. این رخداد بزرگ که در آیاتی از قرآن کریم ترسیم شده، در دو مرحله انجام می‌گیرد که در هر مرحله وقایع خاصی رخ می‌دهد.



### الف) مرحله اول قیامت

در این مرحله که با پایان یافتن دنیا آغاز می‌شود، حوادث زیر اتفاق می‌افتد:

۱- **نشیده شدن صدای مهیب**: صدای مهیب و سهمگین آسمان‌ها و زمین را فرا می‌گیرد و این اتفاق چنان ناگهانی رخ می‌دهد که همه را غافلگیر می‌کند؛ قرآن کریم از این واقعه به نفع صورت یاد می‌کند.<sup>۱</sup>

۲- **مرگ اهل آسمان‌ها و زمین**: همه اهل آسمان‌ها و زمین، جز آنها که خداوند خواسته است، می‌میرند<sup>۲</sup> و بساط حیات انسان و دیگر موجودات برچیده می‌شود.

۳- **تغییر در ساختار زمین و آسمان‌ها**: تحولی عظیم در آسمان‌ها و زمین رخ می‌دهد. خورشید در هم می‌بجند و بی‌نور و تاریک می‌شود.<sup>۳</sup> آن همه ستاره‌ای که در آسمان می‌درخشید، همه به یک‌باره تیره می‌شوند،<sup>۴</sup> زمین به شدت به لرزه در می‌آید<sup>۵</sup> و خرد می‌شود،<sup>۶</sup> کوه‌ها سخت در هم کوبیده شده<sup>۷</sup> و متلاشی می‌شوند و همچون ذرات گرد و غبار در هوا پراکنده می‌گردند.<sup>۸</sup>

يَوْمَ تُرْجَفُ الْأَرْضُ وَالْجِبَالُ  
در آن روز که زمین و کوه‌ها سخت به لرزه درآیند

و كَانَتِ الْجِبَالُ كَثِيْبًا مَّهِيلًا  
و کوه‌ها (چنان در هم کوبیده شوند که) به صورت توده‌هایی از شن نرم درآیند.<sup>۹</sup>

دریاها با آن همه وسعت و عظمت به هم متصل می‌شوند<sup>۱۰</sup> و از درون آنها آتش زیانه می‌کشد.<sup>۱۱</sup> این تغییرات چنان گسترده و عمیق است که آسمان‌ها و زمین به آسمان‌ها و زمینی دیگر تبدیل می‌شوند.<sup>۱۲</sup>

### ب) مرحله دوم قیامت

در این مرحله وقایعی رخ می‌دهد تا انسان‌ها آماده دریافت پاداش و کیفر شوند.

۱- **زنده شدن همه انسان‌ها**: بار دیگر بانگ سهمناکی در عالم می‌بجند و حیات مجدد انسان‌ها آغاز می‌شود.<sup>۱۳</sup> با این صدا، همه مردگان دوباره زنده می‌شوند و در پیشگاه خداوند حاضر می‌گردند. در

۱- سوره زمر، آیه ۶۸  
۲- سوره زمر، آیه ۶۸  
۳- بقره آیات، یا مهران الهی و امامان بزرگوار از این لقبه استثناء شده‌اند. (انسان از آغاز تا انجام، علامه طباطبائی، ص ۹۲)  
۴- سوره تکوین، آیه ۱  
۵- سوره تکوین، آیه ۲  
۶- سوره انفاس، آیه ۱۴  
۷- سوره انفاس، آیه ۱۴  
۸- سوره انفاس، آیه ۱۴  
۹- سوره انفاس، آیه ۱۴  
۱۰- سوره انفاس، آیه ۱۴  
۱۱- سوره انفاس، آیه ۱۴  
۱۲- سوره انفاس، آیه ۱۴  
۱۳- سوره انفاس، آیه ۱۴

### تسبیح

ترجمه آیات ابتدای درس را به دقت مطالعه کنید و به سؤال‌های زیر پاسخ دهید:

۱- چرا رسول خدا بهترین اسوه و سرمشق برای مؤمنان است؟

۲- آیا می‌شود که خدا و رسول خدا به وعده‌های خود عمل نکنند؟ مؤمنان در این باره چه می‌گویند؟

۳- مهم‌ترین وعده‌ای که خدا به مؤمنان داده، چیست؟

۴- اولین کسی که مؤمن باید با او پیمان ببندد، کیست؟

۵- چرا مؤمن حقیقی تا پای جان بر عهد خود با خدا ثابت قدم می‌ماند؟

۶- مؤمنان درباره چه چیزهایی با خدا عهد می‌بندند؟

۷- نتیجه ثابت قدم بودن بر پیمان با خدا چیست؟ خدا در این مورد چه وعده‌ای می‌دهد؟

۸- خداوند کسانی را که در عهد خود صادق نیستند، چه می‌نامد؟

۹- آیا تاکنون عهدی با خدا بسته‌اید؟ نسبت به آن عهد چگونه بوده‌اید؟

جلسه دوم

قرائت : آیات زیر را به دقت و زیبا قرائت کنید.

﴿ وَ لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ وَ نَعْلَمُ مَا تُوَسْوِسُ بِهِ نَفْسُهُ وَ نَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ ﴾	همانا انسان را ما آفریده ایم و می دانیم که نفسش چگونه او را وسوسه می کند چون ما نزدیکتریم به او از رگ گردنش
﴿ إِذْ يَتَلَفَّى الثَّمَلَقِيَّانِ وَعَيْنَ التَّمِيمِ وَ عَيْنَ السَّمَالِ قَعِيدٌ ﴾	آن دو فرشته همراه با انسان اند همان دو فرشته ای که از راست و چپ در کمین اند تا رفتار انسان را نیت نمایند
﴿ مَا يَلْفِظُ مِنْ قَوْلٍ إِلَّا لَدَيْهِ رَقِيبٌ عَتِيدٌ ﴾	هر حرفی که می زند مراقبی در کنار او آماده نیت کردن است
﴿ وَ جَاءَتْ سَكْرَةُ الْمَوْتِ بِالْحَقِّ ذَلِكَ مَا كُنْتَ مِنْهُ تَحِيدُ ﴾	بالاخره، چون مرگ فرا رسد، به او می گویند : این همان است که از آن فرار می کردی.

ق. ۱۶ تا ۱۹

پیام آیات

- ۱- خداوند که خالق انسان و سایر موجودات است، بهتر از هر کس مخلوقات خود و از جمله انسان را می شناسد و می داند در درونش چه می گذرد.   
سوره..... آیه.....
- ۲- در عین حال، فرشتگانی را گمارده تا مراقب انسان باشند و اعمال آشکار و پنهان او را نیت کنند؛ یعنی خود عمل را ننگ دارند تا در دادگاهی که تعیین کننده سرنوشت ابدی انسان است، عرضه نمایند.   
سوره..... آیه.....

این هنگام انسان های گناهکار به دنبال راه فراری می گردند؛ دل های آنان سخت هراسان و چشم هایشان از ترس به زیر افکنده است.<sup>۱</sup>

**۲- کنار رفتن برده از حقایق عالم :** در آن روز با تاییدن نور حقیقت از جانب خداوند برده ها کنار می رود و اسرار و حقایق عالم آشکار می شود<sup>۲</sup> و واقعیت همه چیز از جمله اعمال و رفتار و نیات انسان ها و نیز حوادث تلخ و شیرینی که در زمین اتفاق افتاده است، آشکار می شود.

**۳- برپا شدن دادگاه عدل الهی :** با آماده شدن صحنه قیامت، رسیدگی به اعمال آغاز می شود و اعمال، افکار و نیت های انسان ها در ترازوی عدل پروردگار سنجیده می شود و اگر عملی حتی به اندازه ذره ای ناچیز باشد، به حساب آن نیز رسیدگی خواهد شد.<sup>۳</sup> اعمال پیامبران و امامان معیار و میزان سنجش اعمال قرار می گیرد؛ زیرا اعمال آنان عین آن چیزی است که خدا به آن دستور داده است؛ از این رو هر چه عمل انسان ها به راه و روش آنان نزدیکتر باشد، ارزش افزون تری خواهد داشت.

**۴- دادن نامه اعمال :** نامه عمل نیکوکاران را به دست راست و نامه عمل بدکاران را به دست چپ آنها می دهند.<sup>۴</sup> نامه عمل انسان با نامه های نیت شده در دنیا تفاوتی اساسی دارد. نامه های این دنیا، تنها گزارشی از عمل است که به صورت کلمات و نوشته درآمده است؛ اما نامه عمل انسان به گونه ای است که خود عمل و حقیقت و باطن آن را در بر دارد. از این رو، تمام اعمال انسان در قیامت حاضر می شوند و انسان عین اعمال خود را می بیند. کارهای خوب با صورت های بسیار زیبا و لذت بخش تجسم می یابند و کارهای بد با صورت های بسیار زشت و وحشت زا و آزاردهنده، مجسم می شوند.

با دیدن نامه اعمال، برخی بدکاران به انکار اعمال ناشایست خود روی می آورند تا جایی که برای نجات خود از مهلکه به دروغ سوگند می خورند که چنین اعمالی انجام نداده اند.<sup>۵</sup> در این هنگام، خداوند شاهدان و گواهانی را حاضر می کند، که با وجود آنها دیگر انکار کردن میسر نیست.

**۵- حضور شاهدان و گواهان :** براساس آیات و روایات، در این روز شاهدان و گواهانی بر اعمال و رفتار انسان ها در پیشگاه خداوند شهادت می دهند. برخی از این شاهدان عبارت اند از :   
*الف) پیامبران و امامان :* ایشان همان گونه که در دنیا ناظر و شاهد بر اعمال انسان ها بوده اند،<sup>۶</sup> در روز قیامت نیز شاهدان دادگاه عدل الهی اند و چون ظاهر و باطن اعمال انسان ها را در دنیا دیده اند و از هر

۱- سوره زلزله، آیات ۸ و ۹  
 ۲- سوره زمر، آیه ۴۹  
 ۳- سوره انبیاء، آیه ۲۷  
 ۴- سوره جافه، آیات ۲۶-۱۹  
 ۵- سوره مجادله، آیه ۱۸  
 ۶- اینکه پیامبران و امامان، ناظر بر اعمال ما در دنیا هستند، عقیده ای مشخص شیعیان است.

خطایی مصون و محفوظانند، بهترین گواهان قیامت‌اند. رسول خدا ﷺ نیز شاهد و ناظر بر همه پیامبران و امت‌هاست.<sup>۱</sup>

ب/ فرشتگان الهی: فرشتگان در طول زندگی انسان‌ها، همواره مراقب آنها بوده‌اند و تمامی اعمال آنها را ثبت و ضبط کرده‌اند.

وَإِنْ عَلَيْكُمْ لِحَافِظِينَ  
بِئْسَ كَاتِبِينَ  
يَعْلَمُونَ مَا تَفْعَلُونَ  
بی گمان برای شما نگهبانانی هستند،  
نویسندگانی گران قدر،  
می‌دانند آنچه را که انجام می‌دهید.<sup>۲</sup>

ج/ اعضای بدن انسان: برخی آیات و روایات از شهادت اعضای بدن انسان یاد می‌کنند. بدکاران در روز قیامت سوگند دروغ می‌خورند تا شاید خود را از مهلکه نجات دهند. در این حال، خداوند بر دهان آنها مهر خاموشی می‌زند و اعضا و جوارح آنها به اذن خداوند شروع به سخن گفتن می‌کنند و علیه صاحب خود شهادت می‌دهند.

الْيَوْمَ نَخْتِمُ عَلَىٰ أَفْوَاهِهِمْ  
وَ تَكَلِّمُنَا أَيْدِيهِمْ  
وَ تَشْهَدُ أَرْجُلُهُمْ  
بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ  
امروز بر دهانشان مهر می‌نهم  
و دست‌هایشان با ما سخن می‌گوید  
و پاهایشان شهادت می‌دهد  
درباره آنچه انجام داده‌اند.<sup>۳</sup>

بدکاران از مشاهده گواهی اعضای خویش به شگفت می‌آیند و خطاب به اعضای بدن خود با لحنی سرزنش‌آمیز می‌گویند که چرا علیه ما شهادت می‌دهید؟ اعضای بدن آنها می‌گویند: ما را خدایی به سخن آورد که هر چیزی را به سخن می‌آورد.<sup>۴</sup>

۱- سوره نساء، آیه ۴۱  
۲- سوره انفطار، آیات ۱۲-۱۰  
۳- سوره یس، آیه ۶۵  
۴- سوره فصلت، آیه ۲۱

۳- مراقبت: این کلمه به معنای زیر نظر گرفتن و توجه دائمی است. باقی ماندن بر پیمان خود با خدا و وفای به عهد، رضایت خدا را در پی دارد و شکستن پیمان، شرمندگی در مقابل او را به دنبال می‌آورد؛ عهدی که ابتدا بسته می‌شود، مانند نوزادی است که باید از او «مراقبت» شود تا با عهدشکنی، آسیب نبیند. امام علی علیه السلام می‌فرماید: گذشت ایام، آفتابی در پی دارد و موجب از هم گسیختن تصمیم‌ها و کارها می‌شود.<sup>۱</sup> به طور مثال، کسی عهد می‌بندد که هر روز پس از نماز صبح، یک صفحه قرآن بخواند؛ او باید مراقب باشد که امور دیگر، او را به خود مشغول نکند و او را از این تصمیم خود غافل نسازد. او همچنین باید بکوشد عواملی را که سبب سستی در اجرای این تصمیم می‌شود، از سر راه بردارد.

● بررسی

چه عواملی می‌تواند مانع اجرای تصمیم شود؟ برخی از آنها را نام ببرید:

- ۱- .....
- ۲- .....
- ۳- .....

۴- محاسبه و ارزیابی: بعد از مراقبت، نوبت محاسبه است تا میزان موفقیت و وفاداری به عهد، به دست آید و عوامل موفقیت یا عدم موفقیت، شناخته شود. بعد از محاسبه اگر معلوم شود که در انجام عهد خود موفق بوده‌ایم، خدا را سپاس می‌گوییم و شکرگزار او می‌شویم؛ زیرا می‌دانیم که او بهترین پشتیبان ما در انجام پیمان‌هاست.

اما اگر معلوم شود که سستی ورزیده‌ایم، خود را سرزنش کنیم و مورد عتاب فرار دهیم و از خداوند طلب بخشش کنیم و با تصمیم قوی‌تر، دوباره با خداوند عهد ببندیم و وارد عمل شویم. یادمان باشد که همگی ما قیامتی در پیش داریم و اگر خودمان در اینجا به حساب خود نرسیم، در قیامت به طور جدی اعمال ما را محاسبه خواهند کرد.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

حَاسِبُوا أَنْفُسَكُمْ قَبْلَ أَنْ تُحَاسَبُوا

«به حساب خود رسیدگی کنید، قبل از اینکه به حساب شما برسند.»<sup>۲</sup>

۱- غرر الحکم و دررالکلم، تفسیر آندی، ج ۴، ص ۶۲۶  
۲- وسائل الشیعه، نیج مزعانی، ج ۱۶، ص ۹۹

### تسبیح

در روز قیامت افراد بدکار با دیدن حقیقت آن جهان و عاقبت شوم خویش، شروع به سرزنش خود کرده و آرزو می‌کنند که ای کاش...

... ای کاش برای این زندگی ام چیزی از پیش فرستاده بودم. **سوره فجر، آیه ۲۴**

... ای کاش (به دنیا) بازگردانده می‌شدیم و آیات پروردگاران را تکذیب نمی‌کردیم و از مؤمنان می‌شدیم.

**سوره انعام، آیه ۲۷**

... ای کاش همراه و هم‌مسیر با پیامبر می‌شدم. **سوره فرقان، آیه ۲۷**

ای وای، کاش فلان شخص را به‌عنوان دوست خود انتخاب نمی‌کردم. او مرا را از یاد خدا بازداشت ...

**سوره فرقان، آیات ۲۸ و ۲۹**

با توجه به آیات بالا بگویید برای اینکه ما از حسرت‌خوردگان آن جهان نباشیم، بایستی در این دنیا چگونه زندگی کنیم؟

.....  
 .....

### بیشتر بدانیم

پناه من باش!

حضرت علی علیه السلام در مناجات خود در مسجد کوفه این گونه با خدا درباره روز قیامت سخن می‌گوید:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ الْأَمَانَ يَوْمَ لَا يَنْفَعُ مَالٌ وَلَا بَنُونَ،

إِلَّا مَنِ اتَى اللَّهَ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ

خدا یا پناه من باش در روزی که نه مال به درد انسان می‌خورد نه فرزند

و تنها آوردن قلبی پاک به نزد خداست که انسان را فایده می‌بخشد.

بهتر است در پایان هر شب رفتار خود در آن روز را ارزیابی کنیم و در پایان هفته نیز به حساب خود در آن هفته، رسیدگی نماییم. همچنین، سالی یک بار برنامه سال خود را مرور کنیم. یکی از بهترین زمان‌های محاسبه سالانه، شب‌های قدر ماه مبارک رمضان است. خوب است که بعد از محاسبه، تصمیم‌های بهتری برای آینده بگیریم.

از امیرالمؤمنین علی علیه السلام پرسیدند:

زیرک‌ترین انسان کیست؟

فرمود: کسی که از خود و عمل خود برای بعد از مرگ حساب بکند.

پرسیدند: چگونه؟

فرمود: چون صبح تا شب به کار و زندگی پرداخت، در شب به خود برگردد و بگوید:

ای نفس! امروز روزی بود که بر تو گذشت و دیگر باز نمی‌گردد. خدا درباره این روز از تو خواهد

پرسید که آن را چگونه گذراندی و در آن چه کردی؟ آیا به یاد او و سپاس از او بودی؟ آیا

گروه از کار فروخته مؤمنی گشودی؟ آیا گرد غم از چهره‌ای زدودی؟ آیا ...؟



### تفکر در احادیث

در جدول زیر، ترجمه سه سخن از امام علی علیه السلام آمده است.<sup>۱</sup> در این سخنان تأمل کنید و آثاری که آن حضرت برای محاسبه بیان فرموده است، استخراج کنید.

پیام	حدیث
.....	۱- آن‌کس که از خود حساب بکند، عیب‌هایش را می‌شناسد و گناهانش را فراموش نمی‌کند. از گناه دوری می‌کند و عیب‌های خود را اصلاح می‌کند. <sup>۲</sup>
.....	۲- نتیجه محاسبه اعمال، اصلاح نفس خود انسان است. <sup>۳</sup>
.....	۳- کسی که از خود حساب بکند، سعادت‌مند می‌شود. <sup>۴</sup>

۱- بحار الأنوار، مجلسی، ج ۷۰، ص ۶۹

۲- تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، تنبلی آمدی، ص ۲۴۶

۳- من حاشیة غنمه، وقف علم تجویبی و احاطة بتجویبی و استغلال النوب و اصلاح العیوب

۴- تیزة الثعالبیة صلاح القلیب

۵- من حاشیة غنمه، تنبلی

**پیامبر و اهل بیت ایشان، برترین اسوه‌ها**

برای حرکت در مسیر هدف، وجود اسوه و الگوهای که راه را با موفقیت طی کرده و به مقصد رسیده‌اند، بسیار ضروری است؛ زیرا وجود این الگوها، اولاً به ما ثابت می‌کند که این راه موفقیت‌آمیز است؛ ثانیاً می‌توان از تجربه آنان استفاده نمود و مانند آنان عمل کرد و از همه مهم‌تر اینکه می‌توان از آنان کمک گرفت و با دنباله‌روی از آنان سریع‌تر به هدف رسید. از این رو قرآن کریم، پیامبر ﷺ را به عنوان الگو معرفی کرده است.

**تفکر در آیات**

۱- کدام آیه از آیات ابتدای درس، پیامبر اکرم را به عنوان اسوه معرفی کرده است؟

.....

۲- چه کسانی بهتر می‌توانند پیامبر اکرم را اسوه خود قرار دهند؟

.....

پیامبر اکرم نیز همواره از اهل بیت به عنوان انسان‌هایی برتر که مسیر زندگی را با موفقیت پیموده‌اند و اسوه قرار دادن آنان موجب رستگاری و نجات انسان می‌شود، یاد کرده و ما را به الگو گرفتن از آنان دعوت کرده است.

■ ممکن است این سؤال به ذهن بیاید که چگونه می‌توان انسان‌هایی را که حدود ۱۴۰۰ سال قبل زندگی کرده‌اند، اسوه قرار داد؟

پاسخ این است که اسوه بودن آن بزرگان مربوط به اموری که به طور طبیعی و با تحولات صنعتی تغییر می‌کنند، نیست. وسایل حمل و نقل، وسایل خانه، امکانات شهری، شکل و جنس پارچه‌ها و لباس‌ها از این قبیل‌اند و نمی‌توان پیامبر را در این امور اسوه قرار داد.

اسوه بودن آن بزرگان در اموری است که همواره برای بشر خوب و با ارزش بوده‌اند. عدالت، گذشت، فداکاری، مهربانی، داشتن نظم و برنامه در زندگی و مانند آن از ارزش‌هایی است که همواره مورد احترام بشر بوده و با گذشت زمان، نه تنها جایگاه خود را از دست ندادند، بلکه حتی درک بهتری از آنها نیز به دست آمده است. پیامبر و اهل بیت ﷺ اسوه‌های انسانیت هستند و انسانیت، دیروز و امروز و فردا ندارد.

■ همچنین ممکن است این سؤال پیش آید که پیامبر یک انسان معصوم است؛ چگونه می‌توان ایشان را اسوه قرار داد و مثل او عمل کرد؟

وَ أَسْأَلُكَ الْإِيمَانَ يَوْمَ يَغْضَبُ الظَّالِمُ عَلَى يَدَيْهِ،

يَقُولُ يَا لَيْتَنِي اتَّخَذْتُ مَعَ الرَّسُولِ سَبِيلًا

خدا یا پناه من باش روزی که گناهکار دست حسرت به دندان می‌گزد

می‌گوید ای کاش با رسول خدا همراه می‌شدم.

... وَ أَسْأَلُكَ الْإِيمَانَ يَوْمَ يَفْرُغُ الْمَرءُ مِنْ أَخِيهِ وَ أُقْبَهُ وَ أُبِيَهُ وَ صَاحِبَتَيْهِ وَ بَنِيهِ

خدا یا پناه من باش روزی که انسان حتی از برادر، مادر، پدر، همسر و فرزند خود فرار می‌کند.

وَ أَسْأَلُكَ الْإِيمَانَ يَوْمَ يُوَدُّ الْمُجْرِمُ، لَوْ يَفْتَدِي مِنْ عَذَابِ يَوْمِئِذٍ بِبَنِيهِ وَ صَاحِبَتَيْهِ وَ أَخِيهِ

وَ فَصِيلَتِهِ الَّتِي تُؤْوِيهِ وَ مَنْ فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا لَمْ يُنْجِهِ

خدا یا به من پناه ده در روزی که انسان‌های گناهکار حاضرند فرزند، همسر، برادر و خویشان بلکه تمام مردم

زمین به جای آنها عذاب شوند تا خود نجات یابند.

**پاسخ سوالات شما**

وقتی خداوند شاهد اعمال انسان است، دیگر چه نیازی به حضور شاهدان دیگر دارد؟

درست است که خداوند برای حساسی به اعمال انسان نیاز به هیچ شاهدی ندارد؛ اما باز هم به دلیل لطف و عنایتی که به بندگانش دارد، شاهدانی را بر اعمال انسان می‌گمارد تا شاید انسان با توجه به این مسئله که تک تک اعمالش زیر نظر ناظران و گواهان بسیار است، از ارتکاب گناه خودداری کند، زیرا این خصلت انسان است که هر چه حضور ناظران و شاهدان را بیشتر احساس کند، در رفتار خود دقت بیشتری می‌کند. اگر انسان بداند که هر عملی که انجام می‌دهد، علاوه بر آنکه خدا شاهد اوست، پیامبر، امامان، ملائک و ... نیز ناظر بر اعمال اویند، انگیزه پرهیز از گناه در دلش قوی‌تر می‌شود و این موضوع وی را به حفظ هرچه بیشتر حرم و حدود الهی و می‌دارد.

همچنین، این مسئله نشان می‌دهد که زمین، اعضای بدن و هر آنچه در اطراف ماست و خداوند از آنها به‌عنوان شاهد یاد می‌کند، دارای شعور و آگاهی‌اند و از آنچه ما انجام می‌دهیم آگاه‌اند و روزی علیه ما شهادت خواهند داد.

### انگیزه درنگ

خود را تا چه اندازه برای قیامت آماده کرده‌ایم؟ کارهای خود را محاسبه و ارزیابی کنیم؛ اگر موفقیم، شکر گزار خداوند باشیم و بدون آنکه مغرور شویم، بر تلاش خود بیفزاییم و اگر کمتر احساس موفقیت می‌کنیم، تصمیم بگیریم گذشته را جبران کنیم و برای موفقیت از خداوند کمک بخواهیم.

### اندیشه و تحقیق

۱- شاهدان اعمال مادر قیامت چه کسانی هستند؟

۲- برخی از وقایعی که در مرحله دوم قیامت رخ می‌دهد، بیان کنید.

### بیشتر بدانیم

سبک بار شوید!

امام علی علیه السلام:

قیامت پیش روی شما و مرگ در پشت سر، شما را می‌راند. سبک بار شوید تا برسید. همانا آنان که رفتند در انتظار رسیدن شمایند.

نهج البلاغه، خطبه ۲۱

سید رضی، جمع آوری کننده سخنان حضرت علی علیه السلام در پایان این خطبه می‌گوید: این سخن امام پس از سخن خدا و پیامبر صلی الله علیه و آله با هر سخنی سنجیده شود، بر آن برتری دارد و از آن پیشی می‌گیرد و از جمله «سبک بار شوید تا برسید» کلامی کوتاه‌تر و بر معنی‌تر شنیده نشده است؛ چه کلمه زرف و بلندی و چه جمله بر معنی و حکمت آمیزی است!

### معرفی کتاب

نام کتاب	نویسنده	انتشارات	مخاطب
مواقف حسرت	محمد شجاعی	کانون اندیشه جوان	دانش آموز / معلم
قیامت	محمد شجاعی	کانون اندیشه جوان	دانش آموز / معلم

پاسخ این سؤال نیز این است که ما او را اسوه کامل خود فرار می‌دهیم چون می‌دانیم که هر کاری که انجام داده، درست بوده و مطابق دستور خداوند بوده است. اما اسوه فرار دادن ایشان به این معنا نیست که ما عین او باشیم و در حد ایشان عمل کنیم، بلکه بدین معناست که در حد توان از ایشان بیروی کنیم و خود را به راه و روش ایشان نزدیک‌تر نماییم.

امیرالمؤمنین دربارهٔ جگونگی بیروی از خودشان، به یکی از یاران می‌فرماید:

آگاه باش برای هر بیروی کننده‌ای، امام و پیشوایی است که باید از او تبعیت کند و از علم او کسب نور کند. هشیار باش، امام شما از دنیایش به دو لباس کهنه و از خوراکش به دو فرصت نان کفایت کرده است. اما شما قطعاً توانایی این درجه از فناعت را ندارید؛ ولی با ورع<sup>۱</sup> و کوشش [در راه خدا] و عفت<sup>۲</sup> و درستکاری مرا یاری کنید.<sup>۳</sup>

### بیشتر بدانیم

توصیه‌ای برای بیروزی

در زمان حیات مرحوم علامه طباطبائی رحمته الله علیه، نویسنده تفسیر المیزان، جوانی دربارهٔ مشکلات خود نامه‌ای به ایشان می‌نویسد و می‌گوید:

... جوانی هستم ۲۲ ساله؛ در محیط و شرایطی زندگی می‌کنم که هوای نفس و آمال بر من تسلط فراوان دارند و مرا اسیر خود ساخته‌اند و سبب بازماندن من از حرکت به سوی الله شده‌اند. درخواستی که از شما دارم این است که بفرمایید به چه اعمالی دست بزنم تا بر نفس مسلط شوم... نصیحت نمی‌خواهم، بلکه دستورات عملی برای بیروزی، لازم دارم.

علامه طباطبائی، به این جوان این‌گونه پاسخ می‌گویند:

برای موفق شدن و رسیدن به منظوری که مرقوم داشته‌اید، لازم است همتی برآورده و توبه نموده، به مراقبه و محاسبه بپردازید. به این نحو که هر روز، طرف صبح که از خواب بیدار می‌شوید، قصد جدی کنید که هر عملی پیش آید، رضای خدا را مراعات خواهیم کرد... و همین حال را تا شب، وقت

<sup>۱</sup> ورع: حالتی بالاتر از تقوا است؛ در تقوا، فرد حد و مرزهای الهی را رعایت می‌کند اما در ورع، فرد برای آنکه از حد و مرزهای الهی تجاوز نکند حتی به آنها نزدیک هم نمی‌شود؛ بر ادبیات دینی از این حریم‌داری مرزهای گناه با عنوان ورع یاد می‌شود.

<sup>۲</sup> عفت: در درس‌های آینده با مفهوم عفت بیشتر آشنا خواهیم شد.

<sup>۳</sup> نهج البلاغه، نامه ۲۵



خواب ادامه دهید. وقت خواب، چهار - پنج دقیقه‌ای به کارهایی که در روز انجام داده‌اید، فکر کرده؛ یکی یکی را از نظر بگذرانید. هر کدام مطابق رضای خدا انجام یافته، شکر کنید و هر کدام تخلف شده، استغفار کنید و این رویه را هر روز ادامه دهید. این روش اگر چه در بادی حال [ابتدای کار]، سخت و در ذائقه نفس تلخ می‌باشد، ولی کلید نجات و رستگاری است...<sup>۱</sup>

### دفتر برنامه‌ریزی

یک دفتر شخصی تهیه کنید و برنامه‌های زندگی خود را به‌طور منظم در آن یادداشت نمایید. این دفتر می‌تواند شامل دو قسمت باشد:

۱- عهدهای کلی و اساسی که برای تمام زندگی بسته می‌شود. ۲- برنامه‌ها و عهدهای روزانه یا هفتگی.

بهتر است هر یک از این دو قسمت دارای بخش‌های معین باشد که بتوانید به راحتی آنها را پیگیری کنید و در آن اصلاحات لازم را به‌عمل آورید. به‌طور مثال، برای برنامه‌های روزانه یا هفتگی می‌توانید مانند جدول عمل کنید.

مورد عهد:		تاریخ:		
مراقبت: نکاتی که در طول عمل به این عهد، باید رعایت کنیم:				
۱- .....				
۲- .....				
محاسبه:				
زمان	میزان موفقیت	عوامل موفقیت	عوامل شکست	راه‌های کسب موفقیت بیشتر

۱- نامه‌های عرفانی، علی محمدی، ص ۷۸۱

قرانت

سوره زمر ۳۹

جزء ۴۴



استماع و تدریس

ایات درس را با توجه به آنگوی قرانت، جمله به جمله بخوانید و به معنای آن دقت کنید.

وَنُفِخَ فِي الصُّورِ فَصَعِقَ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ  
 إِلَّا مَنْ شَاءَ اللَّهُ ثُمَّ نُفِخَ فِيهِ أُخْرَىٰ فَإِذَا هُمْ قِيَامٌ  
 يَنْظُرُونَ ﴿٣٩﴾ وَأَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا وَوُضِعَ الْكُتُبُ  
 وَجِيءَ بِالنَّبِيِّينَ وَالشُّهَدَاءِ وَقُضِيَ بَيْنَهُم بِالْحَقِّ  
 وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ ﴿٤٠﴾ وَوَقَّيْتُ كُلَّ نَفْسٍ مَا عَمِلَتْ وَهُوَ  
 أَعْلَمُ بِمَا يَفْعَلُونَ ﴿٤١﴾ وَسِيقَ الَّذِينَ كَفَرُوا إِلَىٰ جَهَنَّمَ  
 زُمْرًا حَتَّىٰ إِذَا جَاءَهَا فَتَحَتْ أَبْوَابَهَا وَقَالَ لَهُمْ خَزَنَتُهَا  
 أَلَمْ يَأْتِكُمْ رُسُلٌ مِنْكُمْ يَتْلُونَ عَلَيْكُمْ آيَاتِ رَبِّكُمْ وَيُنذِرُونَكُمْ  
 لِقَاءَ يَوْمِكُمْ هَذَا قَالُوا بَلَىٰ وَلَكِنْ حَقَّتْ كَلِمَةُ الْعَذَابِ  
 عَلَى الْكَافِرِينَ ﴿٤٢﴾ قِيلَ ادْخُلُوا أَبْوَابَ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا  
 فَبِئْسَ مَثْوَى الْمُتَكَبِّرِينَ ﴿٤٣﴾ وَسِيقَ الَّذِينَ اتَّقَوْا رَبَّهُمْ  
 إِلَى الْجَنَّةِ زُمْرًا حَتَّىٰ إِذَا جَاءَهَا وَفُتِحَتْ أَبْوَابُهَا وَقَالَ  
 لَهُمْ خَزَنَتُهَا سَلِّمُوا عَلَيْكُمْ طِبْتُمْ فَادْخُلُوهَا خَالِدِينَ ﴿٤٤﴾  
 وَقَالُوا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي صَدَقَنَا وَعْدَهُ وَأَوْرَثَنَا الْأَرْضَ  
 نَتَبَوَّأُ مِنَ الْجَنَّةِ حَيْثُ نَشَاءُ فَنِعْمَ أَجْرُ الْعَمِلِينَ ﴿٤٥﴾

بیشتر بدانیم

چگونه یک عادت خوب بسازیم و عادت نادرست را ترک کنیم؟

همه ما تاکنون تصمیم گرفته‌ایم که عادت‌های خوب را در زندگی مان نفیث کنیم یا از عادت‌های ناپسند دوری کنیم؛ مانند مطالعه بیشتر، ورزش کردن یا کاهش وقت‌گذرانی بی‌هدف. اما معمولاً پس از مدت کوتاهی، این تصمیم را کنار می‌گذاریم. علت اصلی این موضوع، برنامه‌ریزی نامناسب است. چگونه باید برنامه‌ریزی کنیم؟ وقتی قصد تغییر داریم، معمولاً فهرستی طولانی از کارهایی که باید انجام دهیم تهیه می‌کنیم؛ مثلاً روزی ۵ صفحه مطالعه یا نیم ساعت پیاده‌روی. اما اگر به این کارها عادت نداشته باشیم، چنین برنامه‌ای بسیار دشوار به نظر می‌رسد و پس از چند روز از آن صرف نظر می‌کنیم. برای شکل دادن یک عادت جدید، باید به تدریج پیش رفت. این روند شبیه به صعود یک کوه است؛ قدم‌ها باید کوتاه، ساده و قابل انجام باشند. به‌عنوان مثال، اگر تاکنون مطالعه نمی‌کردید، بهتر است هدف‌گذاری کنید که «از فردا روزی ۵ صفحه کتاب مطالعه می‌کنم» یا «روزانه ۵ دقیقه پیاده‌روی خواهم داشت». پس از یک هفته، می‌توانید میزان مطالعه یا پیاده‌روی خود را کمی افزایش دهید. با این روش، پس از چند هفته پیشرفت قابل مشاهده‌ای خواهید داشت.

ممکن است تصور کنید این روند بسیار کند است، اما اگر بخواهید سریع پیش بروید، احتمال شکست و رها کردن برنامه افزایش می‌یابد. هدف ما ایجاد یک عادت پایدار است، نه انجام یک کار سخت برای مدت کوتاه، امام علی علیه السلام می‌فرماید: «کار کمی که بر آن مداومت باشد بهتر از کار زیادی است که ملال‌آور باشد.» بنابراین برنامه‌تان را طوری تنظیم کنید که انجام آن آسان باشد. مثلاً اگر نماز صبح شما قضا می‌شود، انتظار نداشته باشید که از فردا بتوانید دقیقاً اول وقت نماز بخوانید. قدم اول این است که فقط نماز قضا نشود و سپس به تدریج به سمت اول وقت نزدیک شوید.

در صورت شکست برنامه چه باید کرد؟

گاهی ممکن است برنامه خود را اجرا نکنیم؛ مثلاً به دلایلی چون خستگی، مشغله یا فراموشی. برخی افراد در این شرایط ناامید می‌شوند و برنامه را کنار می‌گذارند، اما باید بدانید که این موضوع طبیعی است و بخشی از فرآیند تغییر است، سه اقدام مهم در زمان شکست عبارتند از:  
 ۱. ناامید نشوید: شکست یعنی نیاز به تلاش دوباره است، نه تسلیم شدن.

ترجمه

سورة زمر، آیات ۶۸ تا ۷۴

و در صور دمیده می‌شود، پس هر که در آسمان‌ها و هر که در زمین است - جز آن کس که خدا بخواهد - بیهوش در می‌افتند؛ سپس بار دیگر در آن دمیده می‌شود و بی‌درنگ آنان به پا می‌خیزند و می‌نگرند [که با آنها چه خواهد شد]. ۶۸

و زمین به نور پروردگارش روشن گردد و کارنامه [اعمال در میان] نهاده شود و پیامبران و شاهدان را بیاورند و میانشان به حق داوری گردد و مورد ستم قرار نگیرند. ۶۹

و هر کسی [نتیجه] آنچه انجام داده است به تمام بیاید و او به آنچه می‌کند دانناز است. ۷۰

و کسانی که کافر شده‌اند گروه گروه به سوی جهنم رانده شوند تا چون بدان رسند درهای آن [به رویشان] گشوده گردد و نگاهبانانش به آنان گویند مگر فرستادگانی از خودتان بر شما نیامدند که آیات پروردگارتان را بر شما بخوانند و به دیدار چنین روزی شما را هشدار دهند؟ گویند چرا! ولی [به دلیل اعمالمان] فرمان عذاب بر کافران محقق شد. ۷۱

و گفته شود از درهای دوزخ درآید جاودانه در آن بمانید. و چه بد [جایی] است جای سرکشان. ۷۲

و کسانی که از پروردگارشان پروا داشته‌اند گروه گروه به سوی بهشت سوق داده شوند تا چون بدان رسند و درهای آن [به رویشان] گشوده گردد و نگاهبانان آن به ایشان گویند سلام بر شما خوش آمدید در آن درآید [و] جاودانه [بمانید]. ۷۳

و گویند سیاس خدایی را که وعده‌اش را بر ما راست گردانید و سرزمین [بهشت] را به ما میراث داد از هر جای آن باغ [بهناور] که بخواهیم جای می‌گزینیم چه نیک است پادشاه اهل عمل [به دستورات الهی]. ۷۴

۲- علت شکست را بررسی کنید : شاید برنامه‌تان دشوار بوده یا شرایط زندگی تغییر کرده است، دلیل را بیاید و اصلاح کنید.

۳- ادامه دهید : حتی اگر چند روز عقب افتادید، بازگشت به برنامه موفقیت محسوب می‌شود.

چگونه یک عادت غلط را ترک نماییم؟

برای ترک عادت‌های غلط بایست به چند نکته توجه نمود :

اول : تقویت عادت‌های نیکو موجب ترک عادت‌های غلط می‌شود، عادت‌های نیک مانند یک آب زلال می‌ماند که اگر در یک لیوان گل آلود ریخته شود به مرور زمان آن لیوان گل آلود سرریز کرده و بس از مدتی آن لیوان پر از آب زلال می‌شود.

قرآن کریم علت شعلور شدن میل انسان به شهوت‌ها را ضعف انسان‌ها در انجام درست و پسندیده نماز معرفی می‌نماید. با توجه به اینکه، حرکت به سمت عادت‌های نیکو، سوی دیگری دور شدن از عادت‌های زشت است توجه به نماز و بهجا آوردن آن، موجب دور شدن از عادت‌های زشت خواهد شد.

دوم : همان طور که گفتیم شکل دهی یک عادت با آسان کردن انجام آن عادت رخ می‌دهد، ترک یک عادت نیز با سخت کردن انجام آن عادت صورت می‌پذیرد. اگر کسی می‌خواهد انجام یک عادت برایش سخت شود باید شرایط انجام آن عادت را طوری تنظیم نماید که صورت پذیرفتنش سخت شود. مثلاً شخصی در خلوت دچار عادت ناپسندی می‌شود می‌بایست بیشتر در جمع حاضر باشد و آن قدر خود را مشغول نماید که فرصت خلوت نمودن را نیابد.

سوم : در صورت تکرار عادت غلط، ناامیدی سوخت تکرار آن عادت غلط است. بنابراین نباید دست از اصلاح خود کشید و همه مطالب مطرح شده در قسمت «در زمان شکست برنامه‌ریزی چه کنیم» در همین مرحله نیز قابلیت پیاده‌سازی دارد.

اندیشه و تحقیق

- ۱- چرا انسان مؤمن باید برنامه «مراقبت» داشته باشد؟ این برنامه چیست؟
- ۲- «محاسبه» یعنی چه؟ چگونه باید آن را انجام داد؟ نتیجه آن چیست؟
- ۳- مراقبان اصلی انسان چه کسانی هستند؟ چرا آنها ما را زیر نظر دارند؟
- ۴- چه تفاوتی میان آدم‌های مصمم و دارای قدرت تصمیم با آدم‌هایی که در تصمیم سستی می‌ورزند، وجود دارد؟

## درس هشتم فرجام کار

در درس گذشته خواندیم که هنگام وقوع قیامت، چه حوادثی اتفاق می افتد و دادگاه عدل الهی، چگونه تشکیل می شود.

در این درس می خواهیم با بهره مندی از قرآن کریم و سخنان معصومان، سرانجام و سرنوشت انسان را تا جایگاه ابدی دنبال کنیم و دریابیم:

۱- زندگی نیکوکاران و گناهکاران در آخرت، چگونه است؟

۲- چه رابطه ای میان اعمال ما و نوع پاداش و جزای آخرت، وجود دارد؟

## پاسخ سوالات شما

اگر در مسیر گام برداشتن به سوی خدا، سؤال هایی در زمینه های مختلف برای ما پیش آمد، به چه کسانی مراجعه کنیم؟

به کسانی که توانایی پاسخ گویی در مسائل دینی را دارند، مانند دبیران دینی و قرآن، امام جماعت محل و مراکز مطمئن علمی مراجعه کنیم و سؤال خود را با آنها در میان بگذاریم.

برخی از این مراکز علمی عبارت اند از:

- ۱- اداره مشاوره و پاسخ نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه ها [Porseman.org](http://Porseman.org)
- ۲- مؤسسه فرهنگی و اطلاع رسانی تبیان [www.Tebyan.net](http://www.Tebyan.net)
- ۳- پایگاه اینترنتی حوزه [www.hawzeh.net](http://www.hawzeh.net)
- ۴- پایگاه جامع پاسخ گویی به سؤالات و شبهات دینی [www.eporseh.com](http://www.eporseh.com)
- ۵- مرکز فرهنگ و معارف قرآن [www.Porsemanequran.com](http://www.Porsemanequran.com)
- ۶- مرکز ملی پاسخ گویی به سؤالات دینی [www.Pasokhgoo.ir](http://www.Pasokhgoo.ir)
- ۷- مرکز مطالعات و پژوهش های فرهنگی حوزه علمیه قم [www.andisheqom.com](http://www.andisheqom.com)
- ۸- مرجعی برای پاسخگویی به سؤالات دینی و اعتقادی [www.Islamquest.net](http://www.Islamquest.net)

## معرفی کتاب

نام کتاب	نویسنده	انتشارات	مخاطب
رازهای زندگی	مرتضی نظری	منادی تربیت	دانش آموز
نامه های بلوغ	علی صفایی حائری	لیله القدر	دانش آموز
سیمای روزانه فرد مسلمان	محراب صادق نیا	مرکز پژوهش های صدا و سیما	دانش آموز / معلم
تصمیم های بزرگ جوانی	محمدباقر بورامینی	کانون اندیشه جوان	دانش آموز
این گونه باشیم	جواد محدثی	بوستان کتاب	دانش آموز
القیای زندگی	جواد محدثی	بوستان کتاب	دانش آموز / معلم

### ۱- جایگاه نیکوکاران



اینجا بهشت است! جایی که پس از پایان حساسی، نیکوکاران و رستگاران را به سوی آن راهنمایی می‌کنند؛ بهشت آماده استقبال و پذیرایی از آنهاست و چون بهشتیان سررسند، درهای آن را به روی خود گشوده می‌بینند. بهشت هشت در دارد که بهشتیان از آن درها وارد می‌شوند.<sup>۱</sup> یک در مخصوص پیامبران و صدیقان، یک در مخصوص شهیدان و درهای دیگر برای گروه‌های دیگر است.<sup>۲</sup> از هر دری فرشتگان برای استقبال به سوی آنان می‌آیند<sup>۳</sup> و به بهشتیان سلام می‌کنند و می‌گویند: خوش آمدید؛ وارد بهشت شوید و برای همیشه در آن زندگی کنید.<sup>۴</sup> بهشتیان می‌گویند خدای را سپاس که به وعده خود وفا و این جایگاه زیبا را به ما عطا کرد.<sup>۵</sup> هر یک از بهشتیان در درجه‌ای خاص از بهشت قرار می‌گیرند.

هر چه دل‌هایشان نما کند و ددگانشان را خوش آید، آماده می‌بینند.<sup>۶</sup> خدا را سپاس می‌گویند که حزن و اندوه را از آنان زوده و از رنج و درماندگی، دور کرده است.<sup>۷</sup> علاوه بر این، بالاترین نعمت بهشت، یعنی رسیدن به مقام خشنودی خدا را برای خود می‌یابند و از این رستگاری بزرگ مسرورند.<sup>۸</sup>

بهشتیان با خدا هم‌صحبت‌اند و به جمله «خداها! تو پاک و منزهی» مترنم‌اند.<sup>۹</sup> بهشت برای آنان سرای سلامتی (دارالسلام) است؛<sup>۱۰</sup> یعنی هیچ نقصانی، غصه‌ای، ترسی، بیماری‌ای، جهلی، مرگ و هلاکتی، و خلاصه، هیچ ناراحتی و رنجی در آنجا نیست. نعمت‌های دائمی آن هیچ‌گاه خستگی و سستی نمی‌آورد. در آنجا انسان همیشه شاداب و سرحال است و همواره احساس طراوت و نازگی می‌کند. دوستان و هم‌نشینان انسان در آنجا، پیامبران، راستگويان، شهیدان و نیکوکاران‌اند و آنان چه نیکو هم‌نشینانی هستند.<sup>۱۱</sup>

۱- کز العمل، منی حدی، ج ۱۴، ص ۲۵۱  
 ۲- خصال، شیخ صدوق، باب هشاد، ص ۴۰۷  
 ۳- سوره رعد، آیه ۲۴  
 ۴- سوره زمر، آیه ۷۳  
 ۵- سوره زمر، آیه ۷۲  
 ۶- سوره زخرف، آیه ۷۱  
 ۷- سوره فاطر، آیات ۳۲ و ۳۵  
 ۸- سوره توبه، آیه ۷۲  
 ۹- سوره یونس، آیه ۱۰  
 ۱۰- سوره انعام، آیه ۱۲۷  
 ۱۱- سوره نساء، آیه ۶۹



جلسه اول

قرائت : آیات شریفه زیر را به دقت و زیبا قرائت کنید.

أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ  
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

« فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَ لَوْ كُنْتَ ظَعْنًا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَأَتَفَضُوا مِنْ حَوْلِكَ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَ اسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَ سَأْوَرَهُمْ فِي الْأَمْرِ فَبِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ »  
« إِنْ يَنْصُرْكُمُ اللَّهُ فَلَا غَالِبَ لَكُمْ وَ إِنْ يَخْذِبْكُمْ فَمَنْ ذَا الَّذِي يَنْصُرُكُمْ مِنْ بَعْدِهِ وَ عَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ »

(ای پیامبر) به (برکت) رحمت الهی در برابر آنان نرم و مهربان شدی اگر تندخو بودی و سنگدل، از اطرافت پراکنده می شدند پس از آنان در گذر و پراشان آموزش بخواه و در کارها با آنان مشورت کن و چون عزم کاری کردی بر خدا توکل کن زیرا خدا توکل کنندگان را دوست دارد. اگر خدا شما را باری کند هیچ کس بر شما غلبه نخواهد کرد و اگر دست از باری شما بردارد چه کسی شما را باری خواهد کرد بعد از او؟ و مؤمنان تنها بر خدا توکل کنند.

ال عمران، ۱۵۹ و ۱۶۰

زنان و مردان بهشتی در زیباترین و جوان ترین صورت و قیافه در بهشت به سر می برند. زندگی آنان سرشار از عشق، لذت و سرور است. همسران بهشتی خوش رفتار و زیبارو، جوان و شاداب، پاک و طاهر، خوش و خرم، پیوسته عاشق و خرسند از همسر خود هستند.<sup>۱</sup>

تسدیر

با تدبیر در ترجمه آیات زیر بگویید که اگر ما هم بخواهیم در زمره بهشتیان باشیم باید در دنیا چگونه زندگی کنیم؟

■ امروز روزی است که راستی راستگویان به آنها سود بخشد، برای آنها باغ هایی از بهشت است ...

سوره مانند، آیه ۱۱۹

■ و شتاب کنید برای رسیدن به آموزش پروردگارتان و بهشتی که وسعت آن، آسمانها و زمین است و برای متقیان آماده شده است؛ همانها که در زمان توانگری و تنگدستی، اتفاق می کنند و خشم خود را فرو می برند و از خطای مردم می گذرند و خدا نیکوکاران را دوست دارد. و آنها که وقتی مرتکب عمل زشتی می شوند، با به خود ستم می کنند، به یاد خدا می افتند و برای گناهان خود طلب آموزش می کنند ...

سوره آل عمران، آیات ۱۲۵-۱۲۴

■ و آنها که امانت ها و عهد خود را رعایت می کنند و آنها که به راستی ادای شهادت کنند و آنها که بر نماز مواظبت دارند، آنان در باغ های بهشتی گرامی داشته می شوند.

سوره معارج، آیات ۳۵-۳۴

.....

.....

.....

۱-سوره رافعه، آیات ۲۲ تا ۲۴ و ۳۷، ۴۳؛ سوره الرحمن، آیات ۷۰ تا ۷۷

۲- برای اطلاع بیشتر از ویژگی های بهشت به جلد ۱۰ معادشناسی از علامه حسینی تهرانی و کتاب «معاد استاد ترائی» مراجعه کنید.

### حقیقت توکل بر خدا

توکل بر خدا به معنای سپردن خود به خداوند و اعتماد کردن به اوست. توکل و اعتماد به خداوند، جایگزین تلاش و فعالیت انسان نیست. بلکه انسان متوکل وظیفه خود را انجام می‌دهد و نهایت تلاش خود را در هر کاری می‌کند، اما نتیجه کار را به خدا می‌سپارد و به آنچه خداوند برای او بخواهد اعتماد می‌کند و خود را تحت حمایت خداوند قرار می‌دهد.

انسان متوکل می‌داند که در صورت تفکر و مشورت در کار و انجام وظیفه‌ای که تشخیص می‌دهد، هر نتیجه‌ای که به دست آید، به مصلحت اوست، گرچه خود به آن مصلحت آگاه نباشد؛ زیرا نظام خلقت در دست خداست و او آینده‌ای را می‌بیند که ما نمی‌بینیم و به مصلحت‌هایی توجه دارد که ما درک نمی‌کنیم. گاهی چیزهایی را به نفع خود می‌بنداریم در حالی که به ضرر ماست با اموری را به ضرر خود می‌دانیم در حالی که به نفع ماست.

وَ عَسَىٰ أَن تَكْرَهُوا شَيْئًا وَ هُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ

چه بسا از چیزی بدتان آید در حالی که برای شما

خیر است

وَ عَسَىٰ أَن تَحِبُّوا شَيْئًا وَ هُوَ شَرٌّ لَّكُمْ

و چه بسا از چیزی خوشتان آید در حالی که برای

شما شر است

در این مواقع است که خدایی که از هر کس به بندگانش مهربان‌تر است، آن چیزی را برای انسان متوکل رقم می‌زند که به خیر و صلاح اوست.

امام علی علیه السلام در یکی از دعاهای خویش می‌گوید:

«خداوندا تو با آنان که به تو بیشتر عشق می‌ورزند، بیش از دیگران انس می‌گیری و برای اصلاح کار آنان که بر تو توکل می‌کنند از خودشان آماده‌تری، اسرار ایشان را می‌دانی و بر اندیشه‌هایشان آگاهی.»

ایشان در ادامه به خدا عرض می‌کند:

«اگر نتوانی، آنان را به وحشت اندازد، یاد تو آنان را آرام سازد و اگر مصیبت‌ها بر آنان فرو بارد، به تو پناه آورند و روی به درگاه تو دارند، چون می‌دانند سر رشته کارها به دست توست.»<sup>۲</sup>

۱-سوره بقره، آیه ۲۱۶

۲-تهج اللغه، خطبه ۲۱۸

### پاسخ سوالات شما

#### جایی که در آن ملال و دلزدگی نیست

ممکن است این سؤال برای برخی بیش آید که آیا زندگی کردن تا ابد در بهشت موجب خستگی و دلزدگی بهشتیان نخواهد شد؟

منشأ این سؤال مقایسه لذت‌های بهشتی با لذت‌های دنیوی است و اینکه لذت‌های دنیوی پس از مدتی تکراری و خسته‌کننده می‌شوند. خوب است بدانیم علت اینکه لذت‌های دنیا بعد از مدتی تکراری و خسته‌کننده می‌شوند این است که:

اولاً لذت‌های مادی محدود است و در برابر روح بی‌نهایت طلب و بلندپرواز انسان نمی‌تواند برای مدت طولانی ارزش خود را حفظ کند. برای همین حتی ثروتمندترین افراد نیز پس از مدتی از زندگی بکنواخت خود خسته می‌شوند. اما نعمت‌ها و لذات بهشتی پایان‌ناپذیر است و بدون هیچ حدی در اختیار بهشتیان است.

ثانیاً از آنجا که روح انسان متعلق به خداست و تنها با او آرام می‌گیرد، مدام در تلاش برای رسیدن به اوست و از همین رو هیچ هدف با لذتی نمی‌تواند برای همیشه او را به خود مشغول سازد. از این رو، آنان که از خدا دور افتاده‌اند، مدام از این هدف به آن هدف و از این لذت به آن لذت دیگر روی می‌آورند تا مگر آرام و فرار گیرند، اما چون گمگشته خود را در هیچ یک نمی‌یابند، نمی‌توانند برای همیشه خود را با آن سرگرم کنند. اما در بهشت، انسان خواسته حقیقی و گمگشته درونی خویش که همان لقای پروردگار است را، می‌یابد و با او آرام می‌گیرد و دیگر به هیچ رو خواستار تغییر این وضعیت و دگرگونی در آن نیست؛ زیرا در نهایت آرامش به سر می‌برد و روح بی‌نهایت طلب او از مواهب پایان‌ناپذیر بهشت برخوردار است. قرآن کریم می‌فرماید:

خَالِدِينَ فِيهَا لَا يَبْغُونَ عَنْهَا حِوْلاً

در آن [بهشت ابدی] جاویدانند و خواستار هیچ گونه دگرگونی نیستند.<sup>۱</sup>

۱-سوره کهف، آیه ۱۰۸

## ۲- جایگاه دوزخیان

پس از پایان محاکمه، دوزخیان گروه گروه به سوی جهنم رانده می شوند<sup>۱</sup> و درحالی که در غل و زنجیر بسته شده اند، در جایگاهی تنگ افکنده می شوند.<sup>۲</sup>

آتش جهنم، بسیار سخت و سوزاننده است. این آتش حاصل عمل خود انسان هاست و برای همین، از درون جان آنها شعله می کشد.<sup>۳</sup>

در این حال، ناله حسرت دوزخیان بلند می شود و می گویند: ای کاش خدا را فرمان می بردیم و پیامبر او را اطاعت می کردیم.<sup>۴</sup> ای کاش فلان شخص را به عنوان دوست خود انتخاب نمی کردیم. او ما را از یاد خدا بازداشت.<sup>۵</sup> دروغ بر ما، به خاطر آن کوناهای هابی که در دنیا کردیم!<sup>۶</sup>

آنان به خداوند می گویند: پروردگارا شقاوت بر ما چیره شد و ما مردمی گمراه بودیم. ما را از اینجا بیرون بر که اگر به دنیا بازگردیم، عمل صالح انجام می دهیم.<sup>۷</sup>

باسخ قطعی خداوند این است که آیا در دنیا به اندازه کافی به شما عمر ندادم تا هر کس می خواست به راه راست آید؟<sup>۸</sup> ما می دانیم اگر به دنیا بازگردید، همان راه گذشته را پیش می گیرید.<sup>۹</sup>

آنان گاهی دیگران را مقصر می شمارند و می گویند: شیطان و بزرگان و سرورانمان سبب گمراهی ما شدند.<sup>۱۰</sup> شیطان می گوید من فقط شما را فراخواندم و شما نیز مرا پذیرفتید. مرا ملامت نکنید، خود را

ملامت کنید.<sup>۱۱</sup> به نگهبانان جهنم رو می آورند تا آنها برایشان از خداوند نخبی بگیرند؛ ولی فرشتگان می گویند: مگر پیامبران برای شما دلایل روشنی نیاوردند؟ آنان می گویند: بلی! فرشتگان نیز تقاضای

آنها را نمی پذیرند و درخواستشان را بیجا می دانند.<sup>۱۲</sup>

## تفسیر

ترجمه آیات صفحه بعد به توصیف برخی از ویژگی های جهنمیان می پردازد. با تدبیر در آنها بیان کنید که چه زمینه هایی می تواند شما را به سوی جهنم بکشاند؟ آنها را بیابید و برنامه ای برای از بین بردن آن زمینه ها تنظیم کنید.

- ۱- سوره زمر، آیه ۷۱
- ۲- سوره فرقان، آیه ۱۲
- ۳- سوره هز، آیت ۷۴
- ۴- سوره احزاب، آیه ۶۶
- ۵- سوره فرقان، آیت ۲۹، ۲۸
- ۶- سوره انعام، آیه ۴۱
- ۷- سوره مؤمنون، آیت ۶-۱۰، ۷
- ۸- سوره فاطر، آیه ۳۷
- ۹- سوره انعام، آیه ۲۸
- ۱۰- سوره ابراهیم، آیه ۲۲
- ۱۱- سوره فاطر، آیت ۲۹ و ۵۰

## تفکر در آیات

با تفکر در آیات ابتدای درس، به سؤال های زیر پاسخ دهید و مشخص کنید که پاسخ ها را از کدام آیه به دست آورده اید.

شماره	سؤال و پاسخ	سوره آیه
۱	چرا باید فقط بر خدا توکل کرد؟ مگر خداوند دارای چه ویژگی هابی است؟	.....
۲	چرا بر غیر خدا نمی توان توکل کرد؟	.....
۳	برای رسیدن به یک تصمیم بهتر است چه مرحله ای را طی کنیم تا به تصمیم درست برسیم؟	.....

## شرایط توکل

۱- توکل کردن فقط به معنای گفتن لفظی جمله «خدا یا، بر تو توکل می کنم» نیست. بلکه انسان باید در قلب خود حقیقتاً بر خدا توکل کند زیرا او خالق همه چیز است و هر اتفاقی در عالم رخ می دهد به اذن او صورت می پذیرد، بنابراین تکیه گاه حقیقی انسان ها خود اوست.

امام صادق علیه السلام فرمود: خداوند به داود علیه السلام وحی کرد هر بنده ای از بندگانش به جای پناه بردن به دیگری با تبت خالص به من پناه آورد، از کارش چاره جویی می کنم، گرچه همه آسمان ها و زمین و هر چه در آنهاست، علیه او برخیزند.<sup>۱</sup>

۲- توکل در جایی درست است که انسان مسئولیت و وظیفه خود را به خوبی انجام دهد، یعنی فکر و اندیشه خود را به کار گیرد، با دیگران مشورت کند، بهترین راه ممکن را انتخاب نماید و با عزم و اراده محکم برای رسیدن به مقصود تلاش کند. در این صورت است که می توان بر خدا توکل کرد؛ زیرا توکل، جانشین تبلی

۱- مشکاه الاتوار، علی بن حسن طبرسی، ج ۱، ص ۱۹

■ [جهنمیان] می گویند: ما در دنیا نماز نمی خواندیم و از محرومان دستگیری نمی کردیم؛ همراه بدکاران غرق در معصیت خدا می شدیم و روز رستاخیز را تکذیب می کردیم.

سوره مدثر، آیات ۴۷-۴۴

■ توبه کسانی که کارهای زشت انجام دهند و هنگامی که مرگ یکی از آنها فرا رسد می گوید: الان توبه کردم، پذیرفته نیست... و اینها کسانی هستند که عذاب دردناکی برایشان فراهم کردیم.

سوره نساء، آیه ۱۸

■ [جهنمیان] پیش از این [در دنیا] مست و مغرور نعمت بودند و بر گناهان بزرگ اصرار می ورزیدند.

سوره واقعه، آیات ۴۶-۴۵

.....  
.....

### رابطه میان عمل و پاداش و کیفر

از سؤال های قابل توجه این است که رابطه اعمال دنیایی با جزا و پاداش اخروی چگونه است؟  
رابطه میان عمل و جزای آن، سه گونه است:

۱- قراردادی: گاهی پاداش و کیفر براساس مجموعه ای از قراردادها تعیین می شود؛ مانند اینکه اگر کارگر در طول روز، کار معینی را انجام دهد، دستمزد مشخصی در برابر آن کار دریافت می کند. همچنین اگر کسی مرتکب جرمی شود، مطابق با قوانین و مقررات به پرداخت جریمه نقدی یا زندان و نظایر آن محکوم می شود. رابطه میان آن کارها و این گونه پاداش ها و کیفرها، یک رابطه قراردادی است و انسان ها می توانند با وضع قوانین جدید این رابطه ها را تغییر دهند؛ برای مثال، اگر کیفر جرمی زندان است، آن را به پرداخت جریمه نقدی تبدیل کنند. آنچه در اینجا اهمیت دارد، تناسب میان جرم و کیفر است تا عدالت برقرار گردد.

۲- طبیعی: گاهی پاداش و کیفر، محصول طبیعی خود عمل است و انسان ها نمی توانند آن را تغییر دهند، بلکه باید خود را با آن هماهنگ کنند و با آگاهی کامل از آن برنامه زندگی خود را تنظیم و سعادت زندگی خویش را تأمین کنند؛ مثلاً اگر کسی سیگار بکشد، به امراض گوناگونی مبتلا

و ندانم کاری افراد نیست بلکه کمک کننده و امیددهنده به کسی است که اهل همت، تعقل و پشتکار می باشد.

روزی، پیامبر اکرم ﷺ به مردمی برخورد که اهل کار و فعالیت نبودند. به آنان فرمود:

شما چگونه مردمی هستید؟

گفتند: ما توکل کنندگان بر خدا هستیم.

ایشان فرمود: نه، بلکه شما سرباز دیگران هستید.<sup>۱</sup>

کرت توکل می کنی در کار کن  
کشت کن پس گمیز بر جبار کن<sup>۲</sup>

### فعالیت کلاسی

شخصی دلیل بیمه نکردن ماشین خود را این گونه بیان می کند که من به خدا توکل دارم و خداوند خودش مال مرا حفظ خواهد کرد. شما عمل او را تأیید می کنید یا خیر؟ چرا؟

### فعالیت کلاسی

برخی می گویند ما اهل خطر (ریسک) کردن هستیم. چه تفاوتی میان «خطر کردن» و «توکل بر خدا» وجود دارد؟

### اندیشه و تحقیق

- ۱- با توجه به آیات، روایات و توضیحات درس، آثار و فواید توکل را ذکر کنید.
- ۲- آیا توکل، سبب تنبلی می شود یا تحرک؟ چرا؟
- ۳- شرایط توکل حقیقی کدام اند؟

۱- مستدرک الوسائل، نسخ حرز علمیه، ج ۱۱، ص ۴۱۲  
۲- مشنوی مولوی

می‌شود. همچنین اگر کسی اهل مطالعه و تحقیق باشد، به طور طبیعی به علم و آگاهی دست می‌یابد یا اگر روزانه ورزش کند، به سلامت و تندرستی خود کمک کرده است.

۳- **تجسم عمل**: نوع دیگری از رابطه میان عمل و پاداش و کیفر وجود دارد که عمیق تر و کامل تر از دو نوع قبلی است. همان طور که در بحث از نامه عمل دیدیم، آنچه انسان با خود به قیامت می‌برد، باطن اعمالی است که اکنون در این دنیا قابل مشاهده نیست. هر عملی یک جنبه ظاهری و یک جنبه باطنی دارد. جنبه ظاهری بعد از عمل از بین می‌رود؛ اما جنبه باطنی هرگز از بین نمی‌رود و در روح هر انسانی باقی می‌ماند. بنابراین، هر عملی که ما در زندگی دنیوی انجام می‌دهیم، حقیقت و باطن آن عمل در جهان آخرت به صورت زشت یا زیبا، لذت بخش یا دردآور مجسم می‌شود و انسان خود را در میان باطن اعمال خود می‌بیند. پس آنچه در روز قیامت به عنوان پاداش یا کیفر به ما داده می‌شود، عین عمل ماست. به عنوان مثال، کسی که ربا می‌خورد و یا مال یتیمی را به ناحق تصاحب می‌کند، اگر باطن و چهره واقعی عمل او در همین دنیا بر ملا شود، همگان خواهند دید که او در حال خوردن آتش است؛ اما در دنیا آتش آشکار نمی‌شود و هنگامی که او وارد جهان آخرت می‌شود و پرده‌ها کنار می‌رود، حقیقت و باطن عمل عیان می‌گردد و آتش از درون او زیاده می‌کشد.

إِنَّ الْأَذَىٰ يَأْكُلُونَ كِسَافِيٍّ كَمَا مَيَّ خُورِنَد

أَمْوَالِ الْيَتَامَىٰ ظَلَمًا اَمْوَالِ یتیمان را از روی ظلم

إِنَّمَا يَأْكُلُونَ فِي بُطُونِهِمْ نَارًا جَزَآئِنِ لَيْسَتْ كَمَا أَنتَنِي فِي شَكْمِ خُودِ فَرُومِي بَرِنَد

وَيَسْتَصَلُونَ سَعِيرًا وَ بَه زُودِي دَر آتَشِي فَرُوزَانِ دَر آيِنَد.<sup>۱</sup>

رسول خدا ﷺ در ضمن نصیحتی که به یکی از یاران خود می‌کرد، فرمود:

«برای تو ناچار هم نشینی خواهد بود که هرگز از تو جدا نمی‌گردد و با تو دفن می‌شود... آنگاه آن هم نشین در رستاخیز با تو برانگیخته می‌شود و تو مسئول آن هستی. پس دقت کن، هم نشینی که انتخاب می‌کنی، نیک باشد؛ زیرا اگر او نیک باشد، مایه آنس تو خواهد بود و در غیر این صورت، موجب وحشت تو می‌شود. آن هم نشین، کردار توست.»<sup>۲</sup>

۱- سوره نساء، آیه ۱۰

۲- معانی الآثار، شیخ صدوق، ج ۱، ص ۲۴۴

#### پیشنهاد

۱- مولوی در دفتر اول مثنوی در «فصله نخجیران و بیان توکل و ترک جهد» رابطه توکل و تلاش را به خوبی به تصویر می‌کشد و در ضمن آن می‌گوید:

کَلْتَ بِتَمَرِ آبِ آوَزِ بِنَد بِا تُوکلِ زَانُوئی اَشْرِبِنَد

این داستان را مطالعه کنید و آن را برای دوستان در کلاس بیان کنید.

۲- آیا می‌دانید شیطان بر چه کسانی مسلط نمی‌شود؟ آیه ۹۹ سوره نحل را مطالعه کنید و جواب را بنویسید.

#### معرفی کتاب

نام کتاب	نویسنده	انتشارات	مخاطب
توکل	حسین روحانی نژاد	کانون اندیشه جوان	دانش آموز

بنابراین در عرصه قیامت، تصویر اعمال انسان یا گزارشی از عمل انسان نمایش داده نمی‌شود؛ بلکه خود عمل نمایان می‌شود و هر کس عین عمل خود را می‌بیند.

#### بیشتر بدانیم

##### چهار رفیق

تاجری چهار رفیق صمیمی داشت. از میان آنها، رفیق چهارم را بیشتر از همه دوست داشت. تاجر با خرید هدایای فراوان، دوستی خود را به او ابراز می‌کرد و با احترام بسیار با وی رفتار می‌نمود. او بهترین هر چیز را برای این دوست خود کنار می‌گذاشت.

تاجر، رفیق سومش را هم دوست داشت؛ چنان‌که همه‌جا به داشتن چنین رفیقی افتخار می‌کرد و همواره وی را به دیگران نشان می‌داد؛ اما ترسی همواره بر دل تاجر بود که مبادا او ترکش کند و به سراغ رفاقت با دیگران برود.

رفیق دوم تاجر خیلی قابل اعتماد و صبور بود. تاجر هرگاه با مشکلی روبرو می‌شد به سراغ او می‌رفت و او هم به تاجر اعتماد به نفس می‌داد و موجب دلگرمی او می‌شد.

رفیق اول تاجر، فردی بسیار وفادار بود. اما مرد تاجر به ندرت به او توجه می‌کرد و پاسخ محبت‌های بی‌دریغ او را می‌داد.

روزی، تاجر به شدت بیمار شد و دریافت که رفتنی است. زندگی مرفه و اشرافی خود را از جلوی چشمانش گذراند و با خود گفت: اگر چه در این دنیا چهار دوست صمیمی دارم؛ اما اگر بمیرم تنهای تنها خواهم شد.

از این رو، رفقایش را به نزد خود فراخواند. ابتدا رو به رفیق چهارم خود کرد و گفت: من در این دنیا بیش از حد تو را دوست داشتم و برای تو بهترین‌ها را فراهم کردم؛ حالا که من در حال مرگ هستم، آیا با من می‌آیی و مرا در این سفر همراهی می‌کنی؟

رفیق چهارم گفت: به هیچ وجه، و راه خود را گرفت و رفت. با دلی شکسته درخواستش را با رفیق سومش در میان گذاشت؛ اما او هم بلافاصله گفت: نه، نمی‌توانم. تصمیم دارم بس از مرگت با کس دیگری طرح رفاقت بریزم.

تاجر رو به رفیق دومش کرد و مصراانه گفت: من هرگاه کمک خواسته‌ام، تو باورم بوده‌ای. آیا این بار هم مرا باری می‌کنی؟



### جلسه اول

حضرت ابراهیم علیه السلام حدود چهار هزار سال پیش در سرزمین بابل، در کنار رودهای دجله و فرات به دنیا آمد. سرزمین بابل، در آن ایام، دارای شهرهای زیبا با معماری پیشرفته و کاخ‌های بزرگ و باشکوه بود. مردمان آن سرزمین بت می‌پرستیدند و پادشاه آنها که «نمرود» نام داشت، خود را نگهبان و پشتیبان بت‌ها و خدای خدایان معرفی می‌کرد. حضرت ابراهیم علیه السلام که هوشی سرشار و فکری روشن داشت، در همان آغاز نوجوانی به مبارزه با بت‌پرستی برخاست. در جوانی بت‌های بتکده را شکست و نمرود فرمان داد تا او را در آتش بیندازند و بسوزانند. خداوند حضرت ابراهیم را از آتش نجات داد و جان او را حفظ کرد. ابراهیم علیه السلام از سرزمین بابل بیرون آمد و به سوی سرزمین‌های دیگر مهاجرت کرد. تا به فلسطین رسید. سال‌ها در آنجا سکونت گزید و مردم را به توحید و خداپرستی فراخواند. او که دیگر بیرمردی سبید موی شده بود، به فرمان خدا، همراه با همسرش هاجر و نوزادش اسماعیل رهسپار سرزمین حجاز و منطقه‌ای سوزان و خشک و بدون آب شد که آن را «مکه» می‌نامیدند. او از کوه‌ها و دژه‌ها و از کویرها و بیابان‌ها گذشت و با هاجر و نوزادش به مکه رسیدند. او پس از چند بار آمد و رفت میان حجاز و فلسطین، در زمانی که فرزندش اسماعیل جوانی پرومند شده بود، خانه کعبه را با همکاری فرزندش دوباره بنا کرد و آن را «بیت‌الله الحرام» «خانه‌مورد احترام خدا» نامید. سپس دست به سوی آسمان بلند کرد و این‌گونه با خدا سخن گفت:

﴿ رَبَّنَا إِنِّي أَسْكَنْتُ مِنْ ذُرِّيَّتِي بِوَادٍ غَيْرِ ذِي زَرْعٍ عِنْدَ بَيْتِكَ الْمُحَرَّمِ رَبَّنَا لِيُقِيمُوا الصَّلَاةَ فَاجْعَلْ أَفْئِدَةً مِنَ النَّاسِ تَهْوِي إِلَيْهِمْ وَارْزُقْهُمْ مِنَ الثَّمَرَاتِ لَعَلَّهُمْ يَشْكُرُونَ ﴾	پروردگارا، برخی از فرزندانم را بشکنا دادم در سرزمینی بی‌آب و علف در کنار بیت‌الحرام تو. ای پروردگارا، آنان نماز را برپا بدارند پس دل‌های مردم را به آنان مهربان کن و از فراورده‌ها روزی‌شان ده بماند که سپاس تو را گزارند پروردگارا، پنهان و آشکار ما را می‌دانی و هیچ چیز بر خدا پنهان نیست در زمین و در آسمان
﴿ رَبَّنَا إِنَّكَ تَعْلَمُ مَا نُخْفِي وَمَا نُعَلِنُ وَمَا يَخْفَى عَلَى اللَّهِ مِنْ شَيْءٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ ﴾	

رفیق دوم با ناراحتی گفت: این بار نمی‌توانم؛ اما برای تو هر هفته خیرات می‌دهم و طلب آمرزش می‌کنم.

حرف‌های رفیق دوم مانند صاعقه، قلب رنجور تاجر را درید و ویران کرد.

ناگاه ندایی شنید: من با تو می‌آیم، من تو را همراهی می‌کنم، هر جا که بروی با توام.

تاجر گریست؛ این صدای رفیق اولش بود که تکیده و رنجور در گوشه‌ای تنسته بود. تاجر با شرمساری دست نجیف او را گرفت و گفت: حالا می‌فهمم که باید در تمام این مدت، قدر تو را می‌دانستم و همه دارایی‌ام را به پای تو می‌گذاشتم.

\*\*\*

این داستان واقعی زندگی همه ما انسان‌هاست:

رفیق چهارم ما، جسم ما است که همه چیز را برای زیبایی و تغذیه او صرف می‌کنیم؛ اما پس از مرگ، خیلی زود ما را ترک می‌کند.

رفیق سوممان، ثروت و اموال ماست. وقتی ما می‌میریم، بلافاصله به دیگران می‌رسد.

رفیق دوم ما، خانواده، فرزندان و دوستان ما هستند که به رغم نزدیکی و همراهی با ما در زمان حیات، پس از مرگ فقط نا قبر ما می‌توانند بیایند.

و رفیق اول ما، که ما آن را فراموش کرده‌ایم و در پی کسب ثروت و رفاه و لذایذ جسمانی، هیچ‌گاه به فکرش نبوده‌ایم و فقط اوست که ما را در این سفر، همراهی می‌کند. او کسی نیست جز...



## نماز و بازدارندگی از گناه

انسانی که پنج بار در طول روز نماز به ما می‌دارد، یاد خدا را در دل خود زنده می‌کند و حضور او را در جای جای زندگی استمرار می‌بخشد. توجه به حضور خدا در زندگی و نظارت او بر اعمال، موجب می‌شود تا انسان دست به هر کاری نزند و از گناهان دوری کند. خداوند در قرآن کریم می‌فرماید:

وَأَقِمِ الصَّلَاةَ  
 إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ  
 وَلَذِكْرِ اللَّهِ أَكْبَرُ  
 وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا تَصْنَعُونَ<sup>۱</sup>

و نماز را برپا دار،  
 که نماز از کار زشت و ناپسند نهی می‌کند  
 و قطعاً یاد خدا بالاتر است،  
 و خدا می‌داند چه می‌کنید.

با این حال، برخی می‌گویند: ما نماز می‌خوانیم اما تأثیر آن را کمتر در خود مشاهده می‌کنیم و معمولاً دست از رفتارهای قبلی بر نمی‌داریم. پس چگونه نماز بازدارنده انسان از زشتی‌ها و منکرات است؟

شایسته است دقت کنیم که تأثیر نماز به میزان دقت و توجه ما به نماز و پیوستگی و تداوم آن در طول زندگی بستگی دارد. چنان‌که اگر گفته شود هر کس درس بخواند، موفق می‌شود، طبیعتاً موفقیت همه یکسان نیست و به نحوه و کیفیت درس خواندن آنها بستگی دارد. بنابراین اگر نمازهای روزانه خود را ترک نکنیم و دقت و توجه خود را در نماز افزایش دهیم، از آن تأثیر خواهیم پذیرفت. نمی‌توان انتظار داشت خواندن چند رکعت

نماز شتاب‌زده و بدون رعایت آداب، تأثیر چندانی در ما داشته باشد. اگر تلاش کنیم روز به روز نماز را با کیفیت بهتر و رعایت آداب آن انجام دهیم، به زودی تأثیر آن را خواهیم دید. هر کدام از ما می‌توانیم میزان تأثیر نماز را در میان اطرافیان و بستگان مشاهده کنیم. اکثر افرادی که به نمازشان توجه بیشتری دارند، در مقایسه با کسانی که نماز نمی‌خوانند، یا نماز خود را شتاب‌زده و بدون رعایت آداب می‌خوانند، بیشتر به دستورات خداوند توجه دارند و کمتر مرتکب گناه می‌شوند.

این سنجش و ارزیابی را از زاویه‌ای دیگر هم می‌توانیم انجام دهیم. مجرمان جامعه، هر قدر که جرمشان سنگین‌تر می‌شود و خلاقاری آنها افزایش می‌یابد، توجه آنها به نماز کمتر می‌شود و بسیاری از آنها نماز را به طور کلی ترک کرده‌اند.

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «هر کس می‌خواهد بداند آیا نمازش پذیرفته شده یا نه، باید ببیند که نماز، او را از گناه و زشتی باز داشته است یا نه. به هر مقدار که نمازش سبب دوری او از گناه و منکر شود، این نماز قبول شده است»<sup>۲</sup>.

۱- سوره عنکبوت، آیه ۴۵

۲- بحار الأنوار، مجلسی، ج ۸۲، ص ۱۹۸

## بیشتر بدانیم

### فرزند آخرت باش

حضرت علی علیه السلام:

آگاه باشید دنیا به سرعت بشت کرده و از آن جز باقی مانده اندکی از طرف آبی که آن را خالی کرده باشند، نمانده است. به هوش باشید که آخرت به سوی ما می‌آید.

دنیا و آخرت، هر یک فرزندانانی دارند. بکوشید از فرزندان آخرت باشید، نه دنیا. زیرا در روز قیامت هر فرزندی به پدر و مادر خویش باز می‌گردد. امروز هنگام عمل است و حساسی در کار نیست و فردا روز حساسی است و عملی در کار نیست.

نهج البلاغه، خطبه ۴۲

### فقط یک بار!

فقط یک بار به دنیا می‌آیی،

فقط یک بار خداوند زندگی را به تو هدیه می‌کند؛

اما، در سرایی دیگر همواره خواهی بود؛

اگر این فرصت یک‌باره را از دست دهی،

چه خواهی کرد؟

## معرفی کتاب

نام کتاب	نویسنده	انتشارات	مخاطب
نجم عمل و شفاعت	محمد شجاعی	کانون اندیشه جوان	دانش آموز / معلم

## قدم در راه



خدایا!

می‌دانم که بهترین توشهٔ مسافر کوی تو  
عزم و اراده‌ای است که با آن خواستار تو شده باشم.

امام کاظم علیه السلام



۱- مفاتیح الجنان، دعای روز ۲۷ ماه رجب

پس اگر نماز بعضی از افراد را از گناه و زشتی باز ندارد، معلوم می‌شود که عیب و نقصی در نماز خواندن

آنها هست که باید آن عیب و نقص را بیابند و برطرف نمایند.

اگر در انجام به موقع نماز بکوشیم، می‌توانیم بی‌نظمی را از زندگی خود دور کنیم.

اگر در پنج نوبت با لباس و بدن پاکیزه به نماز بایستیم،

آلودگی‌های ظاهری ما کمتر خواهد شد.



اگر شرط غصبی نبودن لباس و مکان نمازگزار را به

دقت رعایت کنیم، کمتر به کسب درآمد از راه حرام متمایل

خواهیم شد.

اگر هنگام گفتن تکبیر به بزرگی خداوند بر همه چیز توجه

داشته باشیم، قدرت‌های دیگر در نظرمان کوچک خواهند

شد و به آنان توجه نخواهیم کرد.

اگر در رکوع و سجود، عظمت خدا را در نظر داشته باشیم، در مقابل مستکبران خضوع و خشوع

نخواهیم کرد.

اگر عبارت «إِهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ» را صادقانه از خداوند بخواهیم، به راه‌های انحرافی دل نخواهیم

بست.

اگر عبارت «غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ» را با توجه بگوئیم، خود را در زمرهٔ کسانی که

خدا بر آنها خشم گرفته یا راه را گم کرده‌اند، فرار نخواهیم داد.

### بررسی

فهم و درک درست اعمال زیر، انسان را در برابر چه گناهی حفظ خواهد کرد؟

منکرات	عبارات و اعمال نماز
۱-.....	۱- خواندن سورهٔ توحید
۲-.....	۲- درود بر پیامبر در تشهد
۳-.....	۳- دعای قنوت
۴-.....	۴- حضور در نماز جماعت
۵-.....	۵- گفتن عبارت «إِنَّكَ نَعِيمٌ»
۶-.....	۶- گفتن عبارت «إِنَّكَ نَسْتَعِينُ»

قرآنت

سوره آل عمران ۲

جزء ۴



استماع و ترجمه آیه

آیهات درسی را با توجه به الگوی قرائت، جمله به جمله بخوانید و به معنای آن دقت کنید.

وَسَارِعُوا إِلَىٰ مَغْفِرَةٍ مِّن رَّبِّكُمْ وَجَنَّةٍ عَرْضُهَا السَّمَاوَاتُ  
وَالْأَرْضُ أُعِدَّتْ لِلْمُتَّقِينَ ﴿٣٧﴾ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ فِي السَّرَّاءِ  
وَالضَّرَّاءِ وَالْكُظُمِينَ الْغَيْظِ وَالْعَافِينَ عَنِ النَّاسِ  
وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ ﴿٣٨﴾ وَالَّذِينَ إِذَا فَعَلُوا فَاحِشَةً  
أَوْ ظَلَمُوا أَنفُسَهُمْ دَكَرُوا وَاللَّهُ فَاسْتَغْفِرُوا لِدُنُوهِمْ  
وَمَنْ يَغْفِرِ الذُّنُوبَ إِلَّا اللَّهُ وَلَمْ يُصِرُّوا عَلَىٰ مَا فَعَلُوا  
وَهُمْ يَعْلَمُونَ ﴿٣٩﴾ أُولَٰئِكَ جَزَاءُ وَهُمْ مَغْفِرَةٌ مِّن رَّبِّهِمْ  
وَجَنَّاتٌ تَجْرِي مِن تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَنِعْمَ  
أَجْرُ الْعَمَلِينَ ﴿٤٠﴾ قَدْ خَلَتْ مِن قَبْلِكُمْ سُنَنٌ فَسِيرُوا  
فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكْذِبِينَ ﴿٤١﴾  
هٰذَا بَيَانٌ لِّلنَّاسِ وَهُدًى وَمَوْعِظَةٌ لِّلْمُتَّقِينَ ﴿٤٢﴾  
وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَنْتُمُ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُّؤْمِنِينَ ﴿٤٣﴾  
إِن يَمَسُّكُمْ فَرَحٌ فَقَدْ مَسَّ الْقَوْمَ فَرَحٌ مِّثْلُهُ  
وَتِلْكَ الْآيَاتُ تُدَاوِلُهَا بَيْنَ النَّاسِ وَلِيَعْلَمَ اللَّهُ الَّذِينَ  
آمَنُوا وَيَتَّخِذَ مِنكُمْ شُهَدَاءَ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الظَّالِمِينَ ﴿٤٤﴾  
وَلِيُمَحِّصَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَيَمْحَقَ الْكٰفِرِينَ ﴿٤٥﴾

بیشتر بدانیم

نماز، غذای روح

اصل و ریشه انسان همان روح اوست و جسم انسان در خدمت این حقیقت است. آبادانی و قوت یافتن روح انسان به معنای آبادانی و قوت یافتن حقیقت انسان است و ویرانی و کدورت یافتن آن، به معنای ویرانی و هلاکت انسان است.

همان طور که بعد جسمانی انسان نیازمند دریافت غذای مناسب در زمان‌های گوناگونی از شبانه‌روز است تا قوت یابد و به افعال خویش ادامه دهد، روح انسان نیز برای ادامه حیات معنوی خود به غذایی از آن جنس احتیاج دارد؛ غذای روح انسان ذکر و توجه به خداست، بنابراین توجه به خداوند و درخواست از او موجب قوت یافتن روح آدمی می‌گردد و غفلت از خداوند موجب کدورت و ضعف روح انسان می‌شود.

خداوند متعال در قرآن کریم هدف از اقامه نماز را ذکر و توجه به خودش معرفی می‌نماید.

**أَقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِي**  
نماز را برای ذکر و توجه به من به یاد دار

فرارگیری نماز در اوقات گوناگون شبانه‌روز به گونه‌ای است که انسان در حالتی فرار نگیرد که ساعات بسیاری بر او گذشته باشد و به همتنینی با خدا نیامده باشد. نماز یک ملاقات خصوصی انسان با خداست. در این ملاقات انسانی که ساعتی از شبانه‌روز بر او گذشته است و مشغول بوده است فراخوانده می‌شود تا در محضر او بایستد و از کبریاپی و عظمت او یاد نماید و به او در حالات گوناگون نماز عرضه دارد که من محتاج به تو هستم و بنده و عید تو هستم نه کسی دیگر، تنها از تو مدد می‌خواهم، مرا هدایت نما، ای مهربان‌ترین مهربانان!

تمامی حرکات، اذکار و حالات نماز به صورتی تعبیه شده است که انسان به این حال برسد که در محضر خداوند است و با او سخن می‌گوید بنابراین بایست آدابی را رعایت نماید و در نهایت خشوع و خشوع نسبت به او درآید. از این رو خود نماز در صورتی که با توجه و شرایطش اقامه شود انسان را به بالاترین درجات انسانیت سوق می‌دهد.

ترجمه

سورة آل عمران، آیات ۱۳۳ تا ۱۴۱

و بشتابید برای دست یافتن به آموزشی از پروردگار خود و بهشتی که وسعتش [به قدر] آسمان‌ها و زمین است [که] برای پرهیزگاران آماده شده است. ۱۳۳

[همان] کسانی که در توانگری و تگدستی اتفاق می‌کنند و خشم خود را فرمی‌برند و از [خطای] مردم درمی‌گذرند و خداوند نیکوکاران را دوست دارد. ۱۳۴

و [همان] کسانی که چون کار زشتی کنند با بر خود ستم روا دارند خدا را به یاد می‌آورند و برای گناهانشان آموزش می‌خواهند و چه کسی جز خدا گناهان را می‌آمزد. و بر آنچه مرتکب شده‌اند، دانسته پافشاری نمی‌کنند. ۱۳۵

آنان یادانشان آموزشی از جانب پروردگارشان و بوستان‌هایی است که از زیر [درختان] آن، جویبارها روان است؛ جاودانه در آن بمانند و پاداش اهل عمل [به دستورات الهی] چه نیکوست. ۱۳۶

قطعاً پیش از شما سنت‌هایی [بوده و] سبیری شده است پس در زمین بگردید و بنگرید که سرانجام تکذیب‌کنندگان چگونه بوده است. ۱۳۷

این [قرآن] برای مردم بیانی و برای پرهیزگاران رهنمود و اندرزی است. ۱۳۸

و سستی مکتب و غمگین مشوید که شما برترید اگر مؤمن باشید. ۱۳۹

اگر به شما آسیبی رسیده آن قوم [دشمنان] را نیز آسیبی نظیر آن رسید و ما این روزها [ی شکست و پیروزی] را میان مردم به نوبت می‌گردانیم [تا مردم بند گیرند] و خداوند کسانی را که [واقعاً] ایمان آورده‌اند معلوم بدارد و از میان شما گواهانی بگیرد و خداوند ستمکاران را دوست نمی‌دارد. ۱۴۰

و تا خدا کسانی را که ایمان آورده‌اند، خالص گرداند و کافران را ناپود سازد. ۱۴۱

تکمیل احکام

در سال‌های قبل آموختیم که برای انجام نماز، لازم است بدن و لباس ما پاک باشد و در صورتی که به یکی از نجاسات آلوده باشد باید قبل از نماز پاک گردد.

بنابراین، لازم است هر مسلمانی نجاسات را بشناسد و راه پاک کردن اشیای نجس را بداند.

توجه: همه چیز پاک است، مگر ۱۱ چیز؛ این بازده چیز می‌تواند چیزهای دیگر را نجس کند.

برخی از این نجاسات عبارت‌اند از:

۱- خون انسان و هر حیوانی که خون جهنده دارد.<sup>۱</sup>

۲- ۳- ادرار و مدفوع انسان و حیوان‌های حرام‌گوشتی که خون جهنده دارند مانند گربه، سگ، موش و...<sup>۲</sup>



۴- مردار انسان و هر حیوانی که خون جهنده دارد.

۵- ۶- سگ و خوک، زنده و مرده آنها نجس است.

۷- کافر (یعنی کسی که به خدای یگانه اعتقاد ندارد).



۸- شراب و هر مایع مستی‌آور، نجس است.<sup>۳</sup>

همچنین لازم است بدانیم: نوشیدن شراب، چه کم و چه زیاد حرام است و در زمره بزرگ‌ترین گناهان شمرده شده است. خداوند در قرآن درباره این عمل ناروا می‌فرماید:

ای مردمی که ایمان آورده‌اید؛ به راستی شراب و قمار و بت‌پرستی و بخت‌آزمایی، پلید و از کارهای شیطانی است. پس از آنها دوری کنید تا رستگار شوید. شیطان می‌خواهد با شراب و قمار بین شما دشمنی و کینه ایجاد کند و شما را از یاد خدا دور سازد و از نماز باز دارد.<sup>۴</sup>

پاسخ سوالات شما

مگر خدا به نماز ما نیاز دارد؟ پس برای چه باید نماز بخوانیم؟

اگر همه مردم رویه خورشید خانه بسازند، چیزی به خورشید اضافه نمی‌شود و اگر همه مردم پشت به خورشید خانه بسازند، چیزی از خورشید کم نمی‌شود. خورشید به مردم نیازی ندارد که رو به سوی او کنند. این انسان‌ها هستند که برای دریافت نور، سعی می‌کنند خانه‌های خود را رویه خورشید بسازند.

۱- حیوانی که اگر رنگ آن را ببرد، خون آن جشش کند، خون جهنده دارد.

۲- برای اشیای با سایر نجاسات به رساله مرجع تقلید خود مراجعه کنید.

۳- سوره مائده، آیات ۹۰-۹۱.



## در غم آهنگ سفر

اکنون که با آینده انسان در جهان آخرت آشنا شدیم و دانستیم که سرنوشت ابدی انسان‌ها بر اساس اعمال آنان در دنیا تعیین می‌شود، لازم است تا در این دنیا قدم در مسیری بگذاریم که موفقیت آن حتمی باشد و سرانجام و آخرتی آباد را برای ما رقم بزند. از آنجا که هدف از خلقت انسان رسیدن به مقام قرب خداوند است پس در حقیقت، او مسیر و هدف اصلی زندگی ماست. هر کس این نکته را دریابد و زندگی خود را در مسیر این هدف قرار دهد، در دنیا زندگی لذت‌بخش و مطمئن و در آخرت رستگاری ابدی را به دست خواهد آورد.

البته برای رسیدن به چنین هدف بزرگ و برتری، لازم است برنامه‌ریزی کنیم تا قدم در راهی بگذاریم که سرانجامی این‌گونه زیبا داشته باشد و در راهی فرار نگیریم که خود را گرفتار آتش دوزخ کرده باشیم.

پس لازم است بدانیم:

برای آنکه در این برنامه‌ریزی موفق شویم، چه اقدامات و کارهایی باید انجام دهیم؟

خدا هم به نماز ما هیچ نیازی ندارد؛ بلکه این ما هستیم که به نماز محتاجیم. در حقیقت دستور خدا برای برپاداشتن نماز تنها به نفع خود ماست و خداوند با امر به نماز خواندن، خواهان رشد بندگان خود است. اما چرا ما به نماز محتاجیم؟

کمتر کسی است که در انتای کار روزانه، لباسش، دست و صورتش، سر و پایش، و گاهی همه پیکرش، کثیف نشود و به تنظیف روزانه آنها نیازمند نگردد.

روح ما نیز در میدان زندگی روزانه به همین اندازه با بیشتر در معرض آلودگی‌هاست؛ آلودگی به شهوت‌ها، هوس‌ها، خودخواهی‌ها و چشم و هم‌چشمی‌ها، حسد و کینه و انتقام و صدها آلودگی دیگر. این آلودگی‌ها روح را تیره می‌کند و ما را از مسیر قرب الهی دور می‌سازد و به دام شیطان و وسوسه‌های شیطانی می‌افکند.

بنابراین، باید همان‌طور که لباس و تن خود را می‌شویم و پاکیزه می‌کنیم، دل و جان خود را هم شست‌وشو دهیم و پاکیزه کنیم.

حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: رسول خدا نماز را به چشمه‌ای تشبیه کرده است که در برابر خانه کسی جریان داشته باشد و او هر شبانه روز، پنج مرتبه خود را در آن شست‌وشو دهد؛ پس هرگز آلودگی بر بدن او باقی نمی‌ماند.

نهج البلاغه، خطبه ۱۹۹

### بیشتر بدانیم

#### دو رکعت عشق!

ایام عملیات قدس در خوزستان بود که در اورزانس، رزمنده‌ای را آوردند که هر دو دست او قطع شده بود. وقتی او را برای اتاق عمل آماده می‌کردند، ایشان را روی برانکار گذاشتند تا به اتاق عمل بیاورند. مسئول تعاون آمد تا از این رزمنده سؤال‌الانی بپرسد. ولی چشمانش را بسته بود و جواب نمی‌داد. همگی فکر کردیم شاید شهید شده باشد. به دنبال آن بودیم که مقدمات کار را جهت آزمایش ضریان قلب و احتمالاً انتقال وی به سردخانه آماده کنیم. ناگهان دیدیم که چشمانش را باز کرد و با متانت خاصی گفت: برادر! ببخشید که جواب شما را ندادم؛ چون فکر می‌کردم اگر به اتاق عمل بروم شاید وقت زیادی طول بکشد؛ نمازم فضا می‌شود. آن موقع که شما سؤال کردید مشغول خواندن نماز بودم.

جلسه دوم

فرائت: آیات زیر را به دقت و زیبا فرائت کنید.

أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ  
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

\* يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا  
 كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ  
 كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِن قَبْلِكُمْ  
 لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ  
 \* أَيَّامًا مَّعْدُودَاتٍ  
 فَمَن كَانَ مِنكُم مَّرِيضًا  
 أَوْ عَلَى سَفَرٍ  
 فَعِدَّةٌ مِّنْ أَيَّامٍ أُخَرَ  
 وَ عَلَى الَّذِينَ يُطِيقُونَهُ  
 فِدْيَةٌ طَعَامُ مِسْكِينٍ  
 فَمَن تَطَوَّعَ خَيْرًا  
 فَهُوَ خَيْرٌ لَهُ  
 وَ أَن تَصُومُوا خَيْرٌ لَّكُمْ  
 إِن كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ  
 \* شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ  
 هُدًى لِّلنَّاسِ  
 وَ بَيِّنَاتٍ مِّنَ الْهُدَىٰ وَ الْفُرْقَانِ

ای مؤمنان  
 روزه بر شما واجب شده است  
 همان طور که بر گذشتگان شما واجب بود  
 باشد که تقوا پیشه کنید  
 اینها روزهایی اندک  
 پس هر کدام از شما که مریض شد  
 یا در سفر بود  
 تعدادی از روزهای دیگر را روزه بگیرد  
 و بر کسانی که روز گرفتن برایشان سخت است  
 به اندازه غذای یک فقیر کفاره بدهند  
 هر کس به اختیار خود کار خیری انجام دهد  
 حتماً برای او بهتر است  
 البته اگر روزه بگیرد برای شما بهتر است  
 اگر ارزش آن را بدانید  
 ماه رمضان است که قرآن در آن نازل شده  
 که راهنمای مردم است  
 دلایلی برای هدایت و جداکننده حق از باطل

برای گام گذاشتن در مسیر قرب الهی و همچنین برای ثابت قدم ماندن در این راه، شایسته است اقدامات زیر را انجام دهیم:

۱- **تصمیم و عزم برای حرکت:** عزم به معنای اراده و تصمیم بر انجام کاری است. آدمی با عزم خویش، آنچه را که انتخاب کرده است، عملی می‌سازد. البته عزم و اراده انسان‌ها متفاوت است. هر قدر عزم قوی‌تر باشد، رسیدن به هدف آسان‌تر است. استواری بر هدف، شکیبایی و تحمل سختی‌ها برای رسیدن به آن هدف، از آثار عزم قوی است. کارهای بزرگ، عزم‌های بزرگ می‌خواهد. آنان که عزم ضعیفی دارند، در برابر تذبذب حوادث، تاب نمی‌آورند و مشکلات راه، آنان را به عقب‌نشینی وادار می‌کند. اما آنان که عزم قوی دارند، سرنوشت را به دست حوادث نمی‌سپارند و با قدرت به سوی هدف قدم برمی‌دارند. به همین جهت بعد از سفارش‌هایی که لقمان حکیم به فرزندش می‌کند و راه و رسم زندگی را به او نشان می‌دهد، به وی می‌گوید:

وَ اصْبِرْ عَلٰی مَا اَصَابَكَ  
 بِرَآئِحَةٍ (در این مسیر) به تو می‌رسد صبر کن  
 اِنَّ ذٰلِكَ مِنْ عَزْمِ الْاُمُوْرِ  
 که این از عزم و اراده در کارهاست.

مقایسه

انسان‌هایی را که دارای عزم قوی هستند، با انسان‌هایی که عزم و اراده ضعیف دارند، مقایسه کنید و فرق آنها را با یکدیگر بنویسید.

دارای عزم قوی	دارای عزم ضعیف
۱.	۱.
۲.	۲.
۳.	۳.
۴.	۴.

۲- **عهد بستن با خدا:** کسی که راه‌رستگاری را که همان قرب و نزدیک شدن به خداست، شناخته و می‌خواهد در این مسیر قدم بگذارد، با خدای خود پیمان می‌بندد که آنچه خداوند برای رسیدن به

۱- سوره لقمان، آیه ۱۷

این هدف در دین مشخص کرده است، یعنی واجبات الهی را، انجام دهد و خداوند را خوشنود سازد؛ همچنین از انجام آنچه که ما را از این هدف دور می‌سازد، یعنی کارهای حرام، اجتناب کند. چقدر زیباست که خداوند، راه رستگاری ما را با رضایت خود همراه ساخته است؛ یعنی وقتی خدا از ما راضی خواهد بود که ما در مسیر رستگاری و خوشبختی خود گام برداریم؛ و آنگاه از ما ناخشنود خواهد بود که به خود ظلم کنیم و در مسیر هلاکت خود قدم گذاریم.

در باره عهد با خدا خوب است دو پیشنهاد زیر را انجام دهیم  
 اول: برای عهد بستن، بهترین زمان‌ها را انتخاب کنیم. بعد از نماز، شب‌های قدر و شب با روز جمعه زمان‌های خوبی برای عهد بستن با خدا هستند.  
 دوم: عهد و پیمان خود را در زمان‌های معینی، مانند آخر هر هفته، آخر هر ماه یا شب قدر هر سال، تکرار کنیم تا استحکام بیشتر پیدا کند و به فراموشی سپرده نشود.

**تسبیح**

در ترجمه آیات زیر بیندیشید و براساس آن به سؤالات زیر پاسخ دهید.  
 ... و هر که به عهدی که با خدا بسته وفادار بماند به زودی پاداش عظیمی به او خواهد داد.

سوره فتح، آیه ۱۰  
 کسانی که پیمان الهی و سوگندهای خود را به بهای ناچیزی می‌فروشند آنها بهره‌ای در آخرت نخواهند داشت؛ و خداوند با آنها سخن نمی‌گوید و به آنان در قیامت نمی‌نگرد و آنها را (از گناه) پاک نمی‌سازد و عذاب دردناکی برای آنهاست.

سوره آل عمران، آیه ۷۷  
 ... به پیمانی که با من بسته‌اید وفا کنید تا من نیز به پیمان شما وفا کنم.

سوره بقره، آیه ۴۰  
 الف) آنان که در زندگی پیمان‌های خود با خدا را می‌شکنند به چه عاقبتی دچار می‌شوند؟  
 ۱- ..... ۲- .....  
 ۳- ..... ۴- .....  
 ب) عمل به عهد و پیمان‌های خود با خدا، چه ثمراتی دارد؟  
 ۱- ..... ۲- .....

فَمَنْ شَهِدَ مِنْكُمُ الشَّهْرَ فَلْيَصُمْهُ  
 وَ مَنْ كَانَ مَرِيضًا أَوْ عَلَى سَفَرٍ فَعِدَّةٌ مِنْ أَيَّامٍ أُخَرَ  
 يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمُ الْيُسْرَ وَلَا يُرِيدُ بِكُمُ الْعُسْرَ  
 وَ لِتَكْمِلُوا الْعِدَّةَ وَ لِتُكَبِّرُوا اللَّهَ عَلَى مَا هَدَاكُمْ وَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ

پس هر کس وارد این ماه شود باید روزه بگیرد و اگر مریض بود یا به سفر رفته بود پس باید روزهای دیگری روزه بگیرد خدا برای شما آسانی می‌خواهد و برایتان دشواری نمی‌خواهد تا سرانجام، روزهای روزه را کامل کنید و خدا را به خاطر هدایتان تکبیر گوید و باشد که سپاسگزار او باشید.

بقره، ۱۸۳ تا ۱۸۵

همان‌طور که در درس گذشته آمد، خداوند رسول خود را اسوه و سرمشق زندگی ما معرفی کرده است. مهم‌ترین ویژگی اسوه آن است که اگر بیروان خود را به کاری فرا می‌خواند، خودش مقدم بر دیگران و کامل‌تر از دیگران آن کار را انجام می‌دهد. پیامبر بزرگ ما نیز این‌گونه بود. ایشان اگر ما را به نماز دعوت کرده، خودش علاوه بر نمازهای روزانه، بخش قابل توجهی از شب را بیدار می‌ماند و نماز شب را اقامه می‌کرد. نماز شب بر آن حضرت واجب بود و ایشان هر شب از خواب برمی‌خاست و حدود نصفی از شب را تا اذان صبح عبادت می‌کرد.

در انجام روزه نیز ایشان علاوه بر روزه ماه رمضان، بیشتر روزهای ماه رجب و ماه شعبان را نیز روزه‌دار بود و برخی از روزهای هفته را نیز در طول سال روزه می‌گرفت. رسول خدا بهتر از هر کسی می‌دانست که وقتی خدا می‌فرماید: «من برای شما آسانی می‌خواهم، نه سختی و دشواری را»، حتماً در روزه گرفتن فواید بزرگی هست که ما را به انجام چنین عملی، در عین دشواری آن، فرا خوانده است.

### تفکر در آیات

در آیات قبل بیندیشید و به سوال های زیر پاسخ دهید.

۱- هدف اصلی از روزه داری چیست؟

۲- چه کسانی نباید روزه بگیرند؟

۳- افرادی که در ماه رمضان نباید روزه بگیرند، بعد از ماه مبارک چه وظیفه ای بر عهده دارند؟

۴- خداوند بعد از بیان دستورات و احکام روزه، در آیه ۱۸۵ چه نکاتی را یادآور می شود؟ آیا دلیل آن را می دانید؟

### روزه، تقویت کننده تقوا

خداوند، در آیه مربوط به واجب بودن روزه، تقوا را مهم ترین هدف روزه داری اعلام کرده است. تقوا چیست و چرا قرآن کریم همواره مردم را به آن دعوت کرده است؟

برای درک بهتر حقیقت تقوا، ابتدا مثالی را که امیر مؤمنان علی علیه السلام بیان فرموده است، ذکر می کنیم. ایشان می فرماید:

«انسان های بی تقوا مانند سوارکارانی هستند که بر اسب های جموش و سرکشی سوار شده اند که افسار را پاره کرده و اختیار را از دست سوارکار گرفته اند؛ به بالا و پایین می پرند و غایت، سوارکار را در آتش می افکنند. اما آدم های با تقوا، مانند سوارکارانی هستند که بر اسب های رام و نجیب سوار شده اند و افسار اسب را در اختیار دارند و راه می پیمایند تا اینکه وارد بهشت شوند»<sup>۱</sup>

تفاوت اصلی میان این دو سوارکار که یکی به هلاکت می رسد و دیگری به سلامت راه را می پیماید، در سرکشی و لجام گسیختگی اسب یکی از آنها، و رهوار و مطیع بودن اسب دیگری است.

امیر مؤمنان به ما می فهماند که آن لجام گسیختگی نتیجه بی تقوایی است و مطیع و تسلیم دستور خدا بودن، ثمره تقوا و پرواداری می باشد.

۱- نهج البلاغه، خطبه ۱۶

۳- مراقبت: باقی ماندن بر پیمان خود با خدا و وفای بر عهد، رضایت خدا را در پی دارد و شکستن پیمان، شرمندگی در مقابل او را به دنبال می آورد؛ عهدی که ابتدا بسته می شود، مانند نوزادی است که باید از او «مراقبت» نمود تا با عهدشکنی، آسیب نبیند.

امام علی علیه السلام می فرماید: گذشت ایام، آفتی در پی دارد و موجب از هم گسیختگی تصمیم ها و کارها می شود.<sup>۱</sup> به طور مثال، کسی عهد می بندد که هر روز پس از نماز صبح، یک صفحه قرآن بخواند؛ او باید مراقب باشد که کارهای دیگر، او را به خود مشغول نکند و این تصمیم خود را فراموش نکند و نیز عواملی را که سبب سستی در اجرای این تصمیم می شود، از سر راه بردارد.

### بررسی

چه عواملی می تواند مانع اجرای تصمیم شود؟ برخی از آنها را نام ببرید:

- ۱- .....
- ۲- .....
- ۳- .....

۴- محاسبه و ارزیابی: بعد از مراقبت، نوبت محاسبه است تا میزان موفقیت و وفاداری به عهد، به دست آید و عوامل موفقیت یا عدم موفقیت، شناخته شود. بعد از محاسبه اگر معلوم شود که در انجام عهد خود موفق بوده ایم، خوب است خدا را شکرگزار او باشیم؛ زیرا می دانیم که او بهترین پشتیبان ما در انجام پیمان هاست.

اما اگر معلوم شود که سستی ورزیده ایم، خود را سرزنش کنیم و مورد عتاب فرار دهیم و از خداوند طلب بخشش کنیم و با تصمیم قوی تر، دوباره با خداوند عهد ببندیم و وارد عمل شویم. یادمان باشد که یک حسابرسی بزرگ در قیامت در پیش داریم و اگر خودمان در اینجا به حساب خود نرسیم، در قیامت به طور جدی اعمال ما را محاسبه خواهند کرد.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

حَاسِبُوا أَنْفُسَكُمْ قَبْلَ أَنْ تُحَاسَبُوا

«به حساب خود رسیدگی کنید، قبل از اینکه به حساب شما برسند»<sup>۲</sup>

۱- غرر الحکم و دررالکلم، تمیمی آمدی، ج ۴، ص ۶۲۶  
 ۲- وسائل الشیعه، نسخ حرعالمی، ج ۱۶، ص ۹۹

«تقوا» به معنای «حفاظت» و «نگهداری» است. انسان با تقوا خودنگهدار است و می‌تواند خود را از گناه حفظ کند؛ یعنی بر خودش مسلط است و زمام و لجام نفس خود را در اختیار دارد و نمی‌گذارد نفس با سرکشی خود، او را در دره‌های هولناک گناه بیندازد و یا از رسیدن به حقیقت بازدارد. به همین جهت، کسی می‌تواند بهره‌مند از راهنمایی دیگران شود و سخن حق را بپذیرد که بنا به فرسوده‌ی قرآن، مقداری از تقوا را داشته باشد و بتواند خود را از لجبازی و خودخواهی حفظ کند. انسان با تقوا، می‌کوشد روزی به روز بر «خودنگهداری» خود بیفزاید تا اگر در شرایط گناه و معصیت فرار گرفت، توانایی حفظ خود از گناه را داشته باشد.

اکنون این سؤال پیش می‌آید که چگونه تقوا را در خود تقویت کنیم تا بتوانیم در مواقع ضروری بر خود مسلط باشیم و از لجبازی و گناه دوری کنیم؟

خداوند، انسان را به عملی راهنمایی می‌کند که اگر انسان‌ها به درستی آن را انجام دهند، قدرت «خودنگهداری» و «تقوا»ی در برابر خدا را به دست خواهند آورد این عمل، «روزه» است.

روزه، نمونه کامل‌ترین خودنگهداری و صبر و پایداری در برابر خواهش‌های دل است. جالب است که انسان روزه‌دار، خود را در مقابل چیزهایی حفظ می‌کند که به‌طور معمول برای او مباح بوده و از آن چیزها استفاده می‌کرده است. اما خدا که با نفس ما آشناست، در یک تمرین موقت سالیانه، ما را از خوردن و آشامیدن در طول روز منع می‌کند تا ما بتوانیم خودنگهداری و صبر را تمرین کنیم تا آنگاه که در برابر گناهان فرار می‌گیریم، بتوانیم از خود استقامت و پایداری نشان داده و در برابر گناه، بایستیم، تسلیم نشویم و زیر بار دلت گناه نرویم.<sup>۱</sup>

کسی که یک ماه گرسنگی روزانه را تحمل کند و در عین حال که میل به آب و غذا دارد، به‌سوی آن نرود؛ کسی که یک ماه چشم خود را از گناه و زیان خود را از دروغ و غیبت نگه دارد؛ گوش خود را از شنیدن بدی‌ها بازدارد، از حجاب و پوشش خود به خوبی مراقبت کند و مردم را از خود نرنجاند، چنین کسی پس از یک ماه، به تسلطی بر خود می‌رسد که قبل از ماه رمضان آن تسلط را نداشته است و اگر هر سال یک ماه این عمل را تکرار کند، سال به سال با تقواتر می‌شود. چنین فردی کم‌کم به جایی می‌رسد که احساس می‌کند که هر کاری را که خداوند دستور داده است، می‌تواند به آسانی انجام دهد و احساس سختی نمی‌کند.

۱- تفسیر المیزان از غلظه طاهری و تفسیر نمونه از آیت‌الله مکارم شیرازی و تفسیر نور از استاد قرآنی ذیل آیه ۲۴۳ سوره بقره.

بهتر است هر شب کارهای روز خود را ارزیابی کنیم و در پایان هفته نیز به حساب آن هفته، رسیدگی کنیم. همچنین، سالی یک بار برنامه سال خود را مرور کنیم؛ یکی از بهترین زمان‌های محاسبه سالیانه، شب‌های قدر ماه مبارک رمضان است تا بتوانیم براساس آن، تصمیم‌های بهتری برای آینده بگیریم.

از امیرالمؤمنین علی علیه السلام پرسیدند:

زیرک‌ترین انسان کیست؟

فرمود: کسی که از خود و عمل خود برای بعد از مرگ حساب بکشد.

پرسیدند: چگونه؟

فرمود: چون صبح تا شب به کار و زندگی پرداخت، در شب به خود برگردد و بگوید:

ای نفس! امروز روزی بود که بر تو گذشت و دیگر باز نمی‌گردد. خدا درباره این روز از تو خواهد

پرسید که آن را چگونه گذراندی و در آن چه کردی؟ آیا به یاد او و سپاس از او بودی؟ آیا

گزه از کار فروخته مؤمنی گشودی؟ آیا گرد غم از چهره‌ای زدودی؟ آیا...؟<sup>۲</sup>



#### تفکر در احادیث

در جدول زیر، سه سخن از امام علی علیه السلام آمده است.<sup>۱</sup> در این سخنان تأمل کنید و آثاری که آن حضرت برای محاسبه بیان فرموده است، استخراج کنید.

پیام	حدیث
.....	۱- مَن حَسِبَ نَفْسَهُ وَقَفَّ عَلَىٰ عَجُوبِهِ وَاحْطَأَ بِذُنُوبِهِ وَاسْتَقَالَ الذُّنُوبَ وَاصْلَحَ الْعُيُوبَ
.....	۲- نَمْرَةٌ الْمُحَاسِبَةِ صَلَاحُ النَّفْسِ
.....	۳- مَن حَسِبَ نَفْسَهُ سَعِيدًا

۱- بحار الأنوار، مجلسی، ج ۲۰، ص ۶۹

۲- تصنیف غررالحکم و دررالکلم، تفسیر آملی، ص ۲۴۶

بررسی

رسول خدا ﷺ می‌فرماید: **اچه بسا روزه‌داری که جز گرسنگی و تشنگی چیزی نصیب او نمی‌شود»<sup>۱</sup>**  
مقصود پیامبر گرامی از این سخن چیست؟

احکام روزه

برخی از اموری که روزه را باطل می‌کنند عبارت‌اند از: خوردن و آشامیدن، دروغ بستن بر خدا و پیامبر و جانشینان پیامبر ﷺ، رساندن غبار غلیظ به حلق، فرو بردن تمام سر در آب، خودارضایی، باقی ماندن بر جنابت تا اذان صبح.<sup>۲</sup>



فعالیت کلاسی

تکمیل

با مراجعه به رساله توضیح المسائل، عبارتهای زیر را تکمیل کنید.

۱	اگر روزه‌دار سهواً چیزی بخورد یا بیاشامد، روزه‌اش .....
۲	اگر روزه‌دار، چیزی را که لای دندان‌ش مانده ..... روزه‌اش باطل می‌شود.
۳	روزه‌دار ..... غبار غلیظ و دود سیگار و تنباکو و مانند آنها را به حلقش برساند.
۴	استفراغ روزه را باطل نمی‌کند، مگر اینکه .....

- ۱- کسی که غسل بر او واجب است، اگر عمداً تا اذان صبح غسل نکند یا اگر وظیفه‌اش تیمم است، عمداً تیمم نکند، نمی‌تواند روزه بگیرد. البته اگر سهل‌انگاری کند و غسل نکند تا وقت تنگ شود، می‌تواند با تیمم روزه بگیرد و روزه‌اش صحیح است؛ اما در مورد غسل نکردن، معصیت کرده است.
- ۲- کسی که غسل بر او واجب است، اگر عمداً تا اذان صبح غسل نکند یا اگر وظیفه‌اش تیمم است، عمداً تیمم نکند، نمی‌تواند روزه بگیرد. البته اگر سهل‌انگاری کند و غسل نکند تا وقت تنگ شود، می‌تواند با تیمم روزه بگیرد و روزه‌اش صحیح است؛ اما در مورد غسل نکردن، معصیت کرده است.

۱- امامی، شیخ طوسی، ص ۶۶۱

۲- برای آشنایی با سایر منطلقات روزه به رساله مرجع تقلید خود مراجعه کنید.

بیشتر بدانیم

نامه‌ای برای نجات

در زمان حیات مرحوم علامه طباطبائی رحمته‌الله، نویسنده تفسیر المیزان، جوانی درباره مشکلات خود نامه‌ای به ایشان می‌نویسد و می‌گوید:

... جوانی هستم ۲۲ ساله، در محیط و شرایطی زندگی می‌کنم که هوای نفس و آمال بر من تسلط فراوان دارند و مرا اسیر خود ساخته‌اند و سبب بازماندن من از حرکت به سوی الله شده‌اند. در خواستی که از شما دارم این است که بفرمایید به چه اعمالی دست بزنم تا بر نفس مسلط شوم... نصیحت نمی‌خواهم، بلکه دستورات عملی برای پیروزی، لازم دارم.

علامه طباطبائی، به این جوان این‌گونه پاسخ می‌گویند:

برای موفق شدن و رسیدن به منظوری که مرقوم داشته‌اید، لازم است همتی برآورده و توبه نموده، به مراقبه و محاسبه پردازید. به این نحو که هر روز، طرف صبح که از خواب بیدار می‌شوید، قصد جدی کنید که هر عملی پیش آید، رضای خدا را مراعات خواهد کرد... و همین حال را تا شب، وقت خواب ادامه دهید. وقت خواب، چهار - پنج دقیقه‌ای به کارهایی که در روز انجام داده‌اید، فکر کرده؛ یکی یکی از نظر بگذرانید، هر کدام مطابق رضای خدا انجام یافته، شکر کنید و هر کدام تخلف شده، استغفار کنید و این رویه را هر روز ادامه دهید. این روش اگر چه در بادی حال [ابتدای کار]، سخت و در ذائقه نفس تلخ می‌باشد، ولی کلید نجات و رستگاری است...<sup>۱</sup>

پیامبر و اهل بیت ایشان، برترین اسوه‌ها

برای حرکت در مسیر هدف، وجود اسوه و الگوهای که راه را با موفقیت طی کرده و به مقصد رسیده‌اند، بسیار ضروری است. زیرا وجود این الگوها، اولاً به ما ثابت می‌کند که این راه موفقیت‌آمیز است؛ ثانیاً می‌توان از تجربه آنان استفاده نمود و مانند آنان عمل کرد و از همه مهم‌تر اینکه می‌توان از آنان کمک گرفت و با دنبال‌روی از آنان سریع‌تر به هدف رسید. از این رو قرآن کریم، پیامبر ﷺ را به عنوان الگو معرفی می‌کند و می‌فرماید:

«رسول خدا برای شما نیکوترین اسوه است»<sup>۲</sup>

۱- نامه‌های عرفانی، علی محمدی، ص ۷۸۱

۲- سوره احزاب، آیه ۲۱

و پیامبر نیز همواره از اهل بیت به عنوان انسان‌هایی برتر که مسیر زندگی را با موفقیت بیموده‌اند و پیروی از آنان موجب رستگاری و نجات انسان می‌شود، یاد کرده و ما را به الگو گرفتن از آنان دعوت کرده است. ■ ممکن است این سؤال به ذهن بیاید که چگونه می‌شود انسان‌های بزرگی را که حدود ۱۴۰۰ سال قبل زندگی کرده‌اند، اسوه قرار داد؟

باسخ این است که اسوه بودن آن بزرگان مربوط به اموری که به طور طبیعی و با تحولات صنعتی تغییر می‌کنند، نیست. وسایل حمل و نقل، وسایل خانه، امکانات شهری، شکل و جنس پارچه‌ها و لباس‌ها از این قبیل‌اند. اسوه بودن در اموری است که همواره برای بشر خوب و با ارزش بوده‌اند. عدالت، گذشت، فداکاری، مهربانی، داشتن نظم و برنامه در زندگی و... از ارزش‌هایی است که همواره مورد احترام بشر بوده است و با گذشت زمان، حتی درک بهتری از آنها نیز به دست آمده است. پیامبر و اهل بیت (ع) اسوه‌های انسانیت هستند و انسانیت، دیروز و امروز و فردا ندارد.

به طور مثال، امام حسین (ع) از پدر گرامی خود نقل می‌کند که رسول خدا (ص) در منزل، اوقات خود را سه قسمت می‌کرد. قسمتی برای عبادت، قسمتی برای اهل خانه و قسمتی برای رسیدگی به کارهای شخصی. سپس آن قسمتی را که به خود اختصاص داده بود، میان خود و مردم تقسیم می‌کرد و مردم را به حضور می‌پذیرفت و به کارهایشان رسیدگی می‌کرد.<sup>۱</sup>

برنامه‌ریزی و تقسیم زمان، درس و الگویی همیشگی است که از این حدیث به دست می‌آید. ■ همچنین ممکن است این سؤال پیش آید که پیامبر یک انسان معصوم است؛ چگونه می‌توان ایشان را اسوه قرار داد و مثل او عمل کرد؟

باسخ این است که ما او را اسوه کامل خود قرار می‌دهیم؛ چون می‌دانیم که هر کاری که انجام داده، درست بوده و مطابق دستور خداوند بوده است. اما اسوه قرار دادن ایشان به این معنا نیست که ما عین او باشیم و در همان حد عمل کنیم، بلکه بدین معناست که در حد توان از ایشان پیروی کنیم و خود را به راه و روش ایشان نزدیک‌تر کنیم.

**امیرالمؤمنین درباره چگونگی پیروی از ایشان می‌فرماید:**

آگاه باش برای هر پیروی‌کننده‌ای، امام و پیشوایی است که باید از او تبعیت کند و از علم او کسب نور کند. همنیار باش، امام شما از دنیایش به دو لباس کهنه و از خوراکش به دو قرص نان کفایت کرده است. اما شما قطعاً توانایی این قناعت را ندارید؛ ولی با برهیزکاری و کوشش [در راه خدا] و عفت و درستکاری مرا یاری کنید.<sup>۲</sup>

۱- معنی الأخبار، نسخ صدوق، ص ۸۱

۲- نهج البلاغه، نامه ۲۵

۳- اگر کسی به علت عذری مانند بیماری نتواند روزه بگیرد و بعد از ماه رمضان عذر او برطرف شود و تا رمضان آینده عمداً فضای روزه را نگیرد، باید هم روزه را قضا کند و هم برای هر روز یک مدّ (تقریباً ۷۵ گرم) گندم و جو و مانند آنها به فقیر بدهد.

۴- اگر کسی روزه ماه رمضان را عمداً نگیرد، باید هم فضای آن را به جا آورد و هم «کفاره» بدهد؛ یعنی برای هر روز، دو ماه روزه بگیرد (که یک ماه آن باید پشت سر هم باشد) یا به شصت فقیر طعام بدهد (به هر فقیر یک مدّ).

وظیفه شخص مسافر: کسی که به سفر می‌رود، اگر آن سفر شرط‌های زیر را داشته باشد، باید نمازش را نکسته بخواند و نباید روزه بگیرد:

الف) رفتن او بیشتر از ۴ فرسخ شرعی (حدود ۲۲/۵ کیلومتر) یا مجموعه رفت و برگشت او بیشتر از ۸ فرسخ باشد.

ب) بخواد کمتر از ده روز در جایی که سفر کرده، بماند. پس کسی که می‌خواهد ده روز و بیشتر در محلی که سفر کرده است، بماند، باید نمازش را کامل بخواند و روزه‌اش را هم بگیرد.

ج) برای انجام کار حرام سفر نکرده باشد؛ مثلاً اگر به قصد ستم به مظلوم یا همکاری با یک ظالم در ظلم او سفر کند، باید روزه‌اش را بگیرد. اگر فرزند، در عین اینکه پدر و مادر او را نهی کرده‌اند، به سفری برود که آن سفر بر او واجب نبوده است، باید نماز را تمام بخواند و روزه‌اش را بگیرد.

#### اندیشه و تحقیق

درباره مسائل زیر به توضیح المسائل مرجع تقلید خود مراجعه کنید و پاسخ آن را به دست آورید.

۱. اگر مسافر پیش از ظهر به وطنش یا به جایی که می‌خواهد ده روز در آنجا بماند، برسد، در چه صورتی باید روزه بگیرد و در چه صورتی نباید روزه بگیرد؟
۲. اگر مسافری که صبح حرکت کرده است، بعد از ظهر به وطن یا به جایی که می‌خواهد ده روز بماند برسد، وظیفه‌اش چیست؟
۳. اگر کسی که روزه است، بعد از ظهر مسافرت کند، وظیفه‌اش نسبت به روزه آن روز چیست؟
۴. اگر کسی که روزه گرفته، پیش از ظهر مسافرت کند و بخواد به بیش از چهار فرسخ برود، وظیفه‌اش چیست؟

### دفتر برنامه‌ریزی

یک دفتر شخصی تهیه کنید و برنامه‌های زندگی خود را به‌طور منظم در آن یادداشت نمایید. این دفتر می‌تواند شامل دو قسمت باشد:

- ۱- عهدهای کلی و اساسی که برای تمام زندگی بسته می‌شود. ۲- برنامه‌ها و عهدهای روزانه یا هفتگی. بهتر است هر یک از این دو قسمت دارای بخش‌های معین باشند که بتوانید به راحتی آنها را پیگیری کنید و در آن اصلاحات لازم را به‌عمل آورید. به‌طور مثال، برای برنامه‌های روزانه یا هفتگی می‌توانید مانند جدول عمل کنید.

مورد عهد:		تاریخ:		
مراقبت: نکاتی که در طول عمل به این عهد، باید رعایت کنیم:				
۱- .....				
۲- .....				
محاسبه:				
زمان	میزان موفقیت	عوامل موفقیت	عوامل شکست	راه‌های کسب موفقیت بیشتر

### معرفی کتاب

نام کتاب	نویسنده	انتشارات	مخاطب
رازهای زندگی	مرتضی نظری	منادی تربیت	دانش آموز
نامه‌های بلوغ	علی صفایی حائری	لیله‌القدر	دانش آموز
سیمای روزانه فرد مسلمان	محراب صادق‌نیا	مرکز پژوهش‌های صدا و سیما	دانش آموز / معلم
تصمیم‌های بزرگ جوانی	محمدباقر پورامینی	کانون اندیشه جوان	دانش آموز
این‌گونه باشیم	جواد محدثی	بوستان کتاب	دانش آموز
الفبای زندگی	جواد محدثی	بوستان کتاب	دانش آموز / معلم

### پیشنهاد

- درباره آثار و فواید بهداشتی روزه تحقیق کنید و نتیجه آن را در کلاس گزارش نمایید. برای این تحقیق می‌توانید به کتاب‌های زیر مراجعه کنید:
- ۱- اولین دانشگاه و آخرین پیامبر، دکتر پاک‌نژاد
  - ۲- اهمیت پزشکی روزه در سلامت انسان، حبیب‌الله جعفری
  - ۳- اهمیت روزه از نظر علم روزه، احمد صبور اردوبادی

### معرفی کتاب

نام کتاب	نویسنده	انتشارات	مخاطب
آداب الصلوة	امام خمینی <small>ره</small>	مؤسسه نشر آثار امام خمینی <small>ره</small>	معلم
راز نماز	محسن قرائنی	مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن	دانش آموز
فلسفه روزه برای جوانان	اسدالله محمدی نیا	سببط اکبر	دانش آموز

### پاسخ سوالات شما

اگر در مسیر گام برداشتن به سوی خدا، سؤال‌هایی در زمینه‌های مختلف برای ما پیش آمد، به چه کسانی مراجعه کنیم؟

به کسانی که توانایی پاسخ‌گویی در مسائل دینی را دارند، مانند دبیران دینی و قرآن، امام جماعت محل و مراکز مطمئن علمی مراجعه کنیم و سؤال خود را با آنها در میان بگذاریم.

برخی از این مراکز علمی عبارت‌اند از:

- ۱- اداره مشاوره و پاسخ‌نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها [Porseman.org](http://Porseman.org)
- ۲- مؤسسه فرهنگی و اطلاع‌رسانی تبیان [www.Tebyan.net](http://www.Tebyan.net)
- ۳- پایگاه اینترنتی حوزه [www.hawzeh.net](http://www.hawzeh.net)
- ۴- پایگاه جامع پاسخ‌گویی به سؤالات و شبهات دینی [www.eporseh.com](http://www.eporseh.com)
- ۵- مرکز فرهنگ و معارف قرآن [www.Porsemanequran.com](http://www.Porsemanequran.com)
- ۶- مرکز ملی پاسخ‌گویی به سؤالات دینی [www.Pasokhgoo.ir](http://www.Pasokhgoo.ir)
- ۷- مرکز مطالعات و پژوهش‌های فرهنگی حوزه علمی قم [www.andisheqom.com](http://www.andisheqom.com)
- ۸- پاسخ به سؤالات شرعی بانوان [www.behdokht.ir](http://www.behdokht.ir)
- ۹- [www.Islamquest.net](http://www.Islamquest.net)
- ۱۰- [www.erfan.ir](http://www.erfan.ir)
- ۱۱- [www.Javab.ir](http://www.Javab.ir)

### بیشتر بدانیم

عمل کنید، عمل؛ آن را ناتمام نگذارید و به پایان برسانید. و در تصمیمی که گرفته‌اید استقامت بپورید، استقامت، صبور باشید، صبور. برهیزکاری بیشه کنید، برهیزکاری. قطعاً برای شما است پایانی [بهشت]، پس خود را به آن پایان برسانید.

با انجام آنچه خداوند از حق خود بر شما واجب کرده است وظایفی که برای شما بیان داشته است، به خداوند روی آورید. من شاهد شمایم و روز قیامت به نفع شما شهادت خواهم داد.

نهج البلاغه، حکمت ۱۷۸

### اندیشه و تحقیق

۱- برای ثابت قدم ماندن در مسیر قرب به خداوند چه اقداماتی لازم است؟

۲- مقصود از اینکه رسول خدا ﷺ برای مسلمانان اسوه است، چیست؟



## فضیلت آراستگی

## درس یازدهم





### جلسه اول

رسول خدا ﷺ فرمود :

إِنَّ اللَّهَ جَمِيلٌ وَ يُحِبُّ الْجَمَالَ

خدا زیباست و زیبایی را دوست دارد.

همه انسان‌ها ذاتاً زیبایی را دوست دارند و از زشتی گریزانند. کسی نیست که بگوید از آن چیزی که عموم مردم آن را زیبا می‌دانند، متنفرم و هیچ علاقه‌ای به آن ندارم. اگر کسی چنین بگوید، دیگران از گفته او تعجب می‌کنند و در سلامتی وی تردید می‌نمایند. یکی از لذت‌های زندگی بشر، مشاهده مناظر زیبای طبیعت، شنیدن صوت زیبای پرندگان، خواندن اشعار زیبا و نظایر آن است. بشر حتی می‌کوشد وسایل مورد نیاز زندگی خود، مانند ظروف، فرش‌ها و معماری خانه‌ها را زیبا بسازد. مساجد، کلیساها و سایر مکان‌های مقدس، زیباترین معماری‌ها را در فرهنگ‌های مختلف داشته‌اند.

خصیلت دیگری که در همه انسان‌ها هست و همگان به‌طور ذاتی به آن علاقه دارند، عفاف و زندگی عقیفانه است. ممکن است انسان‌ها در مصداق عفاف با یکدیگر اختلاف داشته باشند، اما کسی نیست که بگوید من دوست دارم در جهت مخالف عفاف حرکت کنم و هزینه‌گری نمایم.

حتی آن انسان‌هایی که از دایره عفاف و زندگی آبرومندانه خارج شده و در دام هزینه‌گری افتاده‌اند، در عمق جان و وجدانشان از وضع و حال خود ناراحت‌اند و وقتی خود را با انسان‌های عقیف مقایسه می‌کنند، از حال خود شرمند و به حال آنها غبطه می‌خورند و به خود وعده می‌دهند که روزی به عفاف باز خواهند گشت و جبران زمان از دست رفته را خواهند کرد.

جمع میان زیبایی و عفاف در انسان به رفتاری می‌انجامد که آن را می‌توان «آراستگی» نامید. به آیات قرآن توجه کنید که با چه ظرافت‌کاری شگفت‌انگیزی درباره این دو ویژگی ذاتی انسان سخن می‌گوید تا مؤمنان را به یک رفتار آراسته و شایسته انسان هدایت کند و برساند.

قرائت : این آیات را به دقت و با رعایت قواعد صحیح خوانی قرائت کنید.

ای فرزندان آدم (چه مرد و چه زن)

زیبا و آراسته و با زینت‌های خود

در مساجد و عبادتگاه‌ها حضور یابید

﴿ يَا بَنِي آدَمَ

خُذُوا زِينَتَكُمْ

عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ

قرآنت

سوره آل عمران ۳

جزء ۴



استماع و ترجمه آیه

آیه‌های درس را با توجه به الگوی قرآنت، جمله به جمله بخوانید و به معنای آن دقت کنید.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ كَفَرُوا وَقَالُوا  
 لِإِخْوَانِهِمْ إِذَا ضَرَبُوا فِي الْأَرْضِ أَوْ كَانُوا غُزًى أَوْ كَانُوا عِنْدَنَا  
 مَمَاتًا وَمَاتُوا وَ مَا قَاتِلُوا لِيَجْعَلَ اللَّهُ ذَلِكَ حَسْرَةً فِي قُلُوبِهِمْ  
 وَاللَّهُ يُحْيِي وَيُمِيتُ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ ﴿٣١﴾  
 وَلَئِن قُتِلْتُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَوْ مُتُّمْ لَمَغْفِرَةٌ مِنَ اللَّهِ وَرَحْمَةٌ  
 خَيْرٌ مِمَّا يَجْمَعُونَ ﴿٣٢﴾ وَلَئِن مُتُّمْ أَوْ قُتِلْتُمْ لَإِلَى اللَّهِ  
 تُحْشَرُونَ ﴿٣٣﴾ فِيمَا رَحِمَهُ مِنَ اللَّهِ لَئِن لَّهُمْ وَلَوْ كُنْتُمْ  
 قَطًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَأَنْفَضُوا مِنْ حَوْلِكَ فَاعْفُ عَنْهُمْ  
 وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ  
 عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ ﴿٣٤﴾ إِنْ يَنْصُرْكُمْ اللَّهُ  
 فَلَا غَالِبَ لَكُمْ وَإِنْ يَخْذَلْكُمْ فَمَنْ ذَا الَّذِي يَنْصُرْكُمْ مِنْ بَعْدِهِ  
 وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ ﴿٣٥﴾ وَمَا كَانَ لِنَبِيٍّ أَنْ يَكْفُرَ  
 وَمَنْ يَكْفُرْ يَأْتِ بِمَا غَلَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ ثُمَّ تُوَفَّى كُلُّ نَفْسٍ  
 مَا كَسَبَتْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ ﴿٣٦﴾ أَفَمَنْ اتَّبَعَ رِضْوَانَ اللَّهِ  
 كَمَنْ بَاءَ بِسَخَطٍ مِنَ اللَّهِ وَمَأْوَاهُ جَهَنَّمُ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ  
 ﴿٣٧﴾ هُمْ دَرَجَاتٌ عِنْدَ اللَّهِ وَاللَّهُ بِمَا يَعْمَلُونَ بَصِيرٌ ﴿٣٨﴾

کُفُوا وَاشْرَبُوا

وَلَا تُسْرِفُوا

إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ

﴿ قُلْ مَنْ خَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ

الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ

وَالطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ

قُلْ هِيَ لِلَّذِينَ آمَنُوا

فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا

خَالِصَةً يَوْمَ الْقِيَامَةِ

كَذَلِكَ نُفَصِّلُ الْآيَاتِ

لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ

﴿ قُلْ إِنَّمَا حَرَّمَ زِينَةَ الْفَوَاحِشِ

مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا بَطُنَ

وَالْإِثْمُ وَالنَّبَغُ الْبَغِيضُ الْحَقِيُّ

وَأَنْ تُشْرِكُوا بِاللَّهِ

مَا لَمْ يُنَزَّلْ بِهِ سُلْطَانًا

وَأَنْ تَقُولُوا عَلَى اللَّهِ

مَا لَا تَعْلَمُونَ

نیز از خوردنی‌ها و آشامیدنی‌ها بهره ببرید

ولی زیاده‌روی نکنید.

او (خدا) زیاده‌روی کنندگان را دوست نمی‌دارد.

بگو چه کسی حرام کرده زینت الهی را

که برای بندگانش بیدید آورده

و رزق پاکیزه او را؟

بگو اینها برای مؤمنان است

در این حیات دنیا

در قیامت نیز اینها همه برای آنان است.

بدین سان آیات خود را شرح می‌دهیم

برای آن مردمی که اهل معرفت‌اند.

بگو بروردگام حرام کرده زینت کاری‌ها را

چه آشکار و چه پنهان آنها را

و نیز گناه و سرکشی به ناحق را

و این که به خدا شرک بورزید،

چیزی را که برای آن دلیلی نفرستاده

و اینکه به خدا نسبت دهید

چیزی را که نمی‌دانید.

اعراف، ۳۱ تا ۳۳

ترجمه

سورة آل عمران، آیات ۱۵۶ تا ۱۶۳

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، همچون کسانی نباشید که کفر ورزیدند، و به برادرانشان هنگامی که به سفر رفته [و در سفر مُردند] و با جهاد کردند [و شهید شدند] گفتند: اگر نزد ما [مانده] بودند، نمی‌مردند و کشته نمی‌شدند. [شما چنین سخنانی نگویید] تا خدا آن را در دل‌هایشان حسرتی قرار دهد. و خدا زنده می‌کند و می‌میراند و خدا به آنچه می‌کنید، بیناست. ۱۵۶

اگر در راه خدا کشته شوید یا بمیرید، قطعاً آمرزش خدا و رحمت او از آنچه جمع می‌کنند، بهتر است. ۱۵۷

و اگر بمیرید یا کشته شوید قطعاً به سوی خدا گرد آورده خواهید شد. ۱۵۸

پس به [یرکت] رحمت الهی با آنان نرمخو [و بر مهر] شدی و اگر تندخو و سخت‌دل بودی قطعاً از پیرامون تو برانگنده می‌شدند. پس از آنان در گذر و برایشان آمرزش بخواه و در کار [ها] با آنان مشورت کن و چون تصمیم‌گیری بر خدا توکل کن؛ زیرا خداوند توکل‌کنندگان را دوست می‌دارد. ۱۵۹

اگر خدا شما را باری کند هیچ‌کس بر شما غالب نخواهد شد و اگر دست از باری شما بردارد چه کسی بعد از او شما را باری خواهد کرد و مؤمنان باید تنها بر خدا توکل کنند. ۱۶۰

و هیچ پیامبری را سزاوار نیست که خیانت کند و هر کس خیانت کند روز قیامت با آنچه در آن خیانت کرده بیاید، آنگاه به هر کس [پاداش] آنچه کسب کرده به تمامی داده می‌شود و بر آنان ستم نمی‌شود. ۱۶۱

آیا کسی که خشنودی خدا را پیروی می‌کند چون کسی است که به خشمی از خدا دچار گردیده و جایگاهش جهنم است و چه بد بازگشتگاهی است. ۱۶۲

[هر یک از] ایشان را نزد خداوند درجانی است و خدا به آنچه می‌کنند بیناست. ۱۶۳

تفکر در آیات

پس از قرائت آیات، به ترجمه آیات توجه کنید و جمله‌های زیر را تکمیل نمایید و مشخص کنید که هر جمله از کدام آیه گرفته شده است.

ردیف	پیام آیات	سوره/ آیه
۱	خداوند، زینت‌های جهان را بر بندگانش حرام ..... .	.....
۲	مؤمنان باید از روزی‌هایی که از راه درست و پاک به دست آورده‌اند، ..... .	.....
۳	زینت‌ها و روزی‌های پاک در آخرت، اختصاص به ..... دارد.	.....
۴	آن چیزهایی که خداوند بر مؤمنان حرام کرده است، عبارت‌اند از: ..... .	.....
۵	حضور در پیشگاه خدا باید ..... .	.....
۶	خدا از ما می‌خواهد که در استفاده از نعمت‌ها، ..... .	.....
۷	ما نباید از روی سلیقه خودمان ..... نسبت دهیم.	.....
۸	کسانی می‌توانند به جزئیات سخن خدا برسند که ..... .	.....

■ آراستگی در سبک زندگی مؤمنانه

آراستگی به معنای «بهتر کردن وضع ظاهری و باطنی و زیبا نمودن این دو» است. بنابراین، دو نوع آراستگی داریم. آراستگی باطنی که نتیجه برخورداری روح انسان از صفات زیبایی همچون ادب، حُسن خلق، مهربانی، حیا و عفاف است و آراستگی ظاهری که نتیجه مرتب بودن وضع ظاهر و توجه به نظافت و زیبایی می‌باشد.

## درس دهم اعتماد بر او



أَلَيْسَ لِلَّهِ بِكَافٍ عَبْدَهُمُ      آیا خدا برای بنده‌اش کافی نیست؟!

اکنون که با آینده انسان در جهان آخرت آشنا شدیم و دانستیم که سرنوشت ابدی انسان‌ها بر اساس رفتار آنان در دنیا تعیین می‌شود، لازم است باردیگر با خدای خود «تجدید عهد» کنیم و عزم نماییم تا راه زندگی را محکم‌تر و مطمئن‌تر از گذشته، همان‌گونه که خدا از ما خواسته است، پییماییم. در این درس، با یکی از عواملی که سبب تقویت اراده و عزم می‌شود آشنا می‌شویم.

۱- توبه زمر، آیه ۳۴

انسان به طور طبیعی به آراستگی علاقه دارد و می‌کوشد تا هم درون خود را آراسته کند و هم با ظاهری آراسته در جامعه حضور یابد. دیگران نیز کار او را تحسین می‌کنند و همشینی با او را دوست دارند و از بودن با او لذت می‌برند.

پیشوایان ما در عین حال که در آراستگی باطنی خود تلاش می‌کردند و زیبایی‌های اخلاقی را در حد کمال داشتند، به آراستگی ظاهری خود نیز توجه می‌کردند و مؤمنان را نیز به رعایت آن دعوت می‌نمودند و آراستگی را از اخلاق مؤمنان می‌دانستند.<sup>۱</sup>

به طور مثال، هنگامی که کسی در خانه پیامبر را می‌زد و قصد ملاقات با ایشان را داشت، آن حضرت ابتدا به آینه نگاه می‌کرد و موهای خود را شانه می‌زد و لباس خود را مرتب‌تر می‌کرد؛ و می‌فرمود:

خداوند تعالی دوست دارد وقتی بنده‌اش به سوی دوستان خود می‌رود، آماده و آراسته باشد.<sup>۲</sup>

ایشان همچنین همواره خود را معطر می‌کرد و سپس در جمع مردم حاضر می‌شد یا به نماز می‌ایستاد. روزی یکی از مدعیان زهد و برهیز از دنیا، امام صادق علیه السلام را دید که لباس زیبایی پوشیده است. وی به امام گفت: جد شما این‌گونه لباس‌ها را نمی‌پوشید.

امام علیه السلام فرمود: در آن زمان مردم در سختی بودند، اما امروز ما در شرایط بهتری هستیم و عموم مردم توانایی پوشیدن چنین لباسی را دارند.<sup>۳</sup>

همچنین ایشان می‌فرمود: خداوند آراستگی و زیبایی را دوست دارد و از نیرداختن به خود و خود را زولیده نشان دادن، بدش می‌آید.<sup>۴</sup>

و نیز می‌فرمود:

دو رکعت نماز که با بوی خوش گزارده شود، بهتر از هفتاد رکعت نماز بدون بوی خوش است.<sup>۵</sup>

در کنار این سفارش‌های عمومی، پیشوایان دین به هریک از گروه مردان و زنان نیز سفارش‌های جداگانه‌ای می‌کردند؛ به عنوان نمونه پیامبر صلی الله علیه و آله به مردان می‌فرمود: سبیل و موهای بینی خود را کوتاه کنید و به خودتان برسید؛ زیرا این کار بر زیبایی شما می‌افزاید.<sup>۶</sup> ایشان، همچنین مردان را به کوتاه

۱- فرارالحکم و دررالکلم، سخنان امیرالمؤمنین، جمع‌آوری نمیشی آمدی، چاپ دانشگاه تهران، ج ۱، ص ۳۰۷

۲- وسائل الشیعه، شیخ حر عاملی، ج ۱، ص ۲۷۸

۳- اصول کافی، کلینی، ج ۶، ص ۴۴۲

۴- امالی، طوسی، ج ۱، ص ۲۷۵

۵- تواب الاعمال، شیخ صدوق، ص ۳۴۲

۶- قرب الاستاد، حمیری، ص ۶۷

کردن ناخن سفارش می‌کرد اما به زنان می‌فرمود ناخن‌های خود را اندکی بلند بگذارند چون برای آنان زیباتر است.<sup>۱</sup>

این شیوه رسول خدا ﷺ و پیشوایان دیگر ما سبب شد که مسلمانان در اندک مدتی به آراسته‌ترین و پاکیزه‌ترین ملت‌های آن عصر تبدیل شوند و سبک لباس پوشیدن آنها الگو و سرمشق ملت‌های دیگر قرار گیرد؛ مثلاً همین لباس بلندی که امروزه در دانشگاه‌های اروپا، اساتید و دانشجویان در هنگام جشن فارغ‌التحصیلی می‌پوشند، از لباس دانشمندانی چون ابن‌سینا الگوبرداری شد؛ زیرا آنان ابن‌سینا را بزرگ‌ترین دانشمند در طب و فلسفه می‌دانستند و به پوشیدن لباسی به سبک لباس او افتخار می‌کردند. البته لباس ابن‌سینا برای دانشمندان مسلمان و ایرانی یک لباس عادی بود و همه به همان سبک لباس می‌پوشیدند.

#### نیاز به مقبولیت و آراستگی

یکی از نیازهای انسان، نیاز به مقبولیت در جمع خانواده، همسالان و جامعه است. ما دوست داریم دیگران ما را فرد مفید و شایسته‌ای بدانند و تحسین کنند. این نیاز، در دوره جوانی و نوجوانی نمود بیشتری دارد و سبب می‌شود که نوجوان و جوان بیشتر به خود پردازد و توانایی‌ها و استعداد‌های خود را کشف و شکوفا کند و در معرض دید دیگران قرار دهد. برخی با نشان دادن استعداد خود در یک رشته ورزشی، برخی دیگر با خلق یک اثر هنری یا کار مؤثر در کارگاه صنعتی و برخی دیگر از راه‌های دیگر تحسین دیگران را برمی‌انگیزند و بر مقبولیت خود می‌افزایند.

#### حقیقت توکل بر خدا

توکل بر خدا به معنای اعتماد به خداوند است؛ یعنی انجام وظیفه خود در هر کار و سپردن نتیجه و محصول آن به خداوند. انسان متوکل خداوند را نکیه‌گاه مطمئن خود می‌باید و در عین عمل به وظایف، آموزش را به او واگذار می‌کند و خود را تحت حمایت خداوند قرار می‌دهد.

وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ  
فَهُوَ حَسْبُهُ  
وَأَنْ كَسَّكَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ  
مِنْ نَفْسٍ أَوْ مَالٍ  
فَأَنْ يَكُنْ مِنَ الْغَافِلِينَ

انسان متوکل می‌داند که در صورت انجام وظیفه، هر نتیجه‌ای که به دست آید، به مصلحت اوست، گرچه خود به آن مصلحت آگاه نباشد؛ زیرا خداوند آینده‌ای را می‌بیند که ما نمی‌بینیم و به مصلحت‌هایی توجه دارد که ما درک نمی‌کنیم. گاهی چیزهایی را به نفع خود می‌بنداریم درحالی‌که به ضرر ماست یا اموری را به ضرر خود می‌دانیم درحالی‌که به نفع ماست.

وَعَسَى أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَهُوَ خَيْرٌ لَكُمْ  
وَعَسَى أَنْ تُحِبُّوا شَيْئًا وَهُوَ شَرٌّ لَكُمْ

در این مواقع است که خدایی که از هر کس به بندگانش مهربان‌تر است، آن چیزی را برای انسان متوکل رقم می‌زند که خیر و صلاح او در آن باشد.

امام علی علیه السلام در یکی از دعا‌های خویش می‌گوید:

«خداوند! تو با آنان که به تو بیشتر عشق می‌ورزند، بیش از دیگران انس می‌گیری و برای اصلاح کار آنان که بر تو توکل می‌کنند از خودشان آماده‌تری، اسرار ایشان را می‌دانی و بر اندیشه‌هایشان آگاهی». ایشان در ادامه می‌فرماید:

«اگر تنهایی، آنان را به وحشت اندازد، یاد تو آنان را آرام سازد و اگر مصیبت‌ها بر آنان فرو بارد، به تو پناه آورند و روی به درگاه تو دارند، چون می‌دانند سررشته کارها به دست توست».<sup>۲</sup>



۱- اصول کافی، کلینی، ج ۶، ص ۱۴۹۱ وسائل الشیعه، شیخ حرّاعلی، ج ۱، ص ۴۴۵

۱- سوره طلاق، آیه ۳  
۲- سوره بقره، آیه ۲۱۶  
۳- نهج البلاغه، خطبه ۲۱۸

جلسه دوم

حضرت موسی جوانی رشید و شجاع شده بود. او همچنان در دربار فرعون زندگی می کرد، فرعونی که بنی اسرائیل را به بردگی گرفته بود و در هر کار سختی از آنان استفاده می کرد. حضرت موسی، روزی از راهی می گذشت. دید یکی از فرعونیان یک بنی اسرائیلی را به شدت کتک می زد. تلاش کرد که آن بیچاره را از دست این مرد فرعونی نجات دهد، اما آن مرد اصرار بر کار خود داشت. موسی مثنی حواله آن مرد کرد. این شست به جایی از بدن او خورد که او را از پا درآورد. موسی که می دانست کشتن یک فرعونی فصاصش مرگ است، از مصر مهاجرت کرد و بعد از دوسه ماه به شهر «مَدین» رسید. در این شهر پیامبر خدا حضرت «شعیب» زندگی می کرد و مردم را به بکتاپرستی فرا می خواند. نزدیک غروب بود که در ابتدای شهر به جایی رسید که چوپانان، گوسفندان خود را آب می دادند. موسی دید که دو خاتم جوان گوسفندان خود را در کناری قرار داده و به آنها آب نمی دهند. متوجه قضیه شد. جلو رفت و پرسید: چرا شما جلو نمی روید و از جاه آب نمی کشید؟ گفتند: ما منتظریم ابتدا مردان گوسفندان خود را آب دهند و بعد از اینکه کار آنان تمام شد، ما به جاه نزدیک شویم. حضرت موسی جلو رفت و طناب را از دست مردان گرفت و آب از جاه کشیده و گوسفندان آن دو خاتم را آب داد، سپس زیر درختی نشست و برای استراحت به آن تکیه داد و دست به آسمان بلند کرد و گفت:

«خدا یا من نسبت به هر خیری که از جانب تو فرود آید نیازمندم.»<sup>۱</sup>

ساعتی گذشت. یکی از آن دو خواهر که در برگشت به منزل ماجرا را برای پدر تعریف کرده بود به نزد موسی آمد و از طرف پدر او را به خانه دعوت کرد. قرآن کریم رفتار آن خاتم جوان و گفت و گویش با موسی را چنین توصیف می کند:

فَجَاءَتْهُ إِحْدَاهُمَا	یکی از آن دو خواهر نزد او آمد
تُشْفِي عَلَى اسْتِحْيَاءٍ	درحالی که با شرم و حیا قدم برمی داشت
قَالَتْ إِنَّ أَبِي يَدْعُوكَ	گفت: پدرم تو را دعوت کرده
لِيَجْزِيَكَ أَجْرَ مَا سَفَيْتَ لَنَا	تا پاداش آب دادن (به گوسفندان) ما را به تو بدهد.
فَلَمَّا جَاءَهُ	چون موسی نزد شعیب آمد
وَقَضَّ عَلَيْهِ الْقَصَصَ	و سرگذشت خود را برای او بازگو کرد.

۱- قصص، ۲۴

تسدیر

با توجه به آیه زیر بگویید چرا بر غیر خدا نمی توان توکل کرد؟

قُلْ أَفَرَأَيْتُمْ مَا تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ أَرَادَنِيَ اللَّهُ بِضُرٍّ هَلْ هُنَّ كَافِيَاتُ ضُرِّيهِ  
أَوْ أَرَادَنِي بِرَحْمَةٍ هَلْ هُنَّ مُمْسِكَاتُ رَحْمَتِهِ قُلْ حَسْبِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ يَتَوَكَّلُ الْمُتَوَكِّلُونَ

«بگو چه می بندارید دربارہ آنچه جز خدا می خوانید؟ اگر خدا خواهد که به من زبانی رسد، آیا آنان دورکننده گزند او هستند؟ یا اگر رحمتی برای من خواهد، آیا آنان بازدارنده رحمت او هستند؟ بگو خدا برای من کافی است و توکل کنندگان بر او توکل می کنند.»<sup>۱</sup>

شرایط توکل حقیقی

۱- توکل کردن فقط به معنای گفتن جمله «خدا یا، بر تو توکل می کنم» نیست. بلکه انسان باید در قلب خود بر خدا توکل کند و واقعاً او را تکیه گاه خود ببیند. اگر این گونه باشیم، خداوند کارهای ما را به بهترین وجه چاره خواهد کرد و آن چیزی را که حقیقتاً به نفع ما است پیش خواهد آورد.

امام صادق علیه السلام فرمود: خداوند به داود علیه السلام وحی کرد هر بنده ای از بندگانش به جای پناه بردن به دیگری با نیت خالص به من پناه آورد، از کارش چاره جویی می کنم، گرچه همه آسمان ها و زمین و هر چه در آنها است، علیه او برخیزند.<sup>۲</sup>

۱- سوره زمر، آیه ۲۸

۲- مشکاه الانوار، علی بن حسن طبرسی، ج ۱، ص ۱۹

۲- توکل در جایی درست است که انسان مسئولیت و وظیفه خود را به خوبی انجام دهد، یعنی فکر و اندیشه خود را به کار گیرد، با دیگران مشورت کند، بهترین راه ممکن را انتخاب نماید و با عزم و اراده محکم برای رسیدن به مقصود تلاش کند. در این صورت است که می‌توان بر خدا توکل کرد. زیرا توکل، جانشین تنبلی و تدانم کاری افراد نیست بلکه کمک‌کننده و امیددهنده به کسی است که اهل همت، تعقل و پشتکار است. روزی، پیامبر اکرم ﷺ به مردمی برخورد که اهل کار و فعالیت نبودند. به آنان فرمود:

شما چگونه مردمی هستید؟

گفتند: ما توکل‌کنندگان بر خدا هستیم.

ایشان فرمود: نه، بلکه شما سریار دیگران هستید.<sup>۱</sup>

کَرِ تَوَكَّلْ مِی کُنْی دَر کَار کُنْ کَلَّتْ کُنْ بِسْ کَلِیْ بَر جِهَار کُنْ

توکل‌کننده‌ای که اهل معرفت باشد، می‌داند که انسان باید در راستای راهیابی به نیازها و خواسته‌هایش، از ابزار و اسباب بهره‌جوید؛ زیرا این ابزار و اسباب، بتایر حکمت الهی قرار داده شده و بی‌توجهی به آنها، بی‌توجهی به حکمت و علم الهی است.

#### فعالیت کلاسی

شخصی دلیل بیمه نکردن ماشین خود را این‌گونه بیان می‌کند که من به خدا توکل دارم و خداوند خودش مال مرا حفظ خواهد کرد. شما عمل او را تأیید می‌کنید یا خیر؟ چرا؟

#### تصمیم و توکل

نوجوانی و جوانی، دوران تصمیم‌های بزرگ و سرنوشت‌ساز است. هرچه عمر می‌گذرد و قوای انسان به سستی می‌گراید، توان انسان برای تصمیم‌های بزرگ نیز کاهش می‌یابد. جوان و نوجوان معمولاً شجاعت روحی بالایی دارد و دست و پای وجودش چندان به رشته‌های دنیایی بسته نشده است؛ مانند برخی بزرگسالان نیست که به ثروت یا مقام دل بسته باشند یا در حسادت نسبت به دیگری بسوزد یا در فکر تجملات زندگی باشند. او می‌تواند آرمان‌های بزرگ داشته باشد، آرمان‌هایی که از نوع پروازند، از نوع رفتن و صعود کردن، نه از نوع ماندن و در باتلاق زندگی دنیایی فرو رفتن. از این‌رو، در این دوره نیاز شدیدتری به توکل و اعتماد بر خداوند حس می‌شود.

۱- مستدرک الوسائل، تبیح مزعلی، ج ۱۱، ص ۲۱۷  
۲- منتهی موبی

قال لا تخف  
تَجَوَّتْ مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ  
شعيب گفت: نترس  
تو از دست آن قوم ظالم نجات یافته‌ای  
قصص، ۲۵

در همین موقع یکی از آن دو خواهر به پدر گفت از این جوان برای کار مزرعه و گله‌داری کمک بگیر. قرآن، سخنان این دختر را هم این‌گونه بازگو می‌کند:

قالت إحداهما  
يَا أَبَتِ اسْتَأْجِرْهُ  
إِنَّ خَيْرَ مَنِ اسْتَأْجَرْتَ  
الْقَبِيءَ الْأَمِيءُ  
یکی از آن دو دختر گفت  
او را با پرداخت دستمزد به کار بگیر  
زیرا بهترین کسی که می‌توانی به کار بگیری  
همین فرد قوی امانت‌دار است.  
قصص، ۲۶

حضرت شعیب که زشادت و امانت حضرت موسی ﷺ را در رفتار او یافته بود، او را به‌عنوان یک یار و مددکار پذیرفت و با دستمزد خوب، برخی از کارها را برای مدت حدود ده سال به وی واگذار نمود. حضرت موسی با یکی از دختران حضرت شعیب ازدواج کرد و صاحب چند فرزند شد، حضرت موسی، پس از گذشت ده سال و اتمام قرارداد خود با حضرت شعیب، تصمیم گرفت همراه با زن و فرزند خود، به مصر برگردد و از حال و وضع خانواده خود مطلع شود. او تا این زمان هنوز به پیامبری مبعوث نشده بود.

قرائت: آیات بالا را با رعایت اعراب کلمات قرائت کنید.

### تفکر در آیات

در ترجمه آیات فیل ببینید و به سؤال‌های زیر پاسخ دهید.

۱- چرا یکی از دختران شعیب نزد موسی بازگشت؟

.....

.....

۲- کدام رفتار این دختر برای خداوند مهم و ارزشمند بود که خداوند آن را بازگو کرده و به اطلاع همه انسان‌ها در طول تاریخ رسانده است؟

.....

.....

.....

۳- به خاطر کدام ویژگی‌ها، یکی از آن دو دختر از پدر خود خواست که حضرت موسی را

استخدام کند و به او دستمزد بدهد؟ چرا آن ویژگی‌ها مورد توجه آن دختر و حضرت شعیب قرار

گرفت؟

.....

.....

### عفاف و آراستگی

عفاف حالت و خصیصی است که انسان با داشتن آن می‌تواند خود را در برابر تدروی‌ها و کندروی‌ها

حفظ کند و سبب می‌شود که فرد انسانی در مسیر اعتدال و میانه‌روی پیش رود و از آن خارج نشود؛ چنین

انسانی در برآورده کردن خواسته‌ها و تمایلات خود به گونه‌ای عمل نمی‌کند که به افراط دچار گردد و به‌طور

کامل غرق در آن خواسته‌ها شود و از دیگر نیازها غافل بماند و یا به‌طور کل آن را کنار گذارد و به کوتاهی

و تفریط برسد.

یکی از جلوه‌های عفاف، در همین آراستگی است. برخی انسان‌ها در آراستگی ظاهری و

ایزاز وجود، دچار تدروی می‌شوند؛ به گونه‌ای که در آراسته کردن خود، زیاده‌روی می‌کنند

و به خودنمایی می‌رسند. قرآن کریم این حالت را «تبرج» می‌نامد و آن را کاری جاهلانه می‌شمرد.<sup>۲</sup>

۱- تبرج از ریشه برج است و برج بنای بلندی است که از دور به آسانی می‌توان آن را دید. واژه تبرج به این دلیل در بحث افراط در آراستگی

به کار گرفته می‌شود که برخی برای جلب توجه دیگران، خود را به شکلی درمی‌آوردند که توسط دیگران دیده شوند. امروزه تبرج مصداق

مختلفی یافته که برخی از آنها عبارت‌اند از استفاده از عطرها، پوشیدن لباس‌هایی با عکس‌های نامناسب، پوشیدن لباس‌های بدن‌نما

و پاره و ...  
۲- سوره احزاب، آیه ۳۴

### فعالیت کلاسی

برخی می‌گویند دوره نوجوانی و جوانی دوره خطر (ریسک) کردن است. چه تفاوتی میان «خطر

کردن» و «توکل بر خدا» وجود دارد؟

### اندیشه و تحقیق

۱- با توجه به آیات، روایات و توضیحات درس، آثار و فواید توکل را ذکر کنید.

۲- آیا توکل، سبب تنبلی می‌شود یا تحرک؟ چرا؟

۳- شرایط توکل حقیقی کدام‌اند؟

### پیشنهاد

۱- مولوی در دفتر اول مثنوی در «قصه نخجیران و بیان توکل و ترک جهد» رابطه

توکل و تلاش را به خوبی به تصویر می‌کشد و در ضمن آن می‌گوید:

کنت قشیر به آواز بند با توکل زانوی اشتر بند

این داستان را مطالعه کنید و آن را برای دوستان در کلاس بیان کنید.

۲- آیا می‌دانید شیطان بر چه کسانی مسلط نمی‌شود؟ آیه ۹۹ سوره نحل را مطالعه کنید

و جواب را بنویسید.

### معرفی کتاب

نام کتاب	نویسنده	انتشارات	مخاطب
توکل	حسین روحانی‌زاد	کانون اندیشه جوان	دانش‌آموز



همان دینی که ما را به آراستگی توصیه می‌کند، از خودنمایی و افراط در آراستگی پرهیز می‌دهد، زیرا زیاده‌روی در آراستگی و توجه بیش از حد به آن، به تدریج باعث غفلت انسان از هدف‌های دیگر زندگی و مشغول شدن به کارهایی می‌شود که عاقبتی جز دور شدن از خدا ندارد.

انسان عقیف، چه مرد و چه زن، که توانایی کنترل خود را دارد، آراستگی خود را در حد متعادل نگاه می‌دارد و به «تبرج» دچار نمی‌شود. انسان عقیف زیبایی ظاهری خود را وسیله خودنمایی و جلب توجه دیگران قرار نمی‌دهد و اجازه نمی‌دهد که به شخصیت انسانی او اهانت شود.

انسان عقیف به صفت ممتاز دیگری به نام «حیا» می‌رسد؛ یعنی وقتی صحنه‌ای برای او پیش می‌آید که ممکن است شخصیت او آسیب ببیند، حالتی به نام «حیا» برای او پیدا می‌شود و عکس‌العملی و رفتاری که حافظ شخصیت اوست را از خود نشان می‌دهد. او حیا می‌کند که برخی افراد به خاطر اموری ظاهری و کوچک، زبان به تحسین و تمجید او بکشایند و به او به عنوان ابزاری برای لذت‌جویی نگاه کنند. او در وجود خود، استعداد و ارزش‌های برتر و والاتری می‌یابد که می‌تواند تحسین و احترام واقعی دیگران را برانگیزد.

#### تفکر در آیات

در آیه ۲۵ سوره قصص تأمل کنید و بگویید:

- ۱- وقتی دختر حضرت شعیب به سوی حضرت موسی آمد، چه رفتاری از خود نشان داد؟
- ۲- این رفتار به خاطر چه بود؟

انسان عقیف، از مقبولیت نزد همسالان و جامعه گریزان نیست؛ اما خود را با ارزش‌تر از آن می‌داند که بخواهد این مقبولیت را از راه جلب توجه ظاهری به دست بیاورد و خود را در حد ابزاری برای هوس‌رانی دیگران قرار دهد.

به همان میزان که رشته‌های عفاف و حیا در روح انسان قوی و مستحکم می‌شود، نوع آراستگی و پوشش او نیز باوقارتر می‌گردد و به همان میزان نیز که رشته‌های عفاف انسان ضعیف و گسسته می‌شود، آراستگی و پوشش او نیز سبک‌تر می‌گردد و بیشتر جنبه خودنمایی به خود می‌گیرد.

امام علی علیه السلام می‌فرماید:

«می‌باید خود را برای جلب توجه دیگران بیارایی که در این صورت ناچار می‌شوی با انجام گناه به جنگ با خدا بروی.»<sup>۱</sup>

۱- بحار الأنوار، مجلسی، ج ۷۱، ص ۴۶۳

قرآنت

سوره بقره ۲

جزء ۲



استماع و تدریس

ایات درس را با توجه به الگوی قرائت، جمله به جمله بخوانید و به معنای آن دقت کنید.

إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمُوتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ  
وَالْفَلَكَ الَّتِي تَجْرِي فِي الْبَحْرِ بِمَا يَنْفَعُ النَّاسَ وَمَا أَنْزَلَ اللَّهُ  
مِنَ السَّمَاءِ مِنْ مَّاءٍ فَأَحْيَا بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا وَبَثَّ فِيهَا  
مِنْ كُلِّ دَابَّةٍ وَتَصْرِيفِ الرِّيْحِ وَالسَّحَابِ الْمُسْحَرِ  
بَيْنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ لآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ ﴿۱۵﴾ وَمِنَ النَّاسِ  
مَنْ يَتَّخِذُ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَنْدَادًا يُحِبُّونَهُمْ كَحُبِّ اللَّهِ وَالَّذِينَ  
آمَنُوا أَشَدُّ حُبًّا لِلَّهِ وَلَوْ يَرَى الَّذِينَ ظَلَمُوا إِذْ يَرُونَ الْعَذَابَ  
أَنَّ الْقُوَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا وَأَنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعَذَابِ ﴿۱۶﴾  
إِذْ تَبَرَّأَ الَّذِينَ اتَّبَعُوا مِنَ الَّذِينَ اتَّبَعُوا وَرَأَوْا الْعَذَابَ  
وَتَقَطَّعَتْ بِهِمُ الْأَسْبَابُ ﴿۱۷﴾ وَقَالَ الَّذِينَ اتَّبَعُوا لَوْ أَنَّ لَنَا  
صَكْرَةً فَنَتَبَرَّأَ مِنْهُمْ كَمَا تَبَرَّأُوا مِنَّا كَذَلِكَ يُرِيهِمُ اللَّهُ  
أَعْمَالَهُمْ حَسْرَتٍ عَلَيْهِمْ وَمَا هُمْ بِخَارِجِينَ مِنَ النَّارِ ﴿۱۸﴾  
يَا أَيُّهَا النَّاسُ كُلُوا مِمَّا فِي الْأَرْضِ حَلَالًا طَيِّبًا وَلَا تَتَّبِعُوا  
خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ ﴿۱۹﴾ إِنَّمَا يَأْمُرُكُمْ  
بِالسُّوْءِ وَالْفَحْشَاءِ وَأَنْ تَقُولُوا عَلَى اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ ﴿۲۰﴾

و امام صادق علیه السلام نیز می فرماید :

لباس نازک و بدن نما نبوشید؛ زیرا چنین لباسی نشانه سستی و ضعف دینداری فرد است.

گرچه عفاف و حیا، مانند هر فضیلت انسانی دیگر، اختصاص به زن ندارد، اما وجود آن در زنان و دختران ارزش بیشتری دارد؛ زیرا خداوند زنان را بیش از مردان بهره مند از نعمت زیبایی کرده است و مرد بیش از زن در مقابل زیبایی جنس مخالف عکس العمل نشان می دهد و در رفتار ظاهری نمایان می سازد. زن، مظهر جمال و زیبایی است و این زیبایی، هم درون او را دربر گرفته و هم ظاهر او را. احساسات لطیف زن که بیانگر زیبایی های درونی وی است، با زیبایی ظاهر او عجین شده است. برخی از مردان که کنترلی بر نفس خود ندارند و جز به سوء استفاده از دیگران نمی اندیشند و به شخصیت حقیقی زنان احترام نمی گذارند از این امتیاز زنان سوء استفاده کرده و دام های گناه را می گسترانند تا به اهداف غیر مشروع خود برسند. برای حفظ همین نعمت است که خداوند احکام ویژه ای را برای زن قرار داده است.

دریافت هر نعمتی از جانب خدا، مسئولیتی را نیز به همراه می آورد؛ همان طور که اگر کسی به نعمت علم زینده نشد، نباید علمش را ابزار دست قدرتمندان ستم پیشه کند، نعمت زیبایی نیز نباید در خدمت هوسراران قرار گیرد. و همان گونه که اگر انسان از علم خود به درستی استفاده نکند، به جای رستگاری، شقاوت نصیبش می شود، عرضه نابجای زیبایی، بجای گرمی بخشیدن به کانون خانواده، عفت و حیا را در جامعه از بین می برد و زمینه آسیب های جدی به زنان را فراهم می کند.

معنای گسترده آراستگی و حیا

آراستگی و حیا محدود به پوشش انسان نیست بلکه ابعاد گوناگونی را در بر می گیرد؛ به عنوان مثال یکی از نمونه های برجسته آن، آراستگی و حیا در کلام است. شاید در نگاه اول فکر کنیم که آراستگی اختصاص به لباس و برخی از ظواهر، مانند موی سر دارد. اما این گونه نیست. یکی از مهم ترین جلوه های آراستگی و حیا و عفاف انسان، در کلام و سخن گفتن است. البته حیا در کلام، خود ناشی از حیا و عفاف در فکر و اندیشه است. افرادی که درون آراسته و با حیایی دارند، اصولاً نمی توانند از کلماتی استفاده کنند که عقیقانه نباشند. حتی وقتی با کسی اختلاف پیدا می کنند و کار به مشاجره و دعوا می کشند، نمی توانند به طرف مقابل فحش دهند و کلمه رکیکی بر زبان جاری کنند. بالعکس، کسانی هم هستند که حتی وقتی می خواهند دوست و رفیق خود را هم صدا بزنند، کلماتی را که دون شأن یک انسان باحیاست، بر زبان می رانند.

ترجمه

سورة بقره، آيات ۱۶۴ تا ۱۶۹

به راستی که در آفرینش آسمان‌ها و زمین و در بی‌پیکه‌گر آمدن شب و روز و کشتی‌هایی که در دریا روانند [و] موجب سود مردمند و [همچنین] آبی که خدا از آسمان فرو فرستاده و با آن زمین را پس از مردنش زنده گردانیده و در آن هر گونه جنبنده‌ای پراکنده کرده و [تیز در] گرداندن بادها و ابری که میان آسمان و زمین آرمیده است برای گروهی که می‌اندیشند واقعاً نشانه‌هایی [گویا] وجود دارد. ۱۶۴

و برخی از مردم در کنار خدا همانندهایی [برای او] برمی‌گزینند و آنها را چون دوستی خدا دوست می‌دارند ولی کسانی که ایمان آورده‌اند به خدا محبت بیشتری دارند. [و کلس] کسانی که ستم نموده‌اند هنگامی که عذاب را مشاهده کنند می‌دانستند تمام نیرو[ها] از آن خداست و خدا سخت کیفر است. ۱۶۵  
آنگاه که پیشوایان از بیروان بیزاری جویند و عذاب را مشاهده کنند و میانشان پیوندها بریده گردد. ۱۶۶

و بیروان می‌گویند کلس برای ما بازگشتی بود تا همان‌گونه که [آنان] از ما بیزاری جستند [مانند] از آنان بیزاری می‌جستیم. این گونه خداوند کارهایشان را که بر آنان مایه حسرت‌هاست به ایشان می‌نماید و از آتش بیرون آمدنی نیستند. ۱۶۷

ای مردم از آنچه در زمین است حلال پاکیزه را بخورید و از گام‌های شیطان بیروی نکتید که او برای شما دشمنی آشکار است. ۱۶۸

[او] شما را فقط به بدی و زشتی فرمان می‌دهد و [وای دارد] تا علیه خدا چیزی را بگوید که بدان آگاه نیستید. ۱۶۹

یکی از تفاوت‌های زن و مرد نیز در همین‌جا خود را نشان می‌دهد. وقتی به اطرافیان خود نگاه می‌کنیم، می‌بینیم که این آسیب در میان مردان بیشتر از زنان است و حیای کلامی زنان بیش از مردان است. همه پیامبران و اولیای خداوند و عموم انسان‌های فرهیخته حیای کلام داشته و از به‌کار بردن کلمات زشت دوری کرده‌اند. خوب است که ما نیز با آنان همراه شویم و به درون خود و شخصیت انسانی خود، با به‌کار بردن کلمات ناپسند، آسیب وارد نکنیم.

بررسی

با توجه به شکل پوشش‌های موجود در جامعه برای پسران و دختران، بگویید که کدام‌یک از آنها عفت افراد را بیشتر تضمین می‌کند؟ چرا؟

اندیشه و تحقیق

- ۱- آراستگی چه تفاوتی با خودنمایی دارد؟
- ۲- چرا خصلت ارزشمند عفاف در وجود زنان از ارزش بیشتری برخوردار است؟

پیشنهاد

- ۱- پیرامون ما افرادی هستند که با استفاده از خلافت‌های خود تحسین دیگران را برانگیخته‌اند و در زمینه‌های گوناگون هنری، ورزشی، علمی، اجتماعی و اخلاقی به فردی مؤثر در جامعه تبدیل شده‌اند. آنچه درباره عوامل این موفقیت می‌دانید، بیان کنید.
- ۲- با خود بیندیشید و ببینید که تا چه اندازه کوشش کرده‌اید آراستگی همراه با عفاف داشته باشید. آیا موانع درونی در مقابل این کوشش وجود داشته است؟ آنها را برای خود منسوخ کنید و برای برداشتن آن موانع، راه حل مناسب تنظیم نمایید. مانع‌های بیرونی چطور؟ آیا آنها هم وجود داشته‌اند؟ با آن موانع چگونه برخورد کرده‌اید؟



## درس یازدهم

### دوستی با خدا

«بارالها! خوب می‌دانم هر کس لذت دوستی‌ات را چشیده باشد، غیر تو را اختیار نکند و آن کس که با تو انس گیرد، لحظه‌ای از تو روی گردان نشود.

بارالها! ای آرمان دل مشتاقان و ای نهایت آرزوی عاشقان! دوست داشتنت را از خودت خواهانم.»<sup>۱</sup>

**\*\*\***

به راستی دوستی با خدا چه آناری دارد که پیشوایان دین و پیروان ایشان مشتاق آن بوده‌اند؟ چگونه می‌توان دل را به این آذین آرامست؟

۱- برگرفته از دعای مناجات‌المحین امام سجاد (ع)

#### بیشتر بدانیم

پاداشی به اندازه پاداش شهیدان!

امام علی (ع):

پاداش انسان عقیف و پاک‌دامن که می‌تواند گناه کند، اما خود را به آن آلوده نمی‌کند، کمتر از پاداش مجاهد شهید در راه خدا نیست. همانا انسان عقیف و پاک‌دامن، فرشته‌ای از فرشته‌هاست.

نهج البلاغه، حکمت ۲۷۲

#### معرفی کتاب

نام کتاب	نویسنده	انتشارات	مخاطب
فرهنگ برهنگی و برهنگی فرهنگی	غلامعلی حداد عادل	سروش	دانش‌آموز / معلم
مستاه حجاب	شهید مرتضی مطهری	صدر	دانش‌آموز / معلم
حیا	امیرحسین بانکی‌پور	حدیث راه عشق	دانش‌آموز / معلم
درآمدی بر نظام شخصیت زن در اسلام (بررسی مقایسه‌ای دیدگاه اسلام و غرب)	زیبای نژاد و سبحانی	نصایح	معلم



## پیام پوشیدگی



### ■ نقش محبت

محبت و دوستی سرچشمه بسیاری از تصمیم‌ها و کارهای انسان است. فعالیت‌هایی که آدمی در طول زندگی انجام می‌دهد ریشه در دل‌بستگی‌ها و محبت‌های او دارد و همین محبت‌هاست که به زندگی آدمی جهت می‌دهد. به هر میزان که محبت شدیدتر باشد، تأثیر آن نیز در زندگی عمیق‌تر و گسترده‌تر است؛ مثلاً کسی که دوستدار ثروت است، سمت و سوی همه کارهای خود را رسیدن به ثروت قرار می‌دهد. کسی که شیفتهٔ مد است، دل مشغولی شب و روز او دست یافتن به آخرین مدهاست و کسی که محبوب و معشوق خود را دانشمند یا هنرمندی قرار می‌دهد، ظاهر و حتی سبک زندگی خود را شبیه وی می‌سازد.

### ■ جقدر می‌ارزیم؟!

عده‌ای از اندیشمندان صاحب نام در علوم انسانی در یکی از کشورهای اروپایی جمع شده بودند تا دربارهٔ موضوع «معیار ارزش واقعی انسان» بحث و تبادل نظر کنند. دلیل انتخاب این بحث این بود که ما برای سنجش ارزش بسیاری از موجودات، معیار خاصی داریم؛ مثلاً معیار ارزش طلا به عیار آن، معیار ارزش درخت میوه به کیفیت محصول آن و معیار ارزش مزرعه، میزان حاصلخیزی آن است؛ در این میان، ارزش انسان را با چه معیاری باید سنجید؟! هر کدام از جامعه‌شناسان در این باره حرف‌هایی زدند و معیارهای خاصی ارائه دادند. وقتی نوبت به من رسید، به جایگاه رفتم و گفتم: اگر می‌خواهید بدانید یک انسان جقدر ارزش دارد، ببینید به چه چیزی علاقه دارد و به چه چیزی عشق می‌ورزد. کسی که عشقش یک آپارتمان است، در واقع ارزشش به مقدار همان آپارتمان است. کسی که عشقش مائنین است، ارزشش به همان میزان است. اما کسی که عشقش خداوند متعال است، ارزشش به اندازهٔ خداست. با تمام شدن حرف تمامی جامعه‌شناسان حاضر در جلسه برای چند دقیقه بلند شدند و برایم دست زدند. وقتی تشویق آنها تمام شد، گفتم: عزیزان! این کلام من نبود. بلکه از شخصی به نام علی علیه السلام است. ایشان می‌فرماید:

ارزش هر انسانی به اندازهٔ چیزی است که دوست می‌دارد.<sup>۱</sup>

وقتی این کلام را گفتم دوباره به نشانهٔ احترام به شخصیت حضرت علی علیه السلام از جا بلند شدند و با تعجب نام ایشان را بر زبان جاری می‌کردند.<sup>۲</sup>

تا در طلب کوهر کانی، کانی  
این کشته‌مزاگر بدانی، دانی

تا در حوس لقمه نانی، نانی  
هر چه زگر در جستن آبی، آبی

۱- نهج البلاغه، حکمت ۸۱  
۲- خاطره‌ای از علامه محمد تقی جعفری  
۳- مولوی، دیوان شمس، رباعیات

جلسه اول

آیات زیر را به دقت و زیبا قرائت کنید.

أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ  
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

﴿ قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ  
يَنْعَضُوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ  
وَ يَحْفَظُوا أَعْرَاجَهُمْ  
ذَلِكَ أَزْكَى لَهُمْ  
إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا يَصْنَعُونَ  
وَ قُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ  
يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ  
وَ يَحْفَظْنَ أَعْرَاجَهُنَّ  
وَ لَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ  
إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا  
وَ لِيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ  
عَلَى جُيُوبِهِنَّ  
نور، ۳۰ و ۳۱

﴿ يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ  
قُلْ لِأَزْوَاجِكُمْ وَ بَنَاتِكُمْ  
وَ نِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ  
يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ  
ذَلِكَ أَدْنَى  
أَنْ يُعْرَفْنَ  
فَلَا يُؤْذِينَ  
وَ كَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا  
احزاب، ۵۹

به مردان با ایمان بگو  
دیدگان خود را از گناهان حرام فرو بندند  
و باکدامنی پیش گیرند  
که این برای آنان بهتر است  
خدا به آنچه می کنند، آگاه است.  
به زنان مؤمن بگو  
چشمان خود را کنترل کنند  
و دامان خود را (از نگاه) حفظ نمایند  
و زینت های خود را آشکار نکنند  
مگر آنچه نمایان است، (مانند گردی صورت)  
و روسری های خود را بر روی سینه  
و گریبان خویش بیندازند

ای پیامبر  
بگو به همسران و دختران خود  
و زنان مؤمنین  
که روسری های خود را به دور خود بگیرند  
این کار از این جهت بهتر است  
که [به غفاف] شناخته شوند  
تا مورد اذیت قرار نگیرند  
و خداوند همواره آمرزگار و مهربان است

۱- جلابیب جمع جلابیب است. جلابیب، پوششی است که از روسری بزرگتر و از جادو کوتاه تر است. (تفسیر نمونه، ج ۱۷، ص ۲۲۸)

فعالیت کلاسی

پیامبر اکرم ﷺ: هر کس در روز قیامت با محبوب خود محسور می شود.<sup>۱</sup>  
با توجه به حدیث بالا بگویید چرا در روز قیامت انسان با همان هایی که در دنیا آنها را محبوب خود قرار داده است، همراه و هم نشین می شود و به سرانجام همان ها دچار خواهد شد؟

محبت به خدا

اگر انسان دل به سرچشمه کمالات و زیبایی ها سپارد، و قلب خود را جایگاه او کند، زندگی اش رنگ و بوی دیگری می یابد و هر میزان که ایمان انسان به خدا بیشتر شود، محبت وی نیز به خدا بیشتر می شود. عشق و محبت الهی افسردگی، ترس و باس را از بین می برد و به انسان نشاط، شجاعت و قدرت می بخشد. محبت الهی، تنبل را جالاک و زرنک، بخیل را بخشنده، کم طاقت را صبور می کند و سرانجام آدمی را از خودخواهی به ایثار و از خودگذشتگی می رساند. عشق به خدا چون اکسیری است که مرده را حیات می بخشد و زندگی حقیقی به وی عطا می کند. این همه تحول به این دلیل است که قلب انسان جایگاه خداست و جز با خدا آرام و قرار نمی یابد.

امام صادق علیه السلام می فرماید: قلب انسان حرم خداست؛ در حرم خدا غیر خدا را جا ندهید.<sup>۲</sup>  
از همین رو، قرآن کریم یکی از ویژگی های مؤمنان را، دوستی و محبت شدید آنان نسبت به خدا می داند:

وَ مِنَ النَّاسِ مَنْ يَتَّخِذُ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَندَادًا  
وَ بَعْضُ مِنْهُمْ هُمَاتَانِي رَا بَعْدَ مَا جَاءَهُمْ بَيِّنَاتٌ  
مِنْ رَبِّهِمْ لِيُحْسِنُوا الصَّاتَاتِ وَ يَحْسِنُوا إِلَى اللَّهِ وَ إِلَى  
رَبِّهِمْ وَ ذَلِكَ هُوَ الْبَصِيرُ

آنان را دوست می دارند مانند دوستی خدا

بِحُبِّ اللَّهِ

اما کسانی که ایمان آورده اند به خدا محبت بیشتری دارند.<sup>۳</sup>

وَ الَّذِينَ آمَنُوا أَشَدَّ حُبًّا لِلَّهِ

۱- اصول کافی، کلینی، ج ۲، ص ۱۲۴  
۲- بحار الآوار، مجلسی، ج ۶۷، ص ۲۵  
۳- سوره بقره، آیه ۱۶۵

بیشتر بدانیم

عاشقانه‌ای با خدا

من عشق را آموخته بودم؛ اما به چه چیز عشق ورزیدن را نه؛ به دنیا عشق ورزیدم، به مال و منال عشق ورزیدم، به مدرسه عشق ورزیدم، به دانشگاه عشق ورزیدم. اما همه اینها بعد از مدت کمی جای خود را به عشق حقیقی و اصیل داد؛ یعنی عشق به تو. فهمیدم عشق به تو پایدار است و دیگر عشق‌ها، عشق‌های دروغین است... پس به عشق تو دل بستم.

بعد از چندی که به تو عشق ورزیدم به یکبار به خود آمدم دیدم که من کو چک‌تر از آنم که عاشق تو شوم و تو بزرگ‌تر از آنی که معشوق من قرار بگیری فهمیدم در این مدت که فکر می‌کردم عاشق تو هستم اشتباه می‌کردم این تو بودی که عاشق من بودی و مرا ایه‌سوی خود می‌کشاندی. اگر من عاشق تو بودم، باید یکسره به دنبال تو می‌آمدم. ولیکن وقتی توجه می‌کنم می‌بینم گاهی اوقات در دام شیطان افتاده‌ام؛ ولی باز به راه مستقیم آمده‌ام. حال می‌فهمم این تو بودی که عاشق بنده‌ات بودی و هر گاه او صید شیطان می‌شد، تو دام شیطان را پاره کردی. هر شب به انتظار او [بنده‌ات] می‌نشستی تا بلکه یک شب او را ببینی. حال می‌فهمم که تو عاشق صادق بنده‌ات هستی.

بخش‌هایی از دست‌نوشته‌های شهید ناصرالدین باغاتی که در ۱۹ سالگی در عملیات کربلای ۵ به شهادت رسید.

آثار محبت به خدا و راه‌های افزایش آن

پیروی از دستورات خداوند، دوستی با دوستان او و بی‌زاری از دشمنانش بخشی از آثار محبت به خداست. البته بین محبت به خدا و این آثار رابطه‌ای دوسویه است؛ یعنی همان‌طور که محبت خدا موجب بروز این آثار می‌شود، تداوم و استمرار در پیروی از دستورات خداوند و عشق ورزیدن به دوستان و برائت از دشمنانش، موجب تقویت محبت انسان به خدا نیز می‌شود.



- ۱- پیروی از خداوند: نمی‌شود انسان از صمیم دل کسی را دوست داشته باشد اما از فرمانش سرپیچی کند. این سرپیچی نشانه‌ای عدم صداقت در دوستی است. برخی می‌گویند: اگر قلب انسان با خدا باشد، کافی است و عمل به دستورات او ضرورتی ندارد، آنچه اهمیت دارد، درون و باطن انسان است، نه ظاهر او. اما این توجه، با کلام خداوند سازگار نیست. خداوند، عمل به دستوراتش را که توسط پیامبر ارسال نشده است، شرط اصلی دوستی با خود اعلام می‌کند:

گرایش به بونش یک گرایش طبیعی و فطری در میان انسان‌هاست و یکی از وجوه تمایز و تفاوت انسانیت از حیوانیت به‌شمار می‌آید. اگر انسان، حقیقتی بالاتر از حیوان نداشت و صرفاً یک حیوان بیجیده‌تر از سایر حیوان‌ها بود، مانند آنها رفتار می‌کرد و اندام خود را نمی‌پوشاند. در همهٔ سرزمین‌ها و در نقاط مختلف زمین، جز در اقوام اولیه که درک درستی از فرهنگ و تمدن نداشتند و به زندگی حیوانی نزدیک بوده‌اند، رد پای بونش مشاهده می‌شود. در تمام جوامع متمدن، کسانی که بیشتر به ارزش‌های اخلاقی و معنوی و ایمان به خدا گرایش داشته‌اند، بونش آنها کامل‌تر بوده است.



ادیان الهی، که در اصل و حقیقت خود، یک دین هستند، بدون استثنا همواره بر بونش کامل‌تر زنان تأکید کرده‌اند و آن را لازمهٔ دین‌داری شمرده‌اند. مطابق با این بود، زنان هنگام حضور در اجتماعات، موی سر خود را می‌پوشاندند و به حجاب پایبند بودند. در آیین مسیحیت نیز بونش اهمیت زیادی داشته است و زنان معتقد به حضرت مسیح علیه السلام می‌گوشند مانند حضرت



مریم علیها السلام موی خود را بپوشاندند و با حجاب وارد جامعه شوند. نقاشان مسیحی، به خصوص نقاشان قدیم‌تر، تصویر حضرت مریم علیها السلام را با بونش و حجاب کامل می‌کشیدند. همچنین زنان راهبه و قدیس یکی از کامل‌ترین حجاب‌ها را داشته و دارند. این امر نشان می‌دهد که از نظر آنان، داشتن حجاب، به دین‌داری نزدیک‌تر و در پیشگاه خدا پسندیده‌تر است.

در دوران اخیر که پایبندی به تعالیم دینی در اروپا و برخی مناطق دیگر کمتر شده، آن بخش از دستورات و سنت‌های حضرت موسی علیه السلام و حضرت عیسی علیه السلام هم که باقی‌مانده، مورد غفلت قرار گرفته و کمتر به آنها عمل می‌شود. بی‌حجابی زنان غرب نه تنها جایگاهی در اندیشهٔ مسیحیت حقیقی ندارد؛ بلکه بازگشتی

۱- خداوند، برای نشان دادن این میل طبیعی و فطری، هنگام ذکر داستان خلقت آدم علیه السلام، یعنی در مهم‌ترین داستان قرآن، از گرایش فطری آدم و حوا به بونش یاد می‌کند و متذکر می‌شود که همین که آدم و حوا از میوهٔ ممنوعه خوردند و متوجه برهنگی خود شدند، فوراً با کندن شاخ و برگ درختان برای خود پوششی درست کردند و خود را با آن پوشاندند.  
۲- تاریخ تمدن، ویل دورانت، ج ۴، بخش اول، فصل پانزدهم، ص ۴۶۱

فَلْإِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ  
فَأَبِئْتُونِي بِحُبِّكُمْ لِلَّهِ  
وَيُغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ  
وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ

بگو اگر خدا را دوست دارید  
از من بیروی کنید تا خدا دوستانه بدارد  
و گناهانتان را ببخشد  
و خداوند بسیار آمرزنده و مهربان است.<sup>۱</sup>

امام صادق علیه السلام فرمودند :

مَا أَحَبَّ إِلَيَّ مَنْ عَصَاهُ؛ كَسَى كَهْ مِنْ فِرْعَانَ خُذَا سَرِيحِي مِي كُنْد، اُو رَا دُوسْت نَدَارِد.<sup>۲</sup>  
خداوند در خواسته هایش فقط و فقط به مصلحت ما نظر دارد. او خیرخواهانه به ما هشدار می دهد  
و ما را به کارهایی که به نفع ماست، راهنمایی می کند. حتی اگر احساس کنیم انجام برخی دستورات  
خداوند برای ما دشوار است، باید مطمئن باشیم که این دستور برای رستگاری ما ضروری است.

#### تفکر در احادیث

اگر ما کسی را دوست داشته باشیم، تلاش می کنیم هر آنچه را او دوست دارد انجام دهیم تا  
علاقه خود را به او نشان دهیم و خود را بیشتر به او نزدیک کنیم. با توجه به احادیث زیر بگویید  
برای اینکه رابطه دوستی خود را با خدا بیشتر کنیم، چه کارهایی را باید انجام دهیم.  
خداوند، بنده گناهکار توبه کننده را دوست دارد.<sup>۳</sup>  
خداوند، انسان یا حیای بردبار یا عفتی را که پاکدامنی می ورزد، دوست دارد.<sup>۴</sup>  
خداوند، رسیدگی به دل سوختگان و درماندگان را دوست دارد.<sup>۵</sup>  
خداوند، کسی که جوانی اش را در اطاعت او بگذراند، دوست دارد.<sup>۶</sup>  
خداوند، زیبایی و آراستگی را دوست دارد.<sup>۷</sup>

۱- سوره آل عمران، آیه ۳۱  
۲- امامی، شیخ صدوق، ص ۳۴۹  
۳- اصول کافی، کلیتی، ج ۲، ص ۲۲۵  
۴- اصول کافی، کلیتی، ج ۲، ص ۱۱۴  
۵- من لایحضره الفقیه، شیخ صدوق، ج ۲، ص ۵۵  
۶- نهج الفصاحه، حدیث ۸۰۰  
۷- اصول کافی، کلیتی، ج ۶، ص ۲۲۰

به سنت های مشرکانه قبل از حضرت مسیح علیه السلام در دوره های یونان و روم محسوب می شود، دوره ای که  
مردم بت پرست بودند و زندگانی مشرکانه داشتند.

زنان ایرانی قبل از اسلام که عموماً بیرو آیین زرتشت بودند، با پوشش کامل در محل های عمومی رفت و آمد  
می کردند. پوشش و حجاب زنان در ایران باستان چنان برجسته بود که حتی برخی از مورخان غربی بر این باورند  
که ایران باستان منشأ اصلی گسترش حجاب بوده است.<sup>۱</sup> در ادیان دیگر و عموم فرهنگ ها، پوشش زنان یک  
اصل پسندیده شمرده شده و کمتر قوم و ملتی است که زنان آن، پوشش مناسبی نداشته باشند. تفاوت ها مربوط  
به چگونگی و حدود آن بوده است.



زنان زرتشتی



زاهدیه های مسیحی

اینک چند سؤال و پاسخ آن، با توجه به آیات درس :

#### ■ آیا در قرآن کریم درباره عفاف و پوشیدگی، دستور خاصی وجود دارد؟

خداوند متعال در قرآن کریم، هم برای مردان و هم برای زنان، وظایف خاص و روشنی معین کرده است  
از جمله اینکه :  
الف) وظیفه مردان است که چشم خود را کنترل کنند و از نگاه به زنان نامحرم خودداری کنند و  
دامان خود را از گناه نگاه دارند.

سوره / آیه

.....

۱- تاریخ تمدن، ویل دورانت، ج ۴، بخش اول، فصل هفتم، ص ۱۷۰

ب) زنان نیز مانند مردان وظیفه دارند که از نگاه به نامحرم خودداری کنند و دامان خود را از نگاه حفظ نمایند.

سوره/آیه

.....

ج) استفاده از زینت و زیورآلات نباید به گونه‌ای باشد که توجه نامحرمان را به خود جلب کند.

سوره/آیه

.....

د) زنان باید پوشش خود را به گونه‌ای تنظیم کنند که علاوه بر موی سر، گریبان و گردن آنها را هم بپوشاند.

سوره/آیه

.....

پیشوایان ما دربارهٔ حدود پوشش سخن گفته و ما را به رعایت این حدود امر کرده‌اند.

مثلاً امام کاظم علیه السلام در جواب برادرش که پرسید: «دین چه مقدار از بدن زن نامحرم جایز است؟»

فرمود: «چهره و دست تا میخ»<sup>۱</sup>.

یکی از یاران امام صادق علیه السلام به نام فضیل بن یسار نیز می‌گوید از امام پرسیدم: آیا مساعد زن از

قسمت‌هایی است که باید از نامحرم پوشیده شود؟

فرمود: «بلی، آنچه زیر روسری قرار می‌گیرد، نباید آشکار شود. همچنین از میخ به بالا

باید پوشیده شود»<sup>۲</sup>.

خداوند دربارهٔ علت این دستور می‌فرماید: این پوشش سبب می‌شود که زن به عفاف و

پاکی شناخته شود و افراد بی‌بندوبار که اسیر هوی و هوس خود هستند، به خود اجازهٔ سوءاستفاده و حتی

نگاه بد به او را هم ندهند.

۱- قرب‌الاسناد، حمیری، ص ۱۰۲

۲- اصول کافی، کلینی، ج ۵، ص ۵۲۱، وسائل الشیعه، نسخ حرطاملی، ج ۴، ص ۲۵

۲- دوستی با دوستان خدا: اگر می‌خواهیم محبت خداوند در دلمان خانه کند، باید محبت کسانی را که

رنگ و نشانی از او دارند و خداوند محبت و دوستی آنان را به ما توصیه کرده، در دل جای دهیم و هر میزان که

این علاقه بیشتر و قوی‌تر باشد، محبت ما نیز به خدا فزون‌تر می‌شود. انبیا و اولیای الهی و مجاهدان راه حق

و آنان که در مسیر بندگی خدا حرکت کردند، دوستان خداوند هستند و برترین این دوستان، رسول خدا صلی الله علیه و آله و

اهل بیت ایشان علیهم السلام می‌باشند که با تمام وجود به خدا عشق ورزیدند و زندگی خود را در اطاعت کامل خداوند

سپری کردند. دوستی با آنان، همان دوستی با خداوند و محبت به آنان در مسیر محبت به خداوند است. البته

این دوستی و محبت نیز بایستی همچون محبت به خدا، همراه با عمل و پیروی از آنان باشد.

۳- بیزاری از دشمنان خدا و مبارزه با آنان: عاشق روشنائی، از تاریکی می‌گریزد و آن کس که به

دوستی با خدا افتخار می‌کند، با هر چه ضد خداست، مقابله می‌نماید. او دوستدار حق و دشمن باطل است.

عاشقان خدا برجمدار مبارزه با ستم و ستمگران بوده‌اند. همهٔ پیامبران، از حضرت نوح علیه السلام و

حضرت ابراهیم علیه السلام تا پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله زندگی خود را در مبارزه با ستم و پلیدی گذراندند و پرچم

مبارزه را از نسلی به نسل بعد منتقل کردند. نمی‌شود کسی دوستدار خداوند باشد؛ اما زشتی و ستم را

در جامعه ببیند و سکوت اختیار کند.

از این رو، «جهاد در راه خدا» در برنامهٔ تمام پیامبران الهی بوده و بیشتر آنان در حال مبارزه با ستمگران به

شهادت رسیده‌اند. امروزه نیز مشاهده می‌کنیم که مستکبران و ستمگران برای رسیدن به منافع دنیایی خود،

حقوق ملت‌ها را زیر پا می‌گذارند و آنان را از حقوقشان محروم می‌کنند. رنج و محرومیت مردم فلسطین، یمن،

سوریه، عراق، بحرین و... نمونهٔ آشکاری از رفتار مستکبران است که جز با مبارزه، برطرف نخواهد شد.

در نتیجه، دینداری، با دوستی خدا آغاز می‌شود و برائت و بیزاری از دشمنان خدا را به دنبال می‌آورد. اگر

کسی بخواهد قلبش را خانهٔ خدا کند، باید شیطان و امور شیطان را از آن بیرون کند. جملهٔ «لا اله الا الله»

که پایه و اساس بنای اسلام است، مرکب از یک «نه» و یک «آری» است: «نه» به هر چه غیر خدایی است و

«آری» به خدای یگانه.<sup>۱</sup>

پس دینداری بر دو پایه استوار است: تولی (دوستی با خدا و دوستان او) و تیزی (بیزاری از باطل و

بیروان او). هر چه دوستی با خدا عمیق‌تر باشد، نفرت از باطل هم عمیق‌تر است.

امام خمینی ره بر بنیای همین تحلیل، به مسلمانان جهان این‌گونه سفارش می‌کنند:

«باید مسلمانان، فضای سراسر عالم را از محبت و عشق نسبت به ذات حق و نفرت و بغض عملی نسبت

به دشمنان خدا لبریز کنند»<sup>۲</sup>.

۱- سیری در نهج البلاغه، شهید مطهری، ص ۲۸۵

۲- پیام امام خمینی ره به مناسبت مح ۱۴۰۷ هـ. ق (۱۳۶۶ ش)

قرائت : بار دیگر آیات ابتدای درس را به درستی قرائت کنید.

### ■ آیا اسلام شکل پوشش را معین کرده است؟

می‌دانیم که امت اسلامی از اقوام و ملل گوناگون تشکیل شده و میان هر ملت و قومی آداب و رسوم خاصی رایج است، از جمله اینکه هر کدام پوشش و لباس مخصوص خود را دارند. حتی ممکن است در کشوری، مثل کشور عزیزمان ایران، اقوام مختلفی زندگی کنند که هر کدام از آنها شکل خاصی از پوشش را برای خود برگزیده باشند.

بنابراین، چگونگی و نوع پوشش، تا حدود زیادی تابع آداب و رسوم ملت‌ها و اقوام است. اسلام، ضمن پذیرش این تنوع و گوناگونی، مردان را موظف کرده است، لباسی بپوشند که وقار و احترام آنان حفظ شود و با ارزش‌های اخلاقی جامعه هماهنگ باشد. بنابراین، پوشیدن لباسی که آنان را نزد مردم انگست‌نما کند یا وسیله جلب زنان نامحرم قرار گیرد، حرام است.

زنان نیز موظف‌اند که دو شرط زیر را رعایت کنند :

۱- تمام بدن خود را، به جز صورت و دست‌ها تا مچ، از نامحرم بپوشانند.

۲- پوشش آنان نباید نازک، جسیبان و تحریک‌کننده باشد.

این وظیفه الهی، مانند هر عمل دیگری، هرچه کامل‌تر و دقیق‌تر انجام شود، نزد خدا با ارزش‌تر و آثار و ثمرات فردی و اجتماعی آن افزون‌تر است و فرد را به رشد و کمال معنوی بالاتری می‌رساند. از این رو، استفاده از «چادر» که دو شرط قبل را به طور کامل دارد و سبب حفظ هرچه بیشتر کرامت و منزلت زن می‌گردد و توجه مردان نامحرم را به حداقل می‌رساند، اولویت دارد.

### ■ آیا حجاب زنان، کاهش حضور آنان در جامعه را به دنبال دارد؟

تجربه عینی به ما نشان می‌دهد که این حکم نه تنها سبب کاهش حضور زنان نمی‌شود، بلکه به حضور مطمئن و همراه با کرامت آنان می‌انجامد و سبب می‌شود از نگاه ناهلانی که در جامعه حضور دارند، در امان باشند. تجربه کشور ما به خوبی نشان می‌دهد که حجاب نه تنها سبب کاهش حضور زنان در دانشگاه‌ها و مراکز علمی و اجتماعی نشده بلکه حضور آنان را چند برابر هم کرده است.

با بررسی دنیای امروز، بزرگ‌ترین دشمنان خدا و متجاوزان به حقوق انسان‌ها را معرفی کنید و سپس راه‌های مؤثر برای مقابله با آنان را که همه ستم‌دیدگان جهان بتوانند انجام دهند، پیشنهاد دهید.

### ورود بیگانگان ممنوع!

برخی وقتی به زیبایی دوستی با خدا پی می‌برند، ارزوی راه یافتن محبت او به قلب خود را دارند؛ اما در رسیدن به این خواسته با یک مشکل مواجه می‌شوند و آن اینکه محبت کسانی را به دل راه داده‌اند که خدای مهربان از آن راضی نیست و آن را به صلاح انسان نمی‌داند؛ حال می‌پرسند چگونه می‌توانیم محبت آنها را از دل خارج کنیم؟



برای بیرون راندن این محبت‌ها از دل، توجه به منشأ شکل‌گیری آنها ضروری است. با توجه به روایات، منشأ اصلی گرفتار شدن به این گونه محبت‌ها، غفلت از خدا و یاد اوست. یکی از یاران امام صادق علیه السلام از آن حضرت درباره عشق‌های باطل پرسید. ایشان فرمود: **دل‌هایی که از یاد خدا خالی شده باشند، خداوند محبت غیر خودش را به این دل‌ها می‌جساند.**<sup>۱</sup>

بنابراین، گام اول برای بیرون کردن محبت غیرخدا، رو آوردن به یاد و ذکر خداست. انجام واجباتی مانند نماز و روزه، حضور در مکان‌های مقدسی همچون مسجد و زیارتگاه‌ها، توجه به خواندن قرآن و نیز دعاهایی همچون دعای کمیل، دعای ابو حمزه ثمالی، دعا‌های صحیفه سجاده، حضور در مجالس و مراسم دینی مانند اعتکاف، مجالس توسل به اهل بیت و مطالعه زندگانی انسان‌هایی که عشق به خدا را در دل پرورانده‌اند (همچون کتاب‌های زندگی شهدا) به تقویت یاد خدا کمک فراوانی می‌کند.

۱- غل السراج، شیخ صدوق، ص ۱۲۰

علاوه بر این، ادعای خانه‌نشین کردن زنان و سلب آزادی آنان با نگاه قرآن و سیره پیشوایان دین و بیسرفت‌های مختلف زنان امروز جامعه ما کاملاً ناسازگار است. قرآن کریم عفت حضرت مریم علیها السلام را در معبدی که همگان، چه زن و چه مرد، به پرستش می‌آیند، می‌ستاید؛ حیای دختران حضرت شعیب علیهم السلام را در حال جویانی و آب‌دادن به گوسفندان در جمع مردان، مثال می‌زند. تاریخ نیز از حضور زنان مسلمان در زمان پیامبر صلی الله علیه و آله، در پشت جبهه‌های جنگ برای پرستاری و کمک به مجروحان خبر می‌دهد. پس پوشش اسلامی، قانونی برای سلب آزادی زنان و خانه‌نشین کردن آنان نیست؛ بلکه کمک می‌کند تا جامعه به جای آنکه ارزش زن را در ظاهر و قیافه وی ببیند، در شخصیت و توانایی‌ها و کرامت ذاتی وی مشاهده کند. این امر موجب می‌شود سلامت اخلاقی جامعه بالا رود؛ حریم و حرمت زنان حفظ شود و آرامش روانی وی افزایش یابد.

در مورد مسئله حجاب با چه منابعی آشنایی دارید؟



اندیشه و تحقیق

- ۱- برای حضور سالم در جامعه، چه پیشنهادهایی برای مردان و زنان دارید؟
- ۲- با اینکه پوشش بدن و حتی موی سر در دین حضرت مسیح صلی الله علیه و آله یک امر پسندیده است، بسیاری از مسیحیان نسبت به این موضوع بی‌توجه‌اند. به نظر شما، علت آن چیست؟

دومین گام، مبارزه با تخیلات باطل است؛ چرا که یکی از اصلی‌ترین راه‌های زیاد شدن عشق‌های باطل، غرق شدن در تخیلات است. پس هر چیزی که یادآور خاطرات این عشق است، باید از خود دور کرد. هدیه، نامه، پیامک، ایمیل، عکس و... نمونه‌هایی از این دسته‌اند که باید آنها را از بین برد.

سومین گام، افزایش روابط محبت‌آمیز با خانواده است. بسیاری از افرادی که گرفتار عشق‌های کاذب می‌شوند، با اعضای خانواده خود چنین ارتباط محبت‌آمیزی ندارند. در دین اسلام توصیه زیادی به محبت کردن به اعضای خانواده شده است. هر چه ارتباط و محبت ما نسبت به پدر و مادر و با خواهر و برادر زیاد شود، انسان احساس نیاز کمتری به محبت‌های نامشروع پیدا می‌کند. چهارمین گام، قطع ارتباط با طرف مقابل است. البته این قطع ارتباط اگر همراه با توجه به سه گام قبلی نباشد، تأثیری نخواهد داشت.

پس از انجام این مراحل، انسان احساس می‌کند قلبش بیش از گذشته از عشق به خدا لبریز شده و آرامشی الهی سراسر زندگی او را در بر گرفته است.

راه از آفتاب خالی کن	چو عزم کوی ما داری	نظر بر غیر ما مکن	چو قصد روی ما داری
من آن شمعم که در مجلس مرا پروانه بیازند	بوزان خویش را چون او اگر خود بوی ما داری	حرامت باد اگر رخصت به غیر سوی ما داری	که در میدان جانبازان سرت را کوی ما داری
درون باطن خود را با نور ما شود کن	اگر چه ظلمت خود را با محبت بجوی ما داری		

\*\*\*

### اندیشه و تحقیق

- ۱- برخی افراد، مخالف دستورات خداوند مانند نماز نیستند اما با بهانه‌های مختلف، از انجام آن شانه خالی می‌کنند، آیا این افراد می‌توانند ادعا کنند که ما خدا را دوست داریم؟
- ۲- برای تقویت بیزاری از باطل و بی‌تفاوت نبودن در مقابل باطل صفتان چه می‌توان کرد؟
- ۳- چگونه می‌توان دریافت که در دوستی یا خدا و دشمنی یا بدی‌ها صادق هستیم؟
- ۴- فردی می‌گوید: «اساس دین بر محبت است؛ بنابراین دل مسلمانان نباید جایگاه کینه و نفرت از کسی باشد»؛ شما با او موافقید یا خیر؟ چرا؟

### پیشنهاد

- ۱- در زندگی پیامبران و امامان علیهم‌السلام و مجاهدان راه خدا تحقیق کنید و نمونه‌هایی از استیاق آنها به حق و مبارزه‌شان با زشتی و باطل را نشان دهید.
- ۲- امام خمینی ره که از بیرون راستین پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم بود، زندگی خود را در مبارزه با ستم و باطل گذراند. آیا می‌توانید نمونه‌هایی از این مبارزه‌ها را بیان کنید؟

### پیشنهاد

وضع جامعه اطراف خود را بررسی کنید و ببینید:

- ۱- رفتار پسران و مردان در جامعه چگونه باید باشد تا سلامت اخلاقی جامعه حفظ شود؟
- ۲- حفظ حرمت دختران و زنان تا چه میزان به وضع پوشش آنان بستگی دارد؟
- ۳- با دوستان خود مشورت کنید و ببینید که رعایت پوشش اسلامی توسط زن در هر یک از موارد زیر چه نتایج و ثمراتی دارد.

۱- برای زن:

.....

.....

۲- برای مرد:

.....

.....

۳- برای خانواده:

.....

.....

۴- برای جامعه:

.....

.....

.....



معرفی کتاب

نام کتاب	نویسنده	انتشارات	مخاطب
نظام حقوق زن در اسلام	مرتضی مطهری	صدرا	دانش آموز / معلم
پرش‌های امروز جوانان	جمعی از نویسندگان	مدرسه	دانش آموز
دختران آفتاب	امیرحسین بانکی‌پور	سروش	دانش آموز
دختران ایران	جمعی از نویسندگان	راه بار	دانش آموز/معلم
شاخه نیل (راهکارهای مدیریت سهوت و نگاه)	عماد داوری دولت‌آبادی	اعتلای وطن	معلم / دانش آموز
فلسفه فتن (تحول لباس در طول تاریخ)	لارس اسونسن	نشر مشکى	معلم
مسئله حجاب در غرب	علی غلامی	دانشگاه امام صادق <small>علیه السلام</small>	معلم
مهاجر سرزمین آفتاب	حمید حسام	سوره مهر	دانش آموز/معلم
تاگفته‌های صورتی (نقشه‌های استعمار علیه زن)	سیدمحمدحسین راجی	معارف	معلم
سرکار علیّه	زهره عیسی‌خانی	کتابستان	دانش آموز/معلم
خاطرات سفیر	نیلوفر نیادمهری	سوره مهر	دانش آموز/معلم



قرآن

سورته بقره

جزء ۲



استماع و ترجمه

این درس را با توجه به الگوی قرآن، جمله به جمله بخوانید و به معنای آن دقت کنید.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا  
 كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِن قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ ﴿۱۸۴﴾  
 أَيَّامًا مَّعْدُودَاتٍ فَمَن كَانَ مِنكُم مَّرِيضًا أَوْ عَلَى سَفَرٍ  
 فَعِدَّةٌ مِّنْ أَيَّامٍ أُخَرَ وَعَلَى الَّذِينَ يُطِيقُونَهُ  
 فِدْيَةٌ طَعَامُ مِسْكِينٍ فَمَن تَطَوَّعَ خَيْرًا فَهُوَ خَيْرٌ لَهُ  
 وَأَن تَصُومُوا خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنتُمْ تَعْلَمُونَ ﴿۱۸۵﴾  
 شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ هُدًى لِّلنَّاسِ  
 وَبَيِّنَاتٍ مِّنَ الْهُدَى وَالْفُرْقَانِ فَمَن شَهِدَ مِنْكُمُ الشَّهْرَ  
 فَلْيَصُمْهُ وَمَن كَانَ مَرِيضًا أَوْ عَلَى سَفَرٍ فَعِدَّةٌ مِّنْ أَيَّامٍ أُخَرَ  
 يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمُ الْيُسْرَ وَلَا يُرِيدُ بِكُمُ الْعُسْرَ  
 وَلِتُكْمِلُوا الْعِدَّةَ وَلِتُكَبِّرُوا اللَّهَ عَلَى مَا هَدَاكُمْ  
 وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ ﴿۱۸۶﴾ وَإِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي  
 فَإِنِّي قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ  
 فَلْيَسْتَجِيبُوا لِي وَلْيُؤْمِنُوا بِلَعَلَّهُمْ يَرْشُدُونَ ﴿۱۸۷﴾



معلمان محترم، صاحب نظران، دانش آموزان عزیز و اولیای آنان می توانند نظر اصلاحی خود را درباره مطالب کتاب های درسی از طریق سامانه «نظرسنجی از محتوای کتاب درسی» به نشانی «nazar.roshd.ir» یا نامه به نشانی تهران - صندوق پستی ۴۸۷۴ - ۱۵۸۷۵ ارسال کنند.

سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی

ترجمه

سورة بقره، آيات ۱۸۳ تا ۱۸۶

ای کسانی که ایمان آورده‌اید روزه بر شما واجب شده است همان گونه که بر کسانی که پیش از شما [بودند] واجب شده بود به امید اینکه پرهیزگاری کنید. ۱۸۳

[روزه در] روزهای معدودی [بر شما مقرر شده است] [ولی] هر کس از شما بیمار یا در سفر باشد [به همان شماره] تعدادی از روزهای دیگر [را روزه ندارد]. و بر کسانی که [روزه] طاقت فرساست، کفاره‌ای است که خوراک دادن به بی‌توایی است؛ و هر کس به میل خود بیشتر نیکی کند، پس آن برای او بهتر است و روزه گرفتن برای شما بهتر است، اگر بدانید. ۱۸۴

ماه رمضان [همان ماه] است که در آن قرآن نازل شده است، [کتابی] که مردم را راهبر و [در بردارنده] نشانه‌های آشکار هدایت و [معیار] تشخیص حق از باطل است. پس هر کس از شما این ماه را درک کند باید آن را روزه بدارد و کسی که بیمار یا در سفر است [باید به شماره آن] تعدادی از روزهای دیگر [را روزه ندارد] خدا برای شما آسانی می‌خواهد و برای شما دشواری نمی‌خواهد. و باید آن روزهای مشخص [ماه رمضان] را کامل کنید و باید خدا را به پاس آنکه هدایتان کرده است به بزرگی بستایید و به امید اینکه شکرگزاری کنید. ۱۸۵

و هرگاه بندگان من از تو درباره من پرسند [بگو] من زده‌کم و دعای دعا کننده را به هنگامی که مرا بخوانند اجابت می‌کنم؛ پس [آنان نیز] باید دعوت مرا اجابت کنند و به من ایمان آورند به امید اینکه راه یابند. ۱۸۶

diffpdf  
Missing Page

## درس اول هجدهم

### یاری از نماز و روزه

خدای مهربان برای زندگی ما انسان‌ها برنامه‌ای تنظیم کرده که دربردارنده احکام و وظایف گوناگونی در ارتباط با خدا، خود، خانواده، جامعه و خلقت است. با عمل به این برنامه و احکام و دستورات آن، انسان می‌تواند در مسیر نزدیک شدن به خدا گام بردارد و به رستگاری در دنیا و آخرت برسد. اگرچه تمامی این احکام و دستورات در جهت مصلحت ما است؛ اما انسان دوست دارد حکمت و علت احکام الهی را بداند و با معرفت بیشتر دستورات الهی را انجام دهد. از این رو، خدای متعال برخی از فایده‌های مهم‌ترین احکام خود را از طریق آیات قرآن کریم و سخنان معصومان به اطلاع ما رسانده است. در این درس با فایده‌ی دو عمل مهم در زندگی هر فرد مسلمان، یعنی نماز و روزه آشنا می‌شویم و پاسخ سؤالات زیر را می‌یابیم:

- ۱- چرا در هر روز، پنج بار به نماز می‌ایستیم؟
- ۲- حکمت روزه چیست؟ چرا یک فرد مسلمان باید روزه بگیرد؟
- ۳- احکام دیگر روزه کدام‌اند؟

diffpdf  
Missing Page

خداوند در آیات مختلفی، فایده‌های نماز و روزه را بیان فرموده است. دو فایده نماز عبارت‌اند از:  
**۱- یاد خدا، ۲- دوری از گناه.**

مهم‌ترین فایده روزه نیز عبارت است از: **تقوا.**

در این درس به فایده دوم نماز که با فایده روزه؛ یعنی تقوا ارتباط دارد، می‌پردازیم و این دو را با هم بررسی می‌کنیم.

راستی، تقوا چیست؟ چرا قرآن کریم همواره مردم را دعوت به تقوا می‌کند؟

### ■ تقوا

برای اینکه حقیقت تقوا را دریابیم، ابتدا مثالی را که امیرمؤمنان علی علیه السلام بیان فرموده است، ذکر می‌کنیم. ایشان می‌فرماید:

«مَثَلُ انْسانِ هَای بِیَ تقوا مَثَلُ سوارکارانی است که سوار بر اسب‌های چموش و سرکشی شده‌اند که لجام را پاره کرده و اختیار را از دست سوارکار گرفته‌اند؛ به بالا و پایین می‌پرند و عاقبت، سوارکار را در آتش می‌افکنند. اما مَثَلُ آدم‌های باتقوا، مَثَلُ سوارکارانی است که بر اسب‌های رام سوار شده‌اند و لجام اسب را در اختیار دارند و راه می‌بینند تا اینکه وارد بهشت شوند.»<sup>۱</sup>

تفاوت اصلی میان این دو سوارکار که یکی به هلاکت می‌رسد و دیگری به رستگاری، در سرکشی و لجام‌گسیختگی اسب یکی از آنها، و رهوار و مطیع بودن اسب دیگری است.

این لجام‌گسیختگی و سرکشی در انسان بی‌تقوا و رهواری و مطیع بودن در انسان باتقوا به چه معناست؟ «تقوا» به معنای «حفاظت» و «نگهداری» است. انسان با تقوا خودنگهدار است و خود را از گناه حفاظت می‌کند؛ یعنی بر خودش مسلط است و زمام و لجام نفس خود را در اختیار دارد و نمی‌گذارد نفس با سرکشی او را در دره‌های هولناک گناه بیندازد. انسان باتقوا، می‌کوشد روزه‌روز بر توانمندی خود بیفزاید تا اگر در شرایط گناه و معصیت فرار گرفت، آن قوت و نیرو او را حفظ کند و از آلودگی ننگه دارد. اکنون این سؤال پیش می‌آید که چگونه تقوا را در خود به‌وجود آوریم که بتوانیم در مواقع خطر بر خود مسلط باشیم و از گناه دوری کنیم؟

قرآن کریم راه‌های متعددی برای کسب تقوا به ما نشان داده که در این درس به دو مورد مهم از آنها، یعنی «نماز» و «روزه» اشاره می‌کنیم.

۱- لجام: اسب

۲- نهج‌البلغه، خطبة ۱۶

diffpdf  
Missing Page

### نماز و بازدارندگی از گناه

انسانی که پنج بار در طول روز نماز به پا می‌دارد، یاد خدا را در دل خود زنده می‌کند و حضور او را در جای جای زندگی احساس می‌کند. توجه به حضور خدا در زندگی و نظارت او بر اعمال، موجب می‌شود تا انسان دست به هر کاری نزند و از گناهان دوری کند. خداوند در قرآن کریم می‌فرماید:

... وَ أَقِمِ الصَّلَاةَ  
 إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ  
 وَ نَمَاز رَا بَرِیَا دَار،  
 که نماز از کار زشت و ناپسند نهی می‌کند  
 وَ لَذِكْرُ اللَّهِ أَكْبَرُ  
 وَ فَطْعاً يَادِ خُودَا بِالْآتِرِ اسْتِ،  
 وَ خُودَا مِی دَانْدِ چِه مِی کُنِید.<sup>۱</sup>  
 وَ اللَّهُ يَعْلَمُ مَا تَصْنَعُونَ

با این حال، برخی می‌گویند: «ما نماز می‌خوانیم اما تأثیر آن را کمتر در خود مشاهده می‌کنیم و معمولاً دست از رفتارهای قبلی بر نمی‌داریم. پس چگونه نماز بازدارنده انسان از زشتی‌ها و منکرات است؟»

شایسته است دقت کنیم که تأثیر نماز به تداوم و به میزان دقت و توجه ما بستگی دارد. چنان‌که اگر گفته شود هر کس درس بخواند، موفق می‌شود، طبیعتاً موفقیت همه یکسان نیست و به نحوه و کیفیت درس خواندن آنها بستگی دارد. بنابراین اگر نمازهای روزانه خود را ترک نکنیم و دقت و توجه خود را در نماز افزایش دهیم، از آن تأثیر خواهیم پذیرفت. نمی‌توان انتظار داشت خواندن چند رکعت نماز شتاب‌زده و بدون رعایت آداب، تأثیر چندانی در ما داشته باشد. اگر تلاش کنیم روز به روز نماز را با کیفیت بهتر و رعایت آداب آن انجام دهیم، به زودی تأثیر آن را خواهیم دید.

هر کدام از ما می‌توانیم این مورد را در میان اطرافیان و بستگان مشاهده کنیم و دریابیم افرادی که به نمازشان توجه بیشتری دارند، در مقایسه با کسانی که نماز نمی‌خوانند، با نماز خود را شتاب‌زده و بدون رعایت آداب می‌خوانند، از منکرات بیشتری دوری می‌کنند.

اگر به زندانیان و خلاف‌کاران جامعه نگاه کنیم، می‌بینیم که جنین مجرماتی کمتر از میان افراد نمازخوان هستند. همین موضوع نشان می‌دهد که نماز تأثیر خود را گذاشته و هر قدر با توجه و دقت بیشتر انجام شود، تأثیر آن بیشتر هم خواهد شد.

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «هر کس می‌خواهد بداند آیا نمازش پذیرفته شده یا نه، باید ببیند که نماز، او را از گناه و زشتی باز داشته است یا نه. به هر مقدار که نمازش سبب دوری او از گناه و منکر شود، این نماز قبول شده است.»<sup>۲</sup>

۱- سوره عنکبوت، آیه ۲۵

۲- بحار الأنوار، مجلسی، ج ۸۲، ص ۱۹۸

diffpdf  
Missing Page

نتیجه اینکه: اگر نماز، ما را از گناه و زشتی باز ندارد، معلوم می‌شود که عیب و نقصی در نماز خواندن ما هست. باید جست‌وجو کنیم تا آن عیب را بیابیم و برطرف کنیم.

اگر نماز را کوچک بشماریم...

اگر نماز را کوچک بشماریم و نسبت به آنچه در نماز می‌گوییم و انجام می‌دهیم درک صحیح داشته باشیم، نه تنها از گناهان که حتی از برخی مکروهات هم

به تدریج دور خواهیم شد. از این رو:

اگر در انجام به موقع نماز بکوشیم، بی‌نظمی را از زندگی خود دور خواهیم کرد.

اگر در پنج نوبت با لباس و بدن پاکیزه به نماز بایستیم، آلودگی‌های ظاهری ما کمتر خواهد شد.

اگر شرط غصبی نبودن لباس و مکان نمازگزار را رعایت کنیم، کمتر به کسب درآمد از راه حرام متمایل خواهیم شد.

اگر هنگام گفتن تکبیر به بزرگی خداوند بر همه چیز توجه داشته باشیم، قدرت‌های دیگر در نظرمان کوچک خواهند شد و به آنان توجه نخواهیم کرد.

اگر در رکوع و سجود، عظمت خدا را در نظر داشته باشیم، در مقابل مستکبران خضوع و خشوع نخواهیم کرد.

اگر عبارت «إِهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ» را صادقانه از خداوند بخواهیم، به راه‌های انحرافی دل نخواهیم بست.

اگر عبارت «غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ» را با توجه بگوییم، خود را در زمره کسانی که خدا بر آنها خشم گرفته یا راه را گم کرده‌اند، قرار نخواهیم داد.

بنابراین؛ با تکرار درست آنچه در نماز می‌گوییم و انجام می‌دهیم به تدریج چنان تسلطی بر خود می‌یابیم که می‌توانیم در برابر منکرات بایستیم و از انجامشان خودداری کنیم.



diffpdf  
Missing Page

بررسی

فهم و درک درست اعمال زیر، انسان را در برابر چه گناہانی حفظ خواهد کرد؟

منکرات	عبادات و اعمال نماز
..... ۱	۱- خواندن سوره توحید
..... ۲	۲- درود بر پیامبر در تشهد
..... ۳	۳- دعای قنوت
..... ۴	۴- حضور در نماز جماعت
..... ۵	۵- گفتن عبارت «إِنَّكَ تَعْبُدُهُ»
..... ۶	۶- گفتن عبارت «إِنَّكَ تَسْتَعِينُ»

تکمیل احکام

در سال های قبل آموختیم که برای انجام نماز، لازم است بدن و لباس ما پاک باشد و در

صورتی که به یکی از نجاسات آلوده باشد باید قبل از نماز پاک گردد.

بنابراین، لازم است هر مسلمانی نجاسات را بشناسد و راه پاک کردن اشیای نجس را بداند.

توجه: همه چیز پاک است، مگر ۱۱ چیز و آنچه در اثر برخورد با آنها نجس می شود.

برخی از نجاسات عبارت اند از:

۱- خون انسان و هر حیوانی که خون جهنده دارد.<sup>۱</sup>

۲ و ۳- ادرار و مدفوع انسان و حیوان های حرام گوشتی که خون جهنده دارند.

۴- مردار انسان و هر حیوانی که خون جهنده دارد.

۵ و ۶- سگ و خوک، زنده و مرده آنها نجس است.

۷- کافر (یعنی کسی که به خدای یگانه اعتقاد ندارد).

۸- شراب و هر مایع مستی آور، نجس است.<sup>۲</sup>

۱- حیوانی که اگر رنگ آن را ببرد، خون آن جستن کند، خون جهنده دارد.

۲- برای اشیای با سایر نجاسات به رساله مرجع تقلید خود مراجعه کنید.

diffpdf  
Missing Page

همچنین لازم است بدانیم: نوشیدن شراب، چه کم و چه زیاد حرام است و در زمره بزرگترین گناهان شمرده شده است. خداوند در قرآن درباره این عمل ناروا می فرماید:

ای مردمی که ایمان آورده‌اید؛ به راستی شراب و قمار و بت پرستی و تیرک‌های بخت‌آزمایی، پلید و از کارهای شیطانی است. پس از آنها دوری کنید تا رستگار شوید. شیطان می‌خواهد با شراب و قمار بین شما دشمنی و کینه ایجاد کند و شما را از یاد خدا دور سازد و از نماز باز دارد.<sup>۱</sup>

### پاسخ سؤالات شما

**مگر خدا به نماز ما نیاز دارد؟ پس برای چه باید نماز بخوانیم؟**

اگر همه مردم رو به خورشید خانه بسازند، چیزی به خورشید اضافه نمی‌شود و اگر همه مردم پشت به خورشید خانه بسازند، چیزی از خورشید کم نمی‌شود. خورشید به مردم نیازی ندارد که رو به سوی او کنند. این انسان‌ها هستند که برای دریافت نور، سعی می‌کنند خانه‌های خود را رو به خورشید بسازند. خدا هم به نماز ما هیچ نیازی ندارد؛ بلکه این ما هستیم که به نماز محتاجیم. در حقیقت دستور خدا برای برپاداشتن نماز تنها به نفع خود ماست و خداوند با امر به نماز خواندن خواهان رشد بندگان خود است. اما چرا ما به نماز محتاجیم؟

کمتر کسی است که در اثنای کار روزانه، لباسش، دست و صورتش، سر و پایش، و گاهی همه بیکرش، کنیف نشود و به نظیف روزانه آنها نیاز مند نگردد.

روح ما نیز در میدان زندگی روزانه به همین اندازه یا بیشتر در معرض آلودگی‌هاست: آلودگی به شهوت‌ها، هوس‌ها، خودخواهی‌ها و چشم و هم‌چشمی‌ها، حسد و کینه و انتقام و صدها آلودگی دیگر. این آلودگی‌ها روح را تیره می‌کند و ما را از مسیر قرب الهی دور می‌سازد و به دام شیطان و وسوسه‌های شیطانی می‌افکند.

بنابراین، باید همان‌طور که لباس و تن خود را می‌شوئیم و پاکیزه می‌کنیم، دل و جان خود را هم شست‌وشو دهیم و پاکیزه کنیم.

حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: رسول خدا نماز را به چشمه آبی تشبیه کرده است که در برابر خانه کسی جریان داشته باشد و او هر شبانه روز، پنج مرتبه خود را در آن شست‌وشو دهد؛ پس هرگز آلودگی بر بدن او باقی نمی‌ماند.

نهج البلاغه، خطبه ۱۹۹

<sup>۱</sup> -سوره مائده، آیت ۹۱-۹۰

diffpdf  
Missing Page

### اعمالی که تأثیر نماز را از بین می‌برند

توجه کنیم که برخی کارها اثر نماز را از بین می‌برند. باید بکوشیم آن کارها را از زندگی خود بیرون کنیم؛ مانند:

#### ۱- ناراحت کردن پدر و مادر

امام صادق علیه السلام فرمود: «فرزندی که از روی خشم به پدر و مادر خود نگاه کند - هر چند والدین در حق او کوناهی و ظلم کرده باشند - نمازش از سوی خدا پذیرفته نیست»<sup>۱</sup>.

#### ۲- غیبت کردن

بہامیر اکرم علیه السلام به ابوذر فرمود: «هر کس غیبت مسلمان را کند، تا چهل روز نماز و روزه‌اش قبول نمی‌شود؛ مگر اینکه فرد غیبت شده، او را ببخشد»<sup>۲</sup>.

### بیشتر بدانیم

#### دو رکعت عشق!

ایام عملیات قدس بود که در اورزانس، رزمندہای را آوردند کہ هر دو دست او قطع شدہ بود. وقتی او را برای اتاق عمل آمادہ می‌کردند، ایشان را روی برانکارد گذاشتند تا بہ اتاق عمل ببرند. مسئول تعاون آمد تا از این رزمندہ سؤالاتی بپرسد. ولی چشمانش را بستہ بود و جواب نمی‌داد. ہمگی فکر کردیم شاید شہید شدہ باشند. بہ دنبال آن بودیم کہ مقدمات کار را جهت آزمایش ضربان قلب و احتمالاً انتقال وی بہ سردخانه آمادہ کنیم. ناگہان دیدیم کہ چشمانش را باز کرد و با منانت خاصی گفت: برادر! ببخشید کہ جواب شما را ندادم؛ چون فکر می‌کردم اگر بہ اتاق عمل بروم شاید وقت زیادی طول بکشد؛ نمازم فضا می‌شود. آن موقع کہ شما سؤال کردید مشغول خواندن نماز بودم.

۱- اصول کافی، کلی، ج ۲، ص ۵۰

۲- جامع المساعدا، ملامہدی ترائی، ج ۲، ص ۲۳۴

۳- در انجام عباداتی مانند نماز، دو دستہ شرط وجود دارد؛ یکی شرط صحت و دیگری شرط کمال. مثلاً اگر کسی واجبات نماز را درست انجام دهد، نمازش صحیح است؛ یعنی شرایط صحت را دارد و لازم نیست آن را دوبارہ بخواند. اما برای اینکه این نماز در او اثر داشته باشد و او را از گناہان باز دارد باید شرایط دیگری را هم رعایت کند کہ بہ آن شرط کمال می‌گویند. مثل اینکه با دقت و توجه نماز بخواند، مقصود از قبول شدن یا قبول نشدن در این احادیث، همان داشتن یا نداشتن شرط کمال است. بنابراین کسی نمی‌تواند بہ بہاۃ اینکه غیبت کسی را کرده است، نمازش را تا مدتی بخواند.

diffpdf  
Missing Page

### ■ روزه و تقویت تقوا

میزان موفقیت انسان در رسیدن به هدف‌های بزرگ، به میزان تسلط او بر خویش، خودنگهداری و «تقوا» بستگی دارد و هر قدر هدف بزرگ‌تر باشد، تقوای بیشتری می‌طلبد.

روانشناسان، کارهایی را برای تقویت اراده و تسلط بر خود پیشنهاد می‌کنند تا افراد بتوانند به موفقیت در برنامه‌هایی مانند درس، ورزش، کسب و کار و مانند آن برسند. خداوند، انسان را به عملی راهتمایی می‌کند که اگر آن را به درستی انجام دهد، چنان تسلطی بر خود پیدا می‌کند که می‌تواند موانع درونی را کنار بزند و گام‌های موفقیت به سوی برترین هدف‌های زندگی را به خوبی بردارد. این عمل، «روزه» است.

روزه، نمونه کاملی تمرین صبر و پایداری در برابر خواهش‌های دل است.

کسی که یک ماه گرسنگی روزانه را تحمل کند و در عین حال که میل به آب و غذا دارد، به سوی آن نرود؛ کسی که یک ماه چشم خود را از گناه حفظ کند؛ زبان خود را از دروغ و غیبت نگه دارد؛ گوش خود را از شنیدن بدی‌ها بازدارد؛ خوش‌رفتاری با مردم را تمرین کند؛ و از حجاب و پوشش خود به خوبی مراقبت کند؛ بکوشد به دیگران ستم نکند و مردم را از خود نرنجاند و مواظب باشد غذای سحری و افطاری او از درآمد پاک و حلال باشد، چنین کسی، پس از یک ماه، به تسلطی بر خود می‌رسد که قبل از ماه رمضان آن تسلط را نداشته است و اگر هر سال یک ماه این عمل را تکرار کند، سال به سال بافتو اثر می‌شود. چنین فردی کم‌کم به جایی می‌رسد که احساس می‌کند که هر کاری را که خداوند دستور داده است، می‌تواند به آسانی انجام دهد و احساس سختی نمی‌کند.

ای کسانی که ایمان آورده‌اید،

روزه بر شما مقرر شده است

همان گونه که بر کسانی که پیش از شما بودند، مقرر شده بود.

باشد که تقوا پیشه کنید.<sup>۱</sup>

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا

كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ

كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِن قَبْلِكُمْ

لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ

۱-سوره بقره، آیه ۱۸۳

diffpdf  
Missing Page

بررسی

رسول خدا ﷺ می‌فرماید: «چه بسا روزه‌داری که جز گرسنگی و تشنگی چیزی نصیب او نمی‌شود»<sup>۱</sup>.  
مقصود پیامبر گرامی از این سخن چیست؟

احکام روزه

۱- نه چیز روزه را باطل می‌کند که برخی از آنها عبارت‌اند از: خوردن و آشامیدن، دروغ بستن بر خدا و پیامبر و جانشینان پیامبر ﷺ، رساندن غبار غلیظ به حلق، فرو بردن تمام سر در آب، استمناء، باقی ماندن بر جنابت تا اذان صبح<sup>۲</sup>.



فعالیت کلاسی

تکمیل

با مراجعه به رساله توضیح المسائل، عبارت‌های زیر را تکمیل کنید.

- ۱ اگر روزه‌دار سهواً چیزی بخورد یا بیاشامد، روزه‌اش .....
- ۲ اگر روزه‌دار، چیزی را که لای دندان‌ش مانده ..... روزه‌اش باطل می‌شود.
- ۳ روزه‌دار ..... غبار غلیظ و دود سیگار و تنباکو و مانند آنها را به حلقش برساند.
- ۴ استغراغ روزه را باطل نمی‌کند، مگر اینکه .....

۱- امامی، شیخ طوسی، ص ۶۶۱

۲- برای آشنایی با سایر مبطلات روزه، به رساله مرجع تقلید خود مراجعه کنید.

diffpdf  
Missing Page

۲- کسی که غسل بر او واجب است، اگر عمداً تا اذان صبح غسل نکند یا اگر وظیفه‌اش تیمم است، عمداً تیمم نکند، نمی‌تواند روزه بگیرد. البته اگر سهل‌انگاری کند و غسل نکند تا وقت تنگ شود، می‌تواند با تیمم روزه بگیرد و روزه‌اش صحیح است؛ اما در مورد غسل نکردن، معصیت کرده است.

۳- اگر کسی به علت عذری مانند بیماری نتواند روزه بگیرد و بعد از ماه رمضان عذر او برطرف نشود و تا رمضان آینده عمداً فضای روزه را نگیرد، باید هم روزه را قضا کند و هم برای هر روز یک مُد (تقریباً ۷۵ گرم) گندم و جو و مانند آنها به فقیر بدهد.

۴- اگر کسی روزه ماه رمضان را عمداً نگیرد، باید هم فضای آن را به‌جا آورد و هم «کفاره» بدهد؛ یعنی برای هر روز، دو ماه روزه بگیرد (که یک ماه آن باید پشت سرهم باشد) یا به شصت فقیر طعام بدهد (به هر فقیر یک مُد).

۵- اگر کسی به چیز حرامی روزه خود را باطل کند؛ مثلاً دروغی را به خدا نسبت دهد، کفاره جمع بر او واجب می‌شود. یعنی باید هر دو کفاره یاد شده را انجام بدهد. البته اگر هر دو برایش ممکن نباشند، می‌تواند هر کدام را که ممکن است، انجام دهد.

**وظیفه شخص مسافر:** کسی که سفر می‌رود، اگر شرط‌های زیر را داشته باشد، باید نمازش را شکسته بخواند و نباید روزه بگیرد:

الف) رفتن او بیشتر از ۴ فرسخ سرعتی (حدود ۲۲/۵ کیلومتر) و مجموعه رفت و برگشت او بیشتر از ۸ فرسخ باشد.

ب) بخواد کمتر از ده روز در جایی که سفر کرده، بماند. پس کسی که می‌خواهد ده روز و بیشتر در محلی که سفر کرده است، بماند، باید نمازش را کامل بخواند و روزه‌اش را هم بگیرد.

ج) برای انجام کار حرام سفر نکرده باشد؛ مثلاً اگر به قصد ستم به مظلوم یا همکاری با یک ظالم در ظلم او سفر کند، باید روزه‌اش را بگیرد. اگر فرزند یا نوه پدر و مادر به سفری برود که آن سفر بر او واجب نبوده است، باید نماز را تمام بخواند و روزه‌اش را بگیرد.

diffpdf  
Missing Page

### اندیشه و تحقیق

دربارۀ مسائل زیر به توضیح المسائل مرجع تقلید خود مراجعه کنید و پاسخ آن را به دست آورید.

۱. اگر مسافر پیش از ظهر به وطنش یا به جایی که می‌خواهد ده روز در آنجا بماند، برسد، در چه صورتی باید روزه بگیرد و در چه صورتی نباید روزه بگیرد؟
۲. اگر مسافری که صبح حرکت کرده است، بعد از ظهر به وطن یا به جایی که می‌خواهد ده روز بماند برسد، وظیفه‌اش چیست؟
۳. اگر کسی که روزه است، بعد از ظهر مسافرت کند، وظیفه‌اش نسبت به روزه آن روز چیست؟
۴. اگر کسی که روزه گرفته، پیش از ظهر مسافرت کند و بخواد به بیش از چهار فرسخ برود، وظیفه‌اش چیست؟

### پیشنهاد

دربارۀ آثار و فواید بهداشتی روزه تحقیق کنید و نتیجه آن را در کلاس گزارش نمایید.

برای این تحقیق می‌توانید به کتاب‌های زیر مراجعه کنید:

- ۱- اولین دانشگاه و آخرین پیامبر، دکتر پاک‌نژاد
- ۲- اهمیت پزشکی روزه در سلامت انسان، حبیب‌الله جعفری
- ۳- اهمیت روزه از نظر علم روز، احمد صبور اردوبادی

### معرفی کتاب

نام کتاب	نویسنده	انتشارات	مخاطب
آداب الصلوة	امام خمینی <small>ره</small>	مؤسسه نشر آثار امام خمینی <small>ره</small>	معلم
راز نماز	محسن قرائتی	مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن	دانش آموز
فلسفۀ روزه برای جوانان	اسدالله محمدی نیا	سببط اکبر	دانش آموز

diffpdf  
Missing Page



diffpdf  
Missing Page

قرآن

سورہ اعراف ۷

جزء ۸



استماع و ترجمہ

اہل درس را توجہ بہ الگوی قرائت، جملہ بہ جملہ بخوانند و بہ معنای آن وقت کہند.

يٰۤاِبْنِ اٰدَمَۙ قَدْ اَنْزَلْنَا عَلَیْكَمۡ لِبَاسًا یُّوَارِیۡ  
سَوَآءِکُمۡ وَرِیۡشًا وَّلِبَاسُ التَّقْوٰی ذٰلِکَ خَیۡرٌ  
ذٰلِکَ مِنْ اٰیٰتِ اللّٰهِ لَعَلَّہُمْ یَذَّکَّرُوۡنَ ﴿۷﴾ یٰۤاِبْنِ اٰدَمَۙ  
لَا یَفۡتِنَنَّکُمُ الشَّیۡطٰنُ ۚ کَمَا اَخْرَجَ اَبَوَیْکُمۡ  
مِّنَ الْجَنَّةِ یَنۡزِعُ عَنْہُمَا لِبَاسَہُمَا لِیُرِیَہُمَا سَوَآءَیۡہِمَا  
اِنَّہُمۡ یَرۡبٰکُمۡ ھُوَ وَقَبِیۡلُہٗ مِنْ حَیۡثُ لَا تَرَوۡنَہُمۡ  
اِنَّا جَعَلۡنَا الشَّیۡطٰنَ اَوْلِیَآءَ لِلَّذِیۡنَ لَا یُؤۡمِنُوۡنَ ﴿۸﴾  
وَ اِذَا فَعَلُوۡا فَاحِشَةً قَالُوۡا وَجَدۡنَا عَلَیۡہَا اَبَآءَنَا  
وَ اللّٰهُ اَمَرَنَا بِہَا قُلۡ اِنَّ اللّٰہَ لَا یَاۡمُرُ بِالۡفَحۡشَآءِ  
اَتَقُوۡلُوۡنَ عَلٰی اللّٰہِ مَا لَا تَعۡلَمُوۡنَ ﴿۹﴾ قُلۡ اَمَرَرٰۤی بِالۡقِسۡطِ  
وَ اَقِیۡمُوا وُجُوۡہَکُمۡ عِندَ کُلِّ مَسۡجِدٍ وَّ اَدعُوۡهُ مُخۡلِصِیۡنَ  
لَہٗ الدِّیۡنَ ۚ کَمَا بَدَاۡکُمۡ تَعۡوَدُوۡنَ ﴿۱۰﴾ فَرِیۡقًا ھَدٰی  
وَ فَرِیۡقًا حَقَّ عَلَیۡہُمُ الضَّلٰلَۃُ ۗ اِنَّہُمْ اتَّخَذُوۡا الشَّیۡطٰنَ  
اَوْلِیَآءَ مِنْ دُوۡنِ اللّٰہِ وَ یَحۡسِبُوۡنَ اَنَّہُمْ مُہۡتَدُوۡنَ ﴿۱۱﴾

diffpdf  
Missing Page

## ترجمه

## سورة اعراف، آیات ۲۶ تا ۳۰

ای فرزندان آدم در حقیقت ما برای شما لباسی فرستادیم که شرمگاه‌های شما را می‌پوشاند و مایه زینت است [ولی] لباس برهیزگاری بهتر است؛ این از نشانه‌های خداست، باشد که آنان متذکر شوید. ۲۶

ای فرزندان آدم، مبادا شیطان شما را فریب دهد؛ چنان‌که پدر و مادر شما را از بهشت بیرون راند و لباسشان را از ایشان برکند تا شرمگاهشان را بر آنان نمایان کند. در حقیقت او و کسانش شما را از آنجا که آنها را نمی‌بینید، می‌بینند. ما شیاطین را سرپرست کسانی قرار دادیم که ایمان نمی‌آورند. ۲۷

و چون کار زشتی کنند می‌گویند پدران خود را بر آن یافتیم و خدا ما را بدان فرمان داده است. بگو قطعاً خدا به کار زشت فرمان نمی‌دهد. آیا علیه خداوند چیزی می‌گویید که علم بدان ندارید؟ ۲۸

بگو پروردگارم به دادگری فرمان داده است؛ و [اینکه] رویتان را در هر مسجدی [به هنگام عبادت، به سوی قبله] نمایند، و او را بخوانید، در حالی که دین [خود] را برای او خالص گردانیده‌اید؛ [و بدانید] همان گونه که [آفرینش] شما را آغاز کرد، [به سوی او] باز می‌گردید. ۲۹

[در حالی که] گروهی را هدایت نموده و گروهی گمراهی بر آنان حتمی شده است، زیرا آنان شیاطین را به جای خدا سرپرست [خود] قرار داده‌اند و می‌پندارند که راه یافتگان‌اند. ۳۰

diffpdf  
Missing Page



## فضیلت آراستگی

هرگاه دنبال آرامشی فراگیرم، در طبیعت خداوند گام می‌گذارم و دل به نمه‌های خوش‌آهنگ آن می‌سپارم تا پایانی بماند بر ناخوشایندی و خستگی‌های زندگی روزمره و امیدی برای آغازی دوباره و پرتلاش و هیجان‌انگیز.

در طبیعت، به هرچه می‌نگرم، زندگی و زیبایی‌هایش جلوه‌گر است؛ بوته‌های سرسبز آن طراوت و شادایی را فریاد می‌زنند و گل‌های رنگارنگش عشق و زیبایی را. کوه‌هایش استواری را به تصویر می‌کشند و رودها و چشمه‌هایش بویایی و حرکت را ...

با خود می‌اندیشم آیا من هم می‌توانم؟

آیا می‌توانم در اجتماع چون برگ‌های بهاری بر طراوت، چون گل زیبا، چون کوه استوار و مانند رود بویا باشم؟

آیا می‌توانم با حضورم آرامش و امنیت را برای دیگران به ارمغان آورم؟ و هر جا که باشم منشأ خیر و برکت باشم.<sup>۱</sup>

سرانجام با خود می‌اندیشم چگونه حضوری در اجتماع می‌تواند این ثمرات را به دنبال آورد؟

۱- ترجمانی شایسته این ما گفت... سورهٔ مریم، آیه ۳۱

diffpdf  
Missing Page

### ■ آراستگی، سیره پیشوایان دین

آراستگی به معنای «بهرتر کردن وضع ظاهری و باطنی و زیبا نمودن این دو» است. بنابراین، دو نوع آراستگی داریم. آراستگی باطنی که نتیجه برخورداری روح انسان از صفات زیبایی همچون ادب، حُسن خلق، سخاوت، مهربانی و... است و آراستگی ظاهری که نتیجه مرتب بودن وضع ظاهر و توجه به نظافت و زیبایی آن است.

انسان به طور طبیعی به آراستگی علاقه دارد و می‌کوشد تا هم درون خود را آراسته کند و هم با ظاهری آراسته در جامعه حضور یابد. دیگران نیز کار او را تحسین می‌کنند و هم‌نسینی با او را دوست دارند و از بودن یا او لذت می‌برند.

پیشوایان ما هم در آراستگی باطنی خود تلاش می‌کردند یعنی آراسته به زیبایی‌های اخلاقی بودند و هم به آراستگی ظاهری خود توجه داشتند و مؤمنان را نیز به رعایت آن دعوت می‌کردند و آراستگی را از اخلاق مؤمنان می‌دانستند.<sup>۱</sup>

به طور مثال، هنگامی که کسی در خانه پیامبر را می‌زد و قصد ملاقات با ایشان را داشت، آن حضرت ابتدا به آینه نگاه می‌کرد و موهای خود را شانه می‌زد و لباس خود را مرتب‌تر می‌کرد؛ و می‌فرمود:

خدای تعالی دوست دارد وقتی بنده‌اش به سوی دوستان خود می‌رود، آماده و آراسته باشد.<sup>۲</sup>

پیامبر همواره خود را معطر می‌کرد و سپس در جمع حاضر می‌شد یا به نماز می‌ایستاد.

روزی یکی از مدعیان زهد و برهیز از دنیا، امام صادق علیه السلام را دید که لباس زیبایی پوشیده است. وی به امام گفت: جدّ شما این‌گونه لباس‌ها را نمی‌پوشید.

امام علیه السلام فرمود: در آن زمان مردم در سختی بودند، اما امروز ما در شرایط بهتری هستیم و عموم مردم توانایی پوشیدن چنین لباسی را دارند.<sup>۳</sup>

همچنین ایشان می‌فرمود: خداوند آراستگی و زیبایی را دوست دارد و از نپرداختن به خود و خود را زولیده نشان دادن، بدش می‌آید.<sup>۴</sup>

و نیز می‌فرمود:

دو رکعت نماز که با بوی خوش گزارده شود، بهتر از هفتاد رکعت نماز بدون بوی خوش است.<sup>۵</sup>

۱- غرر الحکم و درر الکلم، تنبیه‌آمیزی، ج ۱، ص ۳۰۷  
 ۲- وسائل الشیعه، نسخ جزعلمی، ج ۱، ص ۲۷۸  
 ۳- اصول کافی، کلیتی، ج ۶، ص ۴۴۴  
 ۴- امالی، طوسی، ج ۱، ص ۲۷۵  
 ۵- نواب الاصل، نسخ صدوق، ص ۲۶۲

diffpdf  
Missing Page

در کنار این توصیه‌ها و سفارش‌هایی که به عموم مردان و زنان مسلمان می‌شد، پیشوایان دین به هریک از گروه مردان و زنان نیز سفارش‌های جداگانه‌ای می‌کردند؛ به عنوان نمونه پیامبر ﷺ به مردان می‌فرمود: **سبیل و موهای بینی خود را کوتاه کنید و به خودتان برسید؛ زیرا این کار بر زیبایی شما می‌افزاید.**<sup>۱</sup> پیامبر با وجود آنکه مردان را به کوتاه کردن ناخن سفارش می‌کرد اما به زنان توصیه می‌کرد ناخن‌های خود را مقداری بلند بگذارند چون برای آنان زیباتر است.<sup>۲</sup>

این شیوه رسول خدا ﷺ و پیشوایان دیگر ما سبب شد که مسلمانان در اندک مدتی به آراسته‌ترین و پاکیزه‌ترین ملت‌ها تبدیل شوند و الگو و سرمشق ملت‌های دیگر قرار گیرند. آراستگی، اختصاص به زمان حضور در اجتماعات و معاشرت‌ها ندارد؛ بلکه شامل زمان حضور در خانواده، و از آن مهم‌تر، زمان عبادت نیز می‌شود. استفاده از عطر، شانه زدن موها، پوشیدن لباس روشن و تمیز و پاک بودن تمامی بدن، از توصیه‌های مهم آنان هنگام عبادت است. تکرار دائمی نماز در شبانه‌روز، این آراستگی و پاک‌ی را در طول روز حفظ می‌کند و زندگی را پاک و باصفا می‌سازد.

#### ■ مقبولیت

یکی از نیازهای انسان، نیاز به مقبولیت در جمع خانواده، همسالان و جامعه است. ما دوست داریم دیگران ما را فرد مفید و شایسته‌ای بدانند و تحسین کنند. این نیاز، در دوره جوانی و نوجوانی نمود بیشتری دارد و سبب می‌شود که نوجوان و جوان بیشتر به خود بپردازد و توانایی‌ها و استعدادها را خود را کشف و شکوفا کند و در معرض دید دیگران قرار دهد. جوانی که با نشان دادن استعداد خود در یک رشته ورزشی یا خلق اثر هنری یا کار مؤثر در کارگاه صنعتی، تحسین دیگران را برانگیزد، از این قبیل است. به غیر از این افراد، هرکس در جامعه تلاش می‌کند در هر جایگاهی که قرار دارد، برای خود مقبولیت کسب کند.

البته اندک افرادی نیز وجود دارند که به این نیاز طبیعی، پاسخ‌های درستی نمی‌دهند و با پوشیدن لباس‌های نامناسب یا به کار بردن کلام زشت و ناپسند یا با گذاشتن سیگاری بر لب، می‌خواهند وجود خود را برای دیگران اثبات کنند. این قبیل اعمال نشانه ضعف روحی و ناتوانی در اثبات خود از راه درست و سازنده است.

۱- قرآن الایمان، حمیری، ص ۶۷

۲- اصول کافی، کلینی، ج ۶، ص ۲۹۱، وسائل الشیعه، شیخ حر عاملی، ج ۱، ص ۲۳۵

diffpdf  
Missing Page

## ■ عفاف

عفاف حالتی در انسان است که به وسیله آن خود را در برابر تدروی‌ها و کندروی‌ها کنترل می‌کند تا بتواند در مسیر اعتدال و میانه‌روی پیش رود و از آن خارج نشود؛ یعنی در برآورده کردن هریک از علایق و نیازهای درونی به گونه‌ای عمل نمی‌کند که با به‌طور کامل غرق در آن شود و از دیگر نیازها غافل شود یا به‌طور کل آن را کنار گذارد و به کوتاهی و تفریط دچار شود؛ بلکه در حد مطلوب و صحیح به برآورده کردن همه نیازها توجه دارد.



## ■ ارتباط عفاف با آراستگی و مقبولیت

یکی از جلوه‌های عفاف، مربوط به آراستگی و مقبولیت است. برخی انسان‌ها در آراستگی ظاهری و ابراز وجود و مقبولیت، دچار تدروی می‌شوند؛ به گونه‌ای که در آراسته کردن خود، زیاده‌روی می‌کنند و به خودنمایی می‌رسند. قرآن کریم این حالت را «تَبَرُّجٌ»<sup>۱</sup> می‌نامد و آن را کاری جاهلانه می‌شمارد.<sup>۲</sup> همان دینی که ما را به آراستگی توصیه می‌کند، از خودنمایی و افراط در آراستگی برهیز می‌دهد، زیرا زیاده‌روی در آراستگی و توجه بیش از حد به آن باعث غفلت انسان از هدف اصلی زندگی و مشغول شدن به کارهایی می‌شود که عاقبتی جز دور شدن از خدا ندارد.

انسان عقیف، چه مرد و چه زن، خود را کنترل می‌کند و آراستگی خود را در حد متعادل نگه می‌دارد و به «تَبَرُّجٌ» دچار نمی‌شود. انسان عقیف زیبایی ظاهری خود را وسیله خودنمایی و جلب توجه دیگران قرار نمی‌دهد و اجازه نمی‌دهد که به شخصیت انسانی او اهانت شود. او حیا می‌کند که برخی افراد به خاطر اموری سطحی و کوچک، زبان به تحسین و تمجید او بکشایند و به او به عنوان ایزاری برای لذت‌جویی نگاه کنند. او در وجود خود، استعداد و ارزش‌های برتر و والاتری می‌یابد که می‌تواند تحسین و احترام واقعی دیگران را برانگیزد.

همچنین یک انسان عقیف، از مقبولیت نزد همسالان و جامعه‌گریزان نیست؛ اما خود را با ارزش‌تر از آن می‌داند که بخواهد این مقبولیت را از راه جلب توجه ظاهری به دست بیاورد و خود را در حد ایزاری برای هوس‌رانی دیگران پایین آورد.

بنابراین، به همان میزان که رشته‌های عفاف در روح انسان قوی و مستحکم می‌شود، نوع آراستگی

<sup>۱</sup> تبرُّج از ریشه برج است و برج بنای بلندی است که از دور به آسانی می‌توان آن را دید. واژه تبرُّج به این دلیل در بحث افراط در آراستگی به کار گرفته می‌شود که برخی برای جلب توجه دیگران، خود را به شکلی درمی‌آوردند که توسط دیگران دیده شوند. امروزه تبرُّج معادلی معنایی یافته که برخی از آنها عبارتند از استفاده از عطرها، پوشیدن لباس‌هایی با عکس‌های نامناسب، پوشیدن لباس‌های بدن‌نما و پاره و ...

<sup>۲</sup> سوره احزاب، آیه ۳۳

diffpdf  
Missing Page

و پوشش او باوقارتر می‌شود و به همان میزان نیز که رشته‌های عفاف انسان ضعیف و گسسته می‌شود، آراستگی و پوشش او سبک‌تر و جنبه خودنمایی به خود می‌گیرد.

امام علی علیه السلام می‌فرماید:

«مبادا خود را برای جلب توجه دیگران بیارایی که در این صورت ناچار می‌شوی با انجام گناه به جنگ خدا بروی.»<sup>۱</sup>

و امام صادق علیه السلام نیز می‌فرماید:

لباس نازک و بدن‌نما نپوشید؛ زیرا چنین لباسی نشانه سستی و ضعف دینداری فرد است.<sup>۲</sup>

### ■ زن، مظهر عفاف

گرچه عفاف، خصلت هر انسان بافضیلتی، اعم از زن و مرد است، اما وجود آن در زنان و دختران ارزش بیشتری دارد. زیرا خداوند زنان را بیش از مردان به نعمت زیبایی آراسته است. زن، مظهر جمال و زیبایی است و این زیبایی، هم درونی و هم ظاهری است. احساسات لطیف زن که بیانگر زیبایی‌های درونی وی است، با زیبایی ظاهر او عجین شده است؛ برای حفظ همین نعمت است که خداوند احکام ویژه‌ای را برای زن قرار داده است، تا گوهر زیبای وجودش از نگاه ناهلان دور بماند و روح بلندش تحقیر نشود. دریافت هر نعمتی از جانب خدا، مسئولیتی را نیز به همراه می‌آورد؛ همان‌طور که اگر کسی به نعمت علم زینده شده، نباید علمش را ابزار دست قدرتمندان ستم‌پیشه کند، نعمت زیبایی نیز نباید در خدمت

هوس‌رانان قرار گیرد. همان‌گونه که اگر انسان از علم خود به درستی استفاده نکند، به جای رستگاری، شقاوت نصیبش می‌شود، عرضه نابه‌جای زیبایی، به جای گرمی بخشیدن به کانون خانواده، عفت و حیا را از بین می‌برد و این گوهر مقدس را از او می‌گیرد.



۱- بحار الأنوار، مجلس، ج ۷۱، ص ۴۴۲

۲- همان، ج ۷۱، ص ۴۹۹

diffpdf  
Missing Page

### بررسی

با توجه به شکل پوشش‌های موجود در جامعه برای پسران و دختران، بگویید که کدام‌یک از آنها عفت افراد را بیشتر تضمین می‌کند؟ چرا؟

.....

.....

.....

.....

### اندیشه و تحقیق

۱- چه تفاوتی میان آراستگی و خودنمایی ظاهری است؟

۲- چرا خصلت ارزشمند عفاف در وجود زنان از ارزش بیشتری برخوردار است؟

### پیشنهاد

۱- پیرامون ما افرادی هستند که با استفاده از خلاقیت‌های خود تحسین دیگران را برانگیخته‌اند و در زمینه‌های گوناگون هنری، ورزشی، علمی، اجتماعی و اخلاقی به فردی مؤثر در جامعه تبدیل شده‌اند. آنچه دربارهٔ عوامل این موفقیت می‌دانید، بیان کنید.

۲- با خود بیندیشید و ببینید که تا چه اندازه کوشش کرده‌اید آراستگی همراه با عفاف داشته باشید. آیا موانع درونی در مقابل این کوشش وجود داشته است؟ آنها را برای خود مشخص کنید و برای برداشتن آن موانع، راه حل مناسب تنظیم نمایید.

diffpdf  
Missing Page

بیشتر بدانیم

پاداشی به اندازه پاداش شهیدان!

امام علی علیه السلام :

پاداش انسان عقیف و پاک‌دامن که قدرت بر گناه دارد ولی آلوده نمی‌گردد، کمتر از پاداش مجاهد شهید در راه خدا نیست. همانا انسان عقیف و پاک‌دامن، فرشته‌ای از فرشته‌هاست.

نهج البلاغه، حکمت ۴۷۴

معرفی کتاب

مخاطب	انتشارات	نویسنده	نام کتاب
دانش‌آموز / معلم	سروش	غلامعلی حداد عادل	فرهنگ برهنگی و برهنگی فرهنگی
دانش‌آموز / معلم	صدرا	شهید مرتضی مطهری	مسئله حجاب
دانش‌آموز / معلم	حدیث راه عشق	امیرحسین یانکی پور	حیا
معلم	نصایح	زیبایی نژاد و سبحانی	درآمدی بر نظام شخصیت زن در اسلام (بررسی مقایسه‌ای دیدگاه اسلام و غرب)

diffpdf  
Missing Page



**diffpdf**  
**Missing Page**



ترجمه

سوره نور، آیات ۳۰ تا ۳۱

به مردان با ایمان بگو دیدگان خود را [از نگاه حرام] فرو بندند و پاکدامنی

ورزند که این برای آنان [پاک کننده‌تر و] رشد آورتر است؛ زیرا خدا به آنچه

می‌کنند آگاه است. ۳۰

و به زنان با ایمان بگو دیدگان خود را [از نگاه حرام] فرو بندند و پاکدامنی

ورزند و زیورهای خود را آشکار ننمایند مگر آنچه [طبعاً] از آن پیداست و

باید روسری خود را بر گریبانشان [فرو] اندازند و زیورهایشان را جز برای

شوهرانشان یا پدرانشان یا پدران شوهرانشان یا پسرانشان یا پسران شوهرانشان

یا برادرانشان یا پسران برادرانشان یا پسران خواهرانشان یا زنان [هم‌کیش] خود

یا کنیزانشان یا خدمتکاران مرد تابع [خاتواده] که [از زن] بی‌نیازند یا کودکانی

که بر امور جنسی زنان آگاه نشده‌اند آشکار نکنند و پاهای خود را [به گونه‌ای

به زمین] نکوبند تا آنچه از زینتشان نهفته می‌دارند معلوم گردد. و ای مؤمنان،

همگی [از مرد و زن] به درگاه خدا توبه کنید امید که رستگار شوید. ۳۱

diffpdf  
Missing Page

## در سبب راهم زیبایی پوشیدگی

دنیای ما انسان‌ها، دنیای عجیبی است.

با «کلامی» نبوق حرکت در وجودمان جوانه می‌زند و با «لبخندی» روح امید از دست‌رفته به زندگی ما، دمیده می‌شود.

گاه با «سکوتی» معنای زندگی مان تغییر می‌یابد و با «فریادی» روش آن.

«کلام»، «لبخند»، «سکوت» و «فریاد»، جلوه‌هایی آشکار از رفتارهای انسانی است که بر مسیر

زندگی دیگران و چگونگی آن، اثرگذار است.

اما همیشه این گونه نیست؛ چه بسا بدون گفتار یا رفتاری، مسیر زندگی دیگران و چگونگی آن را تحت تأثیر قرار دهیم. آرامش و روان کسانی را برهم زنیم، قلوب پاک‌ی را متزلزل کنیم، به تعهد و عشق همسرانی خدشه وارد کنیم و کانون گرم خانواده‌هایی را متأثر سازیم و این همه در حالی باشد که از وقوع این امور بی‌خبر باشیم.

diffpdf  
Missing Page

شاید برسید : واقعاً چنین چیزی ممکن است؟ این چه کاری است که این عواقب را به دنبال دارد؟ پوشش مناسب از نشانه‌های «عفاف» است، به گونه‌ای که از نوع پوشش هر کس می‌توان میزان توجه وی به این ارزش را دریافت. با اینکه خداوند هم زنان و هم مردان را به پوشیدن لباس مناسب دعوت کرده است، اما نسبت به پوشش زنان به دلیل بهره‌مندی آنان از نعمت جمال و زیبایی توجه ویژه‌ای دارد. با توجه به اهمیت پوشیدگی در دین، در ادامه برخی سؤالات رایج در این خصوص را مطرح و به آن پاسخ می‌گوییم.

### ■ آیا در قرآن کریم درباره عفاف و پوشیدگی، دستور خاصی وجود دارد؟

خدای متعال در قرآن کریم، هم برای مردان و هم برای زنان، وظایف خاص و روشنی تعیین کرده است که عبارت‌اند از :

الف) وظیفه مردان است که چشم خود را کنترل کنند و از نگاه به زنان نامحرم خودداری کنند و دامان خود را از نگاه دارند.

ب) زنان نیز مانند مردان وظیفه دارند که از نگاه به نامحرم خودداری کنند و دامان خود را از نگاه حفظ نمایند.

ج) استفاده از زینت و زیورات نباید به گونه‌ای باشد که توجه نامحرمان را به خود جلب کند.  
 د) زنان باید پوشش خود را به گونه‌ای تنظیم کنند که علاوه بر موی سر، گریبان و گردن آنها را هم بپوشاند.<sup>۱</sup>  
 در شرح و تفسیر آیات قرآن کریم، پیشوایان ما، حدود پوشش را مشخص کرده‌اند و ما را به رعایت عفاف دعوت کرده‌اند.

مثلاً امام کاظم علیه السلام در جواب برادرش که پرسید : «دیدن چه مقدار از بدن زن نامحرم جایز است؟»

فرمود : «جهره و دست تا مچ».<sup>۲</sup>

یکی از باران امام صادق علیه السلام به نام فضیل بن یسار می‌گوید از ایشان پرسیدم : آیا ساعد زن از

قسمت‌هایی است که باید از نامحرم پوشیده شود؟

فرمود : «بلی، آنچه زیر روسری قرار می‌گیرد، نباید آشکار شود. همچنین از مچ به بالا باید پوشیده شود».<sup>۳</sup>

۱- سوره نور، آیات ۳۰ و ۳۱

۲- قرب الانسار، حمیری، ص ۱۰۲

۳- اصول کافی، کلینی، ج ۵، ص ۵۲۱؛ وسائل الشیعه، شیخ حر عاملی، ج ۳، ص ۲۵

diffpdf  
Missing Page



همچنین از قرآن کریم به دست می آوریم که : این گونه پوشش سبب می شود که زن به عفاف و باکی شناخته شود و افرادی بند و بار که اسیر هوی و هوس خود هستند، به خود اجازه تعرض به او را ندهند :

یا أَيُّهَا النَّبِيُّ

ای پیامبر،

قُلْ لِأَزْوَاجِكُمْ وَبَنَاتِكُمْ وَنِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ

به زنان و دخترانت و به زنان مؤمنان بگو

يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ

پوشش های خود را به خود نزدیک تر کنند

ذَلِكَ أَدْنَىٰ أَنْ يُعْرَفْنَ

این برای آنکه به [عفاف] شناخته شوند

فَلَا يُؤْذَيْنَ

و مورد آزار فرار نگیرند، بهتر است

وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا

و خداوند همواره آمرزنده و مهربان است.<sup>۱</sup>

#### ■ آیا اسلام شکل پوشش را معین کرده است؟

می دانیم که امت اسلامی از اقوام و ملل گوناگون و با آداب و رسوم مختلفی تشکیل شده است که هرکدام پوشش و لباس مخصوص خود را دارند. حتی ممکن است در کشوری، مثل کشور عزیزمان ایران، اقوام مختلفی زندگی کنند که هرکدام از آنها پوشش خاصی برای خود برگزیده باشند.

بنابراین، چگونگی و نوع پوشش، تا حدود زیادی تابع آداب و رسوم ملت ها و اقوام است. اسلام، ضمن پذیرش این تنوع و گوناگونی، مردان را موظف کرده است، لباسی بپوشند که وقار و احترام آنان حفظ شود و با ارزش های اخلاقی جامعه هماهنگ باشد. بنابراین، پوشیدن لباسی که آنان را نزد مردم انگشت نما کند یا وسیله جلب زنان نامحرم فرار گیرد، حرام است.

زنان نیز موظف اند که دو شرط زیر را رعایت کنند :

۱- تمام بدن خود را، به جز صورت و دست ها تا مع، از نامحرم بپوشانند.

۲- پوشش آنان نباید نازک، جسیان و تحریک کننده باشد.

این وظیفه الهی، مانند هر عمل دیگری، هرچه کامل تر و دقیق تر انجام شود، نزد خدا با ارزش تر و آثار و ثمرات فردی و اجتماعی آن افزون تر است و فرد را به رشد و کمال معنوی بالاتری می رساند. از

<sup>۱</sup> سوره احزاب، آیه ۵۹

diffpdf  
Missing Page

این رو، استفاده از «چادر» که دو شرط قبل را به طور کامل دارد و سبب حفظ هرچه بیشتر کرامت و منزلت زن می‌گردد و توجه مردان نامحرم را به حداقل می‌رساند، اولویت دارد.

■ آیا حجاب زنان، موجب سلب آزادی و کاهش حضور آنان در جامعه می‌شود؟  
اولاً خداوند دستور حجاب را برای زمان حضور زن در اجتماع و مواجهه وی با نامحرمان فرار داده است نه برای داخل خانه؛ زیرا حجاب جگونگی پوشش زن را هنگام حضور در اجتماع مشخص می‌کند. این حکم نه تنها سبب کاهش حضور زنان نمی‌شود، بلکه سبب می‌شود تا حضوری مطمئن و همراه با امنیت داشته باشند و از نگاه ناهلانی که در جامعه حضور دارند، ایمن باشند. تجربه کشور ما به خوبی نشان می‌دهد که قانون حجاب نه تنها سبب کاهش حضور زنان در دانشگاه‌ها و مراکز علمی و اجتماعی نشده بلکه حضور آنان چند برابر هم شده است.

دوم آنکه ادعای خانه‌نشینی کردن زنان و سلب آزادی آنان با نگاه قرآن و سیره پیشوایان دین ناسازگار است. قرآن کریم عفت حضرت مریم علیها السلام را در معبدی که همگان، چه زن و چه مرد، به پرستش می‌آیند، می‌ستاید؛ عفت دختران حضرت شعیب علیهم السلام را در حال چوپایی و آب‌دادن به گوسفندان در جمع مردان، مثال می‌زند. تاریخ نیز خبر از حضور زنان مسلمان در زمان پیامبر صلی الله علیه و آله، در پشت جبهه‌های جنگ برای پرستاری و کمک به مجروحان می‌دهد.

پس قانون حجاب، قانونی برای سلب آزادی زنان در جامعه نیست؛ بلکه کمک می‌کند تا جامعه به جای آنکه ارزش زن را در ظاهر و قیافه وی خلاصه کند، به شخصیت، استعدادها و کرامت ذاتی وی توجه کند. این امر موجب می‌شود سلامت اخلاقی جامعه بالا رود؛ حریم و حرمت زنان حفظ شود و آرامش روانی وی افزایش یابد.

### ■ آیا حجاب اختصاص به ما مسلمانان دارد؟

ادیان الهی، که در اصل و حقیقت، یک دین هستند، همواره بر پوشش تأکید کرده‌اند و آن را لازمه دین‌داری شمرده‌اند. مطابق با آیین یهود، زنان هنگام حضور در اجتماعات، موی سر خود را می‌پوشانند و به حجاب بایند بودند.<sup>۱</sup> در آیین مسیحیت نیز پوشش اهمیت زیادی داشته است و زنان معتقد به حضرت مسیح صلی الله علیه و آله می‌گوشند مانند حضرت مریم علیها السلام موی خود را بپوشانند و با حجاب وارد جامعه شوند. نقاشان مسیحی، به خصوص نقاشان قدیم‌تر، تصویر

۱- تاریخ تمدن، ویل دورانت، ج ۴، بخش اول، فصل نوزدهم، ص ۲۶۱

diffpdf  
Missing Page



حضرت مریم علیها السلام را با پوشش و حجاب کامل می‌کشیدند. همچنین از گذشته تا زمان حاضر، زنان راهبه و فدیسی یکی از کامل‌ترین حجاب‌ها را انتخاب کرده‌اند. این امر نشان می‌دهد که از نظر آنان، داشتن حجاب، به دین‌داری نزدیک‌تر و در پیشگاه خدا پسندیده‌تر است.

در دوران اخیر بایبندی به تعالیم دینی کمتر شده و آن بخش از دستورات و سنت‌های حضرت موسی علیه السلام و حضرت عیسی علیه السلام هم که باقی مانده، مورد غفلت قرار

گرفته است و به آنها عمل نمی‌شود. بنابراین، بی‌حجابی زنان غرب نه تنها جایگاهی در اندیشه مسیحیت حقیقی ندارد؛ بلکه بازگشتی به سنت‌های مشرکانه قبل از حضرت مسیح علیه السلام محسوب می‌شود.

زنان ایرانی قبل از اسلام که عموماً پیرو آیین زرتشت بودند، با پوشش کامل در محل‌های عمومی رفت و آمد می‌کردند. پوشش و حجاب زنان در ایران باستان چنان برجسته بود که حتی برخی از مورخان غربی بر این باورند که می‌توان ایران باستان را منشأ اصلی گسترش حجاب دانست.<sup>۱</sup> در ادیان دیگر و عموم فرهنگ‌ها، پوشش زنان به صورت یک اصل پسندیده مطرح بوده و کمتر قوم و ملتی است که زنان آن پوشش مناسبی نداشته باشند. تفاوت‌ها مربوط به چگونگی و حدود آن بوده است.



زنان زرتشتی



راهبه‌های مسیحی

<sup>۱</sup> تاریخ تمدن، ویل دورانت، ج ۴، بخش اول، فصل هفتم، ص ۱۷۰

diffpdf  
Missing Page

### ■ چه لذتی دارد ...

چه لذتی دارد وقتی در خیابان و کوچه راه می‌روی و صد قافله دل‌آلوده همراه تو نیست.

چه لذتی دارد وقتی در ناپودی تعهد و عشق بین همسران سهیم نباشی و گرمای خانه‌ها را سرد نکنی.

چه لذتی دارد وقتی از سر پاکی و غیرت و مردانگی، بانوان و دختران سرزمینت را ناموس خود بدانی و سرمایه پاکی و نجابتشان را قربانی هوس‌های خود نکنی.

چه لذتی دارد که مردانگی را، نه فقط در پرورش اندام و قوت بازو، بلکه در توان خویشتن‌داری در مقابل وسوسه‌های شیطانی معنا کنی.

چه لذتی دارد که بدانی دنیا راهی است به سوی خدا و در این راه نباید با نگاهت، با حرفت و با نوع پوششت، سنگ راهی باشی و دلی را از حرکت در این مسیر بازداری.

چه لذتی دارد که فقط زندگی کوتاه دنیا را نبینی و نگاهی هم به زندگی بی‌پایان آخرت داشته باشی.

چه لذتی دارد وقتی در آلوده شدن چشم و قلب دیگران نقش نداشته باشی و بخشی از گناهان آنان را پای نامه اعمال خود نویسی.

چه لذتی دارد وقتی هدف خلقت خویش را فراموش نکنی و عمر گران‌بهای خود را پای میز آرایش و دوختن و پوشیدن و نمایش دادن و به چشم‌ها نشستن، به پایان نرسانی.

چه لذتی دارد وقتی رضایت خدا را به رضایت انسان‌های هوس‌ران ترجیح می‌دهی.

چه لذتی دارد وقتی طعمهٔ قلاب شیطان برای دام انداختن دیگران نیستی.

چه لذتی دارد عقیف بودن!



در مورد مسئله حجاب با چه منابعی آشنایی دارید؟

### اندیشه و تحقیق

۱- برای حضور سالم در جامعه، چه پیشنهادهایی برای مردان و زنان دارید؟

۲- با اینکه پوشش بدن و حتی موی سر در دین حضرت مسیح علیه السلام یک امر پسندیده است،

برخی جوامع مسیحی نسبت به این موضوع بی‌توجه‌اند. به نظر شما، علت آن چیست؟

diffpdf  
Missing Page

پیشنهاد

وضع جامعه اطراف خود را بررسی کنید و ببینید :

- ۱- رفتار پسران و مردان در جامعه چگونه باید باشد تا سلامت اخلاقی جامعه حفظ شود؟
- ۲- حفظ حرمت دختران و زنان تا چه میزان به وضع پوشش آنان بستگی دارد؟
- ۳- با دوستان خود مشورت کنید و ببینید که رعایت پوشش اسلامی توسط زن در هر یک از موارد زیر چه ثمراتی دارد.

۱- برای زن : .....

.....

.....

۲- برای مرد : .....

.....

.....

۳- برای خانواده : .....

.....

.....

۴- برای جامعه : .....

.....

.....

معرفی کتاب

نام کتاب	نویسنده	انتشارات	مخاطب
نظام حقوق زن در اسلام	مرتضی مطهری	صدرا	دانش آموز / معلم
پوشش های امروز جوانان	جمعی از نویسندگان	مدرسه	دانش آموز
دختران آفتاب	امیرحسین یانکی پور	سروش	دانش آموز



diffpdf  
Missing Page